



پوهنتون سلام

پوهنځی شریعت و قانون

پروگرام ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معیشت امور علمی

قانون رسانه های همه گانی افغانستان در میزان شریعت اسلامی

رساله ماستری

محصله: رامیا " اخلاص زاده "

استاد رهنما: دکتور محمد یونس " ابراهیمی "

سال: 1398-1440 هـ ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری فقه و قانون



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

قانون رسانه های همه گانی افغانستان در میزان شریعت اسلامی

رساله ماستری

محصله: رامیا " اخلاص زاده "

استاد رهنما: دوکتور محمد یونس " ابراهیمی "

سال: 1398- 1440 هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

دپارټمنت فقه و قانون

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترمه رامیا بنت محمد اخلاص ID: SH-MSF-97-384 محصل دور ششم فقه و قانون که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: قانون رساله های همه گانی افغانستان در میزان شریعت اسلامی به روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱۶ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۵ (نمره به عدد) حشاد و پنج (نمره به حرف) گردید، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم :

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	پوهاند عبدالواحد جهید	عضو هیات	
۲	استاد وزیر محمد سعیدی	عضو هیات	
۳	دکتور محمد یونس ابراهیمی	استاد رهنما و رئیس جلسه	

معاون علمی



امر بورد ماستری

اهداء

این پایان نامه را به مهربان ترین همراهان زندگی ام، پدر مرحوم و بزرگوارم انجینیر محمد اخلاص (کاکر). مادر مهربان و عزیزم و برادر عزیز و گرانقدرم تقدیم می نمایم که حضورشان همیشه گرما بخش روح من بوده و برای رساندن من تا این مرحله، زحمات زیادی را متحمل شده اند. هیچ واژه ای را برای پاس داری زحمات شان نمیابم جز اینکه این رساله را برای شان اهداء نموده و از ایزد متعال برای همه ایشان سعادت دارین را خواهانم. با همین دعائیه خود را تسلی میدهم: **جزاهم الله خیرا**

سپاس گذاری

الحمدلله! سپاس خدای بزرگ را که مرا یاری رساند تا بتوانم این مقطع تحصیلی را به پایان رسانده و گامی در راستای اعتلای علم بردارم.

سپاس مندم از پدر مرحوم و بزرگوارم انجینیر محمد اخلاص (کاکر) که اولین حروف از علم و دانش را از او آموختم. ممنون و سپاس از مادر مهربانم که در تربیت جسمی و روحی من از هیچ چیزی دریغ نمودند. و سپاسمندم از برادر گران مهرم که در عرصه ی تحصیلی یاری ام کردند تا مقطع ماستری به وجه احسن تحصیل ام را ادامه بدهم.

و سپاس ویژه از وزارت تحصیلات عالی و از تمامی اساتید مهربانم که افتخار دانش آموزی و دانشجویی در محضر شان را داشته ام. بخصوص از زحمات فراوان و تلاش های شبانه روزی تمامی استادان گرامی ام در پوهنتون سلام، هیأت رهبری و کادر علمی و مخلص این نهاد بزرگ تحصیلی در تربیت نسل رشید اسلامی، و همچنان سپاس از رئیس صاحب این پوهنتون، محترم دوکتور استاد مصباح الله "عبدالباقی" که در فراهم سازی شرایط تحصیل برای جوانان بخصوص، طبقه اناث از حمایت ها، راهنمایی ها و روحیه بخشی ایشان در مسیر تحصیلی خویش سپاسمندم؛ جا دارد که از اداره ی ماستری و رئیس صاحب محترم، دوکتور محمد لیبب "بلخی" نیز سپاسگزاری نمایم که در این زمینه کمک و همکاری های زیادی نموده اند تا مقطع ماستری را به بهترین شرایط اش به اتمام برسانیم.

از کادر های علمی وزارت تحصیلات عالی و در رأس از دولت جمهوری اسلامی کشور عزیزم افغانستان که برای شگوفایی هرچه بیشتر علم و دانش و تخصص زمینه ی تحصیلات عالی و تخصصی را برای ما فراهم نموده اند، تشکری می نمایم.

همچنان بر خود واجب میدانم که از استاد فرزانه، جناب دکتور استاد محمد پونس "ابراهیمی" که به عنوان استاد رهنمایم در مراحل مختلف این پایان نامه همواره با سعه صدر و گشاده رویی در کنار من بودند و در طول مدت تحصیل از راهنمایی های اخلاقی و علمی ایشان بهره جسته ام، تشکر و قدردانی نمایم.

در اخیر سپاس فراوان از تمامی دوستانی که مرا در راستای علم، از ابتدای قدم تحصیلی ام تشویق و ترغیب نموده اند. سپاس از تمامی آنهایی که بنده را حمایت مالی و معنوی نموده و برای رسیدن به اهداف ام مساعدت نموده اند. تمام آن دلخوشی های خود را در حد و اثره ی سپاسگزاری میتوانم بیان کرد. هر آن کلماتی را که از آنان آموخته و اندوخته و تا این مرحله مسیر را طی کرده ام، از الله متعال سعادت دارین و کامیابی دنیا و آخرت را خواهان ام.

جزاکم الله خیر الجزاء

با احترام

رامیا اخلاص زاده

خلاصه بحث

این رساله تحت عنوان (قانون رسانه های همگانی افغانستان در میزان شریعت اسلامی) که به منظور نیل به درجه ماستری نوشته شده است؛ شامل خلاصه، مقدمه، چهار فصل، خاتمه، نتایج، و یافته ها، نتیجه گیری، پیشنهادات، و لیست منابع و ماخذ می باشد.

از جاییکه مقایسه میان منابع اصیل و مراجع اولی دو قوانین الهی و قوانین وضعی بشری متضمن دستیابی به قضاوت درست و واقعی بوده و لذا عوض اسناد فرعی و درجه های پائین، اسناد معتمد علمی برای مقایسه برگزیده شده و با استفاده از روش استقرایی استنباطی به تحقیق و تتبع کتب و مراجع اصیل و معتمد شریعت اسلامی (قرآن کریم، احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم)، آرای فقهای جید و دانشمندان شریعت اسلامی، حقوق و قانون پرداخته شده است.

رساله دارای چهار فصل است؛ فصل اول حاوی معلومات در مورد معرفی قانون رسانه ها و مشروعیت آن از دیدگاه اسلام بوده؛ که به دو مبحث تقسیم شده:

در مبحث اول به مفهوم کلمه رسانه، تعریف رسانه، مشروعیت استفاده رسانه ها، خصایص رسانه ها، اثرات مثبت و منفی رسانه ها پرداخته شده است.

در مبحث دوم به موضوعاتی از قبیل معرفی قانون رسانه همه گانی افغانستان و به ساختار، اهداف، ویژه گی ها و اصطلاحات پرداخته شده است.

فصل دوم در مورد موارد فکری و فلسفی قانون رسانه ها در روشنی فقه اسلامی که به دو مبحث تقسیم شده است:

مبحث اول آزادی فکر و بیان که شامل تعریف آزادی بیان، اهمیت* اصول، حدود و ضوابط آزادی بیان، آزادی بیان در قانون اساسی افغانستان، بازتاب آزادی بیان در قانون رسانه ها می باشد.

مبحث دوم حق فردی در قانون رسانه های همه گانی افغانستان که به موضوعات از قبیل مطالبه معلومات، حق دسترسی به اطلاعات، اطلاعات قابل دسترس به اطلاعات، ادارات ارایه کننده آن، شیوه دسترسی به اطلاعات، نظارت از آن و انتقال ملکیت پرداخته شده است.

فصل سوم رسانه ها در روشنی فقه اسلامی که شامل دو مبحث می باشد:

مبحث اول تاسیس رسانه های چاپی و برقی، حق تاسیس و جواز فعالیت می باشد.

مبحث دوم حق تهیه فلم به اتباع خارجی شامل موضوعات آتی می باشد تعریف تمثیل، اهداف، اضرار و حکم آن از دیدگاه اسلامی پرداخته شده است.

فصل چهارم امور اداری در قانون رسانه ها از منظر فقه اسلامی است که به دو مبحث تقسیم شده است:

مبحث اول اداره در لغت، عناصر اداره، مشروعیت اداره از دیدگاه اسلام پرداخته شده است.
مبحث دوم شامل تمام امور اداری قانون رسانه های همه گانی افغانستان از منظر قانون اساسی،
قانون مطبوعات و شریعت اسلامی پرداخته شده است.

حاصل تحقیق در چند نکته:

1: رسانه ها یگانه مرجع حاکم بالای اذهان مردم و جامعه است، بنابراین بخاطریکه جامعه افغانستان یک جامعه سنتی و اسلامی است قانون برای آن وضع شده است که در چهار چوب شریعت اسلامی باشد، تا که هیچ یک رسانه دولتی و رسانه خصوصی از این قانون سر پیچی نکند.

2: قانون رسانه های همه گانی افغانستان مهم ترین و اساسی ترین مرجع آزادی بیان است، آزادی بیان از طریق رسانه ها بیشتر مورد توجه و مودر نشر میباشد، تقریباً همه مواد قانون رسانه های همه گانی حرف از آزادی بیان میزنند.

3: قانون رسانه های همه گانی افغانستان بطوری وضع شده است که تمامی ابعاد جامعه را مد نظر گرفته است، چی از لحاظ حقوقی باشد چی از لحاظ معنوی .

4: نشر و پخش در رسانه ها باعث تنویر افکار و زوایای تاریک جوامع بشری شده، به امنیت روانی و فزیک، اختلاف نظر، ابتکار، عمل پیشرفت، انکشاف و آموزش می انجامد.

5: رسانه ها در امنیت و سلامتی اخلاقی افراد جامعه به ویژه اطفال و نوجوانان مهم ترین جایگاه را دارا میباشد، رعایت حدود عادلانه و پیروی از قانون الهی و قانون وضعی (قانون رسانه ها) که باعث متضرر شدن شخص و یا اشخاص نشود.

1.....	مقدمه
3.....	اسباب اختیار موضوع
4.....	اهمیت موضوع
5.....	اهداف تحقیق
5.....	هدف اصلی
5.....	اهداف فرعی
5.....	سوالات تحقیق:
5.....	سوال اصلی تحقیق:
5.....	سوالات فرعی تحقیق:
6.....	پیشینه تحقیق:
8.....	روش تحقیق
8.....	مشکلات تحقیق
1.....	خطه و پلان تحقیق:
	فصل اول
	معرفی قانون رسانه ها
3.....	مبحث اول: تعریف و مشروعیت استفاده از رسانه ها
3.....	مطلب اول: مفهوم کلمه رسانه
4.....	مطلب دوم: تعریف رسانه ها
5.....	مطلب سوم: مشروعیت استفاده از رسانه ها
9.....	مطلب چهارم: خصایص رسانه های اسلامی
11.....	مطلب پنجم: اثرات مثبت و منفی
12.....	مبحث دوم: قانون رسانه ها
12.....	مطلب اول: معرفی قانون رسانه های همه گانی افغانستان
12.....	ساختار:
13.....	اهداف:
13.....	ویژه گیها:
13.....	مطلب دوم: اصطلاحات

فصل دوم

مواد فکری و فلسفی قانون رسانه ها در روشنی فقه اسلامی

- 16.....مبحث اول: آزادی فکر و بیان
- 16.....مطلب اول:تعریف آزادی بیان
- 17.....مطلب دوم: اهمیت آزادی بیان
- 18.....مطلب سوم اصول آزادی بیان
- 19.....مطلب چهارم:حدود وضوابط بیان در شریعت اسلامی
- 20.....الف:کسب رضای الهی و خدمت به مصالح عامه مسلمانان
- 21.....ب:ممنوعیت توهین به مقدسات
- 22.....ج: حفظ حرمت بشری و عدم توهین به شخصیت و هویت دیگران

- 23.....مطلب پنجم: آزادی بیان در قانون اساسی افغانستان
- 25.....مطلب ششم:بازتاب آزادی بیان در قانون رسانه ها
- 30.....مبحث دوم: حق فردی در قانون رسانه های همه گانی افغانستان
- 30.....مطلب اول:مطالبه معلومات در قانون رسانه های همه گانی افغانستان
- 32.....مطلب دوم: حق دسترسی به اطلاعات
- 33.....مطلب سوم:اطلاعات قابل دسترسی و اشتتات آن
- 35.....مطلب چهارم:ادارات ارایه کننده اطلاعات
- 35.....مطلب پنجم:شیوه های دسترسی به اطلاعات
- 35.....مطلب ششم:نظارت از حق دسترسی به اطلاعات
- 39.....مطلب هفتم: انتقال ملکیت رسانه ها

فصل سوم

رسانه ها در روشنی فقه اسلامی

- 46.....مبحث اول:تاسیس رسانه ها
- 47.....مطلب اول: تاسیس رسانه چاپی
- 51.....مطلب دوم:تاسیس رسانه های برقی
- 59.....مطلب سوم: حق تاسیس
- 60.....مطلب چهارم: جواز فعالیت
- 60.....مبحث دوم: حق تهیه فلم به اتباع خارجی

62.....	مطلب اول: تعریف تمثیل.....
64.....	مطلب دوم: اهداف و فوائد تمثیل.....
65.....	مطلب سوم: اضرار تمثیل.....
67.....	مطلب چهارم: حکم تمثیل.....
72.....	مطلب پنجم: حکم تمثیل محرمات و ضوابط آن.....
76.....	مطلب ششم: ضوابط تمثیل محرمات.....
76.....	مطلب هفتم: حکم تمثیل مقدسات، انبیاء، صحابه.....
77.....	مطلب هشتم: حکم تمثیل مغیبات و انبیاء.....
84.....	مطلب نهم: حکم تمثیل زن.....
	فصل چهارم
	امور اداری در قانون رسانه ها از نظر فقه اسلامی
89.....	مبحث اول: اداره قانون رسانه ها.....
89.....	مطلب اول: اداره در لغت.....
90.....	مطلب دوم: عناصر و هدف مهم اداره و منجمنت.....
90.....	الف: عناصر مهم اداره:.....
90.....	مطلب سوم: مشروعیت اداره از دیدگاه اسلام:.....
93.....	مبحث دوم: اداره قانون رسانه ها.....
93.....	مطلب اول ماده.....
95.....	مطلب دوم: ماده 8: عدم نشر جواب:.....
96.....	مطلب سوم: ماده 9: تشکیل صنفی.....
102.....	مطلب چهارم: ماده 20: رعایت اصول.....
105.....	مطلب پنجم: ماده 24: حق ادعا.....
106.....	مطلب ششم: ماده 25: مکلفیت مدیران مسول رسانه ها برقی:.....
112.....	مطلب هفتم: ماده 31: داشتن اساس نامه:.....
115.....	مطلب هشتم: ماده 33: ارایه معلومات به خاطر ثبت رسانه ها و موسسات فرهنگی:.....
119.....	مطلب نهم: ماده 40: رعایت حقوق انتقاد کننده و انتقاد شونده.....
122.....	مطلب دهم: ماده 42: کمیسیون رسانه ها ی همه گانی.....
131.....	مطلب یازدهم: ماده 53: وضع قوانین.....
132.....	مطلب دوازدهم: مالیات قانون رسانه های همه گانی افغانستان.....
138.....	نتایج بحث.....

140 مناقشه
141 نتیجه گیری
143 پیشنهادات
145 متن آیات قرآن کریم
148 فهرست متن احادیث
150 فهرست اعلام
152 فهرست منابع و مأخذ
Summary of discussion160

مقدمه

إن الحمد لله، نحمده و نستعينه و نستغفره و نتوكل عليه و نعوذ بالله من شرور انفسنا و من سيئات عاملنا، من يهد الله فلا مضل له من يضلله فلا هادي له. اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله.

اما بعد: فقد قال الله تعالى في القرآن العظيم: {الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ۖ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ۘ ۸} ¹

سپاس و ستایش بیکران، خداوند توانا را سزاوار است که ما انسان ها را زیبا خلق و به ما موهبت زندگی و شایستگی خلافت در روزی زمین را ازانی داشت، و مهر همزیستی و مهربانی با دیگران را بر لوح دل و جان حک نمود، و انسان را در زمره آفرید هایش موجودی خلق کرد که زندگی اش با اجتماع در پیوند محکم شکست ناپذیر باشد.

چون زندگی انسان اجتماعی است جهت ادامه حیات خود به موجودیت یک سلسله اصول و مقررات ضرورت دارد؛ مقررات و قوانین بشر را در ادوار مختلف توسط کتب و صحیفه ها و تبلیغ پیامبران رهنمایی نموده است.

الله متعال دین اسلام را توسط تمام پیامبران خود به تمام جهانیان به شکل تدریجی رساند، و دین اسلام دینی است تنها متعلق به عبادات نیست، بلکه تمام جوانب زندگانی بشر را مورد بررسی قرار داده است، هیچ بعد زندگی بشر نیست در آن اسلام دخیل نباشد، تمام این همه را الله متعال در قرآن جمع آوری نموده است، که هیچ چیز نیست در آن موجود نباشد، چی زندگی فردی و چی زندگی اجتماعی باشد، برای این همه الله متعال قاعده و قانون را تنظیم نموده است که مکافات و مجازات را در پی دارد تا هیچ یک از اعمال شخصی دیگر متضرر نشود و هیچ یک نتواند که حق شخصی دیگر را تلف کند.

انسان از خود دارای یک سلسله حقوق طبیعی چون حق ذاتی و مالی، حق حیات، حق آزادی، حق عقاید و حق رای را بحیث اشرف مخلوقات دارا بوده و باید این حقوق همواره احترام شود؛ بر علاوه این حقوق الله متعال برای خود انسان آزادی نسبی را نیز عطا نموده است توسط آن میتواند که برای امرار حیات به رفاه و آرامی زندگی کنند، الله متعال امور مباح نیز مقرر نموده است که انسان را اختیار داده تا بتواند آنرا برای مصالح بشر استفاده کند.

قانون الهی کامل و شامل است برای انسانان نیز وضع قوانین مباح دانسته است، میتوانند برای مصالح عامه از قوانین که میتوان عامه زندگی مرفع را داشته باشند و بر گرفته شده از قوانین و احکام الهی باشد، و برای جلوگیری از هرج و مرج ها، کشمکش ها و حق تلفی باشد میتواند وضع کند، که این حق الله متعال بعد از خود و رسولش به حاکم گذاشته است که الله تعالی فرموده است: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ} ²

ترجمه: { ای کسانی که ایمان آورده آید، از الله و پیغمبر و از صاحبان امرتان اطاعت کنید... }

۱- {السجدة، آیه 6 - 7}.

2- {النساء، آیه 59}.

هر حاکم میتوانند که قوانین برای مصالح وضع کند، مگر آن قانون زیر چتر اسلام و احکام شرعی باشد ایراد ندارد که ایجاد فضا صلح آرامی و رفاه عامه باشد.

همه این قوانین برای تنظیم امور اجتماعی یک جامعه وضع شده است تا مطابق آن عمل صورت گیرد تا از بی ثباتی ها و بی حرمتی ها جلوگیری شود، یکی از انواع آن قوانین قانون رسانه ها است که یگانه قانون مهم برای یک جامعه، قانون رسانه ها می باشد، چون قانون رسانه های همه گانی، توسط این قوانین تماماً آن موارد که در آن نشر میشود زیر نظارت احکام قانون و احکام اسلامی میباشد.

در ضمن رساله (قانون رسانه همه گانی افغانستان در میزان شریعت اسلامی) یکی از صدها مجال زندگی انسان را مورد بحث و بررسی قرار داده، در حقیقت مطالعه، مقارنه، مقایسه آن به شریعت و قانون اساسی افغانستان و اقوال فقها اسلام در پرتو فرامین بزرگ الهی میباشد.

اسباب اختیار موضوع

اختیار موضوع تحقیق ناشی از عوامل و اسباب در درونی محقق میباشد. البته انتخاب موضوع (قانون رسانه های همه گانی افغانستان در میزان شریعت اسلامی) برای من انگیزه و عواملی داشته است که در چند سطر ذیل توضیحات ارایه می نمایم:

نظر به اینکه رسانه ها مهم ترین وسیله برای اصلاح و افساد یک جامعه است میتوان گفت که رسانه ها یگانه مرجع انتقال افکار مثبت و منفی برای اشخاص میباشد، چون در عصری امروزی همه دسترسی به انواع رسانه ها دارند، امروز در بین مردم عام شده است چگونه برای رسیدن به اهداف نیک و بد خود برسند، چگونه از یک شخص استفاده سوء شود، چگونه عقیده های شخصی خود از طریقه های گوناگون رفع نمایند و حرمت شخص را صدمه بزنند، چگونه در رسانه ها و صفحات اجتماعی بر شخصیت های که دارای صفات منفی و بر چسپ های بی اساس و برعکس شهرت دادن اشخاص کم ظرفیت و بی کفایت بوده که عواقب ناگوار آن همه را متضرر ساخته است؟

امروز عوام رسانه ها را منحیث یک وسیله عقیده گشایی استفاده میکنند، توسط آن استفاده از نام آزادی بیان در یک جامعه باعث ایجاد درز ها بین مردم، اقوام، ملت، دین، مذاهب، افکار... مردم میشوند در چنین شرایط مردم از رسانه ها استفاده درست نمی نمایند، فقط برای پیدا نمودن نکات ضعف مردم و استفاده سوء کردن از آن میباشد.

در ضمن از نشر و پخش رسانه عوام تقلید میکنند، چون انسان فطرتاً چنین هستند که مقلد یگدیگر اند و از یک دیگر یاد میگیرند، امروز این رسانه برای مردم یاد میدهد و مردم هم از آنها یاد میگیرند و مردم هم از نشر و پخش آنها حمایت کرده و از تمام آنها تقلید کور کورانه میکنند از آنها متابعت می نمایند، ولی مردم نمیدانند که از چه و از کی پیروی میکنند.

رسانه جایگاه خاص بین عوام دارند، هم میتواند باعث افساد جامعه شود و هم میتواند باعث اصلاح آن لیکن برای عوام چیز های را به مشاهده برسانند که آنها بتواند برداشت نیک نمایند، خوب و بد نباید برای آنها خلط نماید چون در هر دو صورت باعث تباهی جامعه میشود.

لذا لازم دانستم که تا در مورد قانون رسانه های همه گانی افغانستان بحث داشته باشم، تا بتوانم در استفاده رسانه ها کمکمکاری نمایم، چون رسانه قوی ترین مرجع برای دعوت و نشر و پخش دین اسلام است، نه برای ترویج فحشا، نه هتک حرمت مردمی، نه برای هم پاشی اقوام و ملت های غیور ما و صدمه رساندن برای از بین بردن دین اسلام و ترویج فرهنگ های بیگانه نیست.

اهمیت موضوع

در جهان امروز وسایل ارتباط جمعی، روزنامه، رادیو، تلویزیون و سینما با انتقال اطلاعات و معلومات جدید و مبادله افکار و عقاید عمومی، در راه پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری نقش بزرگی دارند به طوری که بسیاری از دانشمندان عصر کنونی را «عصر ارتباطات» نامیده اند.

از مهمترین ابزارهای امروزی دانایی، رسانه ها هستند. رسانه، هر نوع واسطه یا مجاری انتقال پیام است که از طریق فرستنده اعمال می شود. همچنین رسانه گاهی کانال نیز نامیده می شود. رسانه حامل یا واسطه پیام است، زندگی در دنیای امروز بدون رسانه قابل تصور نیست؛ لذا نمیتوان نقش رسانه های جمعی و خصوصاً رادیو، تلویزیون و اینترنت را در زندگی امروزی نادیده گرفت؛ بلکه باید به دنبال فرهنگ سازی مثبت بود.

رسانه ها، به ویژه رادیو و تلویزیون، تغییرات مهمی را در سیاست، تعلیم و تربیت، بازاریابی، اخبار، فرهنگ توده، زندگی اجتماعی و خانوادگی ایجاد کرده است. امروزه استفاده از انواع رسانه چون رادیو، تلویزیون، کمپیوتر، تلفن همراه و ... جزء انکار ناپذیری از فعالیت های روزانه افراد است و به عنوان منبعی از اخبار باور کردنی، اطلاعات و تعلیمات مهم، آگاهی های دقیق اجتماعی، و برخی سرگرمی های لذت بخش پذیرفته شده است.

رسانه ها عمدتاً در جوامع وظایف آتی الذکر را انجام می دهند:

الف) وظایف خبری و آموزشی

ب) وظایف راهنمایی و رهبری

ج) وظایف تفریحی و تبلیغی

د) وظایف سازمان یافته سیاسی

از آنجایی که رسانه ها نقش بالقوه معنا داری در شکل گیری ادراک و افکار افراد و آحاد جامعه بازی می نمایند، توجه به آن و سیاستگذاری در فرآیند توسعه و اتخاذ استراتژی های مناسب، از اهمیت اساسی برخوردار است.

رسانه ها، عامل و سازمان هایی هستند که ارتباطات، ایده ها و اطلاعات و تصاویر دنیای ما را می سازند. رسانه ها تاروپود نمادین زندگی اجتماعی ما را تشکیل می دهند. در دنیای امروزی، جایگاه رسانه تنویر افکار عمومی و ایجاد فضاهای مناسب برای گفتگو و برخورد سالم و سازنده نظرات و چندین نقش اساسی دیگر می باشد.

رسانه ها، حکم آینه را ندارند؛ بلکه نقش نورافکن و نقش بالقوه معناداری در شکل گیری ادراک و افکار بازی می کنند. رسانه ها، تکثیر کنندگان شخصیت متحرک و قالب ذهنی متناسب با آن می باشند.

خلاصه اینکه ما اعتماد خود را در اختیار رسانه به عنوان یک قدرت قرار داده ایم که اخبار، سرگرمی و آموزش را در اختیار ما قرار می دهند.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

1. بررسی قانون رسانه های همه گانی افغانستان در میزان شریعت اسلامی .

اهداف فرعی

1. دریافت میزان توافق و تباین قانون رسانه های همه گانی افغانستان در میزان شریعت اسلامی.
2. مبارزه برای پیاده سازی فرهنگ از راه رسانه (شامل اندیشه، بحث، بیان، نشر و اعلام) غرض ایفای مسئولیت دینی و وجیه ملی در راستای تامین سلامتی روانی و فزیک جامعه.
3. دریافت مطابقت و مخالفت عملکرد رسانه های جمعی به قانون رسانه ها و شریعت اسلامی.
4. مقارنه قانون رسانه های همه گانی افغانستان با قانون وضعی (قانون اساسی) کشور و شریعت اسلامی.

سوالات تحقیق:

سوال اصلی تحقیق:

1. آیا قانون رسانه های همه گانی افغانستان با شریعت اسلامی تا چی حد مطابقت دارد؟

سوالات فرعی تحقیق:

- 1: آیا عملکرد رسانه های جمعی با قانون رسانه ها مطابقت دارد؟
- 3: آیا عملکرد رسانه های جمعی مطابقت به قانون وضعی شریعت اسلامی دارد؟
- 4: آیا در رسانه ها معنی دقیق آزادی فکر و بیان رعایت میشود؟

پیشینه تحقیق:

نظریه پیشینه های در مورد رسانه ها تحقیق صورت گرفته است این منابع به شکل ضمنی بحث شده در مورد رسانه نه به شکل مستقل؛ مثلاً: ژورنالیزم اسلامی، حقوق رسانه ها... و نظر به دلایل و اهمیت موضوع ام میخوام که موضوع تحقیق ام به طور مستقل و مجدد بحث نمایم: نظریه این که در منابع مذکور بعضی آن در مورد حقوق رسانه ها و بعضی آن در مورد ژورنالیست و ژورنالیزم بحث شده ولی به طور مستقل و جدا گانه در مورد قانون رسانه همه گانی افغانستان بحث نشده که آنرا در میزان شریعت اسلامی بحث نماید. چون در عصر معاصر در اجتماع یگانه ابزار که حاکم است رسانه است که تمام افراد از آن موارد مختلف را میآموزند پس باید در مورد قانون که برای آنها وضع شده بررسی شود تا چپ حد مورد تایید جامعه اسلامی و سنتی افغانستان است. و همچنان تحقیق های مرتبط در رابطه به این موضوع وجود دارد که قرار ذیل بیان گردیده شده است:

1. فانوس، میر عزیز احمد. (1391). آزادی رسانه ها در نظر و عمل، کابل: انتشارات عازم.
2. کمیل نظام، نظام بهرامی. (1391). نظریه رسانه ها و جامعه شناسی ارتباطات، تهران: انتشارات کویر.
3. مجاهد، جنرال محمد عظیم. (1388). ژورنالیزم و سیاست، کابل: انتشارات سعید.
4. وفا، هدایت. (1388). نقش مطبوعات در تشکیل افکار عامه، کابل: انتشارات سیرت.
5. انصاری، باقر، (1398) حقوق رسانه ، تهران :انتشارات سمت
6. رحمانی، محمد قاسم،(1398)، حقوق رسانه های همه گانی، کابل: انتشارات حامد سالت.
7. انصاری، باقر(1389) حقوق ارتباط جمعی، تهران: انتشارات سمت.
8. متضوی، سعید،(1386) جرایم مطبوعاتی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین المللی.
9. مصطفوی، سیده مژگان،(1389) مبانی حقوق رسانه ها، کابل: مرکز هم بسته گی رسانه ها.
10. معتمد نژاد، کاظم (1386) حقوق ارتباطات، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها .
11. معتمد نژاد، کاظم (1388) حقوق مطبوعات، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
12. معتمد نژاد، کاظم،(1386)، حقوق حرفه ای خبرنگاران، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
13. اسمعیلی، محسن (1385) حقوق تبلیغات بارزگانی در ایران و جهان، تهران دانشگاه تهران.
14. محمدی، قاسم، (1390)، جرم مطبوعاتی، تهران: انتشارات سمت.

15. نبیل، پوهنمل محمد داوود. (1391). بررسی سواد رسانه در افغانستان. کاپیسا پوهنتون البیرونی: مطبعه انکشاف شهر کابل .
16. هور، استوارت. (1951). دین در عصر رسانه، بهابادی، علی عابری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
17. مطلق، علی نوری. (۱۳۸۳). نقش رسانه در تبیین دفاع و هجوم فرهنگی (چاپ اول). قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
18. هربرت، میشل. (1392). جامعه شناسی ارتباطات، علی رضای دهقان (مترجم) تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
19. کمیل نظام، نظام بهرامی. (1391). نظریه رسانه ها و جامعه شناسی ارتباطات، تهران: انتشارات کویر .
20. فانوس، میر عزیز احمد. (1391). آزادی رسانه ها در نظر و عمل، کابل: انتشارات عازم.
21. داعی، عبدالظاهر، (1395) نقش ژورنالیزم در اسلام، کابل: انتشارات سعید.
- در عرصه رسانه های تحقیقات زیاد صورت گرفته است نظر به منابع ذیل تعداد منابع در مورد رسانه و ژورنالیزم اندک خواهد بود، بعضی از حقوق رسانه دفاع نموده اند، بعضی در مورد قانون جزایی مطبوعات خلاصه کلام اینکه از هر جوانب رسانه ها ، مطبوعات و ژورنالیزم مورد بحث قرار گرفته است و اثر در مورد آن نگاشته شده است، ولی در مورد عنوان رساله که تحت عنوان قانون رسانه در میزان شریعت اسلامی بحث صورت نگرفته است که در پی نوشته های معتبر در مورد رسانه ها خواستم رساله تحقیقاتی ذیل را تحت عنوان قانون رسانه ها همه گانی در میزان شریعت اسلامی در رشته تحریر در آورم.

روش تحقیق

روش تحقیق یعنی شیوه جستجو و جمع آوری معلومات و جستجوی کتابها، مصاحبه، استقرایی و استنباطی میباشد. در مطالعه توصیفی نوع جمع آوری آمار، ارقام و اطلاعات در باره جامعه مورد نظر است مطالعاتی که با فرضیه آغاز شده و پس از طی مراحل تحقیق تیوری می‌رسند مطالعات تحلیلی هستند.

در تحقیق حاضر از روش کتابخانه استفاده شده است و سعی بعمل آمده تا از کتب دانشمندان معتبر در قسمت نوشتاری مطالب استفاده صورت گیرد.

روش کار در این بحث، استنباطی استقرایی بوده؛ طوریکه نخست به جستجو قانون رسانه بعداً آنرا در پرتو شریعت اسلامی از مراجع اصلی «قرآن و سنت نبوی (صلی الله علیه وسلم)» بیان گریده است سپس ماده های که تحت یک عنوان می‌آیند، تحت همان عنوان جاگزین گریده است بعداً آنرا ماده وار با تحلیل و شرح آن پرداخته و جنبه های اسلامی آنرا بیان نموده، در فصل دوم نیز جستجو به جمع آوری تمام ماده های قانون رسانه های همه گانی افغانستان به سراغ قوانین وضعی کشور، در رأس آن قانون اساسی و همچنان برخی از اعلامیه جهانی حقوق بشر در رابطه با رسانه ها را شرح داده و تحلیلی قانون رسانه ها پرداخته و هر ماده رسانه ها را شرح و بعداً جوانب شرعی را مورد بحث قرار داده و نهایت تلاش نموده ام تا در این بحث منابع اصلی شرعی «قرآن عظیم الشان و سنت نبوی (صلی الله علیه وسلم) استدلال نمایم، البته از تفاسیر و شرح آن هر یک از تفسیر نور که تصنیف مصطفی خرم دل، تفسیر معارف القرآن، اثر مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی (رحمة الله) میباشد و تفسیر قرطبی که اثر ابو عبدالله محمد بن احمد انصار قرطبی، فی ظلال القرآن اثر سید قطب، تفسیر ابن کثیر اثر، تفسیر جلالین نقل کرده ام.

مشکلات تحقیق

برای رسیدن به یک هدف انسان مشکلات زیادی را متحمل میشود، ولی مشکلات زمانی خوش آیند میباشد که ثمر خوبی بدست بیاورم؛ بلی در راستای تحقیق رساله مشکلات زیادی را متحمل شدم که قرار ذیل بیان می نمایم:

- 1- تازه گی موضوع؛ قانون رسانه های همه گانی افغانستان در میزان شریعت و اسلام یک موضوع تازه و جدید است، در این زمینه کارهای تحقیقی به صورت منسجم انجام داده نشده است.
- 2- نبود ویا کمبود منابع؛ خصوصاً منابع دست اول یکی از محدودیت برای تکمیل این تحقیق بود.

3- فقدان الگوی مناسب؛ به دلیل اینکه یک الگوی خوب که واقعاً در این زمینه تحقیق کرده بود در کتابخانه پوهنتون و دیگر کتابخانه های شهر وجود نداشت که از محدودیت های اساسی در این راستا به شمار میرفت.

4- کمی وقت؛ هرگاه یک محقق بخواهد که واقعاً یک تحقیق علمی انجام بدهد به وقت زیاد ضرورت دارد، فرصت کم که برای محصلین داده میشود خیلی دشوار است برای یک تحقیق علمی، این وقت محدود کافی نیست، از یک جهت تحدید ویروس کرونا و قرنطینهء که باعث آسیب پذیری تمام نهادها شد، و از جهت دیگر تحدیدات مراکز تعلیمی باعث شد که وقت تقلیل یابد.

5- وضع قانون نو؛ وزارت محترم تحصیلات عالی که در سه ماه آخر سال 1399 وضع گردید، باعث این شد که من رساله را در مدت دو ماه تکمیل کرده به اداره پوهنتون سلام تسلیم کنم؛ در غیر آن از کسب تحصیلی خویش محروم میشدم.

خطه و پلان تحقیق:

فصل اول معرفی قانون رسانه ها

مبحث اول: تعریف و مشروعیت استفاده از رسانه ها

مطلب اول: تعریف رسانه ها

مطلب دوم: مشروعیت استفاده از رسانه ها

مطلب سوم: خصایص رسانه ها اسلامی

چهارم: اثرات مثبت و منفی رسانه ها

مبحث دوم: معرفی قانون رسانه های همه گانی افغانستان

مطلب اول: اصطلاحات

مطلب دوم: معرفی قانون رسانه ها همه گانی افغانستان

فصل دوم: مواد فکری و فلسفی قانون رسانه ها در روشنی فقه اسلامی

مبحث اول: آزادی بیان در قانون رسانه های همه گانی افغانستان

مطلب اول: تعریف آزادی بیان

مطلب دوم: تعریف و توضیح اهمیت و اصول آزادی بیان

مطلب سوم: حدود و ضوابط بیان در شریعت اسلامی

مطلب چهارم: حق آزادی بیان در قانون اساسی در افغانستان

مطلب پنجم: بازتاب بیان با قانون رسانه های همه گانی افغانستان

مبحث دوم: حق فردی در قانون رسانه های همه گانی افغانستان

مطلب اول: مطالبه معلومات در قانون رسانه های همه گانی افغانستان

مطلب دوم: مفهوم و اهمیت حق دسترسی به اطلاعات

مطلب سوم: تخلف در مطالبه معلومات (تجسس)

مطلب چهارم: انتقال ملکیت

فصل سوم: رسانه ها در روشنی فقه اسلامی

مبحث اول: تاسیس رسانه ها

مطلب اول: اتباع کشور کی ها اند؟

مطلب دوم: حکم فعالیت اقلیت ها در اسلام

مطلب سوم: رعایت موازین دیپلوماتیک

مبحث دوم: حق تهیه فلم به اتباع خارجی

مطلب اول: تعریف تمثیل

مطلب دوم: اهداف و انواع تمثیل

مطلب سوم: احکام تمثیل در فقه اسلامی

مطلب چهارم: جواز و عدم جواز حق تهیه فلم به اتباع خارجی

فصل چهارم امور اداری در قانون رسانه ها از نظر فقه اسلامی

مبحث اول: اداره قانون رسانه ها

مطلب اول: تعریف اداره ها

مطلب دوم: اهداف و عناصر اداره

مطلب سوم: مشروعیت اداره از دیدگاه اسلام

مطلب چهارم: مالیات قانون رسانه های همه گانی افغانستان

مطلب پنجم: حکم شرعی اخذ مالیات

نتیجه گیری.

فصل اول

معرفی قانون رسانه ها

قانون رسانه های همه گانی افغانستان یک سند تقنینی است، که قبلا چنین چیزی وجود نداشت رسانه ها بدون نظام و قانون فعالیت میکردند بناء برای نظام مند ساختن رسانه، قانون رسانه ها را به ریاست جلالت ماب سرور دانش طی چند مرحله تدوین در سال ۱۳۸۸ ترتیب و تنظیم شد.

مبحث اول: تعریف و مشروعیت استفاده از رسانه ها

مطلب اول: مفهوم کلمه رسانه

الف: علی اکبر دهخدا^۱ یکی از دانشمندان لغت گفته است: رسانه در لغت عبارت از وسیله رساندن رسانه های گروهی، وسایل ارتباط جمعی مانند: رادیو و تلویزیون و مطبوعات.^۲

ب: هر وسیله ای که مطلب که یا خبری را به اطلاع مردم برساند مانند: رادیو، تلویزیون، روزنامه.

حسن عمید زاده،^۳ صاحب فرهنگ عمید گفته است: واژه رسانه در زبان دری فارسی نسبتا جدید محسوب میشود.^۴

ج: این واژه گاهی به معنی مفرد و گاهی به معنی جمع به کار میرود، معادل واژه ی انگلیسی Medium (رسانه) و نیز Media (رسانه ها) است.

مستقل از تاریخچه رسانه این واژه معمولا آنچه به عنوان رسانه در گفتگو ها در مقالات و نوشته های ما مورد استفاده قرار میگیرد به رسانه های ارتباطی (Communication Media) اشاره دارد.^۵

1- علی اکبر لغت نامه دهخدا، در سال 1297 هـ ق = 1259 هـ ش در شهر تهران متولد گردید و در همانجا در سال 1334 هـ ش به عمر 77 سالگی وفات یافت. مهم ترین آثارش: لغت نامه دهخدا، امثال حکم، ترجمه و عظمت انحطاط روم و غیره می باشد. تقی زاده، سید حسن

<https://rasekhoon.net/article/show/1256815/%D8%B9%D9%84%DB%8C> (1393)

2- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، 1383 هـ ش، ج 2 ص 465، ماده رسانه.

3- حسن عمید زاده: در سال 1289 هـ ش در مشهد متولد گردیده است و در سال 1358 هـ ش در گذشت، فرهنگ عمید که اثر مشهور او می باشد، یکی از پرکار ترین فرهنگ های معاصر فارسی شمرده می شود، او تحصیلات خود را در مشهد آغاز کرد و در عمر 69 سالگی وفات یافت. <http://parsianjoman.org/?p=1179>

4- حسن عمید زاده، فرهنگ فارسی عمید، تهران، ناشر: موسسه امیر کبیر، چاپ: 38، ص: 517

5- حسنا کاظمی، رسانه شناسی (جدید)، ناشر: ساکو، 2011م، ص 21.

مطلب دوم: تعریف رسانه ها

با توجه به این که واژه ی رسانه به شکل وسیعی در نوشته ها و گفتگو های روز مره به کار میرود، ابتداء چند تعریف از رسانه را باهم مرور کنیم تا در ادامه ی بحث ، درک مشترکی از این مفهوم داشته باشیم:

دانشمندان رسانه را تعریف متعدد نموده اند که از آن جمله باذکرچند تعریف آن بسنده میمانیم:

الف: دن لافی¹: در کتاب نظریه رسانه ها چنین نوشته است:

برای تعریف رسانه میشود به فهرستی شامل تلویزیون، فیلم، رادیو، روزنامه و اینترنت فکر کرد. اما چنین فهرستی ویژگی مشترک عنوان های خود را به سادگی آشکار نمیکند.

شاید راه حل این باشد که رسانه را به صورت تکنولوژی های که پیام ها را به مخاطبانی در نقاط مختلف منطقه، کشور و حتی جهان منتقل می کنند تعریف کند.

اما این تنها تعریف رسانه نیست و نویسندگان و متفکران مختلف، تعریف های بسیار متنوعی را ارایه داده اند به عنوان مثال:

1: رسانه صنعتی است که محصولات و خدمات اطلاعات و سر گرمی را تولید کرده و میفروشند.

2: هر ابزار، روش و وسیله ای که برای ارتباط به کار برود، رسانه است.

3: رسانه یعنی هر نوع ابزار ارتباط انبوه مانند: تلویزیون، رادیو، مجله ها و روزنامه ها.²

ب: رسانه عبارت از وسیله ارتباط است، که پیام را از فرستنده به گیرنده انتقال میدهد، چی به نوع سمعی باشد، بصری باشد، یا آهنگ به نوع نوشتاری باشد. به عبارت دیگر عبارت از رساندن پیام یا اطلاعات به اشخاص به وسیله مانند: رادیو، تلویزیون، روز نامه و دیگر وسیله های ارتباطی.

تنوع این تعریف ها خیال راحت میکند که تعریف و توصیفی از رسانه ها مورد اتفاق نظر همه گان باشد وجود ندارد و شما میتوانید بسته به نیاز و نگاه خود، مفهوم متفاوتی از رسانه را در ذهن تان تصور کنید.

اما فراموش نباید کرد که حد اقل سه مولفه در تعریف رسانه وجود دارد که همه کمابیش به آن توجه کردن:

1- دن لافی در او تلی متولد شد و در ایلکی، یورک شایر غربی پرورش یافت. او اکنون در حومه گیزلی در لیزر زندگی میکند و اوقات خود را بین انگلیس و تایلند، جایی که خانواده همسر وی زندگی میکنند، وی در دانشگاه لیزر بکت سخنرانی میکند و در آنجا دوره ای تحت عنوان " جوان، جنایت و فرهنگ" را تدریس میکند. وی دارای مدرک لیسانس انگلیسی در دانشگاه مترولتین منچستر، کارشناس ارشد مطالعات ارتباطات از دانشگاه لیزر و دکترای جامعه شناسی از دانشگاه سالفورد است. <https://www.iranketab.ir/profile/20564-dan-laughey>

2- دن لافی، موضوعات کلیدی در نظریه رسانه ها، مترجم: یونس نور بخش، ایران، ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی، سال چاپ: 1396 هـ. ش، ص 6.

1: اطلاعات (پیام)

2: مخاطب (برای شکل گیری ارتباط)

3: وسیله ارتباطی (رادیو، تلویزیون، روزنامه)

نظر به محتوای و رساندن مفهوم و در نظر گرفتن تمام جوانب که اطلاعات چگونه از یک شخص یا اشخاص مخاطب انتقال میکند تعریف سوم جامع است.¹

مطلب سوم: مشروعیت استفاده از رسانه ها

هرآنچه ابتدا و انتها دارد و هیچ چیز بدون ابتدا نیست همچنان رسانه هم باید مبدا داشته باشد که چگونه آغاز شد و چگونه به مرور زمان رشد کرد؟

قبل از اینکه در مورد مشروعیت استفاده آن بپردازیم باید ابتدا بدانیم که آیا رسانه قبلا هم مورد استفاده بود و اگر بود به چی شکل؟

تاریخچه رسانه ها: مسجد یکی از دستاورد های گرانبهای دین اسلام به شمار میاید. واقعه هجرت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) به مدینه، به معنای ایجاد مرکزیت و پایگاهی حکومتی برای اسلام بود، تا مسلمانان گرد محور پیامبر تجمع کنند و بنیان های اولیه جامعه اسلامی را بنیاد نهند لذا پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) تصمیم گرفت در گام نخست با ساختن مسجد قباء و سپس مسجد النبوی، این وحدت را تحکیم بخشد و مکان هایی را برای برپایی نماز و عبادات مسلمانان تاسیس کند. مساجد به مراکزی برای اعلام برنامه های رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) تبدیل شد تا علاوه بر اجتماع عبادی روزانه، در روز معینی از هفته، مسلمانان گرد هم آیند و در خدمت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در خصوص مصالح اسلام و مسلمانان به شور و مشورت بپردازند. به تدریج مسجدالنبی به پایگاه ارتباطی اسلام، برای آموزش افراد، داوری و قضاوت میان مسلمانان و بررسی و ابلاغ سیاست های حکومت اسلامی تبدیل شد.

نخستین مسجد، بنایی بسیار ساده بود که از یک چهار دیواری با سنگ های معمولی ساخته شد و بعدها به دلیل شرایط جوی، سقفی با حصیروبرگ های درخت خرما به آن اضافه کردن و تنه در نخلی را به عنوان نگهدارنده سقف در وسط اتاق قرار دادند. حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) به هنگام ارشاد مسلمانان پس از اقامه نماز به این ستون تکیه میدادند و به ایراد سخن می پرداختند. بعدها نخستین منبر را که از جنس چوب و دارای دو پله و یک نشستگاه بود و امکان رؤیت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را برای همگان فراهم میساخت، به مسجد آوردند و از آن پس، پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) بر فراز آن به ایراد خطبه و اعلام موضوعات مهم می پرداختند و این سنت ایراد سخن با مردم بروی منابر مساجد تا به امروز رواج دارد.²

1- همان اثر، ص:7.

1- صفی الرحمن مبارکفوری، سیرت رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - (ترجمه کتاب الریحق المختوم)، مترجم: عبدالله خاموش هروی، ناشر: شیخ الاسلام احمد جام، چاپ دوم، ص 236.

مسجد ومنبر در اسلام، از جایگاه بسیار بلند برخوردار است، این جایگاه همواره از دو منظر مورد توجه بوده است :

1: از رهگذر تعبدی

2: از رهگذر اطلاع رسانی

از همین خاطرنخستین کاری که پیامبر(صلی الله علیه وسلم) بعد از قدم به مدینه منوره انجام میدهد تاسیس و اعمار مسجد قباء و به دنبال آن مسجد نبوی است. توجه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در این زمینه به حدی جدی بوده است که هرکس که از قبایل و مناطق دور دست به مدینه میآمدند و مسلمان میشد، پیامبر(صلی الله علیه وسلم) برایش سفارش میکرد که باید به قبیله اش برگردد و در آنجا مسجد بسازد؛ زیرا محل عبادت، مرکز فرمان دهی و اطلاع رسانی محسوب میشد. چنان که مسجد پیامبر(صلی الله علیه وسلم) در مدینه یگانه مرکز ارتباطات جامعه اسلامی تا نیمه دوم قرن هفتم بود جامعه کوچک مسلمانان در مسجد گردهم می آمدند و علاوه بر نمازهای روزانه، به دریافت و انتقال اخبار و مشارکت در تصمیم گیری های سیاسی نیز می پرداختند. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) هرگاه لازم می دانست برای کل جامعه مسلمانان در مسجد سخنرانی میکرد؛ و در بحث های پرشور و هیجانی که قبل از تصمیم گیری نهایی در می گرفت شرکت میکرد.¹ بنابر این بی جهت نبوده است که خداوند متعال اعمار مساجد را نشانه ایمان به خدا و روز آخرت میداند و فرموده است: **{إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا لِلَّهِ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ}**.²

ترجمه: تنها کسی مساجد خدا را آباد می سازد که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد، امید است اینان از راه یافتگان باشند.

مشروعیت رسانه ها: دو دیدگاه در رابطه به مشروعیت رسانه ها:

1- دیدگاه قرآن : **{ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ}**.³ ترجمه: باحکمت و اندرز نیکو براه پروردگارت دعوت کن.

و مراد از حکمت: هی وضع الشیء المناسب والزمان و الشخص مناسب ویا الحکمة هی توجعیه الدعوة بالاسلوب المناسب والوسيلة المناسبة.⁴

به این معنی : که حکمت رساندن دعوت است به اسلوب مناسب و یا وسیله مناسب.

1- صفی الرحمن مبارکفوری، سیرت رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - (ترجمه کتاب الریحق المختوم)، مترجم: عبدالله خاموش هروی، ناشر: شیخ الاسلام احمد جام، چاپ دوم، ص 239.

2- {التوبة، آیه 18}.

3- {النحل، آیه 125}.

4- بن حمید صلح بن عبدالله، مفهوم الحکمة فی الدعوة، ناشر: وزارة الشؤون الإسلامية و الاوقاف اولدعوة و الارشاد، سال طبع، 1422، ص: 5.

دکتور مصطفی خرم دل¹ این آیه را چنین تفسیر نموده است: از همین جاست که بر هر دعوتگر لازم است که تا از جای خود بلند شود و دعوت خود را با وسایل جدید در حالیکه مردم انتظار وسایل جدید را دارند دعوت خویش را برایشان برساند.²

1: دیدگاه علمای معاصر:

الف: شیخ ابن عثیمین(پرسشهای زیاد در مودر ماهواره ها مطرح شده است، تردیدی نیست که دولت های کافر از هیچ کوششی برای آسیب رسانیدن به عقیده، عبادات، اخلاق، آداب و امنیت مسلمین دریغ نمیکنند. وقتی چنین است بعید نیست که آنها میخواهد از طریق این دستگاه ها به اهداف خود دست یابند، گرچه ممکن است در لابلای برنامه های فاسد خویش برنامه های مفید را قرار بدهند تا اینگونه بتوانند مردم را فریب دهند چون مردم به اقتضای فطرت آنچه را که زیان محض است نمی پذیرد؛ اما مومن هوشیار است و خداوند به او آموخته است که چگونه بین خوب و بد مفید و مضر مقایسه کند. مومن از قوت و شجاعت برخوردار است که میتواند خود را منجلاب این مفاصد و مضرات نجات دهد).

(اگر این آنتن ها به گونه باشد که قبلا در سوال ذکر شده است، نگهداری آن، تبلیغات برای آن خرید و فروش آن جایز نیست، چون این کار، تعاون و همکاری در رستای گناه تجاوز از دستورات شریعت میباشد که از آن نهی شده است)، چنان که الله تعالی فرموده است: **{وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ}**.³

ترجمه: و در راستای گناه و تجاوز بایکدیگر همکاری نه کنید»

آیا نگاه کردن ماهواره جواز دارد؟

(نگاه کردن به ماهواره زمانیکه باعث ایجاد فساد در دین و اخلاق نشود فرق نمیکند و شایسته است انسان مسلمان از کانال ها بهره ببرد که بدین و اخلاق وی منفعت برساند والله اعلم. الحمدلله امروز کانال های اسلامی بسیار راه اندازی شده است، که محتوای آن کانال ها عبارت است از قرآن و احادیث نبوی، ولذا بهتر است خانواده ها اگر از ماهواره استفاده میکنند، چنین کانال هایی جایگزین شبکه های مروج فساد نمایند).⁴

1- مصطفی خرم دل موصوف قرآن شناس(مفسر و مترجم قرآن کریم در زبان فارسی) صاحب نظر و سخت کوش معاصر بود، دکتور مصطفی خرم دل، در سال 1315 هـ ش متولد گردیده است، از علمای اهل سنت و یکی از استادان کردستان است، در سال (1346) از دانشگاه تهران در رشته زبان ادبیات عربی، مدرک کارشناسی(لیسانس) گرفته، و در سال 1358 هـ ش به دریافت درجه دکتری در رشته فرهنگ عربی و علوم قرآنی از دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران نایل آمده. دانشنامه راسخون - بخش مشاهیر.

2- مصطفی خرم دل، تفسیر نور، ایران، انتشارات امید بهاران، چاپ دوم، 1388 هـ ش، ج 2 ص 342.

3- المائدة، آیه 2

4- محمد بن صالح العثیمین، مجموع فتاوی و رسائل، جمع و ترتیب: فهد بن ناصر بن ابراهیم السلیمان، الناشر: دارالوطن، 27 جلد، ص 123، فتاوی 3157.

قسمیکه امام ترمذی¹ در سنن خود روایت کرده است: عن عبدالله بن عبدالرحمن، اخبرنا الاسود بن عامر، اخبرنا ابوبکر بن عباس، عن الاعمش، عن سعید بن عبدالله بن جریح، عن ابی برزۃ الاسلمی قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم): «لا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَ عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَنْ عِلْمِهِ فِيمَا فَعَلَ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ جِسْمِهِ فِيمَ أَبْلَاهُ»².

در قیامت هیچ فردی نمی تواند قدم بردارد، تابه این سوالات پاسخ دهد

1: عمرش را در چی را هی گذرانیده است؟

2: از علم و دانش خود چگونه استفاده نموده است؟

3: مالش را از چی راهی بدست آورده است و در چی راهی خرچ کرده است؟

4: نیرو و توانایی جسمی اش را به چی راهی استفاده کرده است؟

وجه استدلال حدیث چنین است که انسان از همه اعمال که در این دنیا انجام میدهد در روز واسپین پرسیده میشود، نباء انسان چنان اعمال را انجام بدهد که پاسخگوی خوبی باشد و تمام عمر خود را صرف عبادت و دعوت بسوی الله نماید، از هیچ چیزی نباید استفاده نادرست شود همان قسم از رسانه هم باید برای دعوت و نشر دین الله متعال استفاده بعمل بیاید.

ب: داکتر یوسف قرضاوی³: (سینما و تلویزیون مانند سایر پخش و نشر فلمها از ابزار و آلات تبلیغ میباشد و حکم آن مانند سایر آلات و اسباب است).

هر وسیله یی میتواند در راهی خیر و به طریق درست به کار افتد و هم میتواند از آن راه های شر استفاده کرد.

1- ترمذی: 210 – 297 هـ.ق 829 – 825 نامش محمد بن عیسی بن سوره بن موسی، سلمی، بوغی، ترمذی، کنیه اش ابو عیسی و از امامان علما و حفاظ حدیث می باشد، اصلش از اهل ترمذ (برنهر جیحون) بود. او نزد امام بخاری شاگردی کرده و در بعضی از شیوخ با او شریک بوده است. به خراسان، عراق، حجاز مسافرت داشته و در اخیر عمر بینایی خویش را از دست داد و در ترمذ وفات یافت. در حفظ زبانزد همه و نمونه بود. از مصنفات مشهورش در حدیث الجامع الکبیر (صحیح الترمذی)، الثمائل النبویة، التاریخ والعلل در حدیث میباشد. خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الزرکلی دمشقی (المتوفی: 1396 هـ)، الاعلام الزرکلی، الناشر: دار العلم للملایین، الطبعة: الخامسة عشرة - أيار / مايو 2002 ملّ ج 6 ص 32.

2- ابی عیسی محمد بن عیسی بن سوره الترمذی، سنن الترمذی، بیروت، الناشر: دارالکتب العلمیه 2011م، رقم الحدیث 2317. این حدیث صحیح است. عبد العظیم بن عبد القوی، المنذری، أبو محمد. الترغیب والترهیب من الحدیث الشریف، تحقیق: ابراهیم شمس الدین، الناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت، الطبعة الأولى، 1417 هـ، رقم الحدیث 210.

3- دکتر یوسف عبدالله قرضاوی در سال (1926) در یکی از روستا های حومه محله الکبری استان غربی مصر، در خانواده ای متدین به دنیا آمد. دوسال پیش نداشت که پدرش از دنیا رفت، در سن به منظور حفظ قران کریم به مکتب خانه اش فرستادند، و در سن 10 سالگی حافظ تمام قران شد. بعد ادامه تحصیل کرده بلاخره در سال (۱۹۶۰) از مقاطع دوکتورا فارغ شد. تالیفات زیاد دارد در عرصه موضوعات اسلامی که از جمله: حلال و حرام، دیدگاه فقهی معاصر.

<http://jtjask.blogfa.com/category/44/%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%81%DB%8C-%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%AA>

وسيله ها به ذات خود نه خوب اند و نه بد و اگر از آنها استفاده خیر صورت گیرد خوب است و اگر در مورد شر استفاده شود حرام است و باید شرایط ذیل در نظر گرفته شود:

1: از امور حرام نباشد، مخالف عقاید و شعایر دینی و اسلامی نباشد.

2: باعث ترک و تزیع نماز کار های دینی نگردد.

3: باعث اختلاف و تحریک غرایز جنسی نشود.¹

مطلب چهارم: خصایص رسانه های اسلامی

رسانه های اسلامی دارای خصوصیات قرار ذیل است:

1: **صحت:** از مهم ترین ویژگی های یک رسانه اسلامی، صحت در پیام و اطلاعات و اطلاع رسانی است. کسیکه برای تان اطلاع را میرساند باید او شخص عادل، ثقه و قابل اعتماد باشد در غیر آن اگر شخص که قابل اعتماد و ثقه نباشد باشد در مورد آن خبر و ارسی نماید، مبادا آن از روی نادانی گروهی را آسیب برساند قسمیکه الله متعال در سوره حجرات فرموده است: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ}**.²

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر شخص فاسق خبری را برایتان آورد درباره آن تحقیق کنید تا (مبادا) به نادانی به گروهی زیان رسانید پس بر آنچه مرتکب شده آید پشیمان شوید.³

قسمیکه در آیت مبارکه ذکر شده است، که همیشه چیزی را می شنویم باید آنرا ابتدا بررسی کرده و ثقه بودن آنرا دریافت کرده بعدا آنرا انجام و یا آنرا عمل کنیم

2: **علیتم و عقلانیت:** رسانه های اسلامی موظف است تا پیام و اطلاعاتی را که نشر میدهد، در چارچوب موازین عقلی و علمی باشد. بر این اساس باید پیام های ظنی که مفید نیست، خوداری شود الله متعال فرموده است: **{وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا أَن الظَّنُّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا أَن اللّٰهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ}**.⁴

ترجمه: و بیشترشان (مشرکان) جز از گمان پیروی نمی کنند، حال آنکه گمان، انسان را از حق بی نیاز نمی کند. البته الله به آنچه می کنند آگاه است.⁵

یعنی رسانه ها باید برای مردم چیز های را به نشر برسانند که آنها باعث رشد افکار شان و درک شان شود نه چیز های مبالغه یی را نه برنامه های مبتذل را که باعث فساد و دور از اخلاق شان شود.

1- یوسف قرضاوی، الحلال والحرام در اسلام، مترجم: ابویکر حسین زاده، کابل، ناشر: خیبر پلورنچی، سال طبع: 1423 هجری قمری، ص 156.

2- {الحجرات، آیه 6}.

3- محمد گل گمشاد زهی، ترجمه معانی قرآن کریم، صفحه آرایی و ترتیب: گروه علمی فرهنگی موحدین، المكتبة الشاملة الفارسیة اهل السنة، ج 3 ص 30.

4- {یونس، آیه 36}.

5- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 1 ص 423.

3: سادگی و شفافیت: رسانه باید دارای عملکرد شفاف و روشن باشد؛ زیرا قرآن خودش رسانه الهی است که پیامی روشن و مبین دارد و پیامبران از بهترین شیوه برای تبیین استفاده کرده اند.

4: دعوت به سوی الله: از مهمترین ویژگی های یک رسانه اسلامی دعوت به حق و دعوت به توحید اسلامی و خدا پرستی یگانه است؛ خداوند تعالی فرموده است: **{وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ}**¹

ترجمه: و گفتار چه کسی بهتر از گفتار کسی است که به سوی خدا فرا می خواند و کارهای شایسته میکند و میگوید: من از زمره ی مسلمانان هستم؟²

رسانه ها قویترین وسیله برای دعوت بسوی الله است که میتوان توسط رسانه ها یک داعی و یا داعیه موفق باشیم، قوی ترین وسیله را داشته باشیم قوتیرین عمل را میتوان انجام داد.

5: صداقت: این مطلب از آیات بسیاری به دست میاید؛ زیرا اسلام براساس راستی و راستگویی است جزو اولین های فضایل اخلاقی به شمار میرود. اگر رسانه ها صداقت نداشته باشد قابل اعتماد نیست.

6: امانت: یک رسانه باید امین و امانتدار خوبی باشد. خداوند فرموده است: خدا به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می دهد. خدا شنوای بیناست. قسمیکه الله تعالی فرموده است: **{أَنْ اللَّهُ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ أَنْ اللَّهُ نِعَمًا يَعْظُمُ بِهِ أَنْ اللَّهُ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا}**³

ترجمه: همانا خداوند شما را فرمان میدهد تا امانت ها را به صاحبانشان برسانید و هنگامی که میان مردم داوری میکنید دادگرانه داوری کنید، همانا خداوند شما را به بهترین اندرز پند می دهد، همانا خداوند شنوا و بینا است.⁴

یعنی الله متعال امر به امانت داری می نمائید، کسی که چیز برای رساندن یک اطلاع و یا یک چیز دیگر استفاده میکند باید امین خوبی باشد، چی دعوت باشد یا رسانده ایم اطلاع از یک شخص به شخص دیگری باید صداقت و امانت داری داشته باشد چونکه او یک ذمه میباشد بالای آن

تنویر اذهان عمومی: از آیات قرآن به دست می آید که تنویر افکار عمومی و تبیین حقایق، یک اصل اساسی است و حتی بعثت پیامبران برای این امر بوده است: **{لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ أَنْ اللَّهُ قَوِيٌّ عَزِيزٌ}**⁵ **ترجمه:** ما پیامبرانمان را با دلیل های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو، را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند و آهن را که در آن نیرویی

1- {الفصلت، آیه 33}.

2- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 2 ص 458.

3- {النساء، آیه 58}.

4- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 1 ص 172.

5- {الحديد، آیه 25}.

سخت و منفعی برای مردم است فرو فرستادیم، تا خدا بداند چه کسی به نادیده، او و پیامبرانش را یاری می کند زیرا خدا توانا و پیروزمند است.¹

یعنی رسانه ها باید برای رشد افکار مردم در عرصه های مثبت زندگی مردم باشد، باید افکار مردم را در عرصه دین، زندگی نامه های مردم قبلا از عصر کنونی، روابط آنان با اجتماع و فرهنگ های بی اساس مردم را به نمایش بگذارد، تا که مردم از آن فرهنگ های بی اساس جلو گیر نمایند، نشر برنامه ها، نشر حقایق... را برای مردم به تشریبسپارد تا افکار مردم رشد نمایند نه اینکه آنها مصروف برنامه های بسازند که نه تنها افکار را مبتدل بسازد بلکه آنرا مصاب به مرض بی توجهی، مرض روانی و مرض بی دینی مبتلا نمایند.

7: تشویق به همدلی و همزبانی و اتحاد و وحدت و جلوگیری از اختلاف.

8: ترغیب به همکاری، نیکی و تقوا.

9: اهتمام به مصالح عمومی.

10: مراعات حریم خصوصی و حقوق شهروندی.

11: مقابله با نابهنجاری ها و منکرات و ردایل اخلاقی و ده ها مورد دیگر که در آیات و روایات به آن اشاره شده و ما در اینجا فهرست وار به آنها اشاره کردیم.

مطلب پنجم: اثرات مثبت و منفی

در عرصه های فرهنگی نیز وسایلی ارتباط جمعی میتواند نقش و کارکرد های موثری داشته باشد. از مسوولیت فرهنگ سازی گرفته تا ترویج، تقویت و نهادینه سازی آموزه ها، باور و رفتار های خاص و مطلوب در جامعه مخصوصا رادیو تلویزیون و سینما در میان وسایلی ارتباط جمعی، ظرفیت توان فوق العاده ای در تولید و مصرف الگوهای فرهنگی دارد و آنها را به راحتی از طریق تولید و نشر برنامه های خاص میتوان در حرکت های فرهنگی جامعه جهت دهی نماید. چگونگی و رفتار متقابل شهروندان و طرز حرکات و حرف زدن شیوه مصرف و زندگی کردن، خود باوری های فردی اجتماعی، تقویت بومی در جامعه و از سوی دیگر نیز بجای این که از این ابزار برای بهتر کردن فرهنگ عمومی خود استفاده کنند، بدلیلی عدم تخصص و آشنا نبودن به اهمیت رسانه ها با تولید برنامه های بی محتوا سمت سوی را دنبال میکنند که بیشترین ضربه را به فرهنگ عمومی وارد میکنند. فرهنگ همچون تملق ریا، خرافه پرستی است.²

¹ - ترجمه معانی قرآن کریم، ج 3 ص 80.

² - ناصر باهنر، رسانه ها و دین (از رسانه های سنتی تا تلویزیون)، ایران، ناشر: کتابخانه ملی ایران، سال چاپ: 1386 هـ.ش، ص: 24.

مبحث دوم: قانون رسانه ها

مطلب اول: معرفی قانون رسانه های همه گانی افغانستان

طرح قانون رسانه های همه گانی به تاسی از حکم ماده سی و چهارم قانون اساسی افغانستان؛ به منظور تنظیم امور مربوط به فعالیت رسانه های همه گانی وضع گردیده است. این طرح در جلسه مورخ 25 / 9 / 1397 کمیته قوانین جمهوری اسلامی افغانستان به ریاست جلالت مآب استاد سرور دانش مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بعد از ملاحظات اصلاحی مورد تأیید قرار گرفت. قابل ذکر است که موضوع یاد شده تحت عناوین مختلف و در تاریخ های مختلف در حدود پنج بار مورد بررسی قرار گرفته و با نام های مختلف مورد تأیید و تصویب قرار گرفته است. اینک این طرح، باتوجه به اشکالات و کاستی های موجود در قانون رسانه های همه گانی منتشره جریده رسمی شماره (986) سال 1388 آماده طی مراحل گردیده است.¹

ساختار:

قانون رسانه های همه گانی در (11) فصل و (55) ماده ترتیب گردیده است که در فصل اول احکام عمومی شامل مباحثی؛ چون مبنی، اهداف و اصطلاحات است. فصل دوم با عنوان حقوق و مکلفیت ها، به بیان مطالبی؛ مثل آزادی فکر و بیان، مطالبه اطلاعات، آزادی نشراتی، رعایت توازن و نگهداری مطالب، حق عدم افشای منابع اطلاعاتی، حمایت و مصونیت کاری ژورنالیستان، حقوق و امتیازات ژورنالیستان، نشر مطالب ممنوع و مکلفیت رسانه ها پرداخته شده است. فصل سوم؛ تحت عنوان تأسیس رسانه های همه گانی و نهادهای رسانه ای، موضوعاتی تأسیس رسانه های همه گانی، نهادهای رسانه ای و نمایندگی، منابع تمویل، شرایط صاحب امتیاز، ارائه معلومات جهت ثبت، انتقال ملکیت و امتیاز فعالیت، سلب امتیاز فعالیت، بیان شرایط، وظایف و صلاحیت مربوط به مدیر مسئول را احتوا می کند. فصل چهارم؛ به رادیو تلویزیون ملی افغانستان اختصاص یافته است و در آن مباحثی؛ مانند اداره رادیو تلویزیون ملی، وظایف و مکلفیت های آن اداره بازتاب یافته است. فصل پنجم، منابع مالی رسانه های همه گانی، فصل ششم، تأسیس چاپ خانه ها و موسسات فرهنگی، فصل هفتم، صاحب امتیاز، شرایط و مکلفیت ها، هشتم، مدیر مسول، شرایط و مکلفیت های آن، فصل نهم مطالبی مربوط به شورای عالی رسانه ها و کمیسیون ها را از قبیل ترکیب، وظایف و صلاحیت ها، رسیدگی به شکایات، مؤیدات تأدیبی شامل می شود. در فصل دهم، آثار و مطالب که تولید، چاپ و نشر آن ممنوع است، فصل یازدهم، با عنوان احکام متفرقه؛ مسایلی مثل رسانه های چاپی عامه و دولتی،

1- امریت حقوقی دفتر معاونیت دوم ریاست جمهوری، سایت-(VPO.gov.af)، تاریخ، 3 / 11 / 1399.

مشخصات رسانه‌های چاپی سکرتریت، نظارت از احکام این قانون، وضع مقرره‌ها، لوایح و طرز العمل‌ها مورد بحث قرار گرفته است.¹

اهداف :

در این قانون موارد ذیل؛ از جمله اهداف آن به شمار رفته است:

- 1: تنظیم امور مربوط به فعالیت رسانه‌های همه‌گانی و نهادهای بین‌المللی.
- 2: تأمین حق آزادی فکر و بیان.
- 3: حمایت از حقوق ژورنالیستان و تأمین شرایط فعالیت آزاد رسانه‌ها و نهادهای رسانه‌ای.
- 4: ترویج و توسعه رسانه‌های همه‌گانی آزاد، پاسخگو، مستقل و کثرت‌گرا.
- 5: فراهم نمودن زمینه مناسب برای اظهار فکر، احساس اتباع کشور و انعکاس حقایق طور عادلانه توسط گفتار، نوشته، رسم، تصویر ضبط روی نوار تمثیل حرکت و سایر پدیده‌های علمی، ادبی، هنری و فرهنگی.
- 6: رعایت اصل آزادی بیان و رسانه‌های همه‌گانی در کشور به نحوی که بتواند وسایل نشر اخبار دقیق، اطلاعات، آموزش، تربیت و شکوفایی علم و فرهنگ مؤثر و مطابق معیارها و اصول ژورنالیزم باشد.
- 7: تأمین مصونیت ژورنالیستان، کارکنان رسانه‌ای و جلوگیری از خشونت علیه آن‌ها.²

ویژه گیها:

از جمله ویژگی‌های خوب این قانون این است که در مطابقت با معیارهای ملی و بین‌المللی و اصول ژورنالیستی تهیه شده است که با تصویب آن، حقوق و آزادی‌های رسانه‌ها مورد حمایت قرار گرفته در حدود احکام قانون تأمین می‌گردد. مصونیت کار مسلکی ژورنالیستان مورد حمایت قرار می‌گیرد. همچنین از ویژگی‌های دیگر این قانون این است که شورای عالی رسانه‌ها را به منظور حمایت و نظارت از آزادی بیان و فعالیت رسانه‌های همه‌گانی، نهاد‌های رسانه‌یی، ژورنالیستان و سایر کارکنان رسانه‌یی در عرصه فعالیت رسانه‌یی پیش‌بینی کرده است.³

مطلب دوم: اصطلاحات

ماده سوم: اصطلاحات آتی در این قانون دارای مفاهیم زیر می‌باشند:

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه‌های همه‌گانی افغانستان، جریده رسمی (871)، کابل، انتشارات پرویز، چاپ اول، 1384 هـ.ش، ص 1.

² - همان، ماده (2)

3- سایت: (VPO.gov.af).

1- رسانه: وسیله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات با استفاده از وسایل ذیل می باشند.

رسانه برقی: رادیو، تلویزیون، شبکه کیبلی و اینترنت.

رسانه چاپی: روزنامه، جریده (هفته نامه، نشریه ۱۵ روزه، ماهنامه، گاهنامه، فصل نامه، سال نامه پوستر و خبرنگار)

2- رسانه های همه گانی در این قانون به انواع ذیل تقسیم می گردد.

رسانه عامه: رسانه ای است که متعلق به عامه مردم بوده و از طریق دولت، نشر اعلانات و عرضه خدمات تمویل می گردد.

رسانه خصوصی: رسانه ای است که متعلق به اشخاص حقیقی، سازمان های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی بوده و از طرف آنها تجهیز و تمویل می گردد.

3- ژورنالیست(خبرنگار): شخص حرفه ای و مسلکی است که از طریق رسانه ها مواد و محتوای نشراتی را تهیه و عرضه می کند.

4- مطبوعه: دستگاه اقتصادی و تخنیکی است که خدمات چاپی را انجام می دهد.

5- چاپ کننده(طابع): شخص حقیقی یا حکمی است که بر اساس ملکیت یا نمایندگی مالک متصدی امور مطبوعه می باشد.

6- طابع(ناشر): شخص حقیقی یا حکمی است که اجازه چاپ و نشر آثار غیر موقوت را دارا می باشد.

7- نشر: عمل انتقال پیام و خبر از طریق رسانه های همه گانی است.

8- مؤسسه تولید فلم: نهادی است که در پرتو اساس نامه و اهداف خویش فلم های مستند و سینمایی، عکس و اسلاید را تولید می کند.

9- مؤسسه نشراتی: شخصیت حکمی است که بر اساس اساس نامه تاسیس، و نشرات رسانه های برقی، چاپی موقوت¹ و غیر موقوت را مطابق با اهدافش نشر و پخش می کند.

10- نهاد آموزش ژورنالیزم(خبرنگاری): نهادی است که به صورت کوتاه مدت و یا دراز مدت به آموزش حرفه ای خبرنگاری می پردازد.

11- دارالترجمه: مؤسسه حکمی است که طبق اساس نامه حق دارد مطالب و مضامینی را از زبانی به زبان دیگر ترجمه کند.

12- آژانس خبر رسانی: شخصیت حکمی است که در عرصه ارتباطات، جمع آوری و رساندن اطلاعات فعالیت می کند.

13- شرکت تبلیغاتی و اعلانات: شخصیت حکمی تجارتي است که مطابق اساس نامه به تبلیغات و اعلانات می پردازد.

14- حق نسخه برداری (کپی رایت): داشتن حق مالکیت معنوی و امتیاز انتشارات ثبت شده است که در مطابقت با معیارهای قبول شده توسط قانون جداگانه تنظیم می گردد.

1- وقت معین شده، هنگام مقرر (غیر موقوت برعکس موقوت میباشد). لغت نامه دهخدا، ج: 5، ص: 620.

- 15- صاحب امتیاز: شخص حقیقی یا حکمی است که به تاسیس و یا راه اندازی رسانه های برقی، چاپی، نهاد آموزش خبرنگاری، مطبعه، مؤسسه نشراتی، دارالترجمه، آژانس خبر رسانی، مؤسسه تولید فلم و شرکت تبلیغات و اعلانات می پردازد.
- 16- مدیرمسئول: شخصی است که به طور بالفعل مسؤلیت امور نشراتی مربوط به وسایل مندرج جزء (۱۵) این ماده را برعهده دارد.
- 17- رادیو: وسیله ارتباط و اطلاع رسانی همه گانی سمعی است.
- 18- تلویزیون: وسیله ارتباط و اطلاع رسانی همه گانی سمعی و بصری است.
- 19- شبکه کیبلی: رسانه همه گانی سمعی و بصری است که برنامه های اطلاعاتی، تعلیمی، تربیتی، فرهنگی و تفریحی ملی و بین المللی را (از طریق ماهواره) برای مشترکین عرضه می کند.
- 20- اعلانات: عرضه نوعی خدمات سمعی بصری برای اشخاص حقیقی و یا حکمی است که در رسانه های همه گانی برقی و چاپی در بدل پول و یا خدمات متقابل انجام می شود.
- 21- اعانه: هر نوع کمک توسط اشخاص حقیقی یا حکمی است که به منظور تقویت معنوی یا مادی رسانه های همه گانی انجام می گیرد¹.

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، کابل، انتشارات پرویز، چاپ اول، 1384 ه.ش، ص:2.

فصل دوم

مواد فکری و فلسفی قانون رسانه ها در روشنی فقه اسلامی

مبحث اول: آزادی فکر و بیان

قبل از آنکه در مورد آزادی بیان بپردازیم ابتداء مواد قانون را متذکر میشویم بعدا به آزادی بیان میپردازیم برحسب تقاضای موضوعات مواد قانون رسانه ها همه گانی افغانستان، چونکه رسانه ها یگانه مصداق آزادی بیان است، از این لحاظ آزادی بیان را در شریعت و قانون اساسی و قانون رسانه ها، ها و جوانب حقوقی آن در این مبحث جاگزین شده و موضوعات که تحت نام آزادی بیان میاید آن را مورد بحث قرار میدهیم.

1: ماده 4: هر شخص حق آزادی بیان را دارد.

طلب، حصول، انتقال معلومات و نظریات در حدود احکام قانون بدون مداخله و محدودیت و تهدید از طرف مسولین دولتی شامل این حق است. این حق در برگیرنده فعالیت آزاد و سایل پخش، توزیع و دریافت معلومات نیز میباشد.¹

تحلیل: ماده چهارم قانون رسانه های همه گانی افغانستان، قانون گذار حق آزادی و بیان برای اتباع و شهروندان افغانستان را مسجل می نماید و دسترسی به معلومات، اطلاعات و نظریات را از مراجع دولتی شامل این حق دانسته است. این حق شامل فعالیت آزاد رسانه ها، و توزیع و دریافت معلومات نیز میباشد.²

مطلب اول: تعریف آزادی بیان

برای هر نوشته یی لازم است تا مفاهیم آن جهت درک بهتر موضوع مورد تعریف قرار گیرد. بنابراین مفاهیم نوشتار را به ترتیب مورد تعریف قرار میدهیم:

در هر نوشته لازم است تا مفاهیم آن جهت درک بهتر موضوع مورد تعریف قرار بگیرد. بنابراین مفاهیم نوشتار را به ترتیب مورد تعریف قرار میدهیم:

الف: تعریف آزادی: در فرهنگ لغت دارای، اصل واژه صفت گفته و از ریشه زبان پهلوی بوده که به معنی رها، یله، رسته، وارسته، بی قید و بند، نقیض بنده ترجمه شده است و آزادی: به معنی آزاد بودن رهایی، ضد بندگی³

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (4)

2- صدیق الله توحیدی، تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، کابل - افغانستان، ناشر: گروه رسانه های افغانستان، تابستان 1389 هـ. ش، ص 8.

3- فرهنگ عمید، ص 571.

ب: تعریف بیان: بیان مصدر عربی و به معنی پیدا و آشکار شدن، فصاحت و زبان آوری و سخن آشکار و فصیح، شرح و تعبیر ترجمه شده است. و نیز بیان به معنی پیدا و آشکار شدن، سخن پیدا و گشاده گفتن پیدا و ظاهر کردن چیزی ترجمه شده است.¹

از مجموع معانی لغوی چنین گفته میتوان که بیان به معنی آشکار ساختن و واضح کردن، که ممکن به وسیله گفتار، نوشتار و یا هر وسیله دیگر باشد، که در هر حال مطلبی را آشکار ساخته و از روی آن پرده بر می دارد. البته با پیشرفت کنونی بشر بیان در قلب سخنرانی، تحریری و تصویری از طریق کتاب، اعلامیه تصویر، رسامی (کاریکاتور)، نمایش فلیم و غیره در رسانه های چاپی، تصویری و گفتاری نمودار گردد.

ج: تعریف آزادی بیان: توجه به معانی مفصل لغوی هر واژه عنوان که در فوق بیان شده، میتوان اصطلاح (آزادی بیان) را چنین تعریف نمود: آزادی بیان عبارت از تعیین مرز های بیان شامل انواع آن (اعم از گفتاری، نوشتاری، تمثیلی و اشاروی) بوده که حق مذکور را هدف مند، منضبط قانون مدار، پایدار و قابل استفاده برای همه افراد جامعه میسازد.²

مطلب دوم: اهمیت آزادی بیان

بدون شک آزادی بیان از بزرگترین نعمتهای زندگی و از گرانبهای ترین سرمایه های سعادت مادی و معنوی انسان است. میل به آزادی و حریت با سرشت بشر آمیخته شده و از مطبوع ترین و گواراترین تمایلات طبیعی ادمی است. در اندیشه اسلامی، تکریم انسان که آیات متعدد قرآن بیانگر آنست، مفهوم بسیار لطیف و در عین حال وسیع گسترده ای دارد که همه ارزشها و خوبی ها و کمالات انسانی، از جمله آزادی را در خود جای داده و اصلی است محکم و متقن در معرفی و بیان مقام منزلت انسان از این روی، حریت نه تنها یکی از حقوق مسلمه انسان را مشخصات و حدود و موجودیت او به شمار آمده است. آفریده گار جهان با همه سلطه و سیطره ای بر همه موجودات در حدود و اختیاراتی که بدو بخشیده است، مطلقا، ملزم به عمل نه ساخته است و فعالیت او را مانند حیوانات محدود به قوای طبیعی و غریزی ننموده، بلکه تنها به وسیله امر، نهی و ارشاد به عواقب امور، افعال و حرکات او را تحت انضباط و انتظام در آورد و سرنوشت انسان را به اراده و اختیار او دانسته است.

در مکتب اسلام، بیدار ساختن انسانها و رهانیدن آنان از قید و بندهای گوناگون و بندگی انسانهایی همانند آنان، از عالیترین هدفهای انبیا به شمار میرورد.

الله متعال در مورد فرموده است: **{وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ}**.³

ترجمه: و بار سنگینی را (که بر دوششان بود) برمی دارد و بند و زنجیره هایی را که بر آنان بود درمی آورد.¹

1- فرهنگ دهخدا، ج 2 ص 541.

2- محمد قاسم رحمانی، حقوق رسانه همگانی، کابل، ناشر، انتشارات حامد رسالت، سال چاپ: 1389، ص 38.

3- {الاعراف، آیه 157}.

به آزادی و نجات خویش از انواع بنده گی های پنهان و آشکار، از مهمترین مقاصد هر مسلمانی است که می بایست همواره در تشویق باشد تا مبادا در یگتاپرستی و توحید، در تزلزل افتد و طوق بندگی و عبودیت غیر از الله بر گردن نهد و در نتیجه گوهر ارزشمند آزادی را به رایگان از دست بدهد

با چنین تلقی و نگرش که اسلام به منزلت انسان و مرتبت او دارد، نسبت به خصوص آزادی بیان و اظهار عقیده، که از مهمترین مظاهر آزادی انسانی است، دیدگاه اسلام بخوبی روشن میگردد؛ زیرا اسلام، آن از جزء حقوق مسلم انسانی شمرده و به انسان، از آن جهت که انسان میباشد این آزادی است.

از جمله نیاز های اولیه انسان برای افهام و تفهیم یکی هم بیان و تبیین است که الله متعال سیستم و اعضای آنرا به انسان ها عطا فرموده است: { الرَّحْمَنُ (1) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (2) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (3) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (4) }² ترجمه: (خداوند) رحمان. {1} قرآن را آموزش داده است. {2} انسان را آفریده است. {3} به او سخن گفتن یاد داده است. {4}.

چنانچه انسان ها با فطرت و سرشتی که آفریده شده اند، همواره در پی انکشاف و توسعه بوده و در طول حیات بشری حتی برای بیان مطابق به نیاز مندی های عصر خود ابزار و اسبابی را اختراع و ابداع نموده اند؛ و به پیشرفت های قابل ملاحظه یی دست یافته اند. ابزار و اسباب معاصر بیان از قبیل (صوتی، تصویری، چاپی، اشاروی...).

مطلب سوم اصول آزادی بیان

رعایت اصل آزادی بیان فکر یا مطبوعات متضمن امور ذیل است:

1: سانسور قبلی بر مطبوعات وجود نداشته هر کس از آدانه حق ابراز اندیشه و بیان را داشته باشد، دولت و یا سایر مراجع از مداخله و ایجاد مانع در انتشار افکار و نظریات مردم خوداری نمایند.

2: شهروندان حق کسب اطلاعات را داشته از تمام وقایع و حوادث سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چه در داخل کشور و یا وقایع و حوادث بین المللی، آگاهی حاصل نمایند هیچ مطلبی نباید از مردم پنهان گردد بایست تمام واقعیت ها بیطرفانه بیان شود.

3: شهروندان از اجرات زمامداران و مسولین امور دولتی آگاهی پیدا کنند. اگر انتقاد و یا پیشنهادی در رابطه به بهبودی امور یا جلوگیری از فساد سیاسی، اداری و اجتماعی داشته باشند، آدانه بیان نمایند تا در رفع نواقص اقدام صورت گیرد، جلو فساد گرفته شود، مفسدین به چنگال قانون سپرده شوند، و به استفاده جویان مجال فعالیت سوء داد نشود.

4: بر ملا ساختن اعمال سوء زمامداران، مراجع و اشخاص مسئول از یکطرف زمینه آنرا مساعد و میسر میسازد تا مردم آدانه عقاید و نظریات خود را در رابطه به بهبود امور ابراز دارند و آنچه

¹ - ترجمه معانی قرآن کریم، ج 1 ص 337.

² - {الرحمن، آیه 1 - 4}.

³ - ترجمه معانی قرآن کریم، ج 3 ص 60.

سبب عقیده و نفرت می‌گردد بعد از ابراز آن رفع شود و از جانب دیگر مسئولین امور احساس مسئولیت بیشتر نموده خود را جوابده و مسئول در برابر مردم خود دانسته از ارتکاب اشتباه و خیانت اجتناب می‌ورزند.

5: مسئولین امور از افکار و نظریات عامه مطلع و اجراءات خود را موافق و سازگار با خواست عامه می‌سازند.

6: طرح آراء و نظریات، زمینه مباحثه را فراهم و امکان آنرا میسر می‌سازد تا مسایل ملی، اجتماعی سیاسی و اقتصادی بیشتر مورد غور و دقت قرار گرفته، در حل قضایا تصامیم و تجاوز مقتضی و مثمر اتخاذ گردد.

7: ارائه صادقانه آراء افکار عامه باعث تقویه آزادی فکر و بیان نظام مردم سالاری گردیده، از ایجاد استبداد و حکومت مطلقه، جلوگیری می‌میکند.

8: تطبیق اصل آزادی اندیشه و بیان، جلو خود خواهی، غرور و تکبر بیجای، هوا پرستی، جاه طلبی و عظمت خواهی عده ئی از عناصر دولتمدار فاسد را می‌گیرد. اعمال آنها را در زیر نگاه های مطبوعات مورد ارزیابی دقیق قرار میدهد.

9: آزادی بیان فکر، زمینه برای رشد فکری و ذهنی را مساعد می‌سازد. به جای تقلید و خرافه پرستی نوگرایی و ابتکار عمل را بوجود می‌آورد، زمینه برای رشد، انکشاف و ترقی جامعه فراهم میشود.¹

مطلب چهارم: حدود و ضوابط بیان در شریعت اسلامی

قسمی که در مطالب گذشته در مورد آزادی بیان گفته شد، آزادی بیان مطلق نه بلکه مقید به حدود و ضوابطی است؛ زیرا خالق انسان او را پس از خلقت مهمل نگذاشته و در خلقت انسان ها حکمت هایی را نهفته و برایش وظایف و ماموریت هایی را بیان داشته و حتی برای هر عضو بدنش مسئولیت ها و مکلفیت های متوجه ساخته است. طوریکه شواهد قرآنی براین دلالت میکند؛ خدای تعالی فرموده است: {أَنْ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا}.²

ترجمه: بی گمان گوش و چشم و دل هر یک مورد سوال واقع خواهند شد.³

در باره زبان هم فرموده است: {مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ}.⁴

ترجمه: هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد مگر آنکه نزدش نگهبانی آماده (حضور) دارد.⁵

1- سید قدیر بهرامی، حق آزادی بیان عقیده و دین در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی افغانستان، کابل ناشر: انتشارات سعید، سال

چاپ 1392 هـ.ش، ص 26

2- {الاسراء، آیه 36}.

3- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 2 ص 67.

4- {ق، آیه 18}.

5- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 3 ص 35.

البته این قیود، وضوابط محدودیت ها در حقیقت به سان ستون فقرات برای نظام بیان اند که در عدم موجودیت آن آزادی بیان اصلاً بی مفهوم، بلکه عامل بروز نزاع و کشمکش ها و بی بند باری های اجتماعی بوده و برای بیان کننده و مخاطب عاری از هر خیر و نفع میگردند.

لذا بعضی از قیود، ضوابطی رئیسی و عمده شرعی که غرض ثابت نگهداشتن چارچوب آزادی بیان، وضع شده است را با استناد به نصوص ثقه شرعی حاوی آیات قرآنی و احادیث گهربار نبوی (صلی الله علیه وسلم) مطالب جداگانه در ذیل به بحث گرفته و توضیح میدهیم:

الف: کسب رضای الهی و خدمت به مصالح عامه مسلمانان

هدف از بیان باید کسب رضای الهی خدمت به مصلحتی از مصالح عام و یا خاص باشد که در شریعت اسلامی بارها به آن تاکید شده است و این قید نوع خود یکی از جامع ترین قیودی است که تمامی اظهارات، بیانات، گفتارها و کردارهای یک فرد مومن را صلاح و تنظیم می نماید.

چنانچه به روایت ابوهریره¹ (رضی الله عنه) از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) نقل شده که فرموده است: **{مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِ جَارَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ}**.²

ترجمه: {آنکه به الله و روز آخرت ایمان دارد، باید مهمان خود را احترام کند و آنکه به الله و روز آخرت ایمان دارد، باید همسایه خود را اذیت نکند. آنکه بخدا و روز آخرت ایمان دارد، باید سخن خیر بر زبان راند و یا خاموش شود}. پس با استدلال به حدیث گهربار فوق که اصل بزرگی را برای سخن گفتن بیان میکند، میتوان گفت که بیان سخنی که به نفع دیگران نباشد باید از آن احتراز صورت گیرد.

در حدیث فوق موضوع ایمان داشتن به الله و روز آخرت با گفتار نیک و یا حفظ سکوت خاموشی در صورت عاری بودن گفتار از خیر و خوبی هر دو توأم ذکر گردیده است و حتی شرطی برای گفتار قرار گرفته؛ (کسی که به الله متعال و روز آخرت ایمان دارد، سخن نیک بر زبان راند و یا خاموش شود) و از آن قید به وضاحت برمی آید که مسلمان همیشه باید در گفتار اظهارات خویش (مومن بودن به الله متعال و محاسبه روز آخرت از گفتارها و اظهارات خویش) را مدنظر داشته باشد. هدف بیان و گفتارش الهی باشد میزان گفتار ایمان به الله متعال بوده و با در نظر داشت میزان محاسبه و در یافت

¹ - ابوهریره: عبدالرحمن بن صخره الدوسی مشهور به ابوهریره صحابی جلیل القدر، کنیه اش را پیامبر صلی اله علیه وسلم برایش گذاشته است، در سال خیبر اسلام آورد و اکثر وقت همراه پیامبر صلی الله علیه و سلم بود و اکثریت احادیث را روایت نموده است، و وفات نمود در مدینه. أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، الاصابة فی تميز الصحابة، تحقیق: علی محمد الجاوی، الناشر: دار الجیل - بیروت، الطبعة الأولى، 1412 هـ، ج 4 ص 202.

² - صحیح البخاری، رقم الحدیث 6018

مجازات و مکافات صادقانه و مسئولانه بدون دخالت تعصبات داخلی و بیرونی، بدون زیادت و کمی بلکه با رعایت کمال عدالت مصلحت نصیحت و خیراندیشی اظهار و بیان نماید.

ب: ممنوعیت توهین به مقدسات

یکی از مطالبی که باید در مقام بیان عقیده و فکر باید رعایت گردد. خوداری از توهین به مقدسات اسلامی است. اساساً اهانت به مقدسات دیگران و برخورد غیر منطقی، نه تنها کمکی در اثبات مدعا و مطلب نخواهد کرد که موجب تنفر و انزجار خواهد شد عکس العمل طرف مقابل را نیز بر می انگیزد و چنین عملی در هیچ شرایطی، از کسی پذیرفته نیست.

قرآن مسلمانان را از اهانت بر دیگران بر حذر داشته فرموده است: **{ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ }¹**

ترجمه: و کسانی را ناسزا نگویند که غیر از خدا را به فریاد می خوانند، تا آنان تجاوزکارانه و از روی نادانی خدا را دشنام ندهند، این چنین برای هر ملت و هر گروهی کارهایشان را آراسته ایم، سپس بازگشتشان به سوی پروردگارشان است و آنگاه آنان را از آنچه که میکردند آگاه میسازد.²

آیه سوره الانعام دلالت دارد بر اینکه از طاعتی که منجر به معصیت میشود، باید دست کشید؛ چه اینکه آنچه به شر و بدی می انجامد، شر است. آیا کسی که بزبان دشنام مقدسات دیگران میگشاید، نمی بیند که چگونه الله متعال از سب و طعن زدن به بتها، که خود اصول طاعات محسوب میشود، مسلمانان را نهی نموده است، چرا که به معصیت بزرگتری که دشنام خدا و رسولش بود، می انجامید و باب سفاهت و بی خردی را میگشاید.

علمای اسلام توهین به مقدسات اسلامی را حرام و موجب ارتداد میشود ولی توهین به مقدسات غیر اسلامی را منع قرار داده است چون اگر توهین به مقدسات آنها شود به اثر نادانی آنها به الله و رسولش نیز اهانت می نمایند.

1- {الانعام، آیه 108}.

2- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 1 ص 279.

ج: حفظ حرمت بشری و عدم توهین به شخصیت و هویت دیگران

موضوع حفظ حرمت انسانی و صیانت و پاسداری و آبروی بشر در شریعت اسلامی یکی از موضوعات جدی قابل توجه و مهم می‌باشد. زیرا موضوع اساس روابط اجتماعی میان انسانها بوده که طبیعتاً حاوی فروعات و پیچیدگی‌های زیادی است. البته نسبت اساسی و کلیدی بودن آن در شکل دهی روابط حسنه میان انسانهای ساکن در جامعه بشری، شریعت اسلامی نیز به تفصیل لازم آن پرداخته است باید در قلم بیان، عرض و آبروی انسان‌ها حفظ گردد و آزادی بیان را وسیله برای اهانت شخصیت‌ها و بدگویی از یکدیگر قرار ندهند.

و همچنان بعضی‌ها هستند که روی کینه و حسادت برای حقیر شماریدن شخص آنرا با القاب و نامهای صدا می‌زنند که باعث اهانت شخص و صدمه به شخصیت وی میشود که وی را به آن نام مسخره میکند که الله متعال آنرا در آیه معتدد جایز ندانسته است از جمله:

{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ} ¹

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از شما گروهی دیگری را مسخره کند چه بسا که آنان از ایشان بهتر باشند و نباید زنانی، زنانی دیگر را مسخره کنند چه بسا که آنان از ایشان بهتر باشند و در میان تان عیب جویی نکنید و یکدیگر را با لقب‌های زشت مخوانید. چه بد است نام و عنوان فسق بعد از ایمان آوردن! و کسانی که توبه نکنند پس ایشان همان ظالمانند.

در آیات فوق الذکر حقوق و آداب و معاشرتی افراد و اشخاص مذکور است، که در آن از سه چیز ممانعت به عمل آمده است: اول مسخره و استهزای مسلمان، دوم طعنه زدن اشخاص، سوم یاد کردن کسی به لقبی که متضمن توهینی باشد، و یا از آن خوشش نیاید؛ امر نخست سخریه یا تمسخر است. قرطبی فرموده است: سخریه و یا تمسخر و یا استهزا عبارت از ذکر عیب کسی بخاطر توهین و یا تحقیریه او می‌باشد، که اثر آن مردم بخندد، و این موضوع همچنان که با زبان صورت می‌گیرد، با اشاره ی دست و پا و نقالی آن نیز ممکن است، و هم چنین است وقتی که باشنیدن کلامش به طور تحقیر آمیز شروع به خنده کنند.²

قسمیکه در عصر امروزی در رسانه چنین برنامه‌ها مروج شده است، که سیاسیون و یا دیگر اشخاص را مورد تمسخر و استهزا می‌گیرند، نقالی آنها را میکنند و یا هم آنها را با گذاشتن القاب، مورد تحقیر قرار میدهند تا اینکه برنامه‌های آن جالب تمام شود، اما نمیدانند که الله تعالی انسان را کرامت بخشیده است و برای آنان حقوق را در نظر گرفته تا هیچ کسی نتواند که از آن حقوق پا پیش نهند؛ بناء نظر به آیت مذکور تمام این امور به نص صریح قرآن کریم حرام است.

قسمیکه در آیت متذکره قرآن پاک حرمت توهین به دیگران را بیان نمودیم همان طور در قانون رسانه‌های همه گانی افغانستان ماده 46 بند سوم چنین آمده است: (آثار مطالبی که موجب هتک حرمت، تحقیر و توهین به اشخاص حقیقی یا حکمی گردد ممنوع النشر می‌باشد).

1- {الحجرات، آیه 11}.

2: علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی، تفسیر معارف القرآن، مترجم، مولانا محمد حسین پور، ناشر: شیخ الاسلام احمد جام، چاپخانه: دقت، سال چاپ 1388، ص: 550

بخاطریکه هیچ کسی برای اش خوش آیند نیست که کسی دیگر بالای او تمسخر کنند و یا او را به القاب ناپسند صدا بزنند؛ الله متعال برای تحکیم نظام اجتماعی قیود و ضوابط نموده است با وضع همچو قیود هدفمند و منضبط در سدد تحکیم نظام اجتماعی اسلامی میباشد افراد اجتماع باید حرمت همدیگر را پاس دارند و به حریم آزادی همدیگر نتازند؛ حسد نوزند کینه توزی نکنند قسمی به اسلام اخوت برادری امر کرده هیچگاهی نزاع و کینه توزی را نمیپذیرد در حدیث ذیل آمده: (عن انس بن مالک¹ قال النبی صلی الله علیه وسلم: لا یؤمنُ أحدُکم حتّٰی یحبَّ لأخیه ما یحبُّ لنفسه.²) ترجمه: مومن شمرده نمیشود هیچ یک از شما تا زمانیکه دوست نداشته باشد برادر خود را و آنچه دوست دارد برای خود.

مطلب پنجم: آزادی بیان در قانون اساسی افغانستان

قانون اساسی افغانستان یک وثیقه معتبر، سند ملی وریشه سایر قوانین ملی بوده در راس مراجع تثبیت حقوق، مسئولیت ها و وجایب فردی و اجتماعی دولت و اتباع کشور در موارد مختلف قرار دارد. در قانون اساسی افغانستان نیز به حق آزادی اتباع کشور و چونگی محدود بودن آن پرداخته شده است؛ قرار ذیل بیان میگردد.

ماده 34 قانون اساسی افغانستان برحق آزادی بیان برای اتباع کشور چنین تصریح شده است: (آزادی بیان از تعرض مصون است).

1: هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر ویا وسایل دیگر با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

2: هر افغان حق دارد مطابق با احکام قانون به طبع و نشر مطالب بدون ارایه قبلی آن به مقامات دولتی بپردازد.³

در شرح این ماده اینکه جمله نخست بر مصونیت آزادی بیان در زیر مجموعه آزادی صراحت داشته ودر بند اول این ماده از تنوع آزادی بیان نامبرده شده؛ هر افغان به یکی از وسایل بیان چه از طریق گفتار نوشته، تصویر ویا وسایل دیگری که در ماده سوم در قانون رسانه ها همه گانی

1- انس بن مالک (10 ق 93-216-712)، نامش انس بن مالک بن النصر بن ضمضم النجاری، خزرجی انصاری، کنیه اش ابو ثمامه یا ابو حمزه: صحابی و خدمت گذار پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) که در زمینه متولد و در صغر به اسلام مشرف شده و تارحلت او (صلی الله علیه وسلم) در خدمت و حضور او ملازمت کرده است. سپس به دمشق کرده است و از آنجا به بصر رفته و در همانجا از دینا چشم پوشیده است. به تعداد 2286 حدیث را روایت کرده است. الاعلام، ج 2 ص 24.

2- صحیح البخاری، رقم الحیث 13. محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفی : 1421هـ)، مصطلح الحدیث، مترجم: محمد ابراهیم کیانی، ناشر: گروه علمی وفرهنگی مجموعه موحدین، 2 جلد، سال چاپ: 1394هـ، ج 2 ص 589

3- وزارت عدلیه، قانون اساسی افغانستان، جریده رسمی (818)، کابل، ناشر: مطبعه صنعتی احمد، چاپ اول، 1388هـ ش، ماده (34).

(اصطلاحات قانون و مفاهیم) حق بیان افکار خود را دارد. و در قید اخیر همین بند بار دیگر تصریح شده که البته بیان و محتوای آن نمی تواند در تضاد و یا بدون رعایتی احکام قانون منضبط و مقید گردیده است؛ باوجودیکه طبع و نشر مطالب بدون ارایه قبلی به مقامات دولتی مجاز است اما در ابتدا بند بر مطابقت آن به احکام قانون تصریح شده است.¹

قسمی که در ماده قانون اساسی متذکر شدیم که هر شخص و یا هر اتباع کشور حق آزادی را دارد و میتواند که آنرا از طریق وسایل اطلاعات رسانی ابراز نماید، و هیچ کسی نمیتواند که حق آزادی را از کسی سلب نماید چون آزادی یک پدیده بی فطری و طبیعی انسان است چون انسان آزاد خلق شده است.

همچنان آزادی و بیان لازم و ملزوم یکدیگر اند، بخاطریکه آزادی بیان است که میتواند انسان دیگر آزادی های خود را بدست بیاورد.

انسانها مخلوقات اجتماعی هستند که بعضی اوقات حقوق شان در تضاد به همدیگر میباشد چون حقوق شان منبع مشترک دارد هر گاه حقوق شان در تضاد قرار بگیرد، حق یک فرد باعث پا مال شدن حق دیگری میشود. پس در اینصورت قانون برای دادن حقوق انسانی وضع شده که تا بتواند حق هر شخص را برایش ثابت کند و هیچ فردی را حق تعرض به حق دیگر نمیدهد، چون قانون برای مصالح عامه وضع شده و حقوق همه توسط قانون تعیین میشود، تا اینکه آزادی هم حق مسلم فردی هر بتعه کشور است و قانون هم برایش حد و مرز تعیین نموده است هرگاه همین حق فردی در تعارض قرار بگیرد قانون بخاطری مصالح عامه آنرا مقید و منضبط سازد. تا نتوانند که بنام آزادی بیان حقوق یکدیگر را تلف کنند، لذا قانون وضع شده یک زمینه را برای شهروندان کشور مساعد ساخته با بتوانند افکار و اندیشه های را به وسیله گفتار نوشتار، تصویر و دیگر وسایل ممکن به طور آزادانه بیان کنند، به نوعی از حق شهروندان حمایت کرده و آن را حق طبیعی شان می پندارد. با وجودیکه این قانون شخص، نهاد سازمان و حتی دولت نمی تواند به آزادی آنها تجاوز کنند و در صورت تعرض مطابق به احکام قانون مورد باز پرس قرار خواهد گرفت و البته اشخاص هم نباید از این حق شان سوء استفاده کرده به حقوق دیگران تجاوز نمایند.

آزادی بیان یکی از حقوق اساسی شهروندان میباشد؛ بنابراین هر افغان می تواند به طبع و نشر مطالب دست داشته شان بدون این که آنرا مقامات دولتی بررسی کنند، البته با در نظر داشت احکام این قانون بپردازد. در ماده 46 قانون رسانه ها آمده، و در صورت که مخالف قانون اساسی کشور باشد جرم پنداشته میشود (آثار و مطالبی که مغایر قانون اساسی بوده و در قانون جزا جرم محسوب شود).

1- نظام الدین عبدالله، شرح قانون اساسی افغانستان، کابل، ناشر: انتشارات سعید چاپ اول، 1389 هـ ش، ج 1 ص 75.

مطلب ششم: باز تاب آزادی بیان در قانون رسانه ها

هرچند پرنسب های آزادی بیان که در فوق تذکر گردید، در مورد رسانه ها در قانون رسانه های همه گانی افغانستان ماده 21 (اداره های رادیو تلویزن های خصوصی در تهیه و تدوین کلیه برنامه های خود را با رعایت احکام این قانون آزاد هستند)¹ اما از آنجائیکه رسانه ها دارای یک سلسله خصوصیات منحصر به فرد اند ایجاب می نماید که بعد از تشریح مفصل آزادی بیان، آزادی رسانه که یکی از مصادیق آزادی، آزادی بیان به شمار میرود شرح گردد. همچنان در ماده 4 بند دوم قانون رسانه های همه گانی افغانستان چنین آمده است: (دولت آزادی رسانه های همه گانی را حمایت و تقویت میکند).

هیچ شخص حقیقی یا حکمی از جمله دولت و ادارات دولتی نمی تواند فعالیت آزادی رسانه های خبری و یا معلوماتی را منع، تحریم، سانسور یا محدود نموده.²

تحلیل: در بند دوم این ماده، دولت مکلف شده است تا آزادی رسانه ها را به رسمیت شناخته و در حکایت و تقویت رسانه ها بذل توجه نماید و این بند حق سانسور و مداخله از دولت و اشخاص حقیقی و حکمی سلب نموده و تصریح میدارد که هیچ کسی به شمول دولت حق ندارد آزادی رسانه ها را سلب منع، تحریف، سانسور و یا محدود نماید.

در این قانون حق مداخله در مطابقت به قانون رسانه ها جایز شمرده شده است که چنین موارد جز در ماده چهل و پنجم (مطالب ممنوعه) در سایر مواد ذکر نگردیده است و به گمان اغلب منظور قانون گذار از آوردن این قید مطالب ممنوعه است. این ماده دارای هشت بند میباشد موارد مبهم و تعریف نشده دارد که باید رسانه ها و خبرنگاران بدان توجه نمایند.

حق آزادی فکر و بیان حقوق طبیعی بشر است که ماده سی چهارم قانون اساسی کشور و ماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر تسجیل گردیده است. متکی به این منابع، بشر حق دارد که آنچه می اندیشد بیان نماید و آنرا از طریق وسایل اطلاع جمعی به سایرین منتقل سازد. رسانه ها نیز در تعمیم این مامول باید از فعالیت آزاد برخوردار باشند تا انتقال فکر و اندیشه و اطلاعات بصورت درست به دسترس همه گان قرار گیرد زیرا رسانه ها به مثابه چشم و گوش یک جامعه مدنی است و اگر این اعضا درست کار نکند به یقین شهروندان نمیتوانند در مورد سرنوشت جامعه خویش تصمیم لازم را اتخاذ نموده و یا در حیات اجتماعی سهم ارزنده ی را ایفا نمایند.³

قسمیکه در قانون رسانه های همه گانی افغانستان در مورد آزادی رسانه متذکر شدیم که (دولت از آزادی رسانه ها حمایت میکند)؛ آزادی رسانه ها را با مورد آن مورد بحث قرار میدهیم:

1: وزرات عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی 871 (ماده 21)

2: وزرات عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871) ماده 4 بند دوم

3- صدیق الله توحیدی، کابل - افغانستان، تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ناشر: گروه رسانه های افغانستان، تابستان 1389 هـ. ش، ص: 9

الف: مفهوم آزادی رسانه ها: آزادی رسانه از مصادیق آزادی بیان بوده و بخاطر تبیین آن، میتوان از تعریف آزادی بیان استفاده نمود.

آزادی رسانه ها عبارت است از جستجو، جمع آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی انتقال و مخابره آزادانه آنها، انتشار آزادانه روزنامه و پخش آزادانه رادیو و تلویزیون و اینترنت دریافت و مطالعه آزادانه رسانه و دریافت آزادانه برنامه مذکور را دربر میگیرد.¹

دکتر باقر انصاری² در کتاب حقوق ارتباط جمعی، آزادی رسانه ها را تحت عنوان استقلال رسانه های همه گانی، چنین تعریف نموده است: (آزادی رسانه ها عبارت است از عدم وابستگی رسانه یی از انواع فشار های مدیریتی، سیاسی و مالی). به عبارت دیگری، منظور از آزادی رسانه یی عدم سانسور ساختاری یا محتوایی فعالیت های رسانه یی است. بدین معنی که نهاد های رسانه یی نظارت بر فعالیت های رسانه یی از فشار های بیرونی متاثر نشوند؛ خبرنگار و رسانه ها نیز قادر باشند حقایق و وقایع را آنطور که اخلاق حرفه یی ایجاب میکند جستجو، جمع آوری، تحلیل و منتشر کنند.

در تعریفی که دکتر باقر انصاری آزادی رسانه ها نموده است، چهار مورد قابل بحث است.

اولاً: یکی از عناصر آزادی رسانه ها را آزادی یا استقلال ساختار میداند بدین معنی رسانه ها از لحاظ ساختاری وابسته به نهاد های دولتی نباشد و به گونه مستقل و آزادی تاسیس شده و دارای شخصیت حقوقی مستقل و مجزا از دولت باشند. همچنان نهاد هائیکه از رسانه ها نظارت و امور شان را تنظیم می نمایند، هر چند در ترکیب آن اعضای دولتی نیز شامل باشد، باید غیر وابسته به نهاد های دولتی باشند.

ثانیاً: رسانه ها از لحاظ تهیه، تدوین، نشر برنامه های خود آزادی کامل داشته و تحت هیچ گونه فشاری قرار نگیرند. به تعبیر دیگر از لحاظ محتوایی باید رسانه ها آزادی و استقلالیت کامل را دارا باشند.

ثالثاً: آزادی یا استقلال مالی رسانه ها است. بدین معنی که رسانه ها برای تامین منابع مالی خود نباید استقلال و آزادی خود را از دست بدهند و رسانه ها معمولاً از منابع مختلف خود را تمویل می نمایند که به گونه اختصار میتوان از وجه اشتراک، بودیجه دولت، درآمد های تجارتي از اعلانات، حق یا

1- معتمد نژاد، کاظم و معتمد نژاد، رویا، حقوق ارتباطات، ناشر: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها ج: ۱، چاپ: ۱، سال: 1386 ه.ش، ص: 35

2- محمدباقر انصاری در خرداد ماه ۱۳۲۵ ه.ش. در شهرستان مجلات زاده شد. وی تحصیلات ابتدایی را در همین شهر آغاز کرد و در سال ۱۳۳۷ تحصیلات علوم دینی را در حوزه علمیه قم آغاز کرد و در کنار آن تحصیلات علوم جدید را نیز در دبیرستان های این شهر دنبال نمود. محمدباقر انصاری علاوه بر اشتغال به علوم دینی به فراگیری زبانهای انگلیسی، روسی، آلمانی و عربی پرداخت و در سال ۱۳۴۸ ه.ش. نخستین اثر خویش را که ترجمه کتابی از زبان عربی به فارسی بود منتشر ساخت. سپس به مدت ۱۲ سال در مرحله خارج به تحصیل فقه، اصول و فلسفه پرداخت. در سال ۱۳۵۱ ه.ش. عضو گروه سه نفره تحقیقاتی زیر نظر سید محمد بهشتی شد و به مدت پنج سال به پژوهش در زمینه تفسیر، فلسفه اسلامی و غربی و بررسی ادیان از جمله مسیحیت مشغول گردید. محمدباقر انصاری در سال ۱۳۷۱ به عنوان ششمین امام و مدیر مرکز اسلامی هامبورگ به خدمت مشغول شد و تا سال ۱۳۷۸ به مدت هفت سال این مسئولیت را بر عهده داشت و هم اکنون نیز به فعالیتهای علمی و مذهبی اشتغال دارد. محمدباقر انصاری دارای مقالات و تالیفاتی در زمینه های مختلف اسلامی و پژوهشهایی پیرامون مسیحیت می باشد. زندگینامه امامان مرکز و نگاه رسمی مرکز اسلامی هامبورگ.

<https://fa.m.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AD%D9%85%D8%AF%D8%A8%D>

حقوق مربوط به پخش، اجاره تجهیزات فنی و اخذ اعانه یاد نمود. بهترین منبعی که می تواند آزادی و استقلال رسانه ها را حفظ نماید اخذ وجه اشتراک است و منبع که آزادی رسانه ها را تهدید می نماید تمویل از طریق بودیجه دولت است. بناء رسانه باید از منابع مالی غیر دولتی کافی برخوردار باشند.

رابعاً: استقلال سیاسی است، یعنی رسانه ها نهاد های نظارت و تنظیم کننده رسانه ها باید از فشارهای سیاسی در امان باشند.¹

ب: معیار های سنجش آزادی و استقلال رسانه ها

سنجش میزان آزادی و محدودیت رسانه ها در کشور های مختلف جهان، از اواخر دهه 1950 مورد توجه پژوهشگران ارتباطات و نهاد های دفاع از آزادی های بنیادی، قرار گرفته است.

هرچند قانون 29 جولای 1881 فرانسه درباره آزادی مطبوعات که بنام «منشور آزادی مطبوعات» و «بنای بزرگ آزاد گرای» معروف شده است دارای یک سلسله معیار های است که به اساس آن میتوان وضعیت آزادی بیان را در یک کشور مورد ارزیابی قرار داد.

به طور کلی، قانون مذکور، براساس اصول ذیل استوار گردیده است:

1: لغو اقدامات پیشگراانه: به موجب این قانون، دیگر برای انتشار روزنامه و کتاب، نیازی به کسب اجازه قبلی و سپردن تضمین مالی وجود ندارد و مورد روزنامهء اعلام نام مدیر مسوول و در مورد کتاب اعلام نشانی ناشر و محل چاپ آن، کافی است.

2: تامین حق جواب: طبق قانون مذکور، هرگاه شخصی به مناسبتی در مطالب روزنامه یا مجله، مورد اشاره یا انتقاد قرار گیرد، دارای حق جواب است و میتواند نظر مکتوب خود را جهت تصحیح آن، برای مدیر روزنامه ارسال دارد و وی ملزم است که این نظر را در محل درج مطلب اصلی، به همان اندازه و حروف چاپ کند.

3: از میان رفتن جرایم عقیدتی: در این قانون، جرایم عقیدتی وجود ندارد و عین حال اگر مطبوعات برخی از جرایم حقوق عام، مانند: توهین، افترا و تحریک به ارتکاب جنایت را مرتکب شوند، تحت تعقیب قرار می گیرند و اما چاپ اخبار نادرست، تنها در صورتی تعقیب میشود که انتشار آن با سوء نیت صورت گرفته باشد و باعث اختلال نظم عامه شده باشد.

4: رسیدگی به جرایم مطبوعات به وسیله هیئت منصفه: برطبق این قانون رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، تا زمان جنگ دوم در صلاحیت انحصاری هیئت منصفه قرار داشت و در مورد افتراء، محاکم جنحه به آن رسیدگی میکردند. پس از جنگ جهانی دوم، به سبب اغماض فراوان هیئت های منصفه در مورد جرایم مطبوعاتی، رسیدگی به اتمام این جرایم در صلاحیت محاکم جنحه قرار گرفته است.

1: محمد قاسم رحمانی، حقوق رسانه های همگانی، ناشر: انتشارات حامد رسالت، سال چاپ: 1389 ص: 62

5:مسئولیت مدیر مسوول یا ناشر: به موجب این قانون، در صورتی که به سبب انتشار روزنامه یا کتاب، جرمی ارتکاب یابد مورد تعقیب واقع گردد، مدیر روزنامه یا ناشر کتاب مسوول شناخته میشود. نویسندگان مقاله یا کتاب هم ممکن است به عنوان شریک جرم، مورد تعقیب قرار گیرد.¹

تمام معیار های حقوقی ذیل بر گرفته شده از متن و شرح قانون رسانه های همه گانی افغانستان میباشد.

ج: آزادی بیان و سانسور

به قول معروف، مفهوم یک پدیده را با تبیین ضد آن بهتر میتوان شناخت و این قاعده در مورد آزادی بیان سانسور صدق میکند. آزادی بیان مفهوم توانستن را می رساند و سانسور برعکس نتوانستن را از آنجائیکه سانسور نقطه مقابل آزادی بیان است، بخاطر تبیین بیشتر مفهوم آزادی بیان بهتر خواهد بود که مفهوم سانسو نیز روشن گردد. فرهنگ اکادمی فرانسه، چنین تعریفی از سانسور کرده است: (سانسور به معنای بررسی کتابها، روزنامه ها، نمایشنامه ها، فیلم ها، نامها ... و غیره به دستور حکومت و افراد صاحب اقتدار پیش از اجازه انتشار، نمایش یا توزیع آنهاست).²

در گزارش «کمیسیون بین المللی مطالعه در مسایل ارتباطات»، به ریاست شن مک برآید که در سال 1980 با عنوان «یک جهان و چندین صدا ارتباطات و جامعه امروز و فردا» از سوی سازمان یونسکو منتشر شد، درباره خصوصیات و شیوه های سانسور، شرح نسبتاً جامعی ارائه شده است.

در گزارش مذکور در این مورد چنین نوشته است: (سانسور علمکرد بسیار رایجی است که گاهی برخی زمینه ها مانند عکسهای، مطالب مخالف عفت، خشونت، مسایل مذهبی، نکات مورد اختلاف در عرصه بین المللی، مقام های عالی رتبه خارجی، حمایت جوانان و غیره، محدود میشود. اما، اغلب اوقات سانسور برای حمایت نخبگان رهبری کننده یا شخصیت های صاحب قدرت، به کار میرود).³ سانسور ممنوع کننده میتواند بر قوانین خاص و بیشتر بر قدرت های خودسرانه و یا فقط بر سوء استفاده مبتنی باشد سانسور قدرت سرکوب کننده، خود را به شیوه های متعدد اعمال میکند:

1: سانسور قبلی، که براساس آن، تائید مامور سانسور از بازتولید و توزیع مطلب یا سند مورد نظر ضروری است.

2: سانسور بعد از انتشار و پیش از توزیع، که به موجب آن، محتوای یک روزنامه کتاب، قبل از توزیع آن، باید تائید شود.

3: سانسور بعد از توزیع، که بر مبنای آن نسخه های توزیع شده جمع آوری و ضبط میگردد.

4: دستور العمل های حکومت در باره شیوه ارایه برخی اخبار و مطالب.

1: انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، ناشر: انتشارات سمت، چاپ: سوم، سال: 1389، ص: 160
2: معتمد نژاد، کاظم، حقوق مطبوعات، ج: ۱ ناشر: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، چاپ: اول، سال چاپ: 1388، ص: 201
3- معتمد نژاد، کاظم، حقوق حرفه ای خبرنگاران، ج: ۱، ناشر: تهران دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، چاپ: اول، سال: 1386، ص: 209

5: تهیه فهرست متن ها یا موضوع های ممنوع

6: بازرسی پیام های ارسالی به وسیله نمایندگان خبری خارجی، پیش از مخابره و انتقال آنها.

7: تعطیل، ممنوعیت یا توقیف تاسیسات و تجهیزات مطبوعات یا رادیو و تلویزیون.

8: ممنوعیت، وقف و یا نابود کردن نشریات فیلم ها و یا مواد وارداتی دیگر.

9: تحریم آثار برخی مولفان و مصنفان یا ممنوعیت بعضی از دست نویس ها.¹

10: تدوین فهرست تدوین آثار ممنوع

11: اخراج افراد از سازمان های حرفه یی نویسنده گان و خبرنگاران و محروم کردن آنان از امکان انتشار آثار و گزارش ها.

قابل ذکر است، هرگاه در جامعه سانسور وجود داشته باشد، آزادی بیان مفهوم خود را از دست میدهد زیرا سانسور نفس سرکوب کننده و محدود کننده دارد و در آنجا مجال برای آزادی بیان دیده نمیشود. البته باید تفاوت میان محدودیت های مشروع از آزادی بیان و سانسور قایل شد. محدودیت های مشروع در واقع چارچوب و قلمرو آزادی بیان را ترسیم میکند که در آن چارچوب آزادی بیان رشد میکند و باعث تکامل آن میشود. اما سانسور محدودیت های غیر مشروع است که باعث عقب ماندگی و از بین رفتن آزادی بیان میشود. سانسور بخاطر حفظ منافع گروه حاکم اعمال میشود که نفع عمومی را به دنبال ندارد؛ اما در محدودیت های مشروع، حفظ حقوق دیگران و منافع عامه شامل است.

متأسفانه حکومت ها به بهانه اهداف مشروع (امنیت عامه، سلامت عامه و اخلاق عامه) میخواهند سانسور را اعمال نمایند که این وظیفه نهاد های حمایت کننده آزادی بیان و رسانه ها و حقوق دانان است که با در نظر داشت معیار های بین المللی، رفتار دولت های خویش را در زمینه تحلیل نمایند و سانسور را از محدودیت های مشروع تفکیک بدانند و در زمینه از میان بردن سانسور داد خواهی نمایند.²

در قانون رسانه های همه گانی افغانستان ماده 46؛ سانسور برای محوه و یا محدود نمودن آزادی بیان نیست، بلکه برای نشر و پخش موارد، آثار، مطالب و موضوعات ممنوع النشر است، برای جلو

1: حقوق مطبوعات، ص: 212

2- همان اثر، ص: 216

گیری از متضرر شدن عوام وضع شده است. معیارهای ذیل مطابقت به قانون رسانه های همه گانی افغانستان دارد.¹

مبحث دوم: حق فردی در قانون رسانه های همه گانی افغانستان

فرد دارای حقوق زیاد میباشد، که هم اسلام و قانون اساسی افغانستان حقوق مختص به فرد را وضع نموده اند، و قانون رسانه همگانی افغانستان همچنان برای افراد حقوق را در نظر گرفته است که آن عبارت از حق مطالبه مطالبه معلومات و یا حق دسترسی به اطلاعات میباشد.

منظور حق فردی همان حقی است، شخص به ،آن نظر به شرایط و حدود دسترسی پیدا میکند چون بعضی از حقوق قسمی است که میتوان به آن دسترسی پیدا کرد ولی تحت حدود وظوابط و بعضی از حقوق است که نمیتوان به آن دسترسی پیدا نموده. ممکن باعث ضرر فردی دیگر شود، قسمی که قبلا در مورد آزادی بیان بحث کردیم اسلام و قانون برای هر شخص آزادی همه چیز را داده است، ولی در محدودیت های مشروع آن، هرگاه در تعرض قرار بگیرد باعث باز پرس آن قرار میگیرد، یکی از آن حق مطالبه معلومات است، همچنان در ماده 50 قانون اساسی افغانستان به رسمیت شناخته شده است: (اتباع کشور حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا میباشد).² در قانون رسانه ها مفصلا بحث شده ابتدا مفهوم و اهمیت دسترسی به اطلاعات را مورد بحث قرار میدهیم بعدا در مورد این که چگونه میتوان به اطلاعات دسترسی پیدا کرد، به چی طرق، چگونه همین اطلاعات نظارت میشود و زمانیکه تخطی صورت بگیرد چی عواقب قانونی و شرعی دارد؟ آن را مورد بحث خواهیم گرفت.

مطلب اول: مطالبه معلومات در قانون رسانه های همه گانی افغانستان

ماده 5: هر شخص حق دارد، معلومات را طلب و دریافت نماید. دولت بنا بر تقاضای اتباع کشور، معلوماتی را که مطالبه می شود، فراهم مینماید، مگر اینکه معلومات مطالبه شده راز محرم بوده، افشای آن امنیت منافع ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر مواجه سازد و یا به حقوق دیگران صدمه وارد نماید.³

تحلیل: قانون گذار در ماده پنجم قانون رسانه ها حق طلب معلومات را تسجیل نموده است که بر اساس این ماده دولت مکلف گردیده است تا معلوماتی را که شهروندان افغانستان تقاضا می نمایند به اختیار آنان قرار بدهد، مگر اینکه معلومات مطالبه شده اسرار محرم دولتی بوده که افشای آن امنیت، منافع

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، کابل، انتشارات پرویز، چاپ اول، سال: 1384 هـ ش، ص: 57

2- وزارت عدلیه جریده رسمی (818) قانون اساسی افغانستان، ماده 50

3- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871) ماده (5).

ملی و تمامیت اراضی کشور را به مخاطره افکنده و یا بر اثر افشای آن معلومات به حقوق سایر افراد جامعه صدمه وارد شود.

ماده پنجم یکی از مواد خوب قانون رسانه های افغانستان است اما عدم موجودیت میکانیزم طلب معلومات از قوت آن می‌کاهد، در زمینه حصول معلومات باید ضمیمه وجود میداشت تا چگونگی معلومات و انتقال معلومات از طریق رسانه ها در آن معین و مشخص میشود.

در حال حاضر اگر یکی از مقامات بلند پایه دولتی از ارایه معلومات در یکی از موارد مشخص به رسانه ها خود داری ورزد امریست خلاف قانون، اما مجازات خاطی نه در قانون رسانه ها و نه در سایر قوانین مشخص گردیده است، همچنان در مورد معلومات مطالبه شده محرم که در بالا از آن ذکر به عمل آمد نیز چارچوب مشخص تصریح نگردیده است، این امکان وجود دارد که اخبار انتقادی از کارکرد های حکومت را آسیب رسانی به امنیت و منافع ملی توجع نمایند، چه آنرا تعبیر و تفسیر می نماید.

لذا باید گفت که در این زمینه ضمیمه لازم است تا میکانیزم طلب معلومات را مشخص نموده و هرگاه یکی از مقامات دولتی از ارایه معلومات ابا و ورزد باید توسط مرجع عدلی مطابق قانون مجازات گردد.

و همچنان اسرار محرم باید تعریف مشخص از خود را در قوانین داشته باشند که در آنصورت رسانه ها میتوانند تشخیص دهند که کدام یک مطالب و اخبار مخالف امنیت و منافع ملی و تمامیت ارضی کشور است تا از نشر آن خود داری صورت گیرد، این نکته مهم است که عدم ارایه معلومات از سوی دولت سلب حقوق شهروندی پنداشته شده و باید خاطیان این ماده قانون مجازات شوند.

آوردن حکم جزائی در این ماده بر دسترسی معلومات کمک نموده ارگان ها رجال دولتی خود را به عاریت آن مکلف خواهند دانست.

و در مورد مطالب و اخباریکه به حقوق سایر شهروندان آسیب میرساند باید اذعان کرد که نباید رسانه ها اقدام به نشر مواد رسانه ئی نمایند که بر حیثیت، ابرو، حریم خصوصی، منافع مالی و سیاسی سائر شهروندان لطمه و آسیب وارد نماید، زیرا که قانون اساسی و سائر قوانین، حقوق شهروندان افغانستان را مشخص نموده و صدمه رساندن به این حقوق را جرم پنداشته است، مگر اینکه مطالب و اخباریکه بازندگی عمومی شهروندان رابطه داشته و ارایه آن معلومات از نظر اصول خبرنگاری لازم ضروری انگاشته شود.

رسانه ها و خبرنگاران مکلف اند تا از جعل، تزویر، تحریف و تصرف در اخبار جدا خود داری ورزیده وصحت، عینیت و دقت را در اخبار خویش مد نظر داشته توازن و بی طرفی رسانه را حفظ نمایند.¹

قسمی که قبلا در ماده 5 قانون رسانه ها به شکل اجمالی بحث شد نظر به تقاضای موضوع می‌خواهم مفصلا حق دسترسی به اطلاعات را بیان نمایم، در ضمن چند موضوع.

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 13.

الف: مفهوم دسترسی به اطلاعات: حق دسترسی به اطلاعات عبارت است از قدرت و توانایی شهروندان به اطلاعات که نزد ادارت عامه وجود دارد.

ب: اهمیت حق دسترسی به اطلاعات: امروزه اکثریت کشور های جهان دارای قانون دسترسی به اطلاعات اند و تعداد زیادی از کشور ها در شرف دارا شدن این قانون اند. دلایل عمده مبنی بر اینکه چرا کشور ها به گونه سریع دارای قانون دسترسی به اطلاعات شدند را میتوان چنین برشمرد و اولاً: اینکه به میان آمدن نظام های دموکراتیک راه برای بسیاری از حق های بشری و اساسی باز نمود که حق دسترسی به اطلاعات شامل آن میشود.

ثانیاً: فشار نهاد های جامعه مدنی و جامعه بین المللی باعث ام گردید که کشورها صاحب قانون دسترسی به اطلاعات شوند.

ثالثاً: روند جهانی شدن که باعث تشدید روابط کشور شده است، دلیل دیگری برای تسریع روند قانونگذاری کشور ها در زمینه حق دسترسی به اطلاعات میباشد.

نهایتاً به اثر انقلاب تکنالوژی، تغیر بنیادی در رابطه با اطلاعات شده است و شهروندان می خواهند به اطلاعات زیادی دسترسی داشته باشند.¹

مطلب دوم: حق دسترسی به اطلاعات

آنچه در بالا مختصر تذکر گردید، دلایل برای تدوین قوانین دسترسی به اطلاعات بود. اینکه حق دسترسی به اطلاعات دارای چه اهمیتی است، آن را ذیلاً مورد مطالعه قرار میدهیم:

1: تقویت دموکراسی: اطلاعات برای دموکراسی از چندین لحاظ دارای اهمیت است.

اساساً دموکراسی یعنی توانایی افراد برای اشتراک موثرانه در اتخاذ تصمیمی که مربوط به سرنوشت شان است. اشتراک موثر در تصمیم وقتی صورت گرفته می تواند که شهروندان از اطلاعات و آگاهی کامل برخوردار باشند. بناء دموکراسی در جامعه ای رشد میکند که دارای شهروندان آگاه و مطلع باشند و حق دسترسی به اطلاعات در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردار است.

2: حساب دهی: شهروندان باید حق داشته باشند تا رفتار های رهبران دولتمردان خویش را مورد مذاقه و ارزیابی قرار دهند و این مهم وقتی بر آورده میشود که شهروندان دسترسی به اطلاعات داشته باشند.

3: رشد امور اقتصادی: دسترسی به اطلاعات برای رشد و موثریت امور اقتصادی از اهمیت خاص برخوردار است. با داشتن اطلاعات جامع و به روز یک شخص میتواند به دست سرمایه گذاری کند و پلان های اقتصادی مناسب را تهیه نماید. از جانب دیگر، آزادی اطلاعات، منصفانه بودن روند داوطلبی ها تضمین می نماید و افراد میتواند چرایی شکست شان را دریابند و در آینده با اطلاعات درست در داوطلبی ها اشتراک کنند.

4: احترام حقوق بشر: نقض حقوق بشر، عدم حاکمیت قانون و فساد در محیط سری نمو میکند. هرگاه یک دولت آزاد و از شفافیت کامل برخوردار باشد و اطلاعات از کارکرد های خود را در اختیار

1-حقوق رسانه های همگانی، ص 67

دیگران قرار دهد، بسیار کم اتفاق می افتد که دست به نقض جدی موارد حقوق بشری بزند و با در آن نهاد ها قانون شکنی ها فساد وجود داشته باشد.

5: مقصد شخصی: افراد عادی نیز رای برنامه ریزی امور اقتصادی، تجاری خود و معالجه صحی خویش نیاز به اطلاعات دارند. افرادی که عملی میکنند و درپوهنتون ها مصروف درس های لیسانس و ماستری اند، برای انجام پژوهش های عملی خویش، ایجاب می نماید که به اطلاعات دسترسی داشته باشند.

6: رسانه ها: حق دسترسی به اطلاعات با توجه به ماهیت و محتوای خاص خود، تاثیر شگرفی بر فعالیتهای رسانه یی به ویژه بر خبرنگاری دارد که برخی از این تاثیرات شامل فراهم کردن زمینه ژونالیزم تحقیقی کمک به کاهش خود سانسوری در رسانه ها، رشد لازم خبرنگاری شهروندی، و باعث تنوع و تکثر مطالب رسانه ها میشود.¹

مطلب سوم: اطلاعات قابل دسترسی و استثنائات آن

اصل افشای حد اکثر اطلاعات است و قانون دسترسی به اطلاعات باید به نفع افشای حداکثر اطلاعات تدوین گردد. اصل باید با اهداف که در قانون تذکر میگردد، تقویت گردد. همچنان اهداف مصرحه در قانون دسترسی به اطلاعات نه تنها با تذکر اینکه هدف این قانون دسترسی سریع و کم هزینه اطلاعات است؛ بلکه فراتر از آن تقویت حساب دهی، تشویق مشارکت مردم و مبارزه با فساد را نیز از اهداف اساسی خود قرار دهد.

از آنجائیکه اصل دسترسی به اطلاعات است، بناء در قدم نخست اطلاعات قالب دسترسی را مورد مطالعه قرار داده به تعقیب آن استثنائات حاکم بر حق دسترسی به اطلاعات مورد مطالعه قرار میگیرد.

1: اطلاعات قابل دسترس: از لحاظ دایره شمول اطلاعات، قانون دسترسی به اطلاعات باید همه اطلاعات را شامل شود قانون مزبور نه تنها دسترسی به اسناد را؛ بلکه اطلاعات را نیز حمایت نماید.

در بسیاری از کشور، به اساس قوانین دسترسی به اطلاعات، نهاد های دولتی مکلف اند تا اطلاعاتی در مورد ساختار تشکیلاتی، فعالیت های اداره مربوطه، فرامین، پالیسی ها و مقررات، بودیجه، تدارکات و برخی اطلاعات مهم و اساسی دیگر را به طور ابتکارانه به دسترس شهروندان قرار دهند. بناء اسنادی و اطلاعات که به طور کامل آماده دسترسی اند، ادارت مربوط مکلف اند با در نظر داشت استثنائات و قانونی آن در اختیار شهروندان و خبرنگاران قرار دهند.

در مورد اسناد در حال آماده سازی یا در حال تسوید، باید گفت که برخی از کشور ها آن را مشمول دسترسی به اطلاعات نداشته اند و دلیل آن ها جلوگیری از خارج شدن یاد داشت ها از زیر دست کارمندان ذیصلاح عنوان شده است.

اما برخی از کشور ها اسناد در حال آماده سازی را بااستثنائات خاص کاملاً از دسترسی خارج ننموده اند. این ها چنین استدلال میکنند که خارج نمودن اسناد در حال آماده سازی یا تسوید به بهانه حفظ

1- انصاری باقر، حقوق رسانه، ناشر: تهران سمت، چاپ: اول، سال: 1390، ص: 67

منافع در همه موارد صدق نمی کند، حتا در برخی موارد افشاء اسناد در حال آماده سازی ها به نفع عامه تمام میشود برخی موارد است که قبل از گرفتن تصمیم نهایی در مورد یک سند، باید برای بحث بیشتر در اختیار شهروندان قرار گیرد. از جانب دیگر، از تعریف اسناد تکمیل نشده، احتمال سوء تفسیر و استفاده میرود به گونه مثال، اسنادی که همواره در حال آماده سازی اند مانند: بانک اطلاعاتی، از رژیم دسترسی شهروندان خارج میشود.

همچنان باید گفت که به اساس های رژیم های سنتی به اطلاعات، ادارات فقط اطلاعات که در اختیار یا کنترل می داشتند، مکلف بودند به متقاضیان ارایه نمایند. امروزه برخی از قوانین و محاکم از این فراتر رفته اند و ادارات را مکلف می نمایند تا اطلاعاتی را جستجو نمایند که باید داشته باشند، اطلاعاتی که در اختیار دارند آن را تحلیل نموده و اطلاعات آماری را تولید نمایند و اطلاعات جدید را جمع آوری و یا تولید نمایند. به تعبیر دیگر ادارت مکلف اند که بر علاوه؛ اطلاعات که توسط آن اداره تولید شده است، اطلاعاتی که از دیگر نهاد ها دریافت نموده اند و یا قابل دریافت باشند، اختیار شهروندان قرار دهند.

بدین ملحوظ، میان کشورهای که رژیم اسناد محور دارند و کشور های پیرو رژیم اطلاعات محور، تفاوت وجود دارد.

قانون دسترسی به اطلاعات کشور نیز طوریکه در بالا یاد شد، با وجودی که مصادیق اطلاعات را به سیل مثال بیان ننموده است؛ از جانب دیگر در مورد اطلاعات در حال آماده سازی حکم مشخصی در آن دیده نمی شود اما تعریف جامع از اطلاعات ارائه است شامل نمونه و مودل نیز میشود.¹

2: اطلاعات غیر قابل دسترسی (استثنائات): : طوریکه در بالا متذکر گردید، اصل دسترسی به اطلاعات است. اما در برخی مواقع دیده میشود که بعضی اطلاعات در اختیار همگان قرار نمی گیرد که از آن می توان به حیث استثنائات یاد نمود. قانون اساسی کشور در ماده پنجاهم چنین گفته اند: (اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و عامه حدودی ندارد)² در ماده 50 خویش دو محدودیت برای حق دسترسی به اطلاعات قایل شده است که عبارت از 1: امنیت عامه 2: حقوق دیگران میباشد. قانون دسترسی به کشور به تاسی از ماده فوق الذکر اساسی، فقره 1 ماده (16) خویش اطلاعاتی را متذکر شده است که به شهروندان غیر قابل دسترس است و آنها شامل موارد ذیل میگردد:

- 1: در صورتی که استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و امنیت ملی را به خطر مواجه گرداند.
- 2: در صورتی که سبب قطع سبب روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی افغانستان با سایر کشورها گردد.
- 3: در صورتی که جان و مال به خطر مواجه گردد.
- 4: در صورتی که مانع کشف جرم یا مانع جلوگیری از ارتکاب جرم گردد.

1: همان اثر، ص: 69
2: قانون اساسی افغانستان ماده 50، ص: 22

5: در صورتی که روند کشف، تحقیق و تعقیب متهم یا اتخاذ تدابیر احتیاطی در این زمینه مختل سازد.

6: در صورتی که حریم خصوصی شخصی را نقض نماید.

7: و در صورتی که اطلاعات، مربوط موضوعات تجاری، ملکیت های شخصی و حساب بانکی بوده مگر اینکه در قوانین طور دیگر تشخیص شده باشد.¹

مطلب چهارم: ادارات ارایه کننده اطلاعات

به منظور اصل حداکثر باید تمامی ادارات و نهاد های عامه از قبیل قوای ثلاثه دولت (قوه اجرائیه، قوه مقننه، و قوه قضائیه)، ریاست های مستقل، کمیسیون های دولتی، و ادارت خصوصی که خدماتت عامه را که انجام میدهند، مکلف به ارایه اطلاعات شوند.

قوانین مترقی مدرن، ادارات ارایه دسترسی به اطلاعات را مشمول قوه اجرائیه، قوه مقننه و قضائیه شرکت های دولتی، نهاد های خصوصی که خدمات عامه را انجام میدهند و یا از طرف دولت تمویل میشوند نموده اند.

قوانین دسترسی به اطلاعات همه کشور ها تمام نهاد های قوه مجریه را مشمول ارایه اطلاعات نموده اند همچنان این کشور ها آن نهاد های قوه مجریه را شامل نیستند، در قوانین ومقررات خویش بیان نموده اند. در برخی از کشور ها نهاد استخباراتی کاملا یا قسما مستثنی شده اند، هر چند در قوانین جدید شامل نهاد های ارایه اطلاعات با در نظر داشت برخی ملحوظات امنیت ملی، شده اند.²

مطلب پنجم: شیوه های دسترسی به اطلاعات

در کل دو شیوه برای دسترسی به اطلاعات وجود دارد که عبارت اند از: ۱: شیوه کنشی، ۲: شیوه واکنشی

1: **شیوه کنشی:** شیوه کنشی یا ابتکاری، ادارت بدون درخواست، اطلاعات را از طریق نشست های عمومی، نشریه ها، و وب سایت ها دیگر رسانه ها در اختیار شهروندان قرار داده میشود.

2: **شیوه واکنشی:** در شیوه واکنشی، متقاضی اطلاعات جهت دسترسی به اطلاعات به ادارات مراجعه می نماید و ادارات تقاضا شده را در اختیار شان قرار میدهد.³

مطلب ششم: نظارت از حق دسترسی به اطلاعات

1- حقوق رسانه های همگانی، ص 72.

2- دوریو، امانوئل، حقوق رسانه ها، ترجمه: محمد ادیب، ناشر: انتشارات تهران، سال: 2014، ص: 71

3- حقوق رسانه های همگانی، ص 79.

به منظور نظارت و رسیدگی به شکایات شهروندان در پیوند با حق دسترسی به اطلاعات، تامین و نهادینه نمودن این حق در قوانین دسترسی به اطلاعات کشورها، نهادی پیش بینی شده است. چنانچه اگر نگاهی تطبیقی به قوانین دسترسی به اطلاعات کشورها انداخته شود، مدل های گوناگون از نهاد های ناظر برحق دسترسی به اطلاعات وجود دارد. به گونه مثال: در انگلستان، هنگری، اسکاتلند، کمیشنر اطلاعات پیش بینی شده است؛ در مکزیک، فرانسه و پرتغال کمیسیون اطلاعات وجود دارد؛ و سویدن، ناروی و زیلاند جدید، واسطه ها و یا نهاد های مشابه در نظر گرفته شده است.

در قانون دسترسی به اطلاعات کشور نیز نهادی به نام «کمیسیون دسترسی به اطلاعات» پیش بینی شده است که متشکل از 5 عضو میباشد.

اعضای کمیسیون توسط کمیته گزنیش که مرکب از اعضای دولتی و غیر دولتی است. این کمیته از جمله کاندیدان، 15 تن واجد شرایط را بعد ختم روند ختم رقابتی، در مدت ده روز کاری بعد از پایان مدت اعلان پذیرش به رئیس جمهور معرفی می نماید و رئیس جمهور از میان 15 تن 5 تن آنها از با نظرداشت تخصص و جنسیت برای دوره اول به حیث اعضای کمیسیون به ترتیب ذیل تعیین می نماید:

1: سه عضو برای دور اول

2: دو عضو برای مدت سه سال.

قابل ذکر است که اعضای بعدی برای مدت 5 سال تعیین میگردند.¹

به اساس ماده 19 قانون مزبور، هر عضو کمیسیون مرکزی و ولایتی باید واجد شرایط ذیل باشد:

1: داشتن تنها تابعیت افغانستان

2: اكمال سن 30 سالگی

3: داشتن حد اقل سند تحصیلی لیسانس

4: عدم محکومیت به حرمان از حقوق مدنی، جنایت و جرایم ضد بشری

5: داشتن 5 سال تجربه کاری

6: دارای شهرت نیک

7: عدم عضویت حزب سیاسی

8: عدم متصدی عهده های انتخابی یا انتصابی دولتی.²

اعضای کمیسیون با در نظرداشت حالات ذیل عضویت خویش را از دست میدهند:

1: استعفای کتبی بعد از منظوری رئیس جمهور

1- انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، ناشر: تهران سمت، چاپ سوم، سال: 1389 ص 83

2- همان اثر، ص: 83

- 2: مبتلا شدن به امراض صعب العلاج که مانع اجرای وظیفه وی گردد
 - 3: محکومیت به حبس تنفذی بیش از شش ماه
 - 4: ارایه معلومات نادرست برای دریافت عضویت
 - 5: تکمیل مدت کاری در کمیسیون
 - 6: عدم رعایت احکام قوانین، مقررہ ہا، لوایح و طرز العمل های مربوط کمیسیون.¹
- کمیسیون مذکور، برای نظارت از حق دسترسی به اطلاعات به اساس ماده 19 قانون مزبور دارای وظایف و صلاحیت های ذیل میباشد:**
- 1: نظارت از پروسه دسترسی متقاضیان به اطلاعات از ادارات و چگونگی ارایه آن
 - 2: بررسی شکایات متقاضیان
 - 3: مطالبه اسناد و مدارک از مراجع مسئول اطلاع رسانی ادارات در صورت ضرورت
 - 4: ارایه مشورہ های لازم به متقاضیان و ادارات
 - 5: ارزیابی گزارش مراجع مسئول اطلاع رسانی ادارات
 - 6: ارایه گزارش سالانہ فعالیت های کمیسیون به رئیس جمهور و شورای ملی و نشر آن
 - 7: تقویت فرهنگ اطلاع رسانی در کشور از طریق تدویر برنامه ها آموزشی
 - 8: بلند بردن آگاهی عامہ در مورد فعالیت های کمیسیون
 - 9: نشر تصامیم کمیسیون
 - 10: نظارت از چگونگی تطبیق احکام قانون دسترسی به اطلاعات
 - 11: تصویب لوایح و طرز العمل های مربوط
 - 12: وضع حداقل معیار در مورد چگونگی تنظیم اطلاعات از جانب ادارات
 - 13: انجام سایر وظایف مندرج در قانون دسترسی به اطلاعات.²

نظر به این که تماما موضوعات در بارہ دسترسی به اطلاعات ارایہ شد، ہم از لحاظ قانونی کہ در خود قانون رسانہ ها متذکر شدہ بودن و ہم از لحاظ حقوقی مورد بحث قرار گرفت، کہ تمام جوانب آن مورد بحث قرار گرفت، لذا اگر در ہمہ این قیود وضع شدہ، اگر کسی تخطی نماید و از اثر جاسوسی اطلاعات کہ محرم هستند فاش کنند چی عواقب را در پی خواهد داشت؟

کسانیکہ محرمانہ را از اثر تجسس افشاء می نماید، ہم از منظر اسلام و از منظر قانون مجرم شناختہ میشود، چون در اثر تجسس مطالب کہ حق نشر آن ممنوع است افشاء میکند باعث ضرر

1- همان اثر ، ص 83.

2- همان اثر ، ص 84.

شخص و ممکن اشخاص شود که نه قانون و اسلام اجازه افشاء چنین چیز را میدهد الی تا زمانیکه موضوع قضایی نباشد که به حلاصیت محکمه میتواند آنرا به شکل قانونی آن به نشر بسپارد و یا هم بدستری کسی قرار بدهد، قسمی که در ماده 6 قانون رسانه گفته شده: (خبرنگاران حق دارند از افشای منبع معلوماتی شان خود درای نمایند، مگر اینکه محکمه ذیصلاح در مورد افشای آن حکم نموده باشد) در غیر آن مطالب ممنوع النشر دسترسی به آن جایز نیست.

تجسس عملی است که هم الله از جمله منفور ترین عمل خوانده و هم بنده گان قانون گذارانش آنرا تحریم بوده است، دلایل زیادی برای ممنوع بودن تجسس آمده است که به صراحت تجسس منع شده است، قسمی که الله متعال فرموده است: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ}**¹.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها بپرهیزید، بی شک برخی از گمان ها گناه می باشند. و جاسوسی مکنید و برخی از شما برخی دیگر را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ به یقین که آن را ناپسند می دارید، و از خداوند پروا دارید، بی گمان خداوند توبه پذیر و مهربان است.²

نظر به آیت کریمه تجسس به الفاظ شدید منع شده است چون در تجسس نمودن ضرر اجتماعی و ضرر فردی نیز میباشد، که الله متعال آنرا منع قرار داده است، هرآنچه منع شده در آن حکمت است، و حکمت آن عبارت از همان منافع دوجانبه است هرگاه شخص عمل تجسس را انجام بدهد هم خود را و هم دیگران در معرض خطر قرار میدهد، افراد دیگر را در اثر تجسس خود را در جامعه بی اعتماد میکند؛ و همچنان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) با سخنان گهربار خود از انجام عمل تجسس منع نموده است: طوری که امام مسلم³ (رحمه الله) در صحیح خود روایت می کند: **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- قَالَ « إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا تَحَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَافَسُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا »**⁴.

ترجمه: (از گمان زدن خوداری کنید؛ زیرا که گمان زدن دروغ ترین سخن است؛ تجسس نکنید خبر چینی هم نکنید، باهم فخر فروشی نکنید، باهم هم حسد نوزید، باهم بینی نداشته باشید، از همدیگر روی نگردانید و بندگان خدای و باهم برادر باشید).

1- {الحجرات، آیه 12}.

2- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 3 ص 31.

3- امام مسلم 204-612 هـ مطابق 785-820)، نامش مسلم بن حجاج بن مسلم، قشیری، نیشاپوری، کنیه اش ابوالحسن که متولد نیشاپوری بوده و به حجاز، مصر، شام و عراق سفر داشته، از جمله امامان حافظ حدیث بود. مشهور ترین کتابش صحیح مسلم که حاوی 12000 حدیث بوده و در مدت 15 سال تالیف نموده است، یکی از صحیحین مورد اعتماد اهل سنت در حدیث که دارای شروح زیادی میباشد. همچنان المسند الکبیر مرتب بر رجال، الجامع علی الابواب، الکنی و الاسماء (مخطوط) در ظاهریه دمشق الافراد الودعان، الاقران، مشایخ الثوری، تسمیه شیوخ مالک و سفیان و شعبه، کتاب المخضرمین، کتاب اولاد الصحابه، اوهام المدحین، الطبقات، افراد الشامین، التمییز و العلل و غیره می باشد. الاعلام، ج 7 ص 221.

4- ابوالحسن مسلم بن الحجاج اقسیری النساپوری، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فواد عبد الباقی، بیروت، الناشر: دار الجیل، 10 جلد، رقم

الحدیث 2563.

در حدیث مبارکه و آیت کریمه قرآن پاک تجسس را به صراحت منع نموده اند و همچنان در اثر تجسس افشاگر را نیز منع نموده است، اسلام دین مکمل و خیر اندیش امت اسلامی است هرآنچه که به ضرر خود انسان و دیگران از طرف اسلام منع قرار داده شده است. و در خود قانون رسانه همه گانی افغانستان افشای هویت منع قرار داده شده است: (افشای هویت و پخش تصاویر قربانیان خشونت و تجاوز به نحوی که بحیث اجتماعی آنان صدمه وارد کند).

و همچنان مجازات برای افشاگری نیز در قانون وضع شده است؛ در صورتیکه مرتکب بدون قصد خیانت به وطن یکی از اسرار دولتی افشا نماید به حبس متوسط محکوم میگردد. هرگاه با قصد خیانت به وطن اسرار دولتی را افشاء نماید طبق ماده (1) قانون جرایم به حبس طویل محکوم میگردد¹.

مطلب هفتم: انتقال ملکیت رسانه ها

ملکیت همان حقی است شخص میتواند آنرا به کسی دیگر انتقال بدهد چی آن حق خانه باشد یا هم پول حتی میتواند گوشی موبایل باشد، هر آنچه در قید ملکیت شخص است آنرا میتواند بفروشد، هدیه بدهد و یا هم بعد از وفاتش به ورثه اش میراث برسد این حقوق را برای همه، هم اسلام و قانون جایز دانسته است. رسانه ها هم جز از ملکیت شخص است که میتواند آنرا به شخصی بدهد و یا هم آنرا بفروشد؛ در ماده 36 قانون رسانه های همگانی افغانستان انتقال ملکیت (هبه، میراث و بیع) مورد بحث قرار داده شده است که شرعا آنرا مختصرا مورد بحث قرار میدهیم قبل از آن ابتداء ملکیت را تعریف مختصر میکنیم:

الف: تعریف ملکیت: مالکیت (ملکیت) به رابطه گفته میشود که بین شخص با شی یا وسیله ای مادی (خانه، ماشین و...) وجود دارد. در صورتیکه شخص این رابطه را از راه مشروع درست بدست آورده باشد قانون آن را معتبر می شناسد و مورد حمایت قرار میدهد.

ملکیت عبارت از حقی است که به مقتضای آن شی تحت اراده و تسلط شخص قرار میگردد. و تنها مالک میتواند در حدود احکام قانون به استعمال بهره برداری و هر نوع تصرف مالکانه در آن بپردازد.²

1: انتقال ملکیت و امتیاز فعالیت (فروش، هبه و میراث) رسانه های همه گانی و مؤسسات مندرج ماده بیست و هفتم این قانون مجاز است.

2: حق امتیاز فعالیت به شخصی انتقال داده می شود که واجد شرایط مندرج این قانون باشد.

3: در صورت فروش و یا هبه نمودن ملکیت و یا حق امتیاز رسانه ها و مؤسسات ذکر شده به شخص دیگر، مراتب مندرج احکام این قانون دوباره تطبیق می گردد.

1- وزارت عدلیه، قانون جزا، ناشر: ریاست نشرات و ارتباط عامه، تاریخ نشر: 1396، ماده 240: ص 218.
2- وزارت عدلیه، قانون مدنی، جریده رسمی شماره (353)، کابل، مطبوعه صنعتی احمد، 1388 هـ.ش: ماده (1900).

4: در صورت وفات و یا از دست دادن اهلیت حقوقی صاحب امتیاز در مورد ملکیت های مادی، مطابق با احکام این قانون و قانون مدنی اجراءات می گردد. امتیاز ملکیت معنوی آن به شخصی که ورثه به وی توافق داشته و واجد شرایط احکام این قانون باشد انتقال می یابد.¹

تحلیل: طبق این قانون انتقال حق مالکیت را در سه حالت از قبیل فروش (بیع)، هبه و میراث پیش بینی نموده است و آنرا جایز شمرده است، که هر یک را مورد مطالعه قرار می دهیم

1: فروش (بیع): رسانه جمع از ملکیت مادی و معنوی است که در یک کلمه می توان از آن به عنوان ملکیت یاد نمود. طبق ماده 1035 قانون مدنی افغانستان عقد بیع عبارت است از تملیک مال از طرف بائع به مشتری در مقابل مالیکه ثمن مبیعه باشد. صاحب امتیاز همانطوریکه سایر املاک شخصی خویش را در معرض فروش قرار داده می تواند، همچنان می تواند رسانه شخصی خویش را به شخص دیگری به فروش برساند. قابل تذکر است که از لحاظ حقوقی صاحب امتیاز با در نظر داشت این قانون و سایر قوانین افغانستان، حق امتیاز خویش را صرف برای اتباع افغانی به فروش رسانده می تواند و به اتباع خارجی صلاحیت این فروش را طبق قانون ندارد. همچنان در مورد ملکیت مادی باید اذعان نمود که صاحب امتیاز ملکیت عقار رسانه خویش را به اتباع خارجی به فروش رسانیده نمیتواند صرف می تواند اموال منقول خویش را به فروش برساند. طبق این قانون در صورت فروش رسانه خویش با در نظر داشت مطالب فوق الذکر، شخصی که رسانه را خریده است باید شرایط صاحب امتیاز شدن را دارا باشد و همچنان پروسه اخذ جواز و یا ثبت را باید مجدداً برای نام خویش تطبیق نماید.²

در متن ماده قانون رسانه ها از بیع تعریف نموده اند ولی در مورد شروط و مشروعیت شرعی آن یاد آوری ننموده اند، بناء ضمن چند سطر آنرا مختصراً مورد شرح قرار میدهیم، اولاً مشروعیت شرعی آنرا مورد بحث قرار میدهیم بعداً در مورد شروط آنرا:

الف: مشروعیت بیع: مشروعیت بیع در قرآن و سنت رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) و اجماع امت ثابت شده است:

بیع جایز است به دلایل قرآن، سنت، و اجماع

۱: قرآن: الله سبحانه الله تعالی فرموده است: **{ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا... }**³.

ترجمه: درحالیکه خداوند خرید و فروش را حلال نموده و ربا را حرام کرده است.⁴

همچنان الله متعال فرموده است: **{ وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ... }**⁵.

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (36)

2- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 44.

3- {البقرة، آیه 275}.

4- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 1 ص 91.

5- {البقرة، آیه 282}.

ترجمه: و چون خرید و فروش کردید باید گواه بگیرید.

در جای دیگر فرموده است: **{إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ}**.¹

ترجمه: مگر اینکه تجارتي باشد که از رضایت شما سرچشمه بگیرد.²

۲: سنت: عن رفاعه بن رافع (رضی الله عنه)، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ سُئِلَ: **{أَيُّ الْكَسْبِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ وَكُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ}**.³

ترجمه: رفاعه بن رافع (رضی الله عنه) میگوید: از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) سوال شد: چی کسب و درآمدی حلال است؟ فرمود: (کاری فرد با دستان خود انجام میدهد؛ و هر تجارتي پاک (مورد تایید شریعت الله) باشد.)

۳: اجماع: اجماع مسلمین به این است که، بیع جواز دارد و حکمت در آن است حاجت انسان را رفع میکند انسان آنچه را که در دست دارد و صاحب شی است هیچ چیز را بدون عوض از دست نمیدهد.

و پس در مشروع بودن بیع یگانه دلیل و راه تحقق بدست آوردن و رفع حاجت میباشد، بخاطریکه انسان مدنی الطبع است که نمی تواند بدون تعاون و همکاری یک دیگر زندگی کند.

و بیع در اصل مباح است امام شافعی رحمه الله فرموده است: در اصل هر بیع مباح است که اگر در آن رضا جانبین باشد. که دلیل آن قول الله تعالی است: **{وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ}**.⁴

ب: بیع دارای شروط ذیل میباشد: شروط بیع از جمله مهم ترین بخش انعقاد بیع را تشکیل میدهد که بدون یکی از آن شروط بیع منعقد نمیشود بناء باید ضمن چند سطر مختصر بیان میکنیم چون در متن قانون رسانه های همگانی افغانستان از آن یاد آوری نشده است:

۱: شروط انعقاد: عبارت از آنست که شروط که برای تحقق اعتبار عقد منعقد میشود شرعا که باطل نباشد.⁵

۲: شروط عاقد: دارای دو شرط است:

الف: عاقد باید عاقل ممیز باشد، عقد بیع مجنون، صبی و غیر عاقل منعقد نمیشود.

1- {النساء، آیه 29}.

2- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 1 ص 163.

3- أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي البيهقي، السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي، الناشر: مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة في الهند ببلدة حيدر آباد، الطبعة: الطبعة: الأولى - 1344 هـ، رقم الحديث 10701. ابن حديث حسن است. ابن الملقن سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى: 804 هـ)، البدر المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير، المحقق: مصطفى أبو الغيط و عبدالله بن سليمان وياسر بن كمال، الناشر: دار الهجرة للنشر والتوزيع - الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى، 1425 هـ-2004 م، ج 6 ص 439.

4- محمد الخطيب الشربيني، مغني المحتاج، مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، بيروت، الناشر دار الفكر، ج 2 ص 2.

5- أبو الوليد سليمان بن خلف بن سعد بن أيوب بن وارث التجيبي القرطبي الباجي الأندلسي (المتوفى: 474 هـ)، المنتقى على الموطأ، الناشر: مطبعة السعادة - بجوار محافظة مصر، الطبعة: الأولى، 1332 هـ، ج 5 ص 55. أبو القاسم، محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الله، ابن جزي الكلبى الغرناطى (المتوفى: 741 هـ)، القوانين الفقهية، بيروت، دار الفكر، ص 274.

ب: عاقد متعدد باشد، بیع به واسطه وکیل از جانبین منعقد نمی شود مگر وصی پدر، قاضی و شخص فرستاده شده از جانبین برخلاف وکیل در عقد نکاح.¹

3: شروط نفاذ بیع: دارای دو شرط میباشد:

الف: ملک و یا ولایت میباشد

ب: در مبیع حق از بائع در آن عقد است.²

4: شروط صحت بیع: دارای دو نوع میباشد عام و خاص:

الف: شروط عامه: عبارت از آن است که ایجاب برای تحقق و اعتبار تمام انواع بیع که شرعا صحیح باشد.

شروط خاص: قبض در بیع منقولات میباشد.³

شروط لزوم بیع: شروط لزوم بیع بعد از شروط انعقاد و نفاذ بیع میاید، که مشروط به لزوم بیع باشد مثل خیارات.⁴

2: هبه: هبه عبارت از تملیک مال به شخص دیگری بدون عوض تعریف شده است. از لحاظ حقوقی در رابطه به فروش رسانه ها یک تفاوت عمده بین عقد بیع و عقد هبه درین است که در عقد بیع در بدل یک مقدار پول و یا چیزی دیگر که به آن توافق شده باشد صورت میگیرد اما در عقد هبه بلاعوض صورت میگیرد، یعنی عقد بیع غیر رایگان است و عقد هبه عقد رایگان می باشد. سایر شرایط که در رابطه به فروش وجود دارد در هبه نیز وجود داشته و در نظر گرفته می شود.⁵

قانون رسانه های همگانی افغانستان هبه را هم مانند بیع خوانده اند و تمام شروط آنرا قیاس به بیع نموده اند، پس بدین ملحوظ هبه که هم مانند بیع شد شرعا نیز جواز و حکم آن مستحب میباشد که ضمن چند سطر بطور خلاصه مشروعیت شرعی و شروط آنرا مورد بحث قرار میدهیم که مشروعیت قانونی آنرا قبلا متذکر شدیم:

الف: مشروعیت هبه: در رابطه به مشروعیت هبه آیات و احادیث مبارکه اندک نیست از جمع آن یک دو دلیل را مختصرا بیان کردیم:

۱: قرآن: الله متعال فرموده است: **{لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...}**⁶

1- همان اثر، ص: 274

2 - علاء الدین، أبو بکر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي (المتوفى: 587هـ)، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الثانية، 1406هـ - 1986م، ج 5 ص 133

3- ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي (المتوفى: 1252هـ)، رد المحتار على الدر المختار، الناشر: دار الفكر-بيروت، الطبعة: الثانية، 1412هـ - 1992م، ج 6 ص 4.

4 - همان اثر، ص: 4

5- تحليل بر قانون رسانه همگانی افغانستان، ص 36.

6- {آل عمران، آیه 92}.

ترجمه: به اوج نیکی دست نخواهید یافت مگر آن که از چیزهایی که دوست میدارید انفاق و بخشش کنید.

۲: سنت: از ابوهریره (رضی الله عنه) روایت است که رسول الله فرموده است: {هَادُوا تَحَابُوا}.¹
ترجمه: میان هم تحفه بدهید تا میان تان محبت بیاید.

ب: شروط هبه: شروط هبه دو چیز است شروط واهب و موهوب

۱: شروط واهب: یکی از شرط های واهب داشتن اهلیت تبرع، عقل، بلوغ همراه بارشد میباشد..

۲: شروط موهوب: دارای پنج شرط است:

۱: در وقت هبه موجود باشد

۲: مال متقوم² باشد

۳: مملوک در نفس اش باشد

۴: برای واهب مملوک باشد

۵: محرزا ای مفرزا باشد.

3: میراث: یکی از اسباب انتقال ملکیت فوت صاحب امتیاز³ است که تمام ملکیت و دارایی وی به ورثه وی انتقال می یابد. طبق این قانون هرگاه یک شخص وفات می نماید ملکیت مادی رسانه وی به ورثه وی به اساس پرنسیب های حقوق میراث تقسیم می گردد. اما در رابطه به ملکیت معنوی یعنی امتیاز رسانه که شخص متوفی داشته است به اساس توافق ورثه به یک شخص دیگری که دارای شرایط مندرج این قانون برای صاحب امتیاز شدن است، انتقال می نماید. قابل تذکر می باشد که شخصیکه امتیاز رسانه برای وی انتقال نموده است باید تمام پروسیجر اخذ جواز و ثبت را دو باره برای نام خودش طی نماید. در رابطه به از دست دادن اهلیت حقوقی یک شخص یعنی از دست دادن عقل و یا حالتی دیگر، ملکیت معنوی وی به ورثه انتقال نمی یابد زیرا در صورت از دست دادن اهلیت حقوقی، صرف اهلیت تصرف یک شخص زایل میگردد اما اهلیت تمتع یک شخص کما فی سابق پا برجا است، اما برای پیشبرد امور رسانه شخص دیگری بجای وی انتخاب شده می تواند. میشود گفت که در این ماده از لحاظ حقوقی، مشکل تخنیکی وجود دارد که در بند چهارم مورد از

¹- البخاری، محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغيرة أبو عبد الله (المتوفى: 256هـ)، الأدب المفرد بالتعليقات، حققه وقابله على أصوله: سمير بن أمين الزهيري، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1998 م، ج 1 ص 306 رقم الحديث 594. أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجَرْدِي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: 458هـ)، السنن الكبرى للبيهقي، المحقق: عبد المعطي أمين قلعي، دار النشر: جامعة الدراسات الإسلامية، كراتشي - باكستان، الطبعة: الأولى، 1410 هـ - 1989م، ج 6 ص 280 رقم الحديث: 2230. این حدیث را ابن حجر حسن دانسته و قابل استدلال است. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، التلخیص الحبير في تخريج أحاديث الرافي الكبير، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى 1419 هـ. 1989م، ج 3 ص 69.

2- به مال گفته میشود که قابل ذخیره باشد و شرعا مباح باشد.

3- کسی که اجازه چاپ و نشر روز نامه و نشریه به او داده میشود. فرهنگ عمید، ص: 277

دست دادن اهلیت حقوقی را یاد نموده است، اما آنرا با احکام حقوق میراث یکجا خلط نموده که اصل صراحت این قاعده حقوقی را مخدوش می سازد.¹

میراث نصف علم است، نظر به این اصطلاح معلومدار است که میراث یک علم خیلی وسیع و دامنه دار است که ما نمیتوانیم همه جوانب آنرا درج موضوع نمایم چون باعث خارج شدن از موضوع میشویم بناء با مورد این بحث را خاتمه میدهم که یکی دلایم مشروعیت آن از دیدگاه قرآن و سنت میباشد و دیگر آن شرایط آن میباشد:

الف: دلایل مشروعیت آن:

۱: قرآن: {وَأَنَا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ} ²

ترجمه: (و یقینا ما هستیم که زندگی می بخشیم و ما می میرانیم و ما وارث نعمت‌های روی زمین هستیم).

۲: سنت: عن ابی هریره قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وسلم) { تَعَلَّمُوا الْفَرَائِضَ فَإِنَّهُ مِنْ دِينِكُمْ وَإِنَّهُ نِصْفُ الْعِلْمِ وَإِنَّهُ أَوَّلُ عِلْمٍ يُنَزَّعُ مِنْ أُمَّتِي } ³

ترجمه: از ابو هریره (رضی الله عنه) روایت است رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرموده اند: {غلم فرائض (مسائل تقسیم ترکه را) بیاموزد؛ زیرا که این علم نصف علوم شرعی و نخستین علمی است که از میان امت برداشته میشود}.

ب: شرایط میراث: شرایط استحقاق میراث به سه شرط است:

۱: فوت مورث: به دو صورت است:

الف: فوت حقیقی است: وان عبارت از وفات است که به معاینه و یا شنیدن ویا به شهادت شهود در محضر قضاء ثابت شده باشد که در این حالت ملکیت میت به ورثه اش از تاریخ وفات انتقال میابد.

ب: فوت حکمی میباشد: و آن عبارت از وفات است که به حکم قاضی صورت گرفته باشد و این حکم احیانا با متقین بودن حیات مورث صورت میگیرد.⁴

۲: قرابت: مراد از قرابت در اینجا (میراث) قرابت حقیقی و یا ارتباطی است که زاده و ثمره ولادت باشد و آنرا رابطه نیز گویند.

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان ماه 36

2- {الحجر، آیه 23}.

3- ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن یزید القزويني (المتوفى: 273هـ)، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي، رقم الحديث 2719 این حدیث حسن لغیره است. البدر المنیر فی تخریج الأحادیث والأثار الواقعة فی الشرح الكبير، ج 7 ص 187.

4- عمر عبدالله، احکام الموارث فی الشریعة الاسلامیه، قاهره، ناشر: دارالمعارف، 1955م، ص 43.

3:3 ولاء: ولاء دو نوع است ولاء عتاق ولاء موالات

ولاء عتاق: عبارت از علاقه حکمی یا سببی است بین معتق (آزاد کننده) و معتق (آزاد شده) میباشد.

والاء موالات: عبارت از علاقه و ارتباط حکمی و یا سببی است که از پیمان دوستی بین دو نفر نشأت میکند.¹

فصل سوم

1- محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة السرخسي (المتوفى: 483هـ)، المبسوط، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1414هـ - 1993م، ج 30 ص 43.

رسانه ها در روشنی فقه اسلامی

مبحث اول: تاسیس رسانه ها

وسایل رسانه ها یگانه مصداق رسانه ها می‌تواند باشد چون بدون وسایل، رسانه بی معنی هستند که عبارت از همان رادیو، تلویزیون و روزنامه ها می‌باشند؛ در قانون رسانه همه گانی افغانستان دو نوع رسانه ها را نام برده اند، رسانه های چاپی (اخبار، روزنامه، مجله...) و رسانه های برقی (رادیو و تلویزیون) می‌باشد که قانون رسانه های همه گانی همه آن را متذکر شده است که کی ها می‌توانند در آن فعالیت داشته باشند، چی کسانی می‌توانند در آن سهیم باشند؟

محقق در این مبحث همچنان ابتدا قانون را مورد بحث قرار داده، بعدا جوانب شرعی آنرا با شریعت استناد و جوانب قانونی آنرا با مواد قانون؛ چون بحث ما بالای وسایل ژورنالیزم است ابتدا تعریف از وسایل میداشته باشیم.

وسایل ژورنالیزم وسایلی را گویند که در رساندن معلومات به دیگران از آن استفاده صورت می‌گیرد هنگامی که از وسایل ژورنالیزم سخن گفته میشود به فکر انسان رادیو، تلویزیون، جراید، مجلات و غیره مستقیما انعکاس میکند. در رابطه به وسایل قرار آتی بحث می‌گردد: وسایل جمع وسیله می‌باشد که از کلمه وسل گرفته شده است که به معنای نزدیکی می‌باشد، صاحب لسان العرب می‌گوید: (وسل فلان الی الله وسیله عمل عملا تقرب به الیه)

ترجمه: وقتیکه عمل را بخاطر نزدیکی الله متعال انجام داد.¹

ابن کثیر² رحمه الله در تفسیرش از ابن عباس³ (رضی الله عنه) روایت میکند که معنای وسیله قربت و نزدیکی می‌باشد و این معنی را از مجاهد، ابی وائل، حسن بصری، عبدالله بن کثیر (رضی الله عنهم) و غیره نقل نموده اند.⁴

ولی وسیله در اصطلاح ژورنالیزم بسیار عام بوده و به تمامی وسایلی اطلاق می‌گردد که مفهومی را برای مردم نقل نماید، البته اساس آن کلمه و سخن می‌باشد.⁵

وسایل ژورنالیزم به طور عموم دارای اقسام ذیل می‌باشد:

1- محمد بن مکرم بن منظور الافریقی المصری، لسان العرب، بیروت، دار صادر، الطبعة اول، ج 8 ص 4837-4838

2- ابن کثیر: إسماعیل بن عمر بن کثیر بن ضوء بن کثیر بن درع، قرشی، أموی، بصروي، شافعی، شیخ عماد الدین، معروف به ابن کثیر صاحب تفسیر القرآن العظیم و تاریخ البدایه و النهایه می باشد، در سال 701 هـ متولد گردید و در سال 774 هـ در دمشق وفات یافت. أبو بکر بن أحمد بن محمد بن عمر بن قاضی شهبه، طبقات الشافعیة - لابن قاضی شهبه، دار النشر: عالم الکتب - بیروت، الطبعة: الأولى، 1407 هـ، ج 3 ص 85.

3- ابن عباس، (3 ق 68 هـ مطابق 619-687)، نامش عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب القرشی الهاشمی، منیه اش ابو العباس به حیر امت ملفب بود. در عصر نبوت در مکه تولد و نشأت یافته و با پیامبر (صلی الله علیه وسلم) ملازمت داشته و احادیث صحیح از او (صلی الله علیه وسلم) روایت کرده است. در جنگ جمل و صفین اشتراک داشته است. اخیر عمر بینایی خویش را از دست داده و در طایق مسکن گزین شده که در همانجا چشم از جهان پوشیده است. و به تعداد ۱۶۶۰ را که صحیحین و غیر نقل شده، روایت کرده است. الاعلام، ج 3 ص 95.

4- أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی دمشقی (المتوفی: 774 هـ)، تفسیر القرآن العظیم، المحقق: محمود حسن، بیروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الطبعة الجديدة 1414 هـ/1994 م، ج 2 ص 67.

5- عاطف ابراهیم المتولی رفاعی، صور الاعلام الاسلامی فی القرآن الکریم، رساله ماستری، قسم التفسیر و علوم القرآن، الكلية العلوم الاسلامی، الجامعة المدینة العالمیة (مالزیة) (۱۴۳۲ هـ - ۲۰۱۱ م)، ص ۲۳.

1: وسایل طباعتی (اخبار و جراید)

2: وسایل سمعی (رادیو)

3: وسایل سمعی و بصری (تلویزیون، تیاتر، سینما)

4: وسایل سمعی، بصری، و طباعتی (کمپیوتر)

مطلب اول: تاسیس رسانه چاپی

قسمی که در رابطه به کلمه وسایل و اقسام رسانه ها به طور خلاصه پرداختیم، همان قسم در قانون رسانه ها در مورد چاپ خانه و تاسیس رسانه ها نیز متذکر شده اند که حق تاسیس را کی دارند، کی میتواند در تاسیسات یک کشور سهم باشند، آیا اتباع خارجی و افراد غیر مسلمان که در زیری بیرق یک کشور زندگی به سر میبرد میتواند در آن کشور فعالیت نماید در حقیقت اتباع یک کشور کی ها بوده میتوانند؟

در ابتدا قانون رسانه ها و بعدا به مسایل متذکره میپردازیم:

ماده 10: 1- اتباع کشور، احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی، موسسات غیر دولتی و پناه گزینان کشور های خارجی و ادارات دولتی میتواند مطابق احکام این قانون رسانه های چاپی را تاسیس کنند.¹

تحلیل: در بند اول ماده دهم به همه اتباع کشور، احزاب سیاسی، سازمان ها اجتماعی، موسسات غیر دولتی داخلی و پناه گزینان کشور های و ادارات و دولتی اجازه داده شده است تا مطابق این قانون به تاسیس رسانه های چاپی اقدام کنند. قانونگذار سعی نموده است تا محدودیت ها را در این راستا از سر راه کار رسانه پی بردارد.²

قسمیکه برای تاسیس رسانه های چاپی احزاب سیاسی، موسسات غیر دولتی، پناگزینان،... را قانون رسانه های همه گانی افغانستان مشروعیت قایل شده که آنها میتوانند در تاسیسات کشور سهم باشند.

و همچنان در قانون رسانه همه گانی افغانستان ذکر از اتباع، پناه گزینان خارجی شده است که میتوانند آنها در تاسیسات در افغانستان سهم باشند، قسمیکه در قانون رسانه ها برای این کار جواز داد شده است در قانون اساسی افغانستان در ماده 46 آن چنین ذکر گردیده است: (اتباع افغانستان میتوانند به اجازه دولت به تاسیس موسسات تعلیمات عالی، عمومی، اختصاصی و سواد آموزی اقدام کند)³

از این ماده متذکره معلوم میشود که قانون برای غیر از اتباع مطابق قانون اجازه داده اند، دولت جواز تاسیس را داده است چی این تاسیسات از مذاکر تعلیمی باشد و چی هم از دیگر ارگانها باشد، چون در متن قانون اساسی افغانستان تاسیس موسسات تعلیمی، عمومی و اختصاصی... این دلالت به تمام جوانب تاسیسات دارد.

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (10)

2- تحلیلی بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 19.

3- همان، ماده 45

وهمچنان در متن قانون رسانه از پناه‌گزینان نیز یاد شده، پناه‌گزینان که عبارت از همان ذمی‌ها هستند آیا آنها را میتوان اتباع یک کشور خواند یا خیر، آیا آنها در فعالیت کشور که مستقر هستند میتوانند آزاده فعالیت کنند و در پیشرفت آن کشور سهم‌باشند؟ بخاطریکه بهتر بدانیم که لفظ اتباع به کی‌ها بکارده میشود در ابتداء تعریف از اتباع میداشته باشیم:

الف: اتباع در لغت عبارت از:

الف: مصدر است به معنی پیروی کردن در پی رفتن و رسیدن به کسی است، اتباع در اصل به معنی پیروان که جمع آن (تبعه) به معنی شهروند¹.

اتباع عبارت از: تابع، تبع، پس‌روندگان، تابعین، پیروان.

ب: اتباع عبارت از: پیروی کردن، در پی رفتن، اطاعت کردن، (سیاسی) مردمیکه به لحاظ حقوقی در یک کشور زندگی میکنند تبعه است.²

نظربه معنی لغوی اتباع تعریف اصطلاحی آنرا چنین تعریف می‌نمایم که:

اتباع در اصطلاح عبارت از: کسانی هستند که میتواند از تمام حقوق یک کشور بهره‌مند شوند و در مقابل قانون برابر اند مگر در مواردی که وضعیت شخصی آنها مانند صغر، سن، محکومیت یا اکتسابی بودن تابعیت آنها محدودیتی در حقوقشان ایجاد کرده باشد.³

پس از تعریف ذیل معلوم میشود که ذمی‌ها هم اتباع کشور که پناهنده هستند و تابعیت کشور افغانستان را قبول نموده اند وزیر بیرق آن کشور زندگی میکنند آنها جز آن کشور شناخته میشوند. و همچنان در فقه اسلامی از جمله شروط عقد ذمه عبارت از همان عقد دایمی آن است بنابراین عقد موقت جواز ندارد.⁴

ذمی از تابعیت دارالاسلام برخوردار میگردد زیرا تابعیت دولت اسلامی تنها و تنها براساس ایمان و یا امان دادن است به مسلمان بودن شخص و یا به عهد و پیمان ذمت نه به چیز دیگری از این سبب می‌بینیم که فقهاء راجع به ذمی میگویند که او از اهل دارالاسلام است که به سبب عقد ذمیت از جمله اهل دارالاسلام گردیده و طوری که همه میدانند اهل دارالاسلام کسانی اند که تابعیت آن را داشته باشند.⁵

قاعده عمومی در حقوق و واجبات ذمی‌ها این که آنها در دارالاسلام مانند مسلمانان هستند البته با بعضی استثنائات حتی در بین فقهاء این سخن مشهور شده که میگویند همان حقوق و امتیازی که ما را است بر آنها نیز است و آثار و احادیث دیگر از قدیم در باره آنها وجود دارد، چنانچه از حضرت علی

1- فرهنگ فارسی عمید، ص 74.

2- فرهنگ دهخدا، ج 1 ص 156.

3- محمدی اسحق رحیمی، عبدالواحد فضل، حقوق بین الملل خصوصی، ناسر، سازمان سمت، سال چاپ: 1391، ص: 178
4- عبدالکریم زیدان، اسلام و روابط بین الملل، مترجم: نعمت الله شهرانی، کابل، ناشر: انتشارات خراسان، 1387 هـ، ص 207

5- بدائع الصنایع، ج 5 ص 281

(رضی الله عنه) روایت شده که فرموده اند: آنها به این خاطر عقد ذمت را پذیرفتند که اموال، جان و ناموس شان، مانند ما باشد یعنی تحت حفاظت و حمایت دولت قرار گیرد.¹

حقوق خصوصی آن مطابق این احکام این قانون خصوصی از روابط فیما بین افراد خودشان نشئت میکند برابر است که این روابط فامیلی باشد یا مالی و اقتصادی و ذمی که از مزایا و مفاد این حقوق استفاده میکند مطابق با آن میتواند که از طریق ازدواج خانواده تشکیل بدهد و از تمام حقوق فامیلی - احوال شخصی مانند: نفقه میراث و ملکیت فردی و... حقوق و امتیازات متمتع و برخوردار گردد چنانچه فقهای مسلمان در این باره مانند: حکم اموال ذمی ها مانند حکم اموال مسلمانان است. و ذمی در معاملات مانند مسلمانان است که او میتواند با آزادی مثل یک مسلمان کسب و کار را اختیار کند و از ثمره و نتیجه کسب و کار بخورد، بنوشد، بپوشد، و ذخیره کند، باز هم در این سدد فقهاء مگویند در معاملات مالی، تجارتي، خرید و فروش وسایر تصرفات اقتصادی ذمی مانند مسلمان است و در بین شان تفاوت وجود ندارد و در معامله سود نیز مانند مسلمانان هستند که نمی توانند سود خواری و معامله ربا انجام دهند.²

و همچنان در قانون اساسی افغانستان چنین استناد میشود که: (هر افغان بر اساس اهلیت بدون هیچگونه تعصب و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته میشوند).

پس از این لحاظ ذمی ها مانند مسلمانان یک کشور میتواند فعالیت در پیشرفت آن کشور اسلامی داشته باشد، مانند مسلمانان حقوق دارند مگر در چند چیز مانند مسلمانان بوده نمیتوانند، زکات، و جهاد.

2: نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان بارعایت موازین دیپلماتیک میتوانند به چاپ و نشر خبر نامه بپردازند.³

تحلیل: در بند دوم این ماده آمده است که نمایندگی های سیاسی خارجی در افغانستان با رعایت موازین دیپلماتیک میتواند به چاپ و نشر مجموعه خبری بپردازند و به این معنی که سفارت خانه های کشور های دیگر در افغانستان این حق را دارند که به نشر بولتن های خبری در مطابقت با نورم های موازین دیپلماتیک بپردازند.⁴

نظر به متن قانون رسانه همه گانی افغانستان که گفته شده: نمایندگان سیاسی و خارجی با رعایت موازین دیپلماتیک میتواند که در چاپ و نشر خبر بپردازد، قسمیکه در ماده قانون متذکر شدیم، بنابراین، این ماده قانونا جواز دارد ولیکن شرعا جواز میتواند داشت یا خیر؟

قانون اساسی افغانستان قانون است که برگرفته شده از اسلام است و هر گاه قانون برای مصالح جامعه افغانستان وضع میشود بیشک در آن نفع مردم جامعه افغانی است، قسمیکه در قانون وضع شده قانون رسانه همه گانی افغانستان متذکر شدیم که: (نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان بارعایت موازین دیپلماتیک میتوانند به چاپ و نشر خبر نامه بپردازند) اگر فعالیت نمایندگان سیاسی

1- همان، ج 7 ص 111

2- اسلام و روابط بین المللی، ص 216

3- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (10).

4- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 19.

باعث پیشرفت اقتصادی افغانستان میشود و منافع ملی افغانستان باشد از تجارب آنها برای مقاصد منافع ملی کشور و از برداشت مفکوره های آنها که باعث رشد اقتصاد کشور استفاده شود اشکالی وجود ندارد، چون انسان از تجارب یک دیگر یاد میگیرند و انسانها از مخلوقات مدنی الطبع هستند، میتوانند که از یک دیگر یاد بگیرند و از تجارب یکدیگر خود استفاده کنند، مگر تازمانیکه این همه موارد تضاد به دین اسلام نباشد نقض اصول دین اسلام نقض قانون افغانستان اساسی نباشد. چون رسانه ها یگانه مرجع هستند که بالای همه جامعه حاکم هستن و تقریباً هم گفته میتوانیم که یک الگوی برای مردم جامعه شده است پس در آنصورت باید بسیار دقیق باشیم تا جامعه افغانی که یک جامعه اسلامی است، باعث مبتذل شدن عقاید و دین مردم نشود وضع قانون برای منافع مردم میباشد حاکم هرآنچه را وضع میکند منافع ملی را در نظر گرفته تا رشد و پیشرفت دربر داشته باشد قسمیکه الله متعال میفرماید: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ...}**.¹

ترجمه: {ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا و پیامبر و از اولی الامر مسلمان اطاعت کنید}.²

و اگر ما از تجارب غیر مسلمانان استفاده کنیم اشکالی ندارد و تعداد از فقها آنرا جواز و تعداد آنرا جواز ندادند.

طوری که عبدالله هروی،³ در ترجمه سیرت رحیق المختوم می گوید: قسمیکه رسول الله(صلی الله علیه وسلم) در جنگ بدر زمانیکه اسیران در جنگ بدر اسیر گرفته بودند آنها در مقابل فدیة دوباره را میکرند، چون اهل مکه کسانی بودن خواندن و نوشتن را بلد بودن ولی اهل مدینه خواندن و نوشتن را بلد نبودن، پس رسول الله (صلی الله علیه و سلم) کسانی که توان پرداخت فدیة را داشتند فدیة می پرداختند و کسانی که توان پرداخت فدیة را نداشتن آنها را درمقابل یاد دادن ده نفر از اهل مدینه را که خواندن و نوشتن یاد بدهد را میکرند این فدیة او بود که در مقابل آموزگاری را میبرد.⁴

پس اگر استفاده از تجارب و آموزه غیر مسلمان جایز نمیبود رسول اکر (صلی الله علیه و سلم) آنرا انجام نمیداد، استفاده تا زمانی درست است که متضاد دین اسلام نباشد در آنصورت جواز ندارد.

3: نمایندگان موسسات بین المللی و بین الحکومتی میتوانند در ساحات کارشان با اطلاع قبلی وزارت ها و نهاد های مربوط به تحقیقات علمی ونشر وپخش نشرات موقوت⁵ و غیر موقوت بپردازد.⁶

تحلیل: در بند سوم این ماده قانون گذار حق داشتن رسانه های چاپی را به موسسات بین المللی و بین الحکومتی در داخل کشور داده است اما دو شرط در این ماده گذاشته شده است – اول اینکه باید

1- {النساء، آیه 59}.

²- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 1 ص 172.

³- عبدالله هروی، ابودریس فرزند مولوی سید(صمیم) در روز پنجشنبه ۵ میزان 1334 هـ ش در شهر هرات بنیاد آمده است. درسهامقدماتی خود را در مسجد نزد پدرش فرا گرفته و در سال 1334 شامل مدرسه شد، ودرسال 1355 وارد دانشکده(الهیات) گردید و راهی دیار هجرت شد و توانست در سالهای 1194- 1995 (سند ماستری علوم اسلامی از پوهنتون پنجاب لاهور بدست بیاورد. تاکنون بیش از 19 کتاب ورساله دارد به شمول ترجمه جدولی قرآن کریم بزبان فارسی، قرآن کر قرایم بزبان فارسی، ریاض الصالحین ترجمه فارسی از جله اثر آن میباشد. ناشر(سایت امت اتلین).

4- سیرت النبی (الرحیق المختوم)، 335.

5- موقوت: محدود اوقات معینه، فرهنگ دهخدا.

6- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی(871)، ماده (10) فقره (3).

نشرات مطابق ساحات کار شان باشد؛ دوم اینکه اجازه وزارت اطلاعات فرهنگ و با خود داشته باشد. این قید را که نشرات موقت باشد و یا غیر موقت نیز و فرهنگ دانسته شده است اما در نشر گزارش و تحقیقات علمی نمایندگی های یاد شده منوط به کسب اجازه اطلاعات و فرهنگ نمیشاند.¹

4: گزارش ها و تحقیقات علمی با اطلاع قبلی وزارت ها و نهاد های مربوط صورت بگیرد.²

تحلیل: در بند این ماده به موسسات غیر دولتی یا انجوها نیز اجازه داده شده است تا در ساحه کار تخصصی شان به نشرات پردازند اما کسب مجوز از وزارت اطلاعات و فرهنگ شرط میباشد.³

5: موسسات غیر دولتی خارجی (NGOS) که مطابق به احکام قانون تاسیس شده باشند در صورتی که مدیر مسول های آنها تبعه افغانستان میتوانند در ساحه کار تخصصی شان بعد از کسب اجازه وزارت اطلاعات و فرهنگ به نشر موقت و غیر موقت پردازند.⁴

مطلب دوم: تاسیس رسانه های برقی

رسانه های برقی یگانه و مروج ترین وسایل ژورنالیزم است که در عصر امروزی مورد کاربرد مزید افراد میباشد، و هم میتوان گفت وسیله اصلاح و افساد جامعه میتواند باشد؛ که در ابتدا بحث آنرا با قانون رسانه های همه گانی افغانستان بعدا به جوانب شرعی آن میپردازیم.

ماده 12: اتباع کشور، احزاب سیاسی سازمان های اجتماعی، موسسات غیر دولتی، و شرکت های خصوصی داخلی و ادارت دولتی میتوانند طبق احکام این قانون رسانه های برقی را تاسیس کنند.⁵

تحلیل: حق داشتن های برقی در برخی از کشورها در انحصار دولت بوده و شخصیت های حکمی حقیقی نمی توانند رسانه های برقی آزاد را تاسیس نمایند اما قانون رسانه های افغانستان این حق را به همه اتباع کشور تسجیل نموده و حتی برای سازمان ها و احزاب سیاسی هم این حق را داده است که رادیو و تلویزیون خویش را راه اندازی نمایند.⁶

اما تحت شرایطی که قبلا متذکر شدیم.

ماده 13: رادیو تلویزیون ملی افغانستان رسانه همه گانی متعلق به ملت افغانستان است که به حیث ریاست مستقل در چوکات قوه اجرائیه فعالیت و بودیجه آن از طریق حکومت، اعلانات و عرصه خدمات تامین میشود.⁷

شورای عالی ستره محکمه/ دادگاه عالی به اساس قرار قضایی شماره 1388/1/26 پراگراف دوم ماده سیزدهم را که که چنین گفته شده است: (تعیین رئیس رادیو و تلویزیون ملی از جانب رئیس

1- تحلیلی بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 20.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (10) فقره (4).

3- همان ماده (10) فقره (5).

4- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 22.

5- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (12)

6- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 23.

7- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (13)

جمهور با تائید ولسی جرگه (مجلس نمایندگان) صورت می‌گیرد، برخلاف قانون اساسی افغانستان تشخیص داده است.

تحلیل: رادیو تلویزیون ملی عبارت از دستگاه نشراتی است که متعلق به مردم کشور بوده و قانون گذار در این ماده تصریح کرده است که این دستگاه باید در زمینه عرضه خدمات رسانه‌یی به مردم، آزاد و مستقل عمل نماید.

در ماده سیزدهم صلاحیت عزل و نصب رئیس رادیو تلویزیون ملی به رئیس جمهور با تائید ولسی جرگه گذاشته شده است. قبل براین دستگاه نشراتی به صورت انحصاری در اختیار وزارت اطلاعات و فرهنگ بود و تا اکنون نیز با وجود صراحت قانون توشیح شده سال 1384 هجری خورشیدی و قانون رسانه‌ها نافذ، این دستگاه در اختیار وزارت اطلاعات فرهنگ قرار دارد.

اما قسمیکه قبلاً در متن قانون رسانه‌ها گفته شد: (تعیین رئیس رادیو تلویزیون ملی از طرف رئیس دولت برخلاف قانون اساسی افغانستان است) چرا؟

دلیل آن این است که رادیو تلویزیون ملی افغانستان مربوط ریاست جمهوری میشود یک ریاست است ولی حیثیت یک وزارت را دارد از این لحاظ بر خلاف قانون اساسی رئیس آنرا رئیس دولت انتخاب میکند.

اما قانون گذار برای اینکه در جمع رسانه‌های خصوصی جای یک رسانه خدمات عامه خالی نماند رادیو تلویزیون دولتی را ملی تسجیل کرده است.

رسانه‌های ملی فرق با رسانه‌های دولتی و خصوصی دارند، زیرا رسانه‌های یاد شده مطابق پالیسی خاص رسمی و تجاری عمل نموده فرصت نشر برنامه‌های فرهنگی، تاریخی و علمی متنوع را نمی‌داشته باشند.

اگر رادیو تلویزیون ملی فعالیت مستقل داشته باشد میتواند در عرصه‌های مختلف مصدر خدمات نیک به مردم کشور گردد.

در ماده سیزده مسئله تمویل تصریح گردیده به این معنی که این دستگاه ملی می‌تواند بودیجه لازم را از بودیجه حکومت، نشر اعلانات و عرضه خدمات رسانه‌یی بدست آورد.

مسئله تمویل یکی از دلایل مهم وابستگی رسانه‌ها محسوب میگردد. بادر نظر داشت میکانیزم قانونی رادیو تلویزیون ملی میتواند بدون وابستگی مطلق به اطلاعا رسانی آزادی و مستقل بپردازد.

همچنان چون تنها وابسته به اعلانات هم نیست لذا فرصت‌های خوبی خواهد داشت تا نشر برنامه‌های آموزشی و فرهنگی را که کمتر از سوی تمویل کنندگان خصوصی حمایت مالی می‌گردند تولید، تهیه و بنشر بسپارد.¹

ماده 14: موقعیت رادیو تلویزیون ملی: اداره مرکزی رادیو تلویزیون ملی در شهر قرار داشته و ادارات محلی آن در ولایات میباشند.²

1- تحلیلی بر قانون رسانه‌های همگانی افغانستان، ص 23.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه‌های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (14)

ماد 16: برنامه های دینی و ملی :

یگانه ماده قانون رسانه ها که مورد بررسی نظارت جدی قرار بگیرد همین برنامه های آن رسانه های برقی میباشد، که سرنوشت ساز میتواند باشد

اداره رادیو تلویزیون ملی با رعایت بی طرفی کامل در جهت تامین وحدت ملی و تقویت ارزش های دینی و ملی کشور، برنامه های خود را به گونه ای تنظیم کند که انعکاس دهنده فرهنگ، زبان و عقاید و مذهبی تمام اقوام ساکن در کشور باشد.¹

تحلیل: قانون گذار در این ماده برخی از مکلفیت های سیاسی رادیو تلویزیون ملی را تصریح نموده است که سایر رسانه های آزاد و خصوصی در این زمینه مکلفیت حقوقی ندارند.

رادیو تلویزیون ملی مکلف است که باید بر وحدت ملی سعی نموده و در جناح گیری های سیاسی در چهار چوب قانون اساسی بی طرفی کامل داشته باشد همچنان این رسانه ملی موظف است برنامه های خویش را طوری تهیه و تولید به نشر بسپارد که مبین فرهنگ، زبان، و عقاید دینی و مذهبی همه اقوام ساکنان کشور باشد زیرا رسانه های ملی متعلق به همه اقشار و اقوام کشور بوده باید این رسانه پاسخگوی نیاز های اساسی فرهنگی همه اقوام باشد و از جانب دیگر رسانه ملی باید طوری عمل کند که میان همه اقوام و ولایات کشور همبستگی و پیوستگی به وجود آمده و از این طریق همه مردم کشور باهم گره بخورند. تامین و تقویت وحدت ملی یکی از اهداف اساسی آن شمرده میشود. نباید هیچ قوم و زبانی در افغانستان از نعمت داشتن رسانه صوتی و تصویری (رادیو و تلویزیون) محروم گردانیده شوند.

رادیو تلویزیون ملی مجزا از رسانه های خصوصی و آزاد، دارای استراتژی فراگیر بوده و سعی میکند که مردم کشور در زمینه این احساس مالکیت نمایند چه با احساس مالکیت است که مردم می توانند در برنامه های این رسانه خویش را بیابند، همچنان رادیو تلویزیون ملی مکلف است که تا برنامه های دینی را تولید و نشر نماید که مبین اعتقادات مذهبی رایج در افغانستان باشد به این معنی که این رسانه مکلف است تا برنامه های مطابق دساتیر مذهب احناف و تشیع را تهیه و نشر نماید تا پیروان هر دو مذهب بتواند از این برنامه ها استفاده کنند و از جانب دیگر پخش و نشر این برنامه به اتحاد وحدت میان مذاهب یاد شده می نماید و این وحدت تقویت کننده وحدت ملی در سراسر کشور خواهد بود.²

اما قسمی که در ماده اول قانون رسانه همه گانی افغانستان چنین ذکر شده است: (این قانون با در نظر داشت اصول و احکام دین مبین اسلام و تاسی از حکم ماده سی چهارم قانون اساسی و رعایت ماده 19 اعلامیه جهانی حقوق بشر، به منظور تامین حق آزادی فکر و بیان و تنظیم فعالیت رسانه های همه گانی در کشور وضع گردیده است) و در ماده 16 قانون رسانه ها در مورد برنامه آن ذکر شده که قبلا در شرح آن متذکر شدیم هر دو ماده قرار متن آن این است باید همه برنامه و قانون آن

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (16)

2- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 23.

مطابق دین اسلام باشد ولی، در اهداف آن و بند سوم آن چنین ذکر شده: (ترویج و توسعه رسانه های همه گانی، آزاد، مستقل و کثرت گرا)

مراد از کثرت گرا عبارت از آن کثرت گرا دینی نیست منظور از کثرت گرا در قانون رسانه ها عبارت از این است که همه برنامه را رادیو و تلویزیون باید دربر داشته باشد، مثلاً: برنامه برای اطفال، برنامه برای جوانان، برنامه برای نوجوانان، کهن سالان، ورزشی، سیاسی، تفریحی، موسیقی.... همه چیز را دربر داشته باشد که چنین شده نمیتواند. در این مورد بحث کوتاهی میداشته باشیم:

تفریح: چنانکه دین اسلام برای تمام انسان ها هیچ حد مرز برای تنگی زندگی خلق نکرده که انسان را از همه چیز باز دارد اسلام دین آزادی و دین خوشی و دین ترقی است، مگر تا زمانیکه به ضرر خود شخص و به ضرر شخصی دیگری نباشد، مثلاً: الله متعال هیچ بنده خود را از تفریح نمودن منع نکرده است بلکه تفریح را برای تمام بندگان خود مباح دانسته است و برای ایشان جواز داده تا از برای رفع خستگی خود افعال را انجام بدهد که ذهن و روح آرامش پیدا کنند، مثلاً: ورزش، قدم زدن، هم نشینی.... مگر تا زمانیکه این سرگرمی ها منجر به تمام فساد نباشد.

همانطوریکه الله متعالی برای بندگان خود به خوبی ها دعوت میکنند، از بدی ها باز میدارد. همانطور که تفریح و سرگرمی را حلال را معرفی میکند، سرگرمی های حرام را نیز معرفی میکند و از نهی میکند:

{وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ} ¹

ترجمه: و زندگی دنیا سرگرمی و بازیچه ای بیش نیست و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است. آیا نمی فهمید؟! ²

البته باید توجه داشت که کلمه (لعب) به کاری گفته میشود که قصد صحیح در آن نباشد و لهو هم کاری است که آدم را از کاری مهم و یاد خدا غافل کند. سرم گرمی های که الله متعال آنرا حرام قرار داده است عبارت از قمار، شکار به قصد تفریح، کفتر بازی... ³

موسیقی: موسیقی و آوازخوانی از دیدگاه فقه اسلامی

قرآن: قرآن کریم این کتاب مقدس و آسمانی شامل آیاتی است که به اموری از قبیل احکام موسیقی و آوازخوانی به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم دلالت می نماید، و درباره این موضوعات در آن یاد آوری های صورت گرفته است که درین مبحث به بررسی این آیات متبرکه و اقوال مفسرین پیرامون آن می پردازیم:

الف: خداوند بزرگ در سوره الاسراء از نافرمانی شیطان خبر می دهد که چون وی را امر فرمود که آدم را سجده نماید، شیطان آدم را سجده نکرد و بدین سبب مطرود و ملعون دایمی گردید، بعد از این طرد شدن از روی کینه گفت: خدایا! اگر مرا مهلت دهی اولاد آدم را اغوا می نمایم! خداوند

1- {الانعام، آیه 32}.

²- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 1 ص 260.

³- أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: 671هـ)، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384هـ - 1964 م، ج 3 ص 334.

بزرگ برای شیطان فرموده است که: هرکس از بندگان را که در توان تست، با آوازت برانگیزان و از راه منحرف بگردان، و این کار به خاطر این است که در عمل ثابت شود، چه کسی در برابر مکر و حيله اش استقامت می کند و از وساوس او تخلف می ورزد و چه کسی اطاعت شیطان را لازم می گیرد.

ب: از مواردی که به عنوان دلیل بر منع از موسیقی مطرح است و دانشمندان بدان استدلال جسته اند آیه یی در سوره لقمان است که در آن با تعبیر «لهو الحدیث» به موضوعات مورد بحث پرداخته شده و کسانی که به مقصود گمراه ساختن و به انحراف کشاندن مردم از راه خدا به لهو و لعب و موسیقی دست زنند مورد نکوهش قرار گرفته اند، خداوند در این سوره لقمان فرموده است: **{وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ}**.¹

ترجمه: و برخی از مردم کسانی اند که لهو الحدیث (سخنان بیهوده) را می خرند تا مردم را از راه خدا بدون علم گمراه نمایند، و آن را به تمسخر بگیرند، این جماعت را عذاب خوار کننده ای است.

سنت نبوی: در کتاب های حدیث از پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه وسلم) احادیثی در مذمت آوازخوانی و موسیقی و نیز بر جواز و اباحت آن در مواضع و مکان های مخصوص روایت شده است همچنین روایاتی که از صحابه جلیل القدر و بزرگوار، درین رابطه منقول است، در بعضی مواضع بر منع موسیقی و آوازخوانی، و در برخی از جای های دیگر بر جواز آن دلالت دارد که اینک به بیان و بررسی آن می پردازیم.

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در یکی از احادیث، کسانی را که زناکاری، شراب و موسیقی را حلال می پندارند مورد مذمت قرار داده ایشان را به مسخ چهره های شان هشدار داده اند، امام بخاری این حدیث را از ابی مالک اشعری روایت نموده که آنحضرت (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: **{لَيَكُونَنَّ مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامٌ يَسْتَحِلُّونَ الْحَرَ وَالْحَرِيرَ وَالْخَمْرَ وَالْمَعَازِفَ، وَلَيُنزَلَنَّ أَقْوَامٌ إِلَيَّ مِنْ جَنبِ عِلْمٍ يَرُوحُ عَلَيْهِمْ بِسَارِحَةٍ لَهُمْ، يَأْتِيهِمْ [بِغَيْرِ الْفَقِيرِ] لِحَاجَةٍ فَيَقُولُونَ: ارْجِعْ إِلَيْنَا غَدًا. فَيَبِيئُهُمُ اللَّهُ وَيَضَعُ الْعِلْمَ، وَيَمْسُخُ آخِرِينَ قِرَدَةً وَخَنَازِيرَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ}**²

ترجمه: پس از من من گروهی می باشند که زناکاری و پوشیدن ابریشم، شراب نوشیدن و موسیقی را حلال می پندارند و گروهی به پهلوی کوهی بلند فرود می آیند که با گوسفندان خود شب گذرانند، کسی برای رفع نیازمندی به نزدشان می آید، برایش می گویند: فردا نزد ما بیا، پس خداوند ایشان را در شب هلاک می نماید و کوه را برایشان می نهد (تا کوفته شوند) و آن قوم و گروه دیگر را خداوند تا روز قیامت به شکل بوزینه ها و خوک های مسخ می نمایند.

حدیث دیگری درین باب مروی است که آنحضرت (صلی الله علیه وسلم) تعلیم و آموزش موسیقی و آوازخوانی برای کنیزان را نهی فرمودند و ناروا پنداشتند، و نیز بیان داشتند که شیطان موسیقی نواز را تا آنگاه که موسیقی بنوازد، همراهی می کند و تشویق می نماید. ترمذی این حدیث را از ایشان بدینگونه روایت نموده است که فرمودند: **{لَا تَحِلُّ تَعْلِيمُ الْمَغْنِيَاتِ وَلَا بَيْعُهُنَّ وَأَثْمَانُهُنَّ حَرَامٌ وَفِي مَثَلِ**

1- {لقمان، آیه 6}.

2- صحیح البخاری، ج 2 ص 837.

ذلك نزلت هذه الآية: {وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ}،¹ وما من رجل يرفع صوته بالغناء إلا بعث الله شيطانين أحدهما على هذا المنكب والآخر على هذا المنكب فلا يزالان تضربان بأرجلهما حتى يكون هو الذي يسكت».²

ترجمه: {تعلیم و آموزش موسیقی برای کنیزان و فروش کنیزان موسیقی نواز حلال نیست، و پول فروش شان حرام است، آیه: {وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ} در مثل این مسئله نازل شده است، هیچ مردی صدایش را با موسیقی بلند نمی‌کند، مگر این که خداوند دو شیطان را برمی‌انگیزاند یکی به یک شانه اش و دیگری بر شانه دیگریش و همیشه او را با پای های خود می زنند تا وی خاموش گردد}.

نظر امامان مذاهب، دانشمندان دینی و فقهاء درباره موسیقی و آوازخوانی

مسلم است که تمام ابراز نظرها و فتوهای امامان مذهب و دانشمندان براساس کتاب و سنت بوده و با توجه به این دو اصل عمده و معتبر صدور یافته است، لذا براساس احادیث متفاوت مدلولی که در باب موسیقی و آوازخوانی روایت شده است، و قبلاً از آن روایات یادآوری نمودیم، نظریات دانشمندان دینی و فقهاء نیز درین باره متفاوت به نظر می رسد، برخی از دانشمندان و ائمه حکم بر تحریم موسیقی و آوازخوانی را ابراز داشته برای منع از آن تشدید به عمل آوردند، به همینگونه از برخی از ایشان دو نوع روایت متفاوت یعنی روایت منع و تحریم و روایت جواز و اباحت نقل شده است که می توانیم بین این روایات فقط نظر به کیفیت و موقعیت انجام عمل، توافق برقرار سازیم.

براساس آنچه گفتیم متأخرین نیز در کتاب های فقه و فتوی نظریات متفاوت و گوناگونی ارائه داشته اند، برخی بر تحریم و منع موسیقی و آوازخوانی و برخی دیگر جواز و اباحت آن را فتوی داده اند که اینک به بررسی نظریات و دلایل این دانشمندان می پردازیم:

جمهور دانشمندان دینی آوازخوانی با موسیقی و بدون موسیقی را تحریم نموده و به آیه ششم از سوره لقمان که قبلاً در رابطه آیه مذکور و اقوال مفسرین درباره اش بحث نمودیم، استدلال جسته اند، و نیز به احادیثی که بر منع آوازخوانی و مذمت آن وارد شده مثل حدیث ابی مالک اشعری که آن را امام بخاری در صحیح خود روایت نموده تمسک ورزیدند، از امام ابوحنیفه روایت شده که سختگیرترین مردم در باب موسیقی و آوازخوانی بوده آن را از گناهان برمی شمرده است، و مذهب دیگر دانشمندان کوفه مثل ابراهیم، شعبی حماد، ثوری، و دیگران نیز همین نظریه بوده است و همه در تحریم آن اتفاق نظر داشته اند، دیگر یاران و شاگردان امام ابوحنیفه نیز به حرمت موسیقی و آوازخوانی رأی خود را ارائه داشته اند، چنانچه به این حدیث پیامبر (صلی الله علیه وسلم) استدلال جسته اند که: {اسْتِمَاعُ الْمَلَاهِي مَعْصِيَةٌ وَالْجُلُوسُ عَلَيْهَا فِسْقٌ وَالتَّلَدُّ بِهَا كُفْرٌ}³ از امام مالک درباره اهل مدینه که آوازخوانی را رخصت می شمردند سؤال شد، وی به جواب گفت: آوازخوانی و موسیقی

1- { لقمان، آیه 6}.

² - سلیمان بن أحمد بن أبوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: 360هـ)، مسند الشاميين، المحقق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1405 - 1984م، رقم الحديث 893. ابن حبيب صحيح است. جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: 762هـ)، تخریج الأحادیث والآثار الواقعة في تفسیر الکشاف للزمخشري، المحقق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد، الناشر: دار ابن خزيمة - الرياض، الطبعة: الأولى، 1414هـ، رقم الحديث 977.

3- وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، الموسوعة الفقهية الكويتية، الكويت، دارالسلاسل، عدد الأجزاء : 45 جزء، الطبعة الثانية،

من 1404 - 1427 هـ، ج 37 ص 175 الرد المحتار على الدر المختار، ج 5 ص 223

را در عقیده ما اشخاص فاسق انجام می‌دهند، وی ابراز داشته است که هرگاه کسی کنیزی را خریداری کند و بعداً آگاه شود که موسیقی نواز است، برایش جواز دارد آن را به عنوان این که معیوب است از طریق خیار عیب مسترد نماید، اما شافعی درباره موسیقی و آوازخوانی ابراز نظر نموده است که هرکه این عمل را انجام دهد مردود الشهاده بوده به بیخردی و ناجوانمردی نسبت داده می‌شود، این نظریه که موسیقی نواز شهادت وی قبول نمی‌شود همچنین در کتب فقه حنفی نیز ذکر شده است، به همین‌گونه اصحاب امام شافعی شنیدن آوازخوانی از زنان بیگانه را از محرمات پنداشته و ابو طیب طبری از امام شافعی نقل نموده که هرکه مردم را برای شنیدن آوازخوانی کنیز خود جمع و دعوت نماید، مردود الشهاده بوده و عملش دیاثت به حساب می‌آید.¹

به همین‌گونه از دیگر دانشمندان، تحریم و کراهت موسیقی و آوازخوانی روایت و نقل شده است قاسم بن محمد می‌گوید: «آوازخوانی و موسیقی عمل باطل است و باطل در آتش است» مکحول می‌گوید: هرکه کنیزی خریداری کند و آن را فقط جهت آوازخوانی خریداری نماید و نگاهش دارد، چون بمیرد بر وی نماز نخواهم خواند.

از ابراهیم نخعی نقل شده که وی گفته است: اصحاب ما سر کوچه‌ها را گرفته دف‌ها را پاره می‌نمودند طبری می‌گوید: علمای شهرها بر مکروهیت آوازخوانی و منع از آن اتفاق دارند، و از ابوالفرج نقل است که قفال، از یاران ما به این نظر است که شهادت آوازخوان و رقاص قبول نشود از فضل بن عیاض منقول است که فرموده است: غناء و موسیقی مقدمه برای زنا کاری است. همچنان از یزید بن ولید نقل شده که می‌گفت: خود را از موسیقی و خوش آوازی دور سازید، زیرا شرم و حیا را کم ساخته، شهوت را مزید می‌گرداند، جوانمردی را محو نموده، عمل و اثر شراب را در وجود به جا می‌گذارد، و اگر باز هم انجام می‌دادید، از مخالطت با زن‌ها بپرهیزید، زیرا موسیقی باعث به وجود آمدن زناکاری است.²

اما برخی دیگر از دانشمندان، از جمله اهل مدینه، بعضی از اهل ظواهر (آیات و احادیث) و گروهی از صوفیه، خوش آوازی را با آلات موسیقی روا دانسته اند ایشان در زمینه می‌گویند که: در آیات قرآن کریم و احادیث نبوی هیچ دلیل قطعی و صریحی بر تحریم و منع از آوازخوانی و موسیقی وجود ندارد، چنانچه ابن حزم که از طرفداران این نظریه است درباره آیه که در مذمت «لهو الحدیث» نازل شده است، ابراز نظر می‌نماید که نگاه لهو الحدیث مذموم است که به وسیله آن از راه خدا منع شود و باعث گمراهی مردم گردد. و این مدعا از فرمود: **{لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا}**.³ «تا بی [هیچ] دانش [مردم را] از راه خداوند گمراه سازد. و آن را به ریشخند گیرد» فهمیده می‌شود که آیه مذکور را ادامه اش متضمن آن است، بناء این آیه آن موسیقی را حرام می‌کند که بدان گمراهی مردم و استهزاء به دین و قرآن را اراده کرده باشد و در چنین صورتی شخص نوازنده کافر می‌گردد، و این گمراه‌سازی و استهزاء به دین و قرآن توسط هر عملی که انجام شود زشت است، چنانچه هرکه قرآنی را بخرد تا بدان از راه خدا منع نماید و به آن تمسخر کند، کافر می‌گردد، لذا این آیه به طور مطلق بر منع موسیقی دلالت ندارد.

1- عبدالله بن احمد بن محمود، کنز الدقائق، (پاکستان، دهلی، مکتبه رشیدیة) ص 291.

2- الغزالی، امام ابی حامد، احیاء العلوم الدین، ناشر: لجنة الثقافة الاسلامیة، سال: 1356ج: دوم، س: 286.

3- {لقمان، آیه 6}.

وی همچنان احادیثی را که بر تحریم موسیقی دلالت می نماید، قبول نداشته موضوع می داند، چنانچه حتی حدیث ابی مالک اشعری یا ابی عامر را که امام بخاری روایت نموده است در بین بخاری و هشام منقطع می داند، اما حافظ ابن حجر عسقلانی در فتح الباری شرح صحیح بخاری، نظر ابن حزم را رد نموده می گوید که: ابن حزم درباره دعوی انقطاع در اسناد این حدیث خطا کرده است، حدیث مذکور صحیح بوده، معروف الاتصال به شرط صحیح است.¹

به همینگونه کسانی که موسیقی را روا می دانند، احادیث منع کننده را حمل بر آن موسیقی می نمایند که با آشامیدن شراب همراه باشد، چنانچه در برخی از روایات الفاظ حدیث بر این امر دلالت می کند.

اما کسانی که به تحریم موسیقی قایل اند، این تأویل را منع کرده می گویند که: اقتران موسیقی با آشامیدن شراب در احادیث بر حرمت آن به طور اقتران و جواز آن بدون اقتران، دلالت نمی کند، زیرا اگر چنین بودی، باید فعل زناکاری هم که به طور اقتران با شرب خمر از آن ذکر به عمل آمده، به تنهایی بدون آشامیدن شراب و استعمال آلات موسیقی حرام نمی بود، در حالی که چنین نیست و حرام می باشد.

همچنان کسانی که موسیقی و آوازخوانی را مباح می پندارند به حدیث ابن عمر و نافع چنین استدلال می نمایند که ابن عمر برای نافع اجازه شنیدن آواز نی را داد و نیز پیامبر (صلی الله علیه وسلم) برای ابن عمر اجازه دادند آواز نی را بشنود و این اجازه دادن ها دلیل اباحت است.

امام شوکانی: بعد از ذکر و یاد آوری مفصل دلایل منع کنندگان موسیقی و آوازخوانی و مباح دانندگان آن، ابراز نظر می نماید که با ملاحظه دقیق دلایل هردو گروه، این موضوع بر شخص پوشیده نخواهد ماند که هرگاه موضوع مورد نزاع در بین دو گروه از دانشمندان، از دائره حرمت، بیرون گردد، از دائره شبهات بیرون نخواهد شد، و مؤمنان کامل در برابر امور مشتبه می ایستند و از ورود در آن امتناع می ورزند، چنانچه در حدیث صحیح آمده است: «ومن ترکها فقد استبرأ لعرضه ودینه» این کراهیت موسیقی و دخول آن در امور مشتبه به خصوص وقتی بیشتر محسوس است که مشتمل با اموری از قبیل ذکر خال و خد و جمال و قد و وصل و فراق و امثال این ها باشد و اما در قسمت آوازخوانی در مواضع و مواقعی مثل محافل اعلان نکاح، عروسی، ختنه نمودن اطفال، ایام عید، هنگام قدوم دوستان از سفر، هنگام جهاد و مبارزه در برابر کفار و... عموم دانشمندان، انعطاف نشان داده اند و با توجه به احادیثی که درین رابطه ها آمده است بر اباحت و استحباب آن ابراز نظر نموده اند این در صورتیست که خوش آوازی و موسیقی از امور محرمة دیگر مثل شراب نوشی، اختلاط زن و مرد، به دور بوده و ابیات خوانده شده از فحش و سخنان شهوت انگیز و امثال این ها خالی باشد.²

قسمیکه در مورد حرمت غناء بحث شد، چرا غنا به زناکاری نزدیک ساختن، فلسفه آن این است که هر آن چیز را انسان میشوند ذهن آنرا ترجمه میکند مثلاً: سیب میگویم ذهن شکل سیب را در ذهن ما ظاهر میکند، همان طور زمان در غنا تعریفی از مو، قد، قیافه کسی میگوید ذهن آنرا ترجمه میکند

1- عفانه، حسام الدین، احکام الموسیقی والغناء، سال چاپ، 2005-1426م-ه، ص 78
2- فضل الرحمن فقیهی، هنر از دیدگاه فقه اسلامی، ناشر: کتابخانه دیجیتالی، نوبت انتشار اول (دیجیتال) تاریخ انتشار، 1394 ش، 1436 هـ. عقیده، ص 73.

همین است که انسان آنرا مجسم کرده شخصی را مثل جستجو میکند. اما از لحاظ این که به شکل مذکوره موسیقی باشد حرام است، اما برای محافل خوشی و غیر دیگر مراسم از ترانه ها که مبتذل نباشد مباح است.

مطلب سوم: حق تاسیس

ماده ۲۷: اتباع کشور، احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی، شرکت ها و موسسات غیر دولتی داخلی و خارجی و اداره های دولتی حق دارند مطابق احکام این قانون چاپ خانه، موسسات تولید فلم، نشراتی آموزش ژورنالیزم، دارالترجمه، اژانس خبر رسانی، شرکت های تبلیغاتی و اعلانات را تاسیس کنند.¹

تحلیل:

دولت معمولاً آن خدمات عمومی را به عهده میگیرد که انجام آن از توان شهروندان یک کشور خارج بوده، نمی توانند آنرا انجام دهند مانند تامین امنیت. و یا خدماتی در باره که دارای تقاضای بلند نمی باشد و شهروندان به آن دلچسپی نشان دهند تا آنرا ارائه بدارند که در این صورت دولت دست به کار میشود و آنرا انجام میدهد.

اما بعضی از خدمات عمومی است که از عهده شهروندان می برآید و آنها میتوانند آنرا به تنهایی و یا به صورت دسته جمعی انجام دهند. آنچه در ماده فوق الذکر به عنوان حقوق شهروندان به حساب میاید عبارت از ارایه آن نوع خدماتی است که مطابق توان شهروندان میباشد. این حقوق طوریکه در ماده فوق الذکر از آن تذکر به عمل آمده عبارت از تاسیس مطابع (چاپ خانه ها) موسسات نشراتی تولید فلم، مدرسه های آموزشی ژورنالیزم، دارالترجمه اژانس خبر رسانی، شرکت های تبلیغاتی و اعلانات.

آنچه به عنوان نکته مثبت درین ماده درج گردیده عبارت از قایل شدن این برای اتباع داخلی و خارجی بدون استثنا و با در نظر داشت اصل تساوی است.

اتباع کشور برای این در فعالیت ها سهیم هستند، چون آنها برای وطن خود فعالیت ها تاسیسی را انجام میدهند، تا که کشور مترقی شده و در رشد و پیشرفت کشور بکوشند چون آنها در قبال کشور خود احساس مسوولیت میداشته باشند، سوال اینجا است در فعالیت داخلی و پیشرفت و مترقی یک کشور اتباع خارجی چگونه میتواند سهم مساویانه داشته باشد آیا جواز دارد؟ اگر دارد تحت چی شرایط؟

جواب: تمام اتباع خارجی و یا سیاسی که در لایحه قانون اساسی افغانستان و قانون مربوط حق چاپ و نشر هر گونه ایجاد سازمان های خبری و غیر خبری را ندارند. مگر اینکه با تائید و مجوز دولت افغانستان بوده باشد. هیچ محدودیتی وجود ندارد برای نماینده گان سیاسی خارجی، البته قانون گذار محدودیت تعریف نکرده، پس نمایندگان سیاسی و یا خارجی حق چاپ. نشر هر گونه خبر را دارند.

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (27)

و همچنان در قانون اساسی افغانستان ماده 46 چنین گفت است که: (دولت میتواند تاسیس موسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد).¹ شرایط شمول در موسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط با آن، توسط قانون تنظیم میگردد.

قانون اساسی و قانون رسانه ها حق تاسیس را برای افراد خارجی دادند ولی شرایط آنرا متذکر نشده اند، و قسمیکه در متن قانون رسانه ها ذکر گردیده اند مساویانه سهم هستند، اگر برای افغانها کار را انجام بدهند، جواز دارد اما سهم مساویانه جواز ندارد.²

مطلب چهارم: جواز فعالیت

ماده 28: اتباع کشور، احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی، شرکت ها و موسسات غیر دولتی داخلی و خارجی که موسسات مندرج ماده بیست و هفتم ای قانون را تاسیس میکنند مکلف هستند تا جواز فعالیت آن را از وزارت اطلاعات و فرهنگ دریافت کنند.³

تحلیل: قانونگذار برای تنظیم بهتر امور دفتر داری و وقایه از مشکلات از قبیل تاسیس نمودن دو موسسه و یا دو مطبوعه تحت یک نام و همچنان داشتن احصائیه دقیق از موسسات مذکور و داشتن معلومات جامع برای سیاست های مالی دولت، این موسسات را مکلف نموده است تا از وزارت اطلاعات فرهنگ جواز فعالیت اخذ نمایند.⁴

مبحث دوم: حق تهیه فلم به اتباع خارجی

فلم، سینما، تیاتر.... اینها تماما از جمله وسایل هستند که توسط اینها در رسانه ها همه چیز به نمایش گذاشته میشود یعنی میتوان گفت منبع اصلی و اساسی بخش رسانه برقی را تشکیل میدهند، که توسط آن میتوانند حقایق را بیان نمایند و همچنان تصاویر را به نمایش بگذارند و امثال هم. در این بحث تمثیل را به شکل مفصلا بیان میداریم چون بخش اصلی و اساسی رسانه ها را تشکیل میدهد. ابتدا ماده های قانون را متذکر میشویم بعدا به بحث مفصل تمثیل میپردازیم:

ماده 49: اتباع خارجی می توانند فلم های مستند و سینمایی را در کشور تهیه و تولید نمایند، مشروط بر اینکه معرفی نامه از وزارت امور خارجه و اجازه قبلی وزارت اطلاعات و فرهنگ را اخذ نموده باشند.⁵

1- وزارت عدلیه، قانون اساسی افغانستان، جریده رسمی (818)، کابل، ناشر: مطبوعه صنعتی احمد، چاپ اول، 1388 هـ.ش ص: 20

2- تحلیلی بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 24.

3- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (28)

4- تحلیلی بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 25.

5- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (49)

تحلیل: طبق ماده بیست و هفتم این قانون، اتباع خارجی می توانند موسسات تولید فلم را تاسیس نمایند بناً می توانند فلم های مستند و سینمایی را در کشور تهیه و تولید نمایند مشروط بر اینکه معرفی نامه از وزارت امور خارجه و اجازه قبلی وزرات اطلاعات و فرهنگ را اخذ نمایند، زیرا درین رابطه قانونگذار خواسته از احتیاط کار بگیرد و با در نظر داشت مصلحت ملی، برای اتباع خارجی این پروسه را قابل است. همچنان دولت مکلف است تا امنیت اتباع داخلی و خارجی را تامین نماید بناً باید برای اتخاذ تدابیر بهتر امنیتی دولت باید ارگان های فوق الذکر را در جریان قرار دهد.¹

ماده 51: 1- نمایندگی های آژانس ها و رسانه های همه گانی خارجی که قصد فعالیت در داخل افغانستان را دارند مکلف اند با اخذ معرفی نامه از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، وزارت اطلاعات و فرهنگ را کتباً از کشور مربوطه و نوع فعالیت، مدت فعالیت و محل آن مطلع ساخته و کارت مخصوص خبرنگاری دریافت نمایند.

2: آژانس ها و رسانه های مندرج فقره (1) این ماده مکلف به رعایت حکم ماده چهل و پنجم این قانون می باشند²

تحلیل: همانطوریکه در رابطه به اتباع خارجی در ماده چهل و هشتم بیان گردید که برای تهیه و تولید فلم سینمایی باید ارگان مربوطه را در جریان قرار بدهند، به همین قسم نمایندگی های آژانس ها و رسانه های همه گانی خارجی در افغانستان حق فعالیت را دارند اما مشروط بر اینکه یک سلسله پروسه های اداری را طی نمایند. طبق این قانون اتباع خارجی حق تاسیس رسانه های همه گانی را ندارند اما نمایندگی رسانه های همه گانی خارجی می تواند در افغانستان فعالیت نماید. فرق عمده بین پروسه اداری برای نمایندگی های آژانس ها و رسانه های همه گانی خارجی و موسسات تولید فلم توسط اتباع خارجی قرار ذیل می باشد.

• موسسات تولید فلم توسط اتباع خارجی برای تهیه و تولید فلم باید قبلاً اجازه را از وزارت اطلاعات و فرهنگ اخذ نمایند. اما نمایندگی های آژانس ها و رسانه های همه گانی خارجی صرف وزارت اطلاعات و فرهنگ را مطلع می سازند.

• نمایندگی های رسانه های همه گانی خارجی باید برای ارگان های فوق الذکر از نوع فعالیت، مدت فعالیت و محل آن معلومات ارایه نموده و کارت مخصوص خبرنگاری را دریافت نمایند، اما موسسات تولید فلم خارجی ضرورت به ارایه این معلومات طبق این قانون را نداشته و ضرورت به اخذ کارت مخصوص نمی باشند. نمایندگی آژانس ها و رسانه های همه گانی خارجی مکلف به رعایت تمامی قوانین افغانستان در عرصه کاری خویش و دیگر امور می باشند. آنچه در بند دوم این ماده تذکر یافت عبارت از رعایت مفاد ماده چهل و پنجم این قانون میباشد، زیرا این ماده دارای مطالب است که نشر آن ممنوع بوده و بار جزائی دارد³. بحث فقهی و قانونی آن قبلاً در ماده 10 قانون رسانه همه گانی بحث شده است.

قسمیکه در ماده 49 قانون رسانه های همه گانی افغانستان آمده است، زمانیکه افراد خارجی در افغانستان برای تهیه فلم میبایند باید اجازه وزرات امور خارجه و وزرات اطلاعات فرهنگ را داشته

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 58.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (51)

3- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (51)

باشند، بنابر این ابتداء باید تمام سوژه ها و فلم نامه های آنها بررسی شود که برای چی نوع فلم اقدام کرده اند؟

افراد بیگانه زمانیکه در داخل یک کشور میاید برای سرمایه گذاری و یا هم تهیه چیزی از ابتدا اهداف واضح داشته باشند و اهداف شان باشد بررسی شود، اگر اهداف شان استفاده از مناظر و تصویر برداری از محل یا ولایت یا هم یک قسمت از شهرها است، مانعی وجود ندارد در آن صورت میتوان برای انجام کارشان اجازه داد، باید بدانیم که فعالیت افراد بیگانه در کشور معایب و مزایای خود را دارا میباشد.

مزایا:

1: زمانیکه آنها برای تهیه فلم ویا مستند میاینند، فلم را تهیه میکنند به یک محل بود باش ضرورت دارند، طبعاً از یک محل را به کرایه میگیرند.

2: به افراد ضرورت میداشته باشند، توسط آن تعداد از افراد که روز مزد هستند میتوانند که آنها را به کار گماشته و آنها را از بیکار دور بسازند.

3: پول که آنها برای مردم میدهند، و پول که در تهیه فلم در افغانستان به مصرف میرسانند، این خودش به دوران انداختن پول است که این همه در بودیجه دولت ذخیره میشود.

4: آموختن تهیه فلم برای نشر و پخش مطالب های مفید برای جامعه.

معایب:

1: در معایب این فلم ممکن که ترویج فرهنگ بیگانه و یا هم میتوان گفت افراد که با آنها هستند از افکار و فرهنگ آنها متأثر شوند.

2: و ممکن افلام که آنها میسازند باعث ترویج فحشاء در بین مردم و یا محله شود، و یا میتوان گفت که اثرگذار بالای تمام مردم جامعه باشد.

3: ممکن سبب ترویج بی حجابی، بی حیایی، که افراد آنها برداشت کرده و خود شان آنها در زندگی روزمره خود عمل ویا هم در فلم های سینمایی افغانستان استفاده کنند.

4: دولت باید برای عدم ترویج فحشاء کوشا باش و راه های برای جلوگیری آن بسنجد؛ آنچه که باعث از بین سلامتی روحی و روانی اطفال و نوجوانان میشود را قانون رسانه ها در ماده 46 ممنوع قرار داده است (آثار و مطالبی که به امنیت روانی اخلاقی افراد جامعه ویژه اطفال و نوجوانان آسیب میرسانند) و زمانیکه فلم تهیه میکنند و یا ما فلم را تهیه میکنیم باید تحت چی شرایط باشد که مفصلاً بحث میشود.

مطلب اول: تعریف تمثیل

تمثیل در لغت مصدر است از باب رباعی: مَثَلٌ، يَمَثُلُ، تَمَثَيْلًا، با تضعیف حرف «ث» و ثلاثی مجرد آن مَثَلٌ، يَمَثُلُ، مِثْلًا آمده است. تَمَثَيْلُ الشَّيْءِ لِفُلَانٍ¹: برای او چیزی را با نوشتن و مانند آن تصویر نمود گویا به آن نگاه می کند، تَمَثَيْلُ الْمِثَالِ: مثال آورد، تَمَثَيْلُ التَّمَاثِيلِ: تصاویر کشید، تَمَثَيْلُ الْحَدِيثِ وَ بِالْحَدِيثِ²: حدیث را بیان و افاده نمود، تَمَثَيْلُ بِفُلَانٍ: او را آزار نمود، تَمَثَيْلُ بِالْقَتِيلِ: کشته را مضروب و مجروح نمود، تَمَثَيْلًا وَ تَمَثَالًا الشَّيْءُ بِالشَّيْءِ³: چیزی را به چیز دیگری تشبیه داد و مانند آن دانست، تَمَثَيْلُ الرَّوَايَةِ: داستان را بر روی سن عرضه نمود، تَمَثَيْلُ دَوْرًا فِي الرَّوَايَةِ: خود را در لباس یکی از اعضای داستان در آورد و رفتار و کردار او را نمایش داد، تَمَثَيْلًا شَخْصًا فِي حَفْلَةٍ أَوْ غَيْرِهَا: بنمایندگی از دیگری در جشن نمایش داد، تَمَثَيْلُ بِلَادَةٍ فِي بِلَادٍ أُخْرَى⁴: نماینده کشور خود در سایر کشورها شد.

تمثیل و مشتقات آن، در قرآن کریم به چندین معنا آمده است، که این معانی قرار ذیل اند:

- 1- تمثیل به معنای عقوبت و عذاب آمده است: الله متعال در مورد فرموده است: «وَقَدْ خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتُ...»⁵ ترجمه: حال اینکه پیش از ایشان عقوبت و عذاب ها (بر بی باوران) رفته است. فراء⁶ می گوید: المثالات به معنای عقوبات است.
- 2- تمثیل به معنای صفت است: الله متعال در مورد فرموده است: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ...»⁷ ترجمه: صفت بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است. ابن کثیر می گوید: مثل در این آیت به معنای صفت است.⁷
- 3- تمثیل به معنای عبرت و پند آمده است: الله متعال فرموده است: «فَجَعَلْنَاهُمْ سَفَا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ»⁸ ترجمه: سپس آنان را برای آیندگان پیشینه و مایه عبرتی قرار دادیم. ابن کثیر می گوید: {وَمَثَلًا} أي: عِبْرَةٌ لِمَنْ بَعْدَهُمْ⁹، مثلا، یعنی عبرت برای آیندگان قرار دادیم.

-
- 1- أبو حبيب سعدی، القاموس الفقهي لغة واصطلاحا، دمشق - سوریه، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الثانية 1408 هـ = 1988 م، ج 1 ص 336.
 - 2- محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين، ابن منظور، الانصاري، الرويفعي، الإفريقي (المتوفى: 711هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الثالثة - 1414 هـ، ج 11 ص 614.
 - 3- مجد الدين، أبو طاهر، محمد بن يعقوب، الفيروزآبادي (المتوفى: 817هـ)، القاموس المحيط، تحقيق: مكتب تحقيق التراث في مؤسسة الرسالة، الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الثامنة، 1426 هـ - 2005 م، ج 1 ص 1056.
 - 4- همان اثر، ج 1 ص 1056.
 - 5- {الرعد، آیه 6}.
 - 6- فراء: أبو زكريا، يحيى بن زياد بن عبد الله بن منظور، ديلمي، یکی از علماء مشهر علم نحو و از کوفه بود، در زبان عربی کتاب های زیادی نوشته است، از جمله: معانی القرآن، الحدود، حدُ الإسْتِثْنَاءِ، الْمُتَّصِرُ والممدود و غيره. در سال 207 هجری در راه مکه مکرمه وفات یافت. أبو المحاسن المفضل بن محمد بن مسعر التنوخي المعري (المتوفى: 442هـ)، تاريخ العلماء النحويين من البصريين والكوفيين وغيرهم. تحقيق: عبد الفتاح محمد الحلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، القاهرة، الطبعة: الثانية 1412 هـ - 1992 م، ج 1 ص 189.
 - 7- أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ)، تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية 1420 هـ - 1999 م، ج 7 ص 312.
 - 8- {الزخرف، آیه 56}.
 - 9- تفسير القرآن العظيم، ج 7 ص 233.

4- تمثیل به معنای نمونه و دلیل آمده است: «... وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ»¹ ترجمه: و او را نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل گردانیده ایم. در این جا «مثلا» به معنای نمونه و دلیل است.²

پس مشخص گردید که کلمه تمثیل بر معناهای مروج و متداول امروزی در عالم نمایش، سینما و تلویزیون، در فرهنگ و لغت نیامده است، این که استعمال در این معانی جدید شده است از طریق قرینه است، و قرینه همان تصویر کشیدن و به نمایش گذاشتن قضایای گذشته است تا حقیقت هر چه بهتر و بیشتر نمایان گردیده و در اذهان باقی ماند.³

تمثیل در اصطلاح: به نمایش گذاشتن حوادثی تاریخی، خیالی، فرهنگی و تفریحی به وسیله یک طایفه از مردم که از حدود حقیقت و امکان آن را بیرون نگرداند.⁴

این تعریف را عیناً برخی فقهای معاصر دیگر هم در کتاب های شان ذکر کرده اند.⁵

مطلب دوم: اهداف و فوائد تمثیل

اهداف و غرض تمثیل، حسب تنوعی برنامه ها، فنون و موضوعات، مختلف هستند که خلاصه آن قرار ذیل اند:

- 1- تمثیل کمک خوبی می کند، تا معلومات را برای ذهن مشاهده کننده آن برساند، پس اشخاص بی سواد، یا اشخاص که ذهن خوب ندارند، یا ذهن دارند ولی زود فراموش می کنند، یا غافل هستند و یا شنونده و امثال آن، اینها از طریق دیدن و نگاه کردن به تمثیل، به شکل خوبتر، بهتر و آسان تر برای مقصود و فهم آن میرسند. همان طوری که تمثیل در ذهن بهتر رسوخ می کند نسبت به این که از کتاب خوانده شود و یا هم از جلسات درسی شنیده شود.⁶
- 2- تمثیل یک بخش از بخش های رسیدن به مطلب و نوع از انواع آگاهی دادن، تعلیم و تبلیغ است، تجربه نشان داده است که مشاهده کردن موضوعات مختلف از طریق تمثیل، نسبت به خواندن کتاب و شنیدن درس سریعتر به فهم کمک می کند.⁷
- 3- تمثیل مانند وسائل و اسباب دیگری آگاهی دهی نیست، که محدود بر یک گروه معین یا یک قشر خاص باشد، بلکه یک وسیله است که برای همه تدارک شده است، از همین جهت تمثیل

1- {الزخرف، آیه 59}.

2- تفسیر القرآن العظیم، ج 7 ص 236.

3- محمد بن موسی بن مصطفی الدانی، أحكام التمثیل فی الفقه الإسلامی، المملكة العربية السعودية □، جامعة □ الإمام محمد بن سعود الإسلامية، 1426 هـ، ص 39.

4- صالح احمد، الغزالی، حکم ممارسة الفن فی الشريعة الإسلامية، دار الوطن، الطبعة الاولى، 1417 هـ، ص 286.

5- عبدالصمد بن محمد، بلحاجی، أحكام المسابقات فی الشريعة الإسلامية، المملكة العربية □ السعودية، دارالنفائس، الطبعة الاولى، 1424 هـ، ص 268. إبراهيم عبد الرحيم إبراهيم عابد، المخيم التربوي واستخدامه في الدعوة إلى الله، دارالمجتمع، الطبعة الاولى، 1418 هـ، ص 80.

6- أحكام التمثیل فی الفقه الإسلامی، ص 70.

7- همان اثر، ص 71.

از تمام وسائل آگاهی دهنده و متوجه کننده فوری و غیر فوری عام تر است، به همراه سهولت در عرضه و استفاده کردن از آن.¹

4- هدف چهارم از تمثیل: بزرگ جلوه دادن گناه و اعمال پست است و هم بیان کردن شر آن است، تا بیننده و شنونده از آن اجتناب نماید، و مدح، توصیف و تمجیدی اعمال نیک است، تا با آن بیننده و شنونده، دعوت گردیده و آن را سرمشق زندگی شان قرار دهند، که این تمثیل به شکل مقبول، لذت بخش و تأثیر گذار باید ساخته شود.²

5- تمثیل وسیله از وسائل طرحی قضایای مردم و حل کننده مشکلاتی روز مره شان است، از خلال کارهای تمثیلی امکان دارد مردم از عادات، تقالید و فرهنگ های ناپسند آگاهی یافته، بنابراین، آنها را کنار گذاشته و به عادات و فرهنگ ناب اسلامی و پسند مراجعه نمایند، همچنان از رسم و عنعنات محلی شان که اکثراً با روح و اساس اسلام در تضاد است، نجات یافته و ترک گویند.³

6- تمثیل حالات زیادی از زندگی انسان ها را انتقال می دهد و بر می گرداند و برگردانده است، بنابراین استفاده از تمثیل یک استفاده اعظمی است که مستقیم بر حیاة انسان تأثیر دارد و انسان را در طرح بسیاری از قضایا و حالات زندگی کمک می کند.⁴

مطلب سوم: اضرار تمثیل

با وجودیکه تمثیل دارای برخی اهدافی اند که برای شخص مفید می باشد، که تذکر رفت، ولی اضرار هم دارند، که این اضرار زیادتر دامن گیر برای مردم شده است، تأسف در این است که برخی از کارمندان، اجرا کنندگان تمثیل و رسانه ها، همین اضرار را زیادتر جلوه می دهند و بالای آن سرمایه گذاری می کنند، که تعداد این اضرار قرار ذیل است:

1- برخی از تمثیل ها که فسق و فجور و رذایل را با خود دارند و نشر و پخش می کنند، تأثیرات مستقیم منفی از خود دارند، از جمله: رهنمای به فساد و چگونگی ترویج آن، دادن اعتبار جواز به آن، نشان دادن رضا از پخش این رذایل بعد از بد دیدن آن، دنبال شهوت را گرفتن و أمثال آن، که اکثر این تمثیل ها از این کارها خالی نیست و بیننده های خود را تحت تأثیر قرار می دهند.⁵

2- به جرم، بی رحمی و ظلم دعوت کردن و وضاحت دادن راهای که به این جرم و بی رحمی می رساند و کارگردان های تمثیل را که در جریان تمثیل نقش ظالم و بی رحم را بازی نموده اند، بزرگ جلوه می دهند، تا دیگران هم نقش آن ها را تعقیب کنند.⁶

3- برخی تمثیل ها، به تقریب میان ادیان دعوت می کنند، و روی گسترش این فکر و نشر و پخش آن در جهان اسلام زیاد تلاش می ورزند، با تأسف این فکر در حال رشد نمودن میان جوانان مسلمان است، که حتا در برخی از شهرهای مسلمان، عملاً دیده شده است، که جوانان

1- علی محمد العیسی، التمثیل تمثیل، فلماذا التمثیل؟، المملكة العربية السعودية، مؤسسة الجریسی، الطبعة الأولى، 1413هـ، ص 15.

2- احمد الشرباصی، یسئلونک عن الدین و الحیاة، بیروت، دار الجبل، الطبعة الأولى، 1416هـ، ج 1 ص 661 - 662.

3- همان اثر، ج 1 ص 662.

4- أحكام التمثیل فی الفقه الإسلامی، ص 71.

5- المخیم التربوی واستخدامه فی الدعوة إلى الله، ص 83.

6- أحكام التمثیل فی الفقه الإسلامی، ص 71.

مسلمان به این فکر زانو زده اند و از این فکر دفاع می کنند و این فکر را حتا راه حلی برای وحدت و یکپارچگی اسلام و دیگر ادیان جهان می دانند.¹

4- برخی تمثیل ها روی برچیدن جهاد اسلامی و نوب نمودن این اصل بزرگ کار می کنند، کوشش و تلاش می نمایند تا این قله موفقیت اسلام را به موضوعات و مسائل وطنی، قومی و زبانی و حتا عربی تبدیل نمایند، تا اسلام عزیز را به این شکل محبوس و از چشم مردم دور نمایند.²

5- برخی از تمثیل ها: حقائق تاریخی را زشت جلوه می دهند و شخصیت های آن را، اشخاص استفاده جو، تک گرا و متعصب جلوه می دهند، در پهلوی آن بسیاری از مسائل را اضافه می نمایند، تا مردم از عظمت و بزرگی آن ها دست برداند و از طرف هم از تعقیب رویش و راهی آنها دست بکشند، با تأسف فعلاً این وضعیت در بسیاری از جاها دیده شده است و مردم بزرگانی تاریخ شان را از تمثیل ها و سریال های که در مورد شان ساخته شده اند، قضاوت می کنند.³

خلاصه این اضرار:

- 1- معمولاً در تمثیل ها، به الله متعال چیزی نسبت داده می شود، که الله متعال نگفته است.
- 2- پیامبر و صحابه سازی، همرا با پسوند نامش "صلی الله" و "رضی الله".
- 3- مسلمان نقش کافر و شیطان را تمثیل میکند، و یا هم عکس که شرعاً ممنوع است.
- 4- زن نقش مرد را، و مرد نقش زن را تمثیل میکند، و چنین کار باعث نفرین است.
- 5- برای تمسخر، خندانیدن و ساز و سرود گیری است که شرعاً ممنوع است.
- 6- خلوت و دست دادن به نامحرم، بوسه و کنار گرفتن، نشر و پخش ردائل.
- 7- بی حجابی و بی حیائی، لچ شدن برخی اعضای بدن انسان.
- 8- تصویر برداری، موسیقی، ساز و سرود، این همه شرعاً ممنوع است.
- 9- آرایش تمسخرانه، ریش و موی های مصنوعی باعث نفرین است.
- 10- مشتمل بر دروغ، ناسزا گوی، تهمت، ازدواجهای خود بافتگی، طلاق و فراق.
- 11- تعظیم قبر، معابد یهود و نصارا، و احترام شعائر کفری، جادوگر، بدعتی و بی دین.
- 12- استهزاء به شعائر دینی، و مرتکب شدن نواقض اسلام و ایمان، الله متعال در مورد فرموده است: «قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ»⁴ ترجمه: آیا الله و نشانه ها و پیامبرش را به تمسخر میگیرید؟
- 13- تمثیل به اساس روایات و قصه های خود بافته که در واقع تهمت به کسی است که در حق آن تمثیل صورت گرفته، خیلی اسف بار است و قتیکه سریال یوسف علیه السلام را می بینی هیچ بد بخت ترین عاشق چنین کاری را نمیکند، این تهمت بزرگ در حق این

1- التمثیل تمثیل، فلماذا التمثیل؟، ص 22.

2- همان اثر، ص 22.

3- أحكام التمثیل فی الفقه الإسلامی، ص 72.

4- {التوبة، آیه 65}.

پیامبر الهی، و تکذیب و جفا در حق آیات قرانی است که برائت یوسف علیه السلام را بیان داشته بود¹.

14- بر انگیزته نمودن شکوک و شبهات در دین.

15- سریال و فیلم بزرگترین وسیله برای دور ساختن امت از دین بوده، و پیچکاری بی غیرتی در رگ و خون خانواده است، و آنچه در فیلم و سریالها رخ میدهد، تطبیق عملی آن در عالم خارجی در میان چهار دیواری خانواده صورت میگیرد، حتی کودکان نقش آنها را بازی کرده چاقو را از حلقوم برادرش میگذارند، حتا باعث مرگ آن میشود.²

16-

مطلب چهارم: حکم تمثیل

علماء و فقهای معاصر بر تحریم تمثیل اتفاق دارند، وقتی این تمثیل شامل: دعوت به طرف اخلاق پست، اشخاص گمراه کننده، تصاویر برهنه، تشویق و ترغیب بر مشابَهت کردن با کفار در اخلاق، لباس و شکل شان، بزرگان و زعمای شان را تعظیم کردن، شان و مقام مسلمانان و علمای شان را پایان نمودند و تحقیر آن ها را کردند، به جرم و بی رحمی دعوت نمودند، دعوت به افکار منحرف و گمراه کننده نمودند، اخلاق و عادات پست را تعلیم دادند، اختلاط زن و مرد نام محرم را در تمثیل نشان دادند و هر چیزی که مخالف آداب و اخلاق صورت گیرد، یا به فحشاء تشویق نماید و غیره از آنچه که معروف و مشهور است نزد تمثیل گران، که با روحیه اخلاقی و اسلامی در تضاد و تقابل است.³

همچنان فقهاء بر تحریم تمثیل ذات الهی، ملائکه ها، انبیاء و بزرگان صحابه اتفاق دارند.⁴

در صورتی که تمثیل از محرّمات مذکور خالی باشد و هم شامل تصاویری فساد و انحراف کننده نباشد، فقهای معاصر این گونه تمثیل را با مراعات کردن شرایط آن، جایز دانسته اند⁵، دلایل شان قرار ذیل اند:

1- دلیل اول شان: برائت اصلی است، یعنی اصل در اشیاء اباحت است، زیرا دلیلی شرعی به شکل صریح و صحیح که بر منع آن دلالت کند، وجود ندارد، پس هر کسی که از این اصل بزرگ مخالفت می کند، باید با خود دلیل بیاورد، طوری که تمثیل یک عمل و هنر مشهور

1- أحكام التمثیل فی الفقه الإسلامي، ص 74.

2- عبد الله سلیمانی، البیان المفید عن حکم التمثیل والاناشید، جدة، دار النفاذ، الطبعة الاولى، 1415هـ، ص 67 – 69.

3- حکم ممارسة الفن فی الشريعة الإسلامية، ص 291. المخيم التربوي واستخدامه في الدعوة إلى الله، ص 81. عبد العزيز بن الخياط، الفن التمثيل، جدة، مجمع الفقه الاسلامی بمنظمة المؤتمر، ص 10. محمد شیت، فن التمثیل، جدة، مجمع الفقه الاسلامی بمنظمة المؤتمر الاسلامی، ص 14. محمد عبد اللطيف صالح الفرور، ظاهرة فن التمثیل، جدة، مجمع الفقه الاسلامی بمنظمة المؤتمر الاسلامی، ص 20.

4- حکم ممارسة الفن فی الشريعة الإسلامية، ص 291. المخيم التربوي واستخدامه في الدعوة إلى الله، ص 81.

5- ظاهرة فن التمثیل، ص 23. محمد شیت، فن التمثیل، ص 20. عبد العزيز بن الخياط، الفن التمثیل، ص 5. حکم ممارسة الفن فی الشريعة الإسلامية، ص 293.

قبل از اسلام، نزد رومانی ها و یونانی ها بود و اسلام علیه او تعرض نکرد که او را منع و یا هم ملغاء می کرد، اگر حرام می بود، اسلام حرمت آن را بیان می کرد.¹

2- دلیل دوم شان: قیاس است بر آنچه صورت گرفته است برای انبیاء، صحابه و ملائکه، و آنها مشتمل بر تمثیل های واضح است که در قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم تذکر رفته است، در قرآن کریم آمده است: «فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا».² ترجمه: انگاه روح خویش را به سوی او فرستادیم که در شکل انسانی کامل بر او ظاهر شد. در این آیت دیده شد که جبریل علیه السلام به صورت یک انسان خود را تمثیل می نماید و این دلالت بر جواز این کار دارد.

«وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا»³ ترجمه: و همانا ما در این قرآن برای مردم هر گونه مثال آوردیم (تا مگر هدایت شوند) لیکن اکثر مردم به جز از کفر و عناد از هر چیز امتناع کردند در این آیت دیده میشود که تمثیل و یا مثال برای هدایت بشر آورده شده است.

«مِثْلَهُمْ كَمِثْلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ» ترجمه: مثل ایشان مانند کسی است که آتشی بیفزود، و همین که روشن کند پیرامون او را خدا روشنی آنان را ببرد و رها کند ایشان را در تاریکی ای که هیچ نبیند در آیین دیده میشود مثال برای منافقین داده شده است.⁴

در قرآن کریم تعدا آیات و احادیث پیرامون تمثیل آمده است تعداد آن اندک نیستند مثال های زیاد وجود دارد، که دلالت بر جواز تمثیل میباشد.

«حَدَّثَنَا عَمَّارُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْأَعْمَشِ، عَنْ أَبِي سَفْيَانَ، عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ مِثْلَ هَذِهِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ كَمِثْلِ نَهْرِ جَارٍ عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ، يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَمَا يُبْقِي ذَلِكَ مِنَ الدَّنَسِ»⁵ ترجمه: نمازهای پنج گانه همانند نهر جاری گوارایی است که در مقابل درب خانه یکی از شما جاری است. اگر او روزی پنج مرتبه خود را در آن نهر شستشو دهد، دیگر چرک [و کثافت و آلودگی] در بدن او باقی نمی ماند.»

برای تفصیل حکم هر کدام از تمثیل ها، لازم است تا پیرامون هر کدام آن ها بحث صورت گیرد:

الف: حکم تمثیل کفر و ضوابط آن

تمثیل مسلمان از شخص کافر معمولاً در حوادث دینی و تاریخی صورت گرفته است و می گیرد، طوری که در سریال های امروزی دیده می شود، که در آن، شخص مسلمان نقش یک کافر را بازی می کند و حتا مراسم آن ها را هم انجام می دهد، مثل سجده کردن برای بُت های شان، یا تبرک جستن به آن و یا هم بوسه گرفتن از آن، یا برای صلیب سجده کردن، یا برای مولای شان، یا برای حاکم شان، طوری که کفار در زمان شان و فعلاً این کار را می کنند. در این مورد، فقهای اسلامی

1- عبد الله بن محمد، آل هادي، حكم التمثيل في الدعوة الى الله، المملكة العربية السعودية □ السعودية، مؤسسة الجريسي، الطبعة الاولى، 1410 هـ، ص 12. حكم ممارسة الفن في الشريعة الإسلامية، ص 294. أحكام المسابقات في الشريعة الإسلامية، ص 250. ظاهرة فن التمثيل، ص 23.

2- {مریم، آیه 17}.

3- {سورة الاسراء آیه 89}

4- التمثيل تمثیل، فلماذا التمثيل؟، ص 24.

5- ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد الشيباني (متوفى: 241 هـ)، مسند الامام بن حنبل ناشر: مؤسسة الرسالة، طبع: اول سال 1421 هـ - 2001 م، ج: 23، ص: 143.

اتفاق دارند: هر شخص که به غیر از الله متعال برای کسی دیگری از قبیل ستارگان، آفتاب، مهتاب و امثال آن سجده کند، کافر می گردد.¹

این اعمال کفر، به شکل حقیقی صورت گیرد و یا هم به شکل مزاح و تمثیل، در ظاهر کلام فقهاء تفاوت میان هر دو قسم وجود ندارد، نظر به اصول و قواعدی که برای یک شخص جایز نیست در بخش الوهیت و ربوبیت الهی، از مزاح و تمثیل کار گیرد، مزاح و هزل در باب کفر سببی خروج از ملت اسلام می گردد، مگر به توبه و رجوع به طرف الله متعال. همچنان ردت عبارت از کافر گردیدن شخص مسلمان با الفاظ صریح است و یا هم الفاظ که متضمن الفاظ صریح است، در این هیچ شک وجود ندارد که سجده به غیر از الله متعال، گرچند به شکل تمثیل و مزاح باشد، در حدی ردت داخل است، و هیئت سجده از جمله هیئات است که دلالت بر تعظیم مسجودله (برای چیزیکه سجده می شود) می کند، این سجده از جمله اعمالی است که بنده را همراهی پروردگارش نزدیک می سازد، از همین جهت در حدیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ، وَهُوَ سَاجِدٌ...»² ترجمه: نزدیک ترین حالتی که بنده به پروردگارش قرار دارد، حالت سجده است.

وجه استدلال از حدیث: در این مشخص گردید که حالت سجده، نزدیک ترین حالتی است که بنده با پروردگارش دارد.

همچنان زمانی که شخص می خواست به رسول الله (صلی الله علیه وسلم) لی الله علیه وسلم سجده کند، پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن منع کرد و فرمود: {لَوْ كُنْتُ أَمْرًا أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِغَيْرِ اللَّهِ، لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا...}³ ترجمه: اگر یک شخص را امر می کردم که، به غیر از الله، سجده کند، هر آینه زن را امر می کردم تا برای شوهرش سجده کند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم از هر نوع سجده، به غیر از الله، منع کرده است.

1- محمد امین بن عمر بن عبد العزیز ابن عابدین، دمشقی، الحنفی (المتوفی: 1252هـ)، رد المحتار علی الدر المختار، بیروت، الناشر: دار الفکر، عدد الأجزاء: 6، الطبعة: الثانية، 1412هـ - 1992م، ج 4 ص 222. محمد بن یوسف بن أبی القاسم بن یوسف العبدری الغرناطی، أبو عبد الله المواق المالکی (المتوفی: 897هـ)، التاج والإكلیل لمختصر خليل، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، 1416هـ-1994م، ج 6 ص 279. أبو بكر (المشهور بالبكري) بن محمد شطا الدمياطی (المتوفی: بعد 1302هـ)، إغانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین، الناشر: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، 1418هـ - 1997م، ج 4 ص 136.

2- أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم، القشیری، النيسابوری. الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم، الناشر: دار الجيل بیروت + دار الأفق الجديدة - بیروت، عدد الأجزاء: ثمانية أجزاء فی أربع مجلدات، ج 1 ص 350 رقم الحديث 482.

3- أبو عبد الله محمد بن یزید القزوینی (المتوفی: 273هـ)، سنن ابن ماجه، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمد كامل قره بللی - عبد اللطيف حرز الله، الناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، 1430هـ - 2009م، ج 3 ص 59 رقم الحديث 1853. أبو داود، سليمان بن الأشعث، السجستاني، سنن أبی داود، بیروت، الناشر: دار الكتاب العربي، عدد الأجزاء: 4، ج 3 ص 475 رقم الحديث 2140. ألبانی این حدیث را صحیح می داند. محمد ناصر الدین الألبانی، إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، الناشر: المكتب الإسلامي - بیروت، الطبعة: الثانية - 1405 - 1985، ج 7 ص 54 رقم الحديث 2030.

ابن تیمیه¹ رحمه الله در این مورد می گوید: وقتی مسلمان از اظهار کردن هر نوع شعایر کفر منع گردیده است، پس چگونه برای مسلمان انجام دادن آن جایز است؟ بنابر این برای هیچ مسلمان جایز نیست که شعایر کفر را یا به شکل حقیقی و یا به شکل تمسخر و رشخند زدن اظهار نماید، زیرا اظهار آن باعث فساد است، یا در آن معصیت و گناه است و یا هم از شعایر معصیت و گناه است، هر دو حالت برای شخص مسلمان ممنوع است، ولو که این کار باعث قوت اسلام و مسلمین گردیده و باعث برهم خوردن کفر گردد.²

صورتی دیگری که امروزه زیاد از آن، شخص مسلمان در تمثیل های دینی، تاریخی و اجتماعی کار می گیرند، پوشیدن لباسی است، که آن لباس مخصوص کفار است، که حتا در آن لباس ها علایم و شعارهای کفار است، از قبیل صلیب و أمثال آن، و ممثل خود را به نقش یک کشیش و راهب مسیحی و یا یهودی و یا هم بودایی و أمثال آن ها در می آورد.³

در شریعت ثابت است که هر نوع تشبیه با کفار حرام است، و امر در این مورد به مخالفت کردن با آنها آمده است، این مخالفت عام است، شامل عبادات، لباس، هیئت، زینت، آداب و أمثال آن می شود.⁴ از همین جهت از هر نوع تشبیه ظاهری خود داری گردد، تا خود داری از تشبیه ظاهری باعث خود داری از تشبیه باطنی گردد، زیرا مشابهت در یکی، دعوت می کند تا مشابهت در دیگری هم صورت گیرد، پس مقصود مجرد تغییر و تمییز از لباس کفار نیست، بلکه مقصود بزرگ، ترک کردن اسبابی است که این اسباب به موافقت با آنها دعوت می کند، بر اساس این، ضرورت است تا برخی قواعد و ضوابط در این خصوص وضع گردد تا خود داری کردن با شناخت این ضوابط آسان گردیده و اسباب آن شناسای گردد:

اول: حقیقت تشبیه حاصل نمی گردد، مگر با نیت دوستی و هم نشینی با کفار، زیرا تشبیه دادن، فعل و عملکرد شخص است، تا خود را مشابه به شخص و مردمی کند که او را دوست دارد، پس مطلق مشابهت ظاهری ممنوع نیست، بلکه آن مشابهت ممنوع است که نیت و قصد مشابهت در شخص موجود باشد و هم بداند که این فعلش فعلی مشابهت است.⁵

1 - ابن تیمیه (661 - 728 هـ = 1263 - 1328 م)، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام ابن عبد الله بن أبی القاسم الخضراء النمیری الحرائی دمشقی الحنبلی، أبو العباس، تقی الدین ابن تیمیه: مفسر، امام، شیخ الاسلام، خطیب و واعظ بود، تولدش در حران شده است، در دمشق وفات یافت، از جمله تألیفاتش: الجوامع فی السياسة الإلهیة والآیات النبویة، الفتاوی، وغیره. أبو الطیب المکی: ذیل التقیید فی رواة السنن والأسانید، ج 1 ص 345. البزّار، عمر بن علی بن موسی بن خلیل البغدادی الأزجی، سراج الدین أبو حفص (المتوفی: 749 هـ)، الأعلام العلیة فی مناقب ابن تیمیه، المحقق: زهیر الشاویش، الناشر: المکتب الإسلامی - بیروت، الطبعة: الثالثة، 1400 هـ، ص 6-146.

2- تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیه الحرائی (المتوفی: 728 هـ)، مجموع الفتاوی، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبویة، المملكة العربية السعودية، عام النشر: 1416 هـ/1995 م، ج 25 ص 331.

3- أحكام التمثیل فی الفقه الإسلامی، ص 299.

4- همان اثر، ص 295.

5- جمیل بن حبیب اللویح، التشبه المنهی عنه فی الفقه الإسلامی، دارالاندلس الخضراء، الطبعة الاولى، 1419 هـ، ص 96.

پس هر شخص که در لباسش، چیزی از علایم تشبیه بود مثل علایم صلیب، پوشیدن آن لباس بالایش حرام است، گر چند نیت و تصمیم تشبیه هم در وجودش نباشد، به دلیل حدیث که از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است: «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»¹. ترجمه: هر کس که خودش را شبیه قومی بگرداند از آنان است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث از مطلق تشبیه منع گردیده، برابر است نیت تشبیه را داشته باشد و یاخیر. پس بهتر است که از هر نوع لباس که در آن تشبیه برده می شود، خود داری شود.² این کثیر پیرامون این حدیث می گوید: این نهی از تشبیه، تمام اقوال، افعال، لباس و اعیاد کفار را شامل می گردد، که در شریعت ما مشروع نگردیده است و ما باید از آن خود داری کنیم.³

دوم: نصوص شرعی که پیرامون تشبیه وارد گردیده است، شامل آن لباس های می گردد، که پوشیدن آن مختص به کفار است، مانند: کلاه فرنگی یا شاپوی نصرانی و صلیب، کلاه باریک و دراز یهودی، و کلاه مجوسی. اما آن لباس های که پوشیدن آنها، میان مسلمان و غیرمسلمان مشترک اند، تشبیه در آنها واقع نمی شود، ولو که در اصل او را کافر ساخته باشد، پس شخص که لباس مشترک را بپوشد، از جمله اشخاص تشبیه کننده به کفار محسوب نمی گردد، از همین جهت در عصر حاضر پوشیدن چین رومی که در زمان امپراطور روم، رومی ها آن را می پوشید و لباسی سبزی ایرانی که (کسری پادشاه ایران) و مردم آن زمان می پوشید، از جمله تشبیه محسوب نمی گردد، زیرا پوشیدن این ها فعلاً عام گردیده است و مسلمان و کافر می پوشند. در حدیث آمده است: « آن هَذِهِ ثِيَابُ الْكُفَّارِ فَلَا تَلْبَسُهَا»⁴. ترجمه: این لباس کفار است، آن را نپوشید!

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که نهی از پوشیدن لباسی است که مخصوص به کفار است، پس لباس های مشترک و لباس های که پوشیدنش عام گردیده است، شامل نمی گردد.⁵

سوم: پوشیدن لباس کفار از روی احتیاج و ضرورت نباشد، اگر لباس کفار را از روی حاجت و ضرورت بپوشد، جایز است، طوریکه در حدیث شریف آمده است: يَلْبَسُ النِّعَالَ الَّتِي لَهَا شَعْرٌ، وَهِيَ مِنْ لِبَاسِ الرِّهْبَانِ.⁶

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه و سلم کفش موی دار را پوشید و این کفش از جمله لباس رهبان (دانشمند مسیحی) بود.

1- سنن أبي داود، ج 6 ص 144 رقم الحديث 4031. محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى: 1420هـ)، صحيح وضعيف سنن أبي داود، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من انتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث 4031.

2- التشبه المنهى عنه في الفقه الإسلامي، ص 96.

3- التفسير القرآن العظيم، ج 1 ص 149.

4- صحيح مسلم، ج 3 ص 1647 رقم الحديث 2077.

5- التشبه المنهى عنه في الفقه الإسلامي، ص 82.

6- إسماعيل بن يحيى بن إسماعيل، أبو إبراهيم المزني (المتوفى: 264هـ)، السنن المأثورة للشافعي، المحقق: عبد المعطي أمين قلجعي، الناشر: دار المعرفة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1406، ج 1 ص 372. ابن روايت حسن است. محمد فؤاد بن عبد الباقي بن صالح بن محمد

(المتوفى: 1388هـ)، اللؤلؤ والمرجان فيما اتفق عليه الشيخان، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - محمد الحلبي، 1407 هـ - 1986 م، ج 2 ص 30.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم کفش کشیش مسیحی را پوشیده است، چون حالت ضرورت بود، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفر بود و غیر از این دیگر کفشی وجود نداشت، پیامبر صلی الله علیه وسلم او را پوشید، چون بدون کفش، سفر ناممکن است.¹

خلاصه مشخص گردید که برای مسلمان کاملاً حرام است، که در تمثیل نقش کافر را بازی نماید، این نقش به نفع اسلام باشد و یاخیر؟ و این نقش به شکل حقیقی باشد و یا هم به شکل تمسخر و رشخند زدن و غیره، همچنان برای مسلمان درست نیست که لباس های مخصوص کفار را بپوشد، مگر تحت شرایط و ضوابط که تذکر رفت.²

مطلب پنجم: حکم تمثیل محرّمات و ضوابط آن

بسیاری از قصص و داستان ها، شامل سخنان حرام است، مثل کذب، دشنام، غیبت و غیره از مصایب و آفات زبان، همان طوری که شامل است بر افعال حرام مثل سرقت، نوشیدن شراب، زنا، ظلم و غیره، پس حکم تمثیل این گونه چیزها چیست؟

اول: حکم تمثیل محرّمات:

تمثیل محرّمات دو نوع است:

نوع اول: تمثیل کردن آن ممکن نیست، مگر در صورتی که به حرام واقع شود، مثل کشف شدن عورت، لمس کردن محل که، لمس کردن آن حلال نیست، شنیدن چیزهای که حلال نیست مثل موسیقی های حرام یا سخنان فحش و أمثال آن، پس آنچه انسان را به حرام واقع می سازد، به اتفاق فقهاء، تمثیل آن حرام است، زیرا جایز نیست، که حرام را از طریق تمثیل کردن به دست آورد.³

نوع دوم: تمثیل کردن آن ممکن است، بدون این که در حرام دچار شود، مثل تمثیل سرقت، قتل، ظلم و غیره، در این مورد فقهاء اختلاف کرده اند، برخی ها حرام و برخی دیگر حلال می دانند، که تفصیل آن قرارذیل است:

الف: دلایل کسانی که حرام می دانند:

1- تمثیل کردن اشیایی حرام از قبیل سرقت و أمثال آن، در نشر فجور، ردیله، فساد، بی رحمی، جرم و أمثال آن کمک می کند و چگونگی راهای انجام آن را توضیح می دهد، طرق رسیدن به آن را آسان می گرداند، همچنان از چگونگی خلاصی آن آگاهی می دهد، همچنان مشاهده کردن آن ها، الفت گرفتن از دیدن آنها و لذت حاصل نمودن از دیدن آنها، تأثیرات مستقیم بر

1- رد المحتار علی الدر المختار، ج 1 ص 462.

2- التمثیل تمثیل، فلماذا التمثیل؟، ص 25.

3- حذیفه احمد عکاش، فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة (حکم تمثیل الکفر والمحرّمات وتمثیل الصحابة وتمثیل المرأة)، الحمص، دارالسلام المنظومة، الطبعة الاولى، 1419هـ، ص 85.

روح و روان جامعه گذاشته و جامعه را به همان طرف سوق می دهد، پس تمثیل حرام باعث زنده گردیدن آن حرام می گردد، ولی عدم انجام آن باعث از بین رفتن آن می گردد.¹

الله متعال در مورد فرموده است: «أَنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»² ترجمه: به راستی کسانی که دوست دارند زشتی ها و بی عفتی ها در میان مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت عذاب دردناکی دارند، و خداوند می داند و شما نمی دانید. شعراوی در تفسیر این آیت، گفته است: از جهت بدی و شناخت این جرم، الله متعال مرحله اولی آن را کرد که مجرد تغییر و تحول در قلب را پدید می آورد، زیرا نشر، گسترش و ترویج فحشا، و ایجاد یک عملکرد منفی نزد بیننده و شنونده آن، این ذهنیت را بر بیننده و شنونده ایجاد می کند که: فلان چنین کار را کرد و رها یافت و فلان چنان کار را کرد و پول دار گردید، پس این شخص هم به انجام این افعال بد و نادرست، جرأت پیدا می کند و آینده خوبی نخواهد داشت.³

2- شریعت از دوستی و همنشینی با اشخاص سوء و بد منع کرده است، تا از تأثیرات قولی، فعلی و حالی آنها در امان بمانیم، طوری که در حدیث آمده است: عَنْ أَبِي مُوسَى - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَالسَّوِّءِ، كَحَامِلِ الْمِسْكِ وَنَافِخِ الْكَبِيرِ، فَحَامِلُ الْمِسْكِ إِمَّا أَنْ يَحْذِيكَ، وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ مِنْهُ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيحًا طَيِّبَةً، وَنَافِخِ الْكَبِيرِ إِمَّا أَنْ يَحْرِقَ ثِيَابَكَ، وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ رِيحًا خَبِيثَةً».⁴ ترجمه: ابوموسی - رضی الله عنه - می گوید: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: مثال همنشین خوب و بد، مانند حامل مشک و دمنده دم آهنگر است. حامل مشک یا به تو مشک می دهد یا از او می خری و یا اینکه بوی خوش آن، به مشامت می رسد. و دمنده ی دم آهنگر یا لباس هایت را می سوزاند و یا بوی بد آن، به مشامت می رسد.

وجه استدلال از حدیث: همان طوری که نشستن همراهی اشخاص بد فعل و بد اخلاق، تأثیرات سوء بر انسان می گذارد، به همین شکل تمثیل کردن کارهای بد و شنیدن آن بر انسان تأثیری ناگوار دارد. ابن حجر⁵ رحمه الله می گوید: النَّهْيُ عَنِ مُجَالَسَةِ مَنْ يَتَأَدَّى

1- فن التمثيل: احكامه و ضوابطه الشرعية، ص 85.

2- {النور، آیه 19}.

3- محمد متولى الشعراوى (المتوفى: 1418هـ)، تفسير الشعراوى، الناشر: مطابع أخبار اليوم، نشر عام 1997 م، ج 16 ص 10221.

4- صحيح البخارى، ج 3 ص 63 رقم الحديث 2101. صحيح مسلم، ج 4 ص 2026 رقم الحديث 2628.

5 - ابن حجر العسقلانى، (773 - 852 هـ = 1372 - 1449 م)، أحمد بن على بن محمد الكنائى العسقلانى، أبو الفضل، شهاب الدين، مشهور به ابن حجر، یکی از علمای فقه، حدیث، جرح و تعدیل، تاریخ و اصول بود، در عسقلان فلسطین تولد گرفته است، پرورش و وفاتش در قاهره شده است، تألیفات زیادی از خود بجا گذاشته است، از جمله: الدرر الكامنة فی أعيان المئة الثامنة، لسان الميزان، الأحكام لبيان ما فى القرآن من الأحكام، ديوان شعر، الكافي الشافى فى تخریج أحاديث الكشاف، ذيل الدرر الكامنة، ألقاب الرواة، تقريب التهذيب فى أسماء رجال الحديث، الإصابة فى تمييز أسماء الصحابة، تهذيب التهذيب فى رجال الحديث، تعجيل المنفعة بزوائد رجال الأئمة الأربعة، تعريف أهل التقديس معروف به طبقات المدلسين، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، المجمع المؤسس بالمعجم المفهرس، تحفة أهل الحديث عن شيوخ الحديث، نزهة النظر فى توضيح نخبة الفكر فى اصطلاح الحديث، فتح البارى شرح صحيح البخارى و غيره الزركلى، الاعلام، ج 1 ص 178. الضوء اللامع، ج 2 ص 36. محمد بن على بن محمد بن عبد الله الشوكانى اليمنى (المتوفى: 1250هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج 1 ص 87. آداب اللغة، ص 165. أبو الفضل أحمد بن على بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانى (المتوفى: 852)، لسان الميزان، المحقق: دائرة المعارف النظامية - الهند، الناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، 1390هـ/1971م، ص 6-7.

بِمُجَالَسَتِهِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا وَالتَّرْغِيبُ فِي مُجَالَسَةِ مَنْ يَنْفَعُ بِمُجَالَسَتِهِ فِيهِمَا.¹ ترجمه: در حدیث منع از نشستن همراهی اشخاص شده است، که باعث اذیت دین و دنیای انسان می گردد، و ترغیب در نشستن همراهی کسانی که با نشستن همراهی شان، نفع گرفته می شود.

3- اسلام به ستر کردن گناه و معصیت امر کرده است و از علنی کردن گناه منع نموده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: «كُلُّ أُمَّتِي مُعَافَى إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ، وَإِنَّ مِنَ الْمُجَاهِرَةِ: أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ عَمَلًا، ثُمَّ يَصْبِحَ وَقَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَيَقُولَ: يَا فُلَانُ! عَمِلْتُ الْبَارِحَةَ كَذَا وَكَذَا، وَقَدْ بَاتَ يَسْتُرُهُ رَبُّهُ، وَيَصْبِحُ يَكْتَسِفُ سِتْرَ اللَّهِ عَنْهُ».² ترجمه: از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده است از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) لی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: همهء امتم مورد عفو قرار می گیرند، مگر اعلان کنندگان، و از زمرهء اعلان اینست که مرد در شب عملی را انجام دهد، و باز صبح کند، در حالیکه خداوند آنرا بر وی پوشیده داشته، و بگوید ای فلان من دیشب چنین و چنان کردم، در حالیکه شب را سپری کرده و خداوند آنرا بر وی پوشیده، و او صبح کرده و آنچه را که خدا پوشیده داشته ظاهر می کند.

و در روایت دیگر آمده است: «وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».³ ترجمه: و کسیکه بدی و زشتی مسلمانی را پنهان کند، خداوند در دنیا و آخرت، بدی و زشتی او را می پوشاند.

وجه استدلال از هردو حدیث: تمثیل حرام و پخش و نشر آن، مثل اعلان کردن گناه است، پس اسلام به ستر امر کرده است و از اعلان کردن معصیت و گناه منع کردن است، تا فحشا منتشر نگردیده و انجامش میام مردم عام نگردد، پس پخش و نشر آن باعث جذب مردم بطرف آن می گردد و هیبت آن از بین می رود و در چشم مردم، خطر آن تقلیل یافته و این وضعیت به مرور و ایام سبب می گردد تا گناهان کبیره، به صغیره تبدیل گردد و گناهان صغیره شکل مباحه گردد، همچنان معروف، منکر و منکر معروف گردد، از همین جهت بسیاری از کسانی که نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم می آمدند تا از گناهان شان باز گو کنند، پیامبر صلی الله علیه وسلم از بازگو کردن گناه منع می کرد.⁴

ب: دلایل کسانی که تمثیل محرمات را مباح می دانند، قرار ذیل است:

1- تصویر و تمثیل محرمات به طریقهء که مردم از آن نفرت کنند، دعوت حساس می گردد تا مردم آن را ترک و گناه بدانند، و این معالجه عملی است که مردم از آن نجات پیدا می کنند.⁵

1- أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، الناشر: دار المعرفة - بیروت، 1379، ج 4 ص 324.

2- صحیح البخاری، ج 3 ص 128 رقم الحدیث 2442. صحیح مسلم، ج 4 ص 2291 رقم الحدیث 2990.

3- صحیح البخاری، ج 3 ص 128 رقم الحدیث 2443. صحیح مسلم، ج 4 ص 1996 رقم الحدیث 2580.

4- فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة، ص 86.

5- همان اثر، ص 86.

2- تصویر و تمثیل کردن محرّمات و بیان نمودن اضرار آن، در ذهن و اذهان بینندگان و شنوندگان رسوخ می نمایند و از ملامتی آن آگاه می شوند و نسبت به دعوت و تبلیغ از اضرار آن، تأثیرات تمثیل آن زیادتیر می باشد.¹

3- ضرورت است تا تاریکی ها را ببینیم، تا ارزش و جایگاه نور و روشنی را بشناسیم، پس به ضد اشیاء خویتر و بهتر شناخته می شود، طوری که عمر بن خطاب رضی الله عنه فرموده است: انما تُنْقَضُ عُرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةٌ عُرْوَةٌ إِذَا نَشَأَ فِي الْإِسْلَامِ مَنْ لَا يَعْرِفُ الْجَاهِلِيَّةَ.² ترجمه: اسلام وقتی نقض و برهنه می گردد، وقتی نشأت کند در اسلام کسی که جاهلیت را نشناسد. از همین جهت برای ما قرآن، سنت و کتاب های سلف برخی از حکایات و داستان های اشخاص فاسق و فاسد را حکایت نموده اند.

4- نشر اشخاص فاسق و جرائم آنها، مفید است تا از آنها خود داری صورت گیرد و جامعه از آنها پند و درس بگیرد و قانون بالای شان تطبیق گردد.³

قول راجح: بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول به تحریم آن راجح است، به چند دلیل:

1- در اثنای تمثیل حرام، مباشرت حرام صورت می گیرد و هم امکان ندارد و هم به تصویر کشیدن آن، بدون از واقع گردیدن به حرام امکان ندارد، مثل توهین کردن کتاب، لمس نمودن کسی را که حلال نیست، معانقه و بوسه گرفتن از هم، کشف عورت و دود کردن موادهای مضره مثل سکر و أمثال آن، اما سرقت، نوشیدن شراب، رشوت و قتل بدون از مباشرت به حرام امکان دارد، ولی انجام فعل آن به شکل حقیقی نباشد.⁴

2- معمولاً در این تمثیل عورت برهنه می گردد، در حالی که کشف عورت جایز نیست، از مرد باشد و یا هم از زن، تحت هر وسیله که باشد، مناسب است تا در این قسمت توجه صورت گیرد، ورنه حرام است.⁵

3- نرمش زنان با قول شان: برای زنان جایز نیست که صداهایشان را ترفیق و نرم نمایند، الله تعالی در مورد فرموده است: {يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا}.⁶ ترجمه: ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از (سایر) زنان نیستید اگر پرهیزگار باشید، پس در سخن گفتن نرمی نکنید تا کسی در دل خویش بیماری دارد به طمع نیافتد، و سخنی شایسته بگویید.

پس همان طوریکه واجب است تا چشم از دیدن آنان نگهداری گردد، همچنان واجب است تا گوش ها هم صدای نرمش زبان آنها را نشنود.⁷

1- التمثيل تمثیل، فلماذا التمثيل؟، ص 32.

2- تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبی القاسم بن محمد ابن تیمیة الحرانی الحنبلی دمشقی (المتوفی: 728هـ)، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدیریة، المحقق: محمد رشاد سالم، الناشر: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الطبعة: الأولى، 1406 هـ - 1986 م، ج 4 ص 590. شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی (المتوفی: 748هـ)، المنتقى من منهاج الاعتدال فی نقض کلام أهل الرفض والاعتزال، المحقق: محب الدین الخطیب، ج 1 ص 298. صحت و سقم این اثر را در کتاب های تخریج پیدا کرده نتوانیستم.

3- فن التمثيل: احكامه و ضوابطه الشرعية، ص 90.

4- احمد مصطفى القضاة، الشريعة الإسلامية و الفنون، المملكة العربية السعودية، دار النفائس، الطبعة الأولى، 1413هـ، ص 43.

5- فن التمثيل: احكامه و ضوابطه الشرعية، ص 91.

6- {الاحزاب، آیه 32}.

7- فن التمثيل: احكامه و ضوابطه الشرعية، ص 91.

4- با مشاهده نمودن زنان، انسان را به فحشا و منکرات بر می خیزاند: پس تصویر زنان که در حالت برهنه و مزین خود را در این تمثیل جلوه می دهند و همراهِ شوهران شان غزل و کلمات شیرین می خوانند و مردم را به فحشا و منکرات دعوت می دهند، از بزرگترین قبایح است که باید جلوگیری گردد و حتا مناسب است تا این گونه زنان تأدیب گردد.¹

مطلب ششم: ضوابط تمثیل محرمات

مناسب است تا برای آگاهی از تمثیل محرمات، ضوابط و قواعد ذیل دانسته شود، تا تمثیل حرام جلوگیری گردد:

- 1- تمثیل محرمات به صورت نفرت آمیز عرضه گردد: یعنی این روش در زندگی انسان نقد گردد، و مردم را از آن بهراساند و آنرا یک عمل بد جلوه دهند، نتایج، اضرار، عذاب های دنیوی و اخروی آن را باز گو کنند، مردم را از افتیدن در دام آن هشدار دهند، سعادت و نیک بختی انسان هارا در گروی ضد آن داند و هم از آن در اخیر توبه نماید.²
- 2- در جریان تمثیل محرمات، تمرکز روی خیر و طاعت گردد: یعنی در جریان تمثیل حرام، تلاش گردد که راهای بیرون رفت از آن، و هم ترک کردن آن و برگشتنش به کار خیر جلوه داده شود، این که شخص قبلاً به این حرام مبتلا شده است و حالا دوباره می خواهد این عمل را ترک گوید و از این عملش بیزاری جسته و به اعمال و کارهای نیک روی آورد.³
- 3- پرهیز از محلات که با روحیه اسلام در تضاد است: یعنی آن عمل گر چند ثبت تاریخ است و در داستان های تاریخی از آن بحث شده است، پس وقتی تمثیل آن کار می شود، کوشش صورت گیرد تا آن محلات و ساحات که با روحیه اسلام در تقابل است، یا از تصویری آن دست بردارند و یا هم انجاها را کار نکنند، مثل محلات که کفار شراب می نوشند، یا برهنه می گردند و رقص می نمایند و غیره، و اگر تصویری آن ضروری دانسته شد، تلاش شود تا سبک و روش آن را تغییر دهند، مثلاً از برهنه گی بیرون نمایند و امثال آن.⁴

مطلب هفتم: حکم تمثیل مقدسات، انبیاء، صحابه

بیشتر کسانی که روی موضوعات دینی تمثیل می کنند، به خصوص روی تمثیل انبیاء و داستان های شان، یهود و نصاری هستند، غرض و هدف از این کارشان، آگاهی دادن مردم از دین و پیامبران شان نیستند، بلکه هدف شان از این کار تجارت است، که حاصل می نمایند و سود و فایده بیشتر به دست می آورند، از همین جهت تمام امکانات که در دسترس دارند در این تمثیل مصرف می کنند و روی مجموعه از اعمال دینی کار می کنند و از قصه های تورات و اناجیل استفاده می کنند، از بارزترین اعمال دینی که تا هنوز بیشتر روی آن کار کرده اند و هم می کنند، قصص و داستان های انبیاء علیهم السلام هستند، مخصوصاً قصص و داستان های داود، سلیمان، زکریا، یحیی، نوح، ابراهیم،

1- رد المختار علی الدر المختار، ج 2 ص 281.

2- فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة، ص 92.

3- همان اثر، ص 92.

4- همان اثر، ص 92.

موسی و عیسی، و روی قصص موسی و عیسی علیهما السلام بیشتر از دیگران، زیادتر کار صورت گرفته است، مثل سریال وصایا عشر، فیلم موسی، ملک الملوک، مادر مسیح، سید المسیح، الاغراء الاخير المسیح، جولجانا و المسیح و غیره.¹

برخی مخلوقات پروردگار از جایگاه و متانت خاص نزد مسلمانان برخوردار اند، که دیدن آنها را روی پرده و نمایش سینما و تلویزیون، خوش نمی بینند، و وقتی روی پرده سینما ببینند، از هیبت و مقام که آنها نزد مسلمانان دارند، کاسته می شوند، حتا برخی ممثلین که تمثیل آنها را می کنند، اشخاص هستند که سلوک و اخلاق شان ضعیف هستند و مردم بر علیه آنها انتقاد و اعتراض می کنند، طوری که مسلمان این اشخاص بزرگ را در اذهان شان ترسیم می کند و بعداً او را روی پرده سینما و تلویزیون می بیند، خیلی متأثر می گردد و ارزش آنها نزدی مسلمان عادی کاسته می شود، از همین جهت انانی که تمثیل اینها را جایز دانسته اند، تمثیل برخی اشخاص از جمله محمد صلی الله علیه وسلم را درست و جایز نمی دانند، زیرا تمثیل از هیبت و متانت شان می کاهد.²

علماء در تمثیل و عدم تمثیل برخی از مقدسات اتفاق دارند و در برخی شان اختلاف دارند، که در نخست موارد اتفاقی و بعداً موارد اختلافی مثل تمثیل صحابه رضی الله عنهم را بیان می نمایم:

مطلب هشتم: حکم تمثیل مغیبات و انبیاء

اول: حکم تمثیل مغیبات

الف: مغیبات در عقیده مسلمانان: همانا الله متعال، ملائکه، جنیبات، روز آخرت، جنت و جهنم هستند، پس از موضوعات که نزد مسلمانان اتفاق است، این است که تمثیل غیبات حرام اند و این که آنها را غیبات مسمی کرده اند، زیرا الله متعال دیدن آنها را از چشم انسان پوشانده است و آنها را به دقت دیده نمی تواند، طوری که الله متعال فرموده است: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»³ ترجمه: آن کسانی که به جهان پنهان و غیب باور دارند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به آنها روزی داده ایم می بخشند.

ما مسلمانان به آنها ایمان داریم، ولی از نظر دیدی ما غیب و پوشیده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: «أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ، مَا لَا أَعْيُنٌ رَأَتْ، وَلَا أَدُنُّ سَمِعَتْ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبٍ فَاقْرَأُوا إِنْ شِئْتُمْ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ» ثم قرأ:

«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [السجدة: 17].⁴ ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: خداوند متعال فرموده است: برای بندگان نیکوکارم چیزهایی آماده کرده ام که هیچ چشمی [آن ها را] ندیده است و هیچ گوشی [در باره ی آن ها چیزی] نشنیده است و به قلب هیچکسی خطور نکرده است؛ پس اگر

1- محمود قاسم، صورة الاديان في السينما المصرية، القاهرة، شركة لوتس لطبع و النشر، الطبعة الاولى، 1997م، ص 32.

2- همان، ص 32.

3- {البقرة، آیه 3}.

4- صحيح البخاری، ج 6 ص 116 رقم الحديث 4780.

خواستید [در باره ی آن ها یقین پیدا کنید، این آیه را] قرائت کنید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»¹ ترجمه: و هیچکس نمی داند که برای آنان (مؤمنان) از آنچه مایه ی نور چشم است (به پاداش کارهای نیکی که می کردند) چه چیزهایی آماده شده است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث الله متعال برخی از چیزهای را یاد می کند که تا هنوز چشم ها او را ندیده است و گوش ها هم در موردش چیزی نشنیده است، پس ایمان آوردن به آنها واجب است.²

ب: تمثیل ذات الهی: تمثیل کردن ذات الهی کفر است، زیرا الله متعال را با هیچ چیز مقایسه و مشابهت کرده نمی شود، الله متعال در مورد فرموده است: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»³ ترجمه: هیچ چیزی همانند او نیست و او شنوای بیناست.

همچنان الله متعال فرموده است: «فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ أَنْ اللَّهُ يَعْلَمُ وَانْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»⁴ ترجمه: پس برای الله شبیه و نظیر قرار می دهد، بی گمان الله می داند و شما نمی دانید.

ج: تمثیل ملانیکه: عالم ملانیکه از جمله مغیبات است و تمثیل کردن آنها حرام می باشد، پس اگر ما آنها را تمثیل کنیم، شاید تمثیل برخلاف حقیقت صورت گیرد، زیرا ما صفات آنها را بر سبیل تفصیل نمی شناسیم، پس در تمثیل شان چیزی گفته می شود که الله متعال نفرموده است و ما هم علم نداریم، از همین جهت الله متعال در مورد صفات خلقی آنها فرموده است: «{الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّتًى وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ أَنْ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ}»⁵ ترجمه: ستایش الله را سزاست که آفریننده آسمان ها و زمین است (خدایی که) فرشتگان را پیام آوران (و) دارای بال های دوگانه و سه گانه و چهارگانه گرداند. هرچه بخواهد در آفرینش می افزاید، بی گمان خداوند بر هر چیزی تواناست.

د: تمثیل انبیاء علیهم السلام: جمهور علمای اهل سنت و الجماعت بر تحریم تمثیل انبیاء اتفاق نظر دارند، بخاطریکه در تمثیل پیامبران – گر چند تلاش گردد تا مقام، منزلت و مکانت شان حفظ گردد – باز هم از مقام، قدسیت و عصمت شان کاسته می شود.⁶

دلایل شان قرار ذیل اند:

1- از ضروریات تمثیل است، تا با تمام جزئیات از قبیل حرکات، سکانات، حواس و خصوصیات آن، تشخیص داده شود، انبیاء پیشوا هستند، پس ذکر تفصیل وار با تمام ویژگی های تمثیل در حق آنها، کذب را ایجاد می کند، از همین جهت پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: «آن

1- {السجدة، آیه 17}.

2- فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة، ص 95.

3- {الشوری، آیه 11}.

4- {النحل، آیه 74}.

5- {الفاطر، آیه 1}.

6- محمد رشید بن علی رضا (المتوفی: 1354هـ) و دیگران، مجلة المنار، بیروت، الناشر: دارالطبعة لنشر و التوزیع، 1418هـ، ج 20 ص

310 – 316. فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة، ص 96.

كَذَّبَا عَلَىٰ لَيْسَ كَكَذِبِ عَلَىٰ أَحَدٍ، مَنْ كَذَّبَ عَلَىٰ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَفْعَدَهُ مِنَ النَّارِ».¹ ترجمه: نسبت دادن سخن دروغ به من، مانند نسبت دادن دروغ به هیچ کس دیگری، نیست. هرکس، سخن دروغی را به من نسبت دهد، جایش را در دوزخ، آماده نماید.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید، که دروغ بستن به رسول الله (صلی الله علیه وسلم) لی الله علیه و سلم، مثل دروغ بستن به دیگران نیست، بلکه گناه و معصیت آن چندین بیشتر است، و حتا شخص که به پیامبر، دروغ بسته می کند، جایش را در آتش دوزخ مساعد می سازد. نظر به این حدیث باید از تمثیل کردن انبیاء خود داری گردد.²

2- در حدیث شریف آمده است: «مَنْ رَانِي فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَانِي فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي».³ ترجمه: هرکس مرا در خواب ببیند به تحقیق دیده است زیرا شیطان نمی تواند خود را به تمثیل من درآورد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که الله متعال پیامبرش را از شر شیطان نگهداشته است، از همین جهت شیطان نمی تواند که خود را به تمثیل محمد صلی الله علیه وسلم در آورد، وقتی الله متعال برای شیطان اجازه تمثیل پیامبر را نداده است، پس چگونه برای انسان این عمل جایز است که خود را شبیه یک پیامبر بسازد؟ و تمثیل او را بازی نماید.⁴

3- تشخیص دادن برخی از داستان های انبیاء ممکن نیست، مثل وحی، ملائیکه، معجزات و غیره از غیبات، اگر آن را بخواهیم، که تشخیص بدهیم، مقام و منزلت آنها را پایان می بریم، و حرمت شان نقض می گردد، مثل که این موضوع در سریال بنام یوسف الصدیق علیه السلام دیده می شود، که ایرانی ها آن را ساخته است و همچنین در آن سریال موارد دیده می شود که مقام و منزلت یعقوب و یوسف علیهما السلام نقض گردیده است و در حق آنها کذب بسته و ساخته شده است.⁵

4- اگر برای جواز آن فتوا داده شود، بسیار از کشورها به ساختن سریال و فیلم های پیامبران اقدام می کنند و بسیاری از تمثیل گران، نظر به شوق و رغبت مردم، تمثیل پیامبران را می کنند و در این کارشان به برخی از قصه های اسرائیلی، کذب و واهی روی می آورند و دهها کارهای می کنند که در حق پیامبران جفا و گناه خواهد بود، پس بهتر خواهد بود تا این دروازه بسته گردیده و به عدم جواز آن فتوا داده شود.⁶

ه: تمثیل صحابه: فقهاء و دانشمندان اسلامی راجع به تمثیل صحابه دارای سه دیدگاه اند:

1- برخی های شان قائل به تحریم تمثیل صحابه اند.

2- برخی های شان قائل به جواز تمثیل صحابه اند.

3- و برخی دیگرشان، قائل به تفصیل اند.

1- صحیح البخاری، ج 2 ص 80 رقم الحدیث 1291.

2- مجلة المنار، ج 20 ص 311.

3- صحیح البخاری، ج 9 ص 33 رقم الحدیث 6994. صحیح مسلم، ج 5 ص 24 رقم الحدیث 2266.

4- جاد الحق علی جاد الحق، فتاوی دارالافتاء مصر، موقع وزارة الاوقاف المصرية، 1400 هـ = 1980م، ج 2 ص 486.

5- فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعية، ص 98.

6- فتاوی دارالافتاء مصر، ج 2 ص 487. فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعية، ص 98. مجلة المنار، ج 20 ص 311 - 316.

اول: برخی های که قائل به تحریم تمثیل صحابه هستند، عبارت از کبار علمای سعودی¹، المجمع الفقہی الاسلامی برابطة العالم الاسلامی² و غیره اند.³

دوم: برخی قائل به مطلق جواز اند که مجلة المنار تذکر داده است.⁴

سوم: برخی ها قائل به تفصیل اند: این گروه قائل به جواز تمثیل صحابه هستند، ولی صحابه های بزرگ مثل خلفای راشدین، عشره مبشره، امهات المؤمنین، دختران رسول الله (صلی الله علیه وسلم) لی الله علیه وسلم و حسن و حسین رضی الله عنهم را مستثناء نموده اند.⁵

1- دلایل قائلین بر تحریم تمثیل صحابه:

1- ورود نهی از محاکات (مشابه کسی یا چیزی شدن): محاکات شخص اینست که مثلی فعلی او، فعلی را انجام دادن و مثل سخن او، سخن گفتن، در این مورد حدیث شریف آمده است: عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: حَكَيْتُ اِنْسَانًا، فَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا أُحِبُّ اِنِي حَكَيْتُ اِنْسَانًا وَأَنْ لِي كَذَا وَكَذَا»⁶ ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم حرکت انسانی را برای ایشان تقلید کردم، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: دوست ندارم تقلید انسانی را در آورم و از او به حقارت یاد کنم، اگرچه مال بسیاری به من بدهند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم عایشه را از تمثیل و تقلید کردن منع می کند و این دلیل بر این است که این کار جواز ندارد.

2- تمثیل از اعمال و صنع کفار است، پس تمثیل کردن مشابهت کردن با کفار است و باید خود داری گردد.⁷

3- در تمثیل صحابه ضرورت است از رضایت شان، و در این شکی نیست که صحابه از این کار ناراض هستند، زیرا در تمثیل کذب، تهمت زدن، اهانت کردن، دشنام دادن، لهو و لعب صورت می گیرد و صحابه از این اعمال ناراض اند، همچنان در تمثیل صحابه، کذب بر صحابه، وارد می گردد، همچنان در تمثیل شان برخی امورات محرم داخل می گردد، از جمله اختلاط زنان، موسیقی، تزویر و أمثال آن.⁸

1- الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، مجلة البحوث الإسلامية، عدد الأجزاء: 95 جزء، ج 1 ص 235. هيئة

كبار العلماء بالمملكة العربية السعودية، البحوث العلمية، الناشر: الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، 1421 هـ - 2001 م، ج 3 ص 243.

2- محمد تقی العثماني بن الشيخ المفتي محمد شفيح، بحوث في قضايا فقهية معاصرة، دار النشر: دار القلم - دمشق، الطبعة: الثانية، 1424 هـ - 2003 م، ج 4 ص 456.

3- أحكام التمثيل في الفقه الإسلامي، ص 199. البيان المفيد عن حكم التمثيل والناشيد، ص 17. حكم التمثيل في الدعوة الى الله، ص 66.

4- مجلة المنار، ج 31 ص 734. تامر محمد محمود متولى، منهج الشيخ محمد رشيد رضا في العقيدة، الناشر: دار ماجد عسبري، الطبعة: الأولى 1425 هـ-2004 م، ج 1 ص 211.

5- الإسلام وقضايا الفن المعاصر لـ ص 268. الشريعة الإسلامية والفنون، ص 380. حكم الإسلام و وسائل الاعلام، ص 47.

6- سنن أبي داود، ج 7 ص 237 رقم الحديث 4875. سنن الترمذی، ج 4 ص 231 رقم الحديث 2502. این حیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفى: 1420 هـ)، صحیح وضعیف سنن الترمذی، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من انتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، ج 6 ص 2 رقم الحديث 2502.

7- البيان المفيد عن حكم التمثيل والناشيد، ص 17.

8- فن التمثيل: احكامه و ضوابطه الشرعية، ص 100.

2- دلایل کسانی که بر جواز تمثیل صحابه قائل اند:

1- اصل در اشیاء اباحت است، تا وقتی دلیل تحریم وارد نگردد، الله متعال در مورد فرموده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»¹. ترجمه: او خداوند ذاتی است که تمامی آنچه در زمین وجود دارد برایتان آفرید، سپس قصد آفرینش آسمانها را نمود و آن را هفت آسمان آفرید و او به هر چیزی دانا است.

وجه استدلال از آیت: در این آیت الله متعال همه چیز را برای انسان آفریده است، تا از آن استفاده نماید، یکی از آنها تمثیل کردن است، و منع هم از تمثیل کردن به شکل مستقل نیامده است.²

2- همچنان الله متعال فرموده است: {قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ...}.³ ترجمه: بگو: چه کسی زینت خدا را که برای بندگانش بیرون آورده، و چیزهای پاکیزه را حرام کرده است؟.

در این آیت هم بیان شده است که تنها الله متعال است که حرام و حلال را مشخص می سازد، بر اساس این آیت، الله متعال بنده هایش را از تمثیل صحابه منع نکرده است، پس تمثیل کردن جایز است.⁴

3- همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد فرموده است: عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ، قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - عَنِ السَّمْنِ وَالْجُبْنِ وَالْفِرَاءِ، قَالَ: «الْحَلَالُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، وَالْحَرَامُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، وَمَا سَكَتَ عَنْهُ فَهُوَ مِمَّا عَفَا عَنْهُ».⁵

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که حلال و حرام در کتابی الله متعال بیان گردیده است، پس از آنچه که سکوت شده است و حلال و حرام بودنش مشخص نشده است، حکم جواز را به خود دارد، از جمله تمثیل.⁶

4- تمثیل نوعی از سرگرمی است، پیامبر صلی الله علیه وسلم با صحابه و اطفال سرگرمی نموده است و این دلالت بر جواز آن می کند.⁷

3- دلایل کسانی که میان عموم صحابه و بزرگان شان تمیز قائل شده است:

این گروه استدلال نموده اند به همان دلایل کسانی که قائل بر جواز تمثیل صحابه اند و از آن بزرگان صحابه، امهات المؤمنین و دختران پیامبر صلی الله علیه وسلم را استثناء نموده اند، و در این مورد گفته اند: پیامبر صلی الله علیه وسلم سنت خلفای راشدین را جزء از سنت خود گردانیده است، طوری که

1- {البقرة، آیه 29}.

2- فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة، ص 49.

3- {الاعراف، آیه 12}.

4- البیان المفید عن حکم التمثیل والانشید، ص 22.

5- سنن ابن ماجه، ج 4 ص 459 رقم الحدیث 3367. این حدیث حسن است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: 1420هـ)، صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، برنامج منظومة التحقیقات الحدیثیة - المجانی - من انتاج مرکز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، ج 7 ص 367 رقم الحدیث 3367.

6- البیان المفید عن حکم التمثیل والانشید، ص 31.

7- همان، ص 31.

پیامبر صلی الله علیه فرموده است: «فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ...»¹ ترجمه: بر شماست که از سنت من و خلفای راشدین راه یافته پیروی کنید.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که سنت خلفاء به مثابه سنت پیامبر است؛ پس همان طوری که تمثیل شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم حرام است، تمثیل خلفاء راشدین هم حرام است، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم هدایت و رهنمای آنها را مثل هدایت و رهنمای خود قرار داده است، سیرت آنها را سیرت خود قرار داده است، پس خلفاء هم در عدم جواز تمثیل شان، حکم پیامبر صلی الله علیه وسلم را گرفت.²

همچنان پیامبر صلی الله علیه فرمود: «أَبُو بَكْرٍ فِي الْجَنَّةِ، وَعُمَرُ فِي الْجَنَّةِ، وَعُثْمَانُ فِي الْجَنَّةِ، وَعَلِيٌّ فِي الْجَنَّةِ، وَطَلْحَةُ فِي الْجَنَّةِ وَالزُّبَيْرُ فِي الْجَنَّةِ، وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ فِي الْجَنَّةِ، وَسَعْدُ فِي الْجَنَّةِ، وَسَعِيدُ فِي الْجَنَّةِ، وَأَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ فِي الْجَنَّةِ».³ ترجمه: ابوبکر در جنت است، عمر در جنت است، عثمان در جنت است، علی در جنت است، طلحه در جنت است، زبیر بن عوام در جنت است، سعد در جنت است، عبدالرحمن بن عوف در جنت است و سعید بن زید در جنت است، رضی الله عنهم.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث این اشخاص را پیامبر صلی الله علیه وسلم از اهل بهشت قلمداد کرده است و در مدح و توصیف شان دهها حدیث آمده اند، پس بخاطری که اینها زیاد اشخاص بزرگ خوانده شده است، نباید تمثیل شان صورت گیرد.⁴

اما امهات المؤمنین و دختران پیامبر صلی الله علیه وسلم، زیرا حرمت آنها، حرمت پیامبر صلی الله علیه وسلم است، از همین جهت الله متعال در مورد شان فرموده است: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ...»⁵ ترجمه: ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از (سایر) زنان نیستید.

همچنان الله متعال در مورد شان فرموده است: {النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ...}.⁶ ترجمه: پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است، و همسران پیامبر مادران مؤمنان هستند.

و دختران پیامبر صلی الله علیه وسلم هم جزء پیامبر است و هم در این قسمت اولی تر است، که تمثیل شان صورت نگیرند.⁷

1- سنن ابن ماجه، ج 1 ص 28 رقم الحديث 42. سنن أبي داود، ج 4 ص 200 رقم الحديث 4607. این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، ج 1 ص 114 رقم الحديث 42.

2- فن التمثيل: احكامه و ضوابطه الشرعية، ص 112.

3- سنن الترمذی، ج 5 ص 547 رقم الحديث 3747. سنن أبي داود، ج 4 ص 211 رقم الحديث 4649. این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: 1420 هـ)، صحیح وضعیف سنن الترمذی، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من انتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، ج 8 ص 247 رقم الحديث 3747.

4- فن التمثيل: احكامه و ضوابطه الشرعية، ص 113.

5- {الاحزاب، آیه 32}.

6- {الاحزاب، آیه 6}.

7- فن التمثيل: احكامه و ضوابطه الشرعية، ص 98.

قول راجح: بعد از تحقیق و بررسی قول دوم، یعنی کسانی که قائل بر جواز تمثیل صحابه اند به استثنای امهات المؤمنین و دختران پیامبر صلی الله علیه وسلم، راجح به نظر می رسد، به چند دلیل:

- 1- این کارشان عیب محسوب نمی گردد، طوری که امروزه تجربه در قسمت سریال عمر فاروق رضی الله عنه نشان داده است.
- 2- کلام و سخنان کسانی که قائل بر تحریم تمثیل صحابه اند، منتفی است، وقتی که شروط و ضوابط تمثیل حفظ گردد.
- 3- گروه سوم که میان عموم صحابه و بزرگان شان تفاوت قائل اند، درست نیست، زیرا اگر تمثیل بزرگان صحابه، باعث کسر شان آنها می گردد، پس تمثیل بقیه صحابه هم باعث کسر شان می گردد.¹
- 4- همچنان قیاس نمودن بزرگان صحابه به انبیاء درست نیست، زیرا انبیاء معصوم و قدوه هستند، ولی معصومیت در صحابه نیست.²

پس به شکل خلاصه می توان گفت:

- 1- تمثیل مستحب است، وقتی این تمثیل موافق قواعد شرعی صورت گیرد، همچنان به شکل محکم و استوار صورت گرفته و از هر نوع تزویر و بی ادبی دور باشد.³
- 2- واجب است در صورتی که تمثیل صحابه موافق هیبت، شأن و وقار آنها صورت گیرد و این تمثیل با استفاده از کتابهای معتبر که راجع به صحابه نوشته شده است، صورت گیرد و هم شروط و ضوابط آن مراعات گردیده و از هر نوع بی ادبی، تزویر، جعل در حق آنها خود داری گردیده و به شکل متقن باشد.⁴
- 3- مکروه است وقتی تمثیل موافق قواعد شرعی صورت گیرد و هم به شکل که دور از تزویر و بی ادبی باشد، ولی متقن نباشد.
- 4- حرام است در صورتی که ضوابط شرعی مراعات نگردد، یا هم بی ادبی در جریان تمثیل صورت گیرد.

ضوابط تمثیل صحابه

- 1- هیبت و وقار صحابه حفظ گردد.
- 2- به صدق و ثبوت داستانها توجه صورت گیرد.
- 3- عدم جواز تمثیل امهات المؤمنین و دختران پیامبر صلی الله علیه وسلم.
- 4- شخص ممثل دارای اخلاق خوش و شهرت نیک باشد.
- 5- جریان تمثیل از طرف علماء نظارت گردد.
- 6- از اختلاط میان زن و مرد خود داری گردد.
- 7- حجاب مراعات گردیده و از کشف خود داری صورت گیرد.⁵

1- همان اثر، ص 113.

2- البیان المفید عن حکم التمثیل والاناشید، ص 43.

3- فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة، ص 116.

4- همان اثر، ص 117.

5- فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة، ص 117.

مطلب نهم: حکم تمثیل زن

زن می تواند که به حیث ممثل در برخی از تمثیل های اسلامی که ضرورت دیده می شود، کار کند، ولی این کار روی ضوابط و اصول باید صورت گیرد، این ضوابط و اصول قرار ذیل است:

- 1- تمام ممثلین باید از نظر به زن اجنبی خود داری نمایند و همچنان زن تلاش نماید تا با مردان نامحرم و بیگانه زیاد توجه نکند، طوری که الله متعال در مورد فرموده است: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (30) وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...»¹. ترجمه: به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند، و پاکدامنی ورزند، این برایشان پاکیزه تر است، بی گمان خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است. {30} و به زنان مؤمن بگو: چشمان خود را (از نامحرمان) فرو بگیرند، و پاکدامنی کنند.
- 2- اوطاق زنان مستقل و از مردان مستقل باشد، همچنین خوابگاه و بستر هر زن مستقل و جدا از زن دیگر باشد، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: «لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَةِ الرَّجُلِ، وَلَا الْمَرْأَةُ إِلَى عَوْرَةِ الْمَرْأَةِ، وَلَا يُفْضَى الرَّجُلُ إِلَى الرَّجُلِ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ، وَلَا تُفْضَى الْمَرْأَةُ إِلَى الْمَرْأَةِ فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ»². ترجمه: مرد به عورت مردی دیگر و زن به عورت زنی دیگر ننگرد و مردی در یک بستر با مرد دیگر و زنی با زن دیگر در یک بستر خوابند.
- وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید، که بستر زن از زنی دیگر جدا باشد.
- 3- حجاب و عورت زن در جریان تمثیل مراعات گردد، الله متعال در مورد فرموده است: «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ...»³. ترجمه: و از زینت خود مگر آنچه از آن که آشکار است. آشکار نکنند.
- 4- لباس زن مسلمان باید شرایط خاص خود را داشته باشد، این شرایط عبارت است از این که ساتر باشد، زینت و آرایش بیشتر که توجه دیگران را جلب کند، نداشته باشد، لباس نازک نباشد، تنگ نباشد که جسم را نمایان سازد، لباسش مشابهی لباس مردان نباشد، لباسش مشابهی لباس زنان کافر نباشد. الله متعال در مورد فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...»⁴. ترجمه: ای پیامبر! به زنان و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: روسری هایشان را بر خود فرو پوشند.
- 5- زن صدای خود را رقیق و فتنه انگیز نسازد تا مایه فتنه گردد، الله متعال در مورد فرموده است: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنْ أَنْتَقِيْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»⁵. ترجمه: ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از (سایر) زنان نیستید اگر پرهیزگار باشید، پس در سخن گفتن نرمی نکنید تا کسی در دل خویش بیماری دارد به طمع نیافتد، و سخنی شایسته بگویید.

1- {النور، آیه 30 - 31}.

2- صحیح مسلم، ج 1 ص 266 رقم الحدیث 338.

3- {النور، آیه 31}.

4- {الاحزاب، آیه 59}.

5- {الاحزاب، آیه 32}.

6- همراهی مردان بیگانه و نا محرم خلوت نکند، مگر در صورتی که محرمش و یا هم زوجهش همراش باشد. در حدیث آمده است: **عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِامْرَأَةٍ إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ».**¹ ترجمه: از ابن عباس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هرگز مرد بیگانه ای با زنی خلوت نکند، مگر اینکه فرد محرمی وجود داشته باشد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث هر نوع خلوتی زن همراهی مرد بیگانه منع شده است، مگر در صورتی که همراش محرمش باشد.

7- در صورتی که زن در جریان تمثیل سفر می کند، باید همراش محرم و یا شوهرش باشد، در حدیث آمده است: **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَجُزُّ لَامْرَأَةٍ تُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تُسَافِرَ مَسِيرَةَ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ لَيْسَ مَعَهَا حُرْمَةٌ.**² ترجمه: ابو هریره رضی الله عنه فرموده است: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) لی الله علیه و سلم فرمودند: برای زنی که ایمان به خدا و روز آخرت دارد حلال نیست مسافت یک شبانه روز را بدون محرم سفر کند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث به شکل واضح، از سفر کردن زن بدون محرم منع شده است.

8- از خندیدن به صدای بلند خود داری گردد، تا مایه فتنه نگردد.

9- از دست به دست شدن با همراهی بیگانه خود داری نماید.

۱۰: لباس های شان را معطر و خوشبو نگرداند، همچنان از برخی کارهای خلاف اخلاقی مثل اضافه کردن موی مصنوعی، باریک نمودن ابرو، بلند نمودن بینی، داغ نمودن چهره و خال کوبی آن و غیره از کارهای که با شریعت و اخلاق سازگار نیست خودداری نماید.³

مشروعیت تمثیل

در صورتی که ضوابط و شرایط تمثیل که قبلاً تذکر رفتند، مراعات گردد، تمثیل یک عمل مشروع، مباح و جایز است، که برای مشروعیت آن دلایل زیادی وجود دارند، که تعداد از این دلایل قرار ذیل است:

1- صدور تمثیل از طرف ملائیکه

آیاتی زیادی وجود دارند، که نشان می دهند، برخی وقت ملائیکه، تمثیل بشر را کرده است، طوریکه جبرئیل علیه السلام نزد مریم مادر عیسی علیها السلام به صورت بشر آمده است: **اللَّهُ مَتَعَالٍ فَرَمُودَةٌ** است: **«فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا».**⁴ ترجمه: انگاه روح خویش را به سوی او فرستادیم که در شکل انسانی کامل بر او ظاهر شد.

همچنان در احادیث آمده است، که برخی وقت جبرئیل علیه السلام، نزد محمد صلی الله علیه و سلم به صورتی یک انسان ظاهر می گردید، طوریکه در حدیث مشهور است که: از عمر بن خطاب -

1- صحیح البخاری، ج 7 ص 37 رقم الحدیث 5233.

2- صحیح البخاری، ج 2 ص 43 رقم الحدیث 1088.

3- فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة، ص 118 - 139.

4- {مریم، ایه 17}

رضی الله عنه - روایت است که گفت: «بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - ذَاتَ يَوْمٍ، إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يَرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَيَّ رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَّيْهِ عَلَيَّ فَخَذِيهِ...»¹ ترجمه: روزی ما نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم، مردی بر ما وارد شد، که جامه او بسیار سفید بود، و موهای سرش بسیار سیاه، و کسی از ما او را نمی شناخت، و هیچ اثر سفر بر او نبود که بگوییم از جایی دور آمده است، تا این که نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم نشست، و دو زانوی خود را به دو زانوی پیامبر صلی الله علیه وسلم چسپاند، و دو دستش را بر دو ران آن حضرت صلی الله علیه وسلم نهاد.

وجه استدلال از حدیث: این شخص همان جبرئیل علیه السلام بود، که به صورتی شخص نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم ظاهر گردید و از ایمان، اسلام و احسان سوال نمود و بعد برگشت.

2- صدور تمثیل از انبیاء

آیاتی زیادی وجود دارند که نشان می دهند، انبیاء علیهم السلام در برخی جاها، تمثیل نموده اند، که نمونه شان قرار ذیل است:

الف: تمثیل سیدنا ابراهیم علیه السلام بر قومش: که در قسمت آشکار گردیدن حقیقت و این که مردم از ستاره پرستی، آفتاب پرستی و مهتاب پرستی دست بردارند، مناظره نمود²، الله متعال در مورد فرموده است: «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْأَفْلِينَ (76) فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (77) فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ أِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (78)»³ ترجمه: وقتی شب او را دربر گرفت، ستاره ای را دید، گفت: این پروردگار من است! وقتی که غروب کرد، گفت: من غروب کنندگان را دوست ندارم. {76} وقتی ماه را در حال طلوع دید، گفت: این پروردگار من است! هنگامی که ماه ناپدید شد، گفت: اگر پروردگارم مرا هدایت نکند بدون شک از زمرة قوم گمراه خواهم بود. {77} وقتی که خورشید را در حال طلوع دید، گفت: این پروردگار من است، این بزرگتر است! وقتی خورشید غروب کرد، گفت: ای قوم من! من از آنچه برای خدا شریک می سازید بیزارم.

ب: آن عمل که از یوسف علیه السلام صدور یافت، وقتی برای برادرانش تمثیل نمود، تا برادرش نزد او باقی بماند⁴، الله متعال در مورد فرموده است: «فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتَهَا الْعَيْرُ انكُم لَسَارِقُونَ»⁵ ترجمه: و هنگامی که آذوقه را برایشان پیمانه کرد پیمانه را در بار برادرش نهاد. انگاه ندا دهنده ای ندا داد: ای کاروانیان! شما دزدید.

3- صدور محاکات و تمثیل از پیامبر صلی الله علیه وسلم

1- صحیح مسلم، ج 1 ص 36 رقم الحدیث 8.

2- فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة، ص 74.

3- {الانعام، آیه 76 - 78}.

4- فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة، ص 74.

5- {یوسف، آیه 70}.

بر این مورد احادیث زیاد روایت شده است، از جمله:

الف: ابو ذر رضی الله عنه روایت کرده می کند: با پیامبر صلی الله علیه وسلم در حره ای از حره های مدینه می رفتیم که کوه احد در برابر ما قرار گرفت. انحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: ای ابو ذر! جواب دادم: لیبک یا رسول الله (صلی الله علیه وسلم) لی الله علیه وسلم! فقال: «مَا يَسْرُنِي أَنْ عِنْدِي مِثْلُ أَحَدٍ هَذَا ذَهَبًا تَمْضِي عَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَعِنْدِي مِنْهُ دِينَارٌ، إِلَّا شَيْءٌ أَرْصُدُهُ لِدَيْنٍ، إِلَّا أَنْ أَقُولَ بِهِ فِي عِبَادِ اللَّهِ هَكَذَا وَهَكَذَا» عن يمينه وعن شماله ومن خلفه، ثم سار فقال: «أَنَّ الْأَكْثَرِينَ هُمْ الْأَقْلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ قَالَ بِالْمَالِ هَكَذَا وَهَكَذَا» عن يمينه، وعن شماله، ومن خلفه «وَقَلِيلٌ مَا هُمْ». ثم قال لي: «مَكَانَكَ لَا تَبْرَحُ حَتَّى آتِيكَ». ثم انطلق في سَوَادِ اللَّيْلِ حَتَّى تَوَارَى، فَسَمِعْتُ صَوْتًا قَدِ ارْتَفَعَ، فَتَحَوَّفْتُ أَنْ يَكُونَ أَحَدٌ عَرَضَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَرَدْتُ أَنْ آتِيَهُ فَذَكَرْتُ قَوْلَهُ: «لَا تَبْرَحُ حَتَّى آتِيكَ» فلم أَبْرَحُ حَتَّى آتَانِي، فَقُلْتُ: لَقَدْ سَمِعْتُ صَوْتًا تَحَوَّفْتُ مِنْهُ، فَذَكَرْتُ لَهُ. فقال: «وَهَلْ سَمِعْتَهُ؟» قلت: نَعَمْ، قال: «ذَلِكَ جَبْرِيلُ آتَانِي فَقَالَ: مَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِكَ لَا يَشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ، قلت: وَإِنْ رَزَى وَإِنْ سَرَقَ؟ قال: وَإِنْ رَزَى وَإِنْ سَرَقَ»¹.

ترجمه: فرمود: خوش ندارم که مانند این کوه احد طلا داشته باشم و سه روز بر من بگذرد و از آن دیناری نزد من باقی مانده باشد، مگر چیزی را که برای قرض نگهداشته ام. مگر اینکه در مورد تقسیم آن به بندگان خدا دستور دهم، اینچنین و اینچنین و اینچنین. از طرف راست و چپ و پشت سرش. و فرمود: کسانی که بیشتر دارند در روز قیامت کمتر دارند، مگر آنکه مال را چنین و چنان کند. یعنی از راست و چپ و پشت سرش به مردم دهد و آن عده مردم کم هستند. بعد برآیم فرمود: از جاییت حرکت مکن تا خود بیایم و به سیاهی شب رفتند تا که از نظر پنهان شدند، من صدائی را شنیدم که بلند شد، ترسیدم که به پیامبر صلی الله علیه وسلم کسی تعرض کرده باشد، خواستم نزدش بروم، ولی بیاد آوردم فرموده اش را (از جاییت حرکت مکن تا خود بیایم) در جاییم بودم تا خودش آمد. گفتم: صدایی را شنیدم که از آن ترسیدم و قصه نمودم. فرمود: آیا آنرا شنیدی؟ گفتم: بلی! فرمود: او جبرئیل علیه السلام بود که نزد من آمد و گفت: آنکه از امتت بمیرد که به خدا چیزی شریک نیاورد به بهشت داخل گردد. گفتم: اگر دزدی و زنا هم نماید؟ فرمود: اگر چه دزدی و زنا هم بکنند!

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث چگونگی تمثیل پیامبر صلی الله علیه وسلم دیده می شود، که از آن تمثیل ابودر رضی الله عنه وحشت زده می شود.

ب: حدیث جریح عابد که در جزء آن آمده است: «فَكَانِي أَنْظُرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَحْكِي أَرْتِضَاعَهُ بِأَصْبُعِهِ السَّبَابِيَةِ فِي فِيهِ، فَجَعَلَ يَمُصُّهَا...»² ترجمه: گویی من اکنون بسوی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) لی الله علیه وسلم می نگرم و ایشان شیر خوردن او را به انگشت سبابه خود، که در دهن قرار داده می کند، تمثیل می نمایند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث به وضوح دیده می شود، که پیامبر صلی الله علیه وسلم تمثیل می کند.

4- صدور تمثیل از صحابه رضی الله عنهم

در روایات زیاد آمده است که صحابه کرام تمثیل می کردند، از جمله این روایات، واقعه محمد ابن مسلمه رضی الله عنه است، طوری که در بخاری شریف آمده است: «إِذَا مَا جَاءَ فَانِي قَائِلٌ بَشَعْرِهِ

1- صحیح البخاری، ج 5 ص 2367 رقم الحدیث 6079.

2- صحیح مسلم، ج 4 ص 1977 رقم الحدیث 2550.

فَأَشْمُهُ، فَإِذَا رَأَيْتُمُونِي اسْتَمَكَنْتُ مِنْ رَأْسِهِ فَدُونَكُمْ فَاضْرِبُوهُ وَقَالَ مَرَّةً: ثُمَّ أَشْمُكُمْ فَنَزَلَ إِلَيْهِمْ مَتَوَشَّحًا، وَهُوَ يَنْفُخُ مِنْهُ رِيحَ الطَّيِّبِ فَقَالَ: مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ رِيحًا، أَيْ أَطْيَبَ قَالَ: عِنْدِي أَعْطَرُ نِسَاءِ الْعَرَبِ وَأَكْمَلُ الْعَرَبِ؛ فَقَالَ: أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَشَمَّ رَأْسَكَ قَالَ: نَعَمْ فَشَمَّهُ ثُمَّ أَشَمَّ أَصْحَابَهُ ثُمَّ قَالَ: أَتَأْذُنُ لِي قَالَ: نَعَمْ فَلَمَّا اسْتَمَكَنْ مِنْهُ، قَالَ: دُونَكُمْ فَفَتَلَوْهُ، ثُمَّ أَتَوْا النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَأَخْبَرُوهُ»¹ ترجمه: محمد گفت: وقتی که کعب آمد من موی سرش را می گیرم و آنرا بو می کنم همینکه دیدید که سرش کاملاً در اختیار من است لازم است فوراً او را با شمشیر بزنید، و یکبار گفت: من که سرش را بو کردم به شما می گویم شما هم آن را بو کنید، سرانجام کعب با حالت آراسته به نزد آنان آمد بوی عطر از او پخش می شد، محمد گفت: تا به امروز بوی از این خوشتر ندیده ام، کعب گفت: من معطرترین و بهترین زن عرب را دارم، محمد گفت: اجازه می دهی سرت را بو کنم؟ کعب گفت: بلی، محمد سر کعب را بو کرد و به رفقایش گفت که آنرا بو کنند، باز محمد گفت: اجازه بده آنرا مجدداً بو کنم، کعب اجازه داد وقتی که محمد بر سر کعب مسلط شد، به رفقایش گفت او را با شمشیر بزنید، بالآخره کعب را کشتند و به سوی پیغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - برگشتند و جریان را به پیغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - خبر دادند».

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص می گردد که محمد بن مسلمه رضی الله عنه در برابر کعب ابن اشرف از تمثیل کار می گیرد، تا او را به قتل می رساند.²

1- صحیح البخاری، ج 4 ص 64 رقم الحدیث 3031.

2- فن التمثیل: احکامه و ضوابطه الشرعیة، ص 75.

فصل چهارم

امور اداری در قانون رسانه ها از نظر فقه اسلامی

مبحث اول: اداره قانون رسانه ها

اسلام دین کامل و شامل و همه جانبه است که تماما جوانب زندگی بشر را دربر دارد چنانچه ایمانی، عقیدتی فرهنگی، اجتماعی،... همه آن چیز که است مورد بحث قرار میدهد، هیچ مورد نیست که اسلام در آن بحثی نداشته باشد، همان قسم اداره را نیز تحت پیگیری قرار داده است چون اساس و بنیاد اسلامی نظم اداره و مدیریت است نگاه اگر به کائیات انداخته شود به شب و روز به هفته، ماه و سال این همه یک اداره است که مدیریت آن بدست الله متعال است، هیچ چیز در این دنیا بدون اداره و مدیریت خلق نشده، یا مدیریت آنرا نموده است، یا کسی را مامور آن ساخته است.

که تمام آنرا در مطالب جدا گانه مورد بحث قرار داده ام ابتدا تعریف اداره و بعدا به مشروعیت اداره میپردازیم و بعدا تمام آن ماده که تحت عنوان اداره آمده آنها را ابتدا ماده قانون رسانه ها و بعدا تحلیل آن گنجاینده ام، با بعضی بحث شرعی و قانونی.

مطلب اول: اداره در لغت

عبارت از مترادف دایره، سازمان، موسسه، تمشیت¹، تنسيق، رتق وفتق

معادل فارسی: سازمان، دیوان، ستاد، سرپرستی، دیوانه خانه، اواره (به کسر الف) آورره.²

اداره در اصطلاح: عبارت از یک نظام اجتماعی است که به اساس روش های خاصی بنای نهاد شده در آن عدهء کثیری از افراد به منظور رسیدن به یک سلسله اهداف نسبتا مشخص به انجام وظایف متنوع مشغول اند.

1- تمیشت: پیشرفته کی و ترقی و برتری و استحکام، فرهنگ دهخدا، ج: اول، ص: 77
2- فرهنگ دهخدا، ج 2 ص 562.

در اداره، پروسه قرار دادن اشخاص درکنار هم به منظور ایجاد سهولت در کار و رسیدن به اهداف مشخص مورد نظر است تا در آن از منابع مختلف به شکل موثر و مثمر استفاده به عمل آید و در نتیجه قناعت و رضایت جوانب ذیدخل برآورده میگردد.¹

مطلب دوم: عناصر و هدف مهم اداره و منجمنت

الف: عناصر مهم اداره:

1: هدف

2: منبع

3: موثریت (Effectiveness)

4: مثریت (Efficiency)

5: جوانب ذیدخل (Stake holders)

ب: هدف اداره: عبارت از نتیجه مطلوب است که تماما فعالیت های ممکن اداره به استقامت آن سوق داده میشود.²

مطلب سوم: مشروعیت اداره از دیدگاه اسلام:

تمام عرصه های حیاتی بشری جهت سیر تکامل خویش، نیازمند مدیر و مدبری کاردان و عالم میباشد تا امورات و جوانب زندگی انسان به نحو احسن و عالمی تنظیم گشته و با برنامه ریزی صحیح و سنجیده حل و فصل شود. حتی در زندگی اجتماعی و خانوادگی نیز تامین احتیاجات اعضا و خانواده نیازمند یک مدیر و سرپرست حانوار میباشد تا با تعیین وظایف و حقوق افراد، زندگی جریان عادی و بهینه خود را طی نماید و به طور کلی حل تمامی مسایل و بحران های روزمره زندگی و جامعه نیازمند مدیریت بهینه و کار آمداست. مدیریت در فرهنگ فارسی به معنای گرداننده، اداره کننده (کسی که کار را اداره میکند)، کارگردان و قوام دهنده است. در فرهنگ اسلامی نیز مدیریت عبارت است از ایجاد هماهنگی در اجزای یک نظام و فراهم کردن زمینه رشد و تعالی انسانها از طریق ارائه خدمت شایسته به آنها، مطابق قرآن برای سیر به سوی خداوند. با این تعریف مدیریت به دو قسمت تقسیم می گردد: مدیریت احساسات و تمایلات نفسانی و روحانی شخص و مدیریت و رهبری نظام و جامعه اسلامی توسط رهبر دینی. انسان باید علاوه بر اداره امورات زندگی شخصی و اجتماعی خویش توان هدایت و مدیریت احساسات نفسانی و تمایلات مادی و معنوی خود را داشته باشد و با یک برنامه ریزی دینی و مذهبی بتواند غرایز و احساسات خود را در مسیری که شرع و قوانین دینی مشخص ساخته است قرار دهد. و در بعد کلان نیز جامعه اسلامی و ابعاد اقتصادی، فرهنگی و

1- گلرحمن قاضی، اداره و مدیریت، کابل، ناشر، انتشارات سعید، چاپ اول، 1387 هـ، ص 7

2- همان اثر، ص 11

سیاسی حیات مسلمانان باید توسط یک مدیر و رهبر آگاه به مسائل دینی و مذهبی اداره و مدیریت گردد تا به وسیله این دو نوع مدیریت سعادت زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان تامین گردد. همان گونه که یک کشتی توسط ناخدا اداره نمی شود که از طوفان ها و امواج سنگین دریا به ساحل آرام برسد زندگی و امورات آدمی نیز در تمامی ابعاد نیازمند مدیریت است. بحث مدیریت در قرآن و سنت ریشه دارد چرا که در قرآن آمده: **{ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ }**.¹ ترجمه: { امر را از آسمان تا زمین تدبیر می کند } خدا اول مدیر و مدبر نظام احسن هستی است و اگر لحظه ای عنایت و لطف باری تعالی از مجموعه عالم برداشته شود، جهان کن فیکون خواهد شد. خداوند با علم و قدرت نامتناهی خود آسمان ها و زمین را با برنامه و هدف قبلی خلق کرده است و جریانات و امورات هستی و موجودات جهان را مدیریت و رهبری می نماید. و اقتضای مدیریت و تدبیر ذات اقدس حق این است که بر بشر منت گذارده و رسولان خود را با ادله و برآهین برای تحقق حاکمیت الهی، مبعوث به رسالتشان کند. خداوند در طول تاریخ بشر ارسال رسل و کتب از یک سو و نازل کردن وحی و اصول مذهبی در شکل کتاب آسمانی از سوی دیگر زندگی و سعادت انسان ها را مدیریت کرده است و هدف برپایی قسط و عدالت اجتماعی در کل جهان است. مدیریت انبیا الهی نیز عموماً بر اساس شیوه مدیریت اسلامی بوده است. هدف انبیای تربیت انسان های حق طلب و دیندار و ایجاد جامعه ای خدا پرست و ایده آل برای حیات شایسته و با ارزشمند انسان ها است که در آن تمامی مردم به حق و حقوق خود رسیده اند و حق هیچ محروم و مستضعفی ضایع نگشته است. مدیریت در دین اسلام همان رهبری و اداره تک تک افراد برای ایجاد جامعه ای آرمانی و اسلامی است.

یک مدیر کاردان و شایسته در اداره و رهبری یک جامعه یا یک سازمان وظایف مختلفی را بر عهده دارد تا با انجام وظایف خود اجتماع یا نظام را به اهداف اساسی و اصلی خود برساند. وظایف گوناگون مدیریت به طور کلی به پنج دسته تقسیم می شود: سازماندهی، برنامه ریزی، نظارت، رهبری و انگیزش. برنامه ریزی مانند پلی است که مبدا را به مقصد می رساند. برنامه ریزی یعنی انتخاب ماموریت ها، هدف ها و اقداماتی برای نیل به آرمان اصلی نظام که مستلزم تصمیم گیری و انتخاب از میان بدیل ها برای اقدام آینده سازمان است. برنامه ریزی یعنی تصمیم گیری و اتخاذ بهترین راه حل و روش ها با استفاده از امکانات و منابع موجود برای رسیدن به اهداف اصلی در کوتاه ترین زمان ممکن. خداوند در قرآن فرموده است: **{ فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ }**.² ترجمه: شکافنده صبح است، و شب را مایه آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده است. این سنجش و تدبیر خداوند عزیز و آگاه است.³

و این برنامه ریزی و تصمیم گیری سنجیده خداوند در مورد نظام آفرینش است. برنامه خداوند برای حیات انسان ها این است که بعد از کار و تلاش و کوشش روزانه، خستگی خود را در شب به پایان برسانند و شب را مایه و اسباب آرامش انسان ها قرار داده است. در واقع برنامه ریزی نیازمند علم و قدرت و توانایی تدوین برنامه و قدرت اجرایی است. سازماندهی فرایند تعیین موارد استفاده از همه منابع موجود در نظام مدیریت به طور منظم است. این منابع با توجه به هدف ها نظام مدیریت و برای دستیابی به آنها به کار می روند. در سازماندهی وظایف و نقش افراد در کارکرد بهینه سیستم و تحقق

1- {السجدة، آیه 5}.

2- {الانعام، آیه 96}.

3- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 1 ص 277.

اهداف سازمانی تعیین می شود. در واقع موقعیت هر سازمان به نتیجه سازماندهی بستگی دارد. در قرآن آمده است: «وجاءت سیاره فارسوا واردهم...» این آیه بیانگر این است که تقسیم کار یکی از اصول مدیریت و زندگی جمعی است. و زمانی که سخن از ارتباط و سلسله مراتب اطاعت و فرمانبرداری است چنین بیان شده است: **{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ}**.¹ در این آیه سلسله مراتب رهبری اجتماع و اطاعت از این رهبر و مدیران جامعه بیان شده است. اطاعت از فرمان خداوند و دستورات پیامبر و جانشینان آن برای رسیدن به اهداف جامعه واجب می باشد. نظارت مدیر باید همه جانبه باشد و به طور دقیق و کامل انجام گیرد تا همه کارکنان و افراد به وظایف و نقش خود در اجتماع عمل کنند. مدیر با نظارت خود از کجرویها و اشتباهات افراد در انجام وظایف خود جلوگیری می کند. کنترل مدیریتی (نظارت) فرآیندی است جهت حصول اطمینان از اینکه فعالیت های انجام شده با فعالیت های برنامه ریزی شده مطابقت دارد. همچنین در این دنیا اعمال انسان ها توسط فرشتگان و ماموران الهی کنترل می شود و اعمال انجام شده را ثبت می کنند. یعنی در حقیقت این ماموران یک نظارت مدیریتی از سوی خداوند انجام می دهند تا کارها را درست انجام دهند. رهبری هنگامی تحقق می یابد که شخص بخواهد شخص دیگری را به منظور نیل به هدف های پیش بینی شده به کار وادارد. مترادف و همانند واژه رهبری ارشاد و رشد یا هدایت و رشد است، قدرت رهبری همان قدرت بر هدایت و ارشاد است. موفقیت رهبران به ویژگی های آن، شیوه رهبری، ماهیت کار و نیاز پیروان بستگی دارد. انگیزش یعنی جذب و برانگیختن مردم به سوی رفتاری که احساس کنند پاداشی در پی دارد. خداوند در تشویق جهاد می گوید که هر کس تلاش کند پس برای خود می کوشد. انگیزش برای تشویق کارکنان به تلاش های سازنده، منافع و نتایجی که آن کارها برای افراد دارد از وظایف مدیر محسوب می شود.

قسمیکه ما در قبلا در باره تعریف و مشروعیت اداره متذکر شدیم اداره از همان پیدایش انسان موجود بود زمانیکه انسان خلق شد اداره نیز وجود آمد، اداره که امور و وظایف و روزمره را مدیریت میکند، توسط آن میتواند نظم عامه تنظیم و بررسی کند تا حق تلفی و تخطی صورت نگیرد؛ اگر ما شیوه های مدیریت و نظم عامه از قانون غیر اسلامی که در تضاد به دین اسلام نباشد استفاده کنیم مباح میباشد در قاعده آمده: الاصل في الاشياء الاباحة مفهوم قاعده چنین است:

مفهوم قاعده: اصل در انتفاع و استفاده از اشياء اباحه است. به عبارت دیگر، اصل در اشياء انتفاع و استفاده از آنها به شیوه ی مناسب است. قاعده ی یاد شده هر چیزی را در بر میگیرد که درباره آن دلیل خاصی وارد نشده است، زیرا هر موردی که درباره آن دلیل خاص وارد شده است، برای شناخت آن نیازی به رجوع و استناد به این قاعده وجود ندارد.

دارای دلایل مشروعیت نیز میباشد که بر گرفته شده از قرآن کریم و سنت نبوی است.

دلایل مشروعیت قاعده:

الله تعالی فرموده است: **{قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ}**.²

1- النساء، آیه 59.

2- الاعراف، آیه 32.

ترجمه: بگو: چه کسی زینت خدا را که برای بندگانش بیرون آورده، و چیزهای پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو: آن در این دنیا برای مؤمنان است و روز قیامت همه از آن مؤمنان است. اینگونه آیات را برای قومی که می دانند بیان می کنیم.¹

حدیث: در حدیث نبوی بنا بر روایت و حاکم چنین است، سلمان فارسی قال: **سئل {الحلال ما احل الله فی کتابه والحرام ما حرم الله فی کتابه و ما سکت عنه فهو مما عفا لکم}**.²

ترجمه: حلال آن است پروردگار متعال در کتابش حلال کرده است و حرام آن است که الله متعال در کتابش حرام کرده است و هر چیزی که الله متعال در باره آن سکوت اختیار کرده، مورد عفو است.

این حدیث به صراحت بیانگر این است که هر چیزی که الله متعال در باره آن سکوت اختیار کرده، مورد عفو است، و مورد عفو چیز است که فعلش هیچ حرج و گناهی به دنبال ندارد، همان مباح است. دیگر این مفاد حدیث باید بر چیزهای دارای منفعت حمل کرد ضرر و زیان نصوص و دلایلی وارد شده که بر تحریم آن ها دلالت میکنند.³

مبحث دوم: اداره قانون رسانه ها

مطلب اول ماده 6: خبرنگاران در اجرای فعالیت های مسلکی شان مربوط به نشر گزارش و نظریات انتقادی مورد حمایت قانون قرار می گیرند.⁴

تحلیل: مورد حمایت قانونی قرار گرفتن خبرنگاران در زمینه نشر گزارشهای و نظریات انتقادی از جانب حکومت افغانستان - به این معنی که هر خبرنگار و رسانه ها حراست به عمل آورند. همچنان در این نکته تصریح میگردد که هیچ کس حق ندارد تا جلو نشر این گونه فعالیت های رسانه یی سد گردد.⁵

ماده 7: حق جواب دادن:

1: هر شخص حقیقی یا حکمی که از ناحیه یک رسانه همه گانی مورد تعرض قرار گیرد، شخصیت، اعتبار یا منافع مادی آن متضرر شود حق دارد جواب رد آن را در عین رسانه بدهد.⁶

تحلیل: در بند اول ماده هفتم، برای مخاطبین حق داده شده در صورتیکه در مطالبی مورد تعرض قرار گیرند که شخصیت، اعتبار و یا منافع مادی آنها متضرر گردد میتوانند در همان رسانه بطور رایگان جواب داده و از خویش دفاع کند.⁷

قسمیکه در قانون رسانه ها متذکر شدیم که هرگاه شخص از ناخیه رسانه های همه گانی متضرر شود شخص حق ادعا و دفاع از خود را در حین رسانه را دارد، اگر در اثر نشر یک موضوع و یا نشر یک مطلب یک شخص متضرر میسازند، که نه در قانون متضرر ساختن جواز دارد نه در فقه

¹- ترجمه معانی قرآن کریم، ج 1 ص 305.

²- سنن ابن ماجه، رقم الحدیث 3367

³- قواعد فقهی، ص 243.

⁴- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (6).

⁵- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 11.

⁶- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (7).

⁷- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 11.

اسلامی از هردو جناح ضرر جایز نیست نظربه حدیث رسول الله (صلی الله علیه وسلم)، تأسی به کلام رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وسلم) گفت: **عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: {لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ}**.¹ پیامبر فرمودند: نه به خود ضرر برسانید و نه به دیگران.

در این حدیث پیامبر می فرمایند که در اسلام زیان رسانیدن وجود ندارد و شخص مسلمان نمی تواند به خود و یا به دیگران ضرر برساند حتی اگر کسی به او ضرر رسانده باشد بلکه حق دارد حق خود بستاند. و بیان علما را مورد استناد قرار میدهیم: «الضرر لا يزال بالضرر». ضرر با ضرر دیگر از بین نمی رود، این حدیث در حقیقت یکی از قواعد دین بشمار می آید، زیرا هرآنچه در شریعت حرام گردیده همه بنا به قاعده از اسباب ضرر حرام شده است.

با بیان اینکه انواع ظلم ها که حرام بیان شده، مطابق با اصل ضررهایی است که از آن ناشی می شود مانند: زنا، قتل، سرقت، خیانت، بهتان، غیبت، نمیمه و همه محرّمات براساس اصل مضرات آنها حرام شده اند.

قاعده دفع مفساد مقدم بر جلب مصالح است؛ همانند بریدن دست دزد تا دفع مفسده دزدی شود و به مصلحت و منافع دزد نگاه نمی کند. دین اسلام بر پایه مصلحت و منفعت بنا گذاشته شده و ضرر رساندن را منع کرده است. و در قانون رسانه ها نیز متضرر ساختن شخص را ممنوع قرار داده است: (آثار و مطالبی که اقتراء به اشخاص حقیقی یا حکمی بوده و سبب متضرر شدن شخصیت اعتبار آنان شود).

2: رسانه ها مربوطه بدون تاخیر جواب را به طور رایگان در عین رسانه در شمرده یا نشریه بعدی به نشر برساند.²

تحلیل: در بند دوم این ماده حق نشر رایگان جواب بری متضرر به رسمیت شناخته شده و شکایت حق دارد تا جواب خویش را در رسانه ای که مورد تعرض قرار گرفته به نشر برساند.³

3: جواب داده شده عاری از ماهیت جرمی بوده و منحصر به جواب موضوع ادعا شده در آن رسانه باش که به شکل نوشتاری با امضای شخص متضرر و یا وکیل آن به مدیر مسول آن رسانه همه گانی سپرده شود.⁴

تحلیل: در بند سوم ماده 7 تصریح گردیده است که جواب باید بدون ماهیت جرمی بوده و باید به امضای شخص متضرر و یا وکیل مدافع آن به مدیر مسول سپرده شود تا جواب متذکره ماهیت استادی یافته و جواب بدون مسولیت نباشد.⁵

4: هر نوع شکایت در مورد هدم نشر جواب به کمیسیون مربوطه ارجاع گردد.¹

1- سنن ابن ماجه، رقم الحدیث 2341. این حدیث صحیح است. أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفی:

852هـ)، الدرایة فی تخریج أحادیث الهدایة، المحقق: السید عبد الله هاشم الیمانی المدني، الناشر: دار المعرفة - بیروت، رقم الحدیث 1040.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (7)، فقره (2).

3- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 12.

4- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (7)، فقره (3).

5- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 12.

تحلیل: در بند چهارم آمده است که در صورت عدم نشر جواب، شاکی حق دارد تا قضیه را از طریق کمیسیون مربوطه پیگیری نموده و کمیسیون سمع شکایات و رسیدگی به تخلفات رسانه‌یی و زارت اطلاعات فرهنگ مسئله را بررسی نموده و هرگاه لازم دیده شد آنرا به سارنوالی ارجاع دهد.²

۵: حق جواب در مورد گزارش از جریان جلسات شورای ملی و محاکم علنی صدق نمی کند مگر این که جریان جلسات مذکور توسط رسانه ای تحریف شده باشد.³

تحلیل: در بند پنجم ماده هفتم تصریح شده است که حق جواب دادن، گزارش های علنی شورای ملی و محکمه های علنی را در بر نمیگیرد الی اینکه در گزارش های یاد شده تحریف شده باشد که در آن در صورت مراجع یاد شده حق دارند جواب خویش را از رسانه ای که در آن گزارش تحریف شده رسیده منتشر سازند.

قانون گزار به دلیل وجود علنیت در چنین مواقع متوجه مسئله بوده است که اینگونه گزارش ها چندین رسانه به نشر رسیده و امکان آسیب برای یک فرد و افراد محال به نظر میرسد مگر اینکه در چنین گزارش ها تحریف رخ دهد که ر آنصورت نیز کمیسیون باید اقدام به عمل آورد.⁴

مطلب دوم: ماده 8: عدم نشر جواب: رسانه های همه گانی میتوانند در موارد ذیل از نشر جواب خود داری کنند:

۱: جواب خارج از موضع بحث

تحلیل: قانون گذار در ماده هشتم به دو مورد صراحت بخشیده است که بر اساس آن رسانه میتوانند از نشر جواب طرف شاکی خود داری ورزند. زیرا در ماده قبلی این قانون، رسانه ها مکلف گردیده بودند تا جواب طرف معترض را به نشر برسانند.

این ماده، ماده هفتم را جواب دادن در آن تصریح گردیده است محدود و مقید نموده است. در بند نخست رسانه میتواند اگر جواب شاکی خارج از موضوع بحث باشد آن جواب را منتشر نسازد و شاکی حق ندارد که راین زمینیه دعوی حق نماید.⁵

2: جواب دیر تر از 90 روز به رسانه رسیده باشد.

همچنان در بند دوم ماده هشتم زمان نشر و مواصلت جوابیه 90 روز تعیین گردیده است به این معنی که اگر جوابیه در روز نود و یکم مواصلت کند رسانه مکلف به نشر آن نبوده و حق جواب دادن از جانب شاکی منتفی میگردد.

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (7)، فقره (4).

2- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 13.

3- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (7)، فقره (5).

4- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 13.

5- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 14.

اگر ماده هشتم قانون رسانه در مورد عدم نشر جواب صراحت نمی داشت به یقین رسانه ها به مشکلات جدی مواجه میگردیدند زیرا حق جواب دادن برای اطراف شاکی یک امر استمراری پنداشته شده هر کی هر وقت میخواست می توانست جواب خویش را به رسانه مورد نظر ارسال کند وخواستار نشر آن گردد در آن صورت رسانه مجبور میگشتند مطالب بسیار کهنه و یا غیر ضروری را به نشر برسانند که در آن صورت شکی نیست که رسانه مخاطبین شان را از دست رسانه ها را از چالش های آینده نجات بخشیده بر ماده هفتم دوقید لازمی را وضع نموده است که رسانه ها بر اساس ماده هشتم در دو حالت میتوانند از نشر جواب خود داری ورزند.¹

مطلب سوم: ماده 9 : تشکیل صنفی

ماده نهم قانون رسانه ها، خبر نگاران و سایر اعضای رسانه های همه گانی می توانند به منظور دفاع از منافع صنفی مربوط مطابق با احکام قانون، اتحادیه ها، انجمن ها و کانون های مستقل صنفی ایجاد کنند.²

تحلیل: در ماده نهم این قانون برای خبرنگاران و کارمندان عرصه رسانه یی این حق تسجیل گردیده است تا نهاد های صنفی و کانون های دفاع از حقوق خویش را ایجاد کند.

داشتن نهاد های صنفی از ارزش های نظام مبتنی بر دیموکراسی است که اکثر کشور ها آنرا مراعات می نمایند.

بر اساس این ماده همین اکنون حدود چهار اتحادیه خبرنگاری افغانستان فعالیت دارد که تعداد این اتحادیه های صنفی از آگاهی مشکلات و چالش های را نیز به وجود آورده است، اما قانون گذار در این ماده خواسته است تا خبر نگاران بتوانند از طریق ایجاد انجمن ها و نهاد های صنفی به حقوق از دست رفته ی خویش دست بایند.

این ماده در قانون نهاد های اجتماعی نیز تسجیل و نحوه ایجاد ها و نهاد مشخص گردیده است.

اتحادیه ها مطابق به قانون نهاد های اجتماعی صرف به منظور دفاع از یک صنف مشخص ایجاد می کردند و حق فعالیت سیاسی را ندارد.

هر اتحادیه و انجمن دارای اساسنامه ی که خطوط کاری اتحادیه ها را ترسیم نموده و همچنان باید اسمای اعضای موسس نیز ثبت گردد. صورت تعدیل و انحلال اتحادیه ها نیز در قانون نهاد ها و سازمان های اجتماعی تصریح گردیده است.

هر اتحادیه دارای نشان مخصوص بوده باید در وزارت عدلیه کشور ثبت گردد. نحوه عضو پذیری نیز در قانون نهاد های اجتماعی و اساسنامه های اتحادیه های مشخص گردیده است.³

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (7)، فقره (6).

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (9).

3- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 15.

قسمیکه در متن قانون رسانه های همگانی افغانستان متذکر شدیم تشکیل صنف ها و اتحادیه برای ژور نالیستان یگانه مرجع برای بدست آوردن حقوق خویش میباشد که توسط آن میتوان حقوق از دست رفته خود را دوباره بدست بیاوردند، و دولت افغانستان برای این اتحادیه ای ژورنالیستان نظام را در نظر گرفته است که باید مطابق عمل نمایند که بطور خلاصه متذکر میشویم ماده های که مرتبط به این ماده قانون رسانه های همگانی افغانستان است متذکر میشویم:

ماده ۸: مجمع امور صنفی: مجمعی است که از نمایندگان منتخب اعضای هیات مدیره، اتحادیه های صنفی هر شهرستان برای انجام دادن وظایف و مسولیت های مقرر در این قانون تشکیل میشود.

ماده ۹: شورای اصناف کشور: شورائی است که از نمایندگان هیات رئیسه مجامع امور شهرستان های کشور باهدف تقویت مبانی نظام صنفی در افغانستان تشکیل میگردد.

ماده ۳۰: وظایف و اختیارات اتحادیه عبارت از:

الف: ارائه پیشنهاد برای تهیه، تنظیم و یا تغییر ضوابط صدور پروانه کسب و انواع پروانه لازم برای مشاغل، به مجمع امور صنفی

ب: اجرای مصوبات و بخشنامه های هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت که در چارچوب این اتحادیه ها ابلاغ میگردد.

ج: ارائه پیشنهاد در باره امور اصناف به مجمع امور صنفی

د: صدور پروانه کسب با در یافت تقاضا و مدارک متضاضیان و با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

قانون وضع در رابطه به اتحادیه ها و تشکیل اصناف شامل تمام اتحادیه و قوانین و مقررات آنرا میگردد.¹

اما اگر از جنبه شرعی آن بحث شود تشکیل این چنین صنف ها جواز دارد چون در این نوع صنف ها برای تامین عدالت و دفاع از حقوق خویش فعالیت میکنند، برای حقوق از دست رفته خویش و افراد گرد هم جمع شده و باهم مشوره های لازم را انجام میدهند و در اسلام زرمیدن برای حقوق را امر حتمی دانسته است، تشکیل چنین صنف جواز دارد بر دلیل ذیل الله متعال فرموده است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»² ترجمه: و کارشان با یکدیگر به شیوه مشورت است. وجه استدال آیت مبارکه است که زمانیکه گرد هم جمع شده و برای بدست آوردن حقوق می زرمند با مشوره همدیگر.

ماده ۱۱: رسانه های چاپی حاوی اسم نشریه، نشانی مشخص، نام و محل چاپ خانه، نام صاحب امتیاز

(کسی که پرونده شرکت، کارخانه، روزنامه یا... بنام او است) و مدیر مسول. تاریخ نشر آن میباشد.³

1- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، قانون نظام صنفی کشور

2- {سورة الشورى، آية 38} ض!

3- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (11).

تحلیل: قانونگذار برای معین و مشخص بودن نشریه لازم دیده است تا نشریات چاپی باید دارای مشخصات لازم بوده تا در صورت ضرورت، ارگان های ذیربط بتوانند با مسولان نشریه تماس برقرار نمایند.

هر رسانه دارای شخصیت حکمی بوده و هر شخص باید دارای هویت مشخص باشد.

بدون داشتن آدرس و سایر مشخصات، ممکن است مشکلات زیادی به وجود آید مثلا اینکه فردی از نشر مطلبی در نشریه شاکی شود، و بخواهد جواب مطلبی را که نشر شده بنگارد، پس باید آدرس معینی وجود داشته باشد تا شاکی و یا جواب دهنده، به آسانی بتواند پاسخ خود را به نشر سپرده بدون ارایه دلیل به چاپ آن مبادرت ورزد.

شخصیت های حکمی همانند شخصیت های حقیقی مکلفیت های دارند که باید به انجام برسانند و از جانب دیگر، نام صاحب امتیاز و یا مالک و هم چنان نام و مشخصات مدیر مسول از لوازم داشتن نشریه است، هیچ نشریه نمی تواند بدون صاحب امتیاز مدیر مسول فعالیت قانونی نماید هر گاه چنین نشریه به چاپ برسد نشرات آن غیر قانونی پنداشته میشود.

از ضروریات دیگر نشریات چاپی تاریخ نشر آن میباشد که قانون گذار سعی نموده است این موضوع روشن باشد که نشریه چه وقت آغاز به نشرات نموده و دارای کدام سابقه کار رسانه یی است. واضح است که سابقه کار رسانه یی در بسا موارد میتواند برای نشریات چاپی و برقی کمک نماید تا مورد حمایت مالی موسسات کمک دهنده قرار گیرند.¹

همچنان در مورد مطبوعات هیچ یک از چاپ خانه ها مجاز نیستند بدون بدون مطالبه ملاحظه امتیاز اقدام به چاپ آن نمایند.

هرگونه تغییر مکان درستگاه های چاپ و لیتوگرافی، باید موفقت قبلی وزرات فرهنگ انجام شود.

هر گاه دارنده پروانه موضوع این ابین نامه ، قصد تعطیل موقت یا دائم کارگاه خود را داشته باشد باید قبلا مراتب را با ذکر مدت به وزرات اطلاع دهد.²

قبلا در متن قانون رسانه ها در مورد مدیر مسول نشریه ها یاد آوری نمودیم ولی از وظایف و اختیارات آن در متن قانون یاد آوری نشده است، بناء لازم است در مورد اختیارات و وظایف مدیر مسول شرح اندک داشته باشیم:

الف: اختیارات مدیر مسول رسانه های چاپی: مدیر مسول فردی است که تصمیم نهایی را در مورد انتشار یا پخش یک پیام از طریق رسانه و کمیت و کیفیت انتشار یا پخش اتخاذ میکند.

بر خلاف مالک یا صاحب امتیاز، مدیر مسول یا سر دبیر باید شخص حقیقی باشد. انتخاب مدیر مسول در مطبوعات اجباری سردبیری اختیاری است. بناء براین، هر روزنامه یا نشریه ادواری باید یک مدیر مسول داشته باشد. معرفی مدیر مسئول با صاحب امتیاز است و وی میتواند خودش را به عنوان مدیر مسئول معرفی کند. در صورتی که مدیر مسئول شخصی غیر از صاحب امتیاز باشد، باید شرایط پیش بینی شده برای صاحب امتیاز را داشته باشد. این شرایط در هیئت نظارت بر مطبوعات

1- تحلیل بر قانون رسانه همگانی افغانستان، ص 16.

2- انصاری، باقر، حقوق رسانه ، ناشر: تهران، سال چاپ: 1397، چاپ اول، ص: 109.

بررسی شده (ماده ۱۳ قانون مطبوعات) و در صورت تائید، برای مدیر مسئول، کارت مدیر مسئولی صادر میشود (ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات). در صورتی که مدیر مسئول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد، یا فوت شود و یا هم استعفا دهد، صاحب امتیاز موظف است حد اکثر در ظرف سه ماه شخص دیگری را واجد شرایط باشد به وزارت اطلاعات معرفی نماید. در غیر این صورت از انتشارات نشریه او جلوگیری میشود. تا زمانی که صلاحیت مدیر به تائید نرسیده است، مسوولیت‌های مدیر به عهده صاحب امتیاز است.¹

ب: وظایف مدیر مسول رسانه های چاپی

۱: مدیر مسئول موظف انداز هر شماره ای نشریه دو نسخه به هریک از مراجع زیر بطور مرتب و رایگان ارسال کند.

الف:وزرات اطلاعات فرهنگ

ب:مجلس ش.رای اسلامی

ج: محل نشر

۲: درج نام روزنامه به طور کامل، ترتیب و تاریخ انتشار، شماره دریف مسلسل و شماره صفحه در بالای تمام صفحات و نیز قیمت در صفحه اول است. همچنین در مورد مجله ها درج نام به طور کامل، ترتیب و تاریخ انتشار، ردیف مسلسل، تعداد صفحات و قیمت بر روی جلد و نیز قید هر صفحه در تمام صفحات.

۳:مدیر مسئول موظف اند نام چاپخانه طرف قرار داد چاپ خانه نشریه کتبا به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کند.²

ماده 15: اداره رادیو تلویزیون ملی مکلف است برنامه های خود را در پرتو اصول و احکام دین مبین اسلام و ارزش های ملی و معنوی ملت افغانستان عیار نموده و در برنامه های خود اطلاع رسانی و تعمیم آموزش دینی، علمی، فرهنگی، اقتصادی و امنیت روانی و اخلاقی را در نظر بگیرد.³

تحلیل: رادیو تلویزیون ملی برخلاف سایر رسانه های آزاد به یک سری تولید برنامه ها به عنوان رسانه ای مردمی مکلفیت دارد. قانون گذار، در این ماده حدود و تغور برنامه هایی را که باید رادیو تلویزیون ملی به نشر بسپارد مشخص گردانده است، از جمله این رسانه علاوه بر اطلاع رسانی تعمیم آموزش دینی و علمی باید برنامه های فرهنگی اقتصادی را بدست نشر سپرده و امنیت روانی و اخلاقی عامه مردم در آنها در نظر گرفته شود.

سایر رسانه ها مکلفیت ندارند به صورت حتمی اطلاع رسانی نمایند و یا در لابلای نشرات خویش مسایل مربوط آموزش پرورش را جا دهند؛ اگر چنین برنامه های را هم تولید و نشر میکنند یک امر اخلاقی و کار رضا کارانه برای مردم کشور خواهد بود اما رادیو تلویزیون ملی وظیفه دارد تا در این راستا بذل مساعی نموده و نیازمندی های مردم را در این زمینه تکافو نماید.

1- معتمد نژاد، کاظم، (1386)، حقوق حرفه ای خبرنگاران، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، ص: 66

2- اسمعیلی، محسن (1385) حقوق تبلیغات بارزگانی در ایران و جهان، تهران دانشگاه تهران، ص: 78

3- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (15).

اصل مساله این است که در رسانه ملی باید منافع صد در صد مد نظر گرفته شود و این رسانه به عنوان رسانه خدمات عامه بدون در نظر داشت کسب اعلانات و آگاهی های برنامه های خویش را تنظیم نماید.

همچنان این رسانه باید در راستای وحدت ملی و بهم پیوستگی مردم سعی کند و این کار را به عنوان وظیفه در دستور کار خویش قرار دهد.¹

یک تنها ردیو تلویزیون ملی نه بلکه تمام رسانه باید مطابق به احکام اصول دین مقدس اسلام باشند، چون دین مقدس اسلام تامین کننده امنیت روانی، علمی، و فرهنگی است؛ زمانیکه نشریات رسانه ها مطابق احکام دین مقدس اسلام باشد از نشر و پخش رزایل اخلاقی و نشر پخش فحشا، نشر پخش مطالبه که خلاف جامعه اسلامی است جلوگیری میکند، زمانیکه اگر یک رسانه نشریات آن مطابق احکام دین مبین اسلام نباشد باعث فساد در جامعه و فساد اخلاق مردم میشود که این از دیدگاه اسلام جواز ندارد و او متابعت از شیطان میکند و باعث ضعف ساختن عقاید مردم و باعث نشر رزایل و فحشا میشود، چون از عمل شیطانی پنداشته میشود گذاشتن گام به گامهای شیطان میباشد قسمیکه الله متعال فرموده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ... »² ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گامهای شیطان پیروی مکنید. و هرکس از گامهای شیطان پیروی کند (بداند) که او به فحشا و منکر دستور می‌دهد.³

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) خطاب بمؤمنین است و لو تمام مکلفین محکوم باین حکم هستند که نباید متابعت شیطان کنند لکن غیر المؤمنین اینکه خطاب را نمی پذیرند و شیطان هم با آنها چندان کاری ندارد و چون ایمان ندارند و اهل عذاب هستند هر چه میخواهند می‌کنند، تمام فکرش متوجه مؤمنین است که بلکه بتوانند ینها را هم به عذاب بیندازد و بی ایمان کند. (لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ) خطوه پاها را گشاده گذاردن است که بزبان ما شلنگ می گوئیم و دویدن و میتوان گفت که خطوه بزبان فارسی پا بی‌ربط زمین گذاردن و یا بی‌جا گذاردن است. یعنی در تعقیب شیطان نروید و به وسوس شیطان عمل نکنید و به اغوای شیطان اغوا نشوید زیرا شیطان دشمن بزرگ شماست.⁴

ماده 17: در حالات اضطرار ردیو تلویزیون ملی افغانستان به طور کامل زیر نظر رئیس جمهور کار میکند.⁵

تحلیل: حالات اضطراری در ماده 143 قانون اساسی افغانستان چنین تعریف شده است: (هرگاه به علت خطر جنگ، اغتشاش و خیم، آفات طبیعی و ای حالات ممثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 21.

2- {سورة النور، آية 21}

3- خرم دل، مصطفی، تفسیر نور، ناشر: نشر احسان، سال چاپ: 1391، چاپ اول، ص: 728

4- عثمانی، محمد شفیع، تفسیر معارف القرآن، مترجم: حسین پور، محمد یوسف، ناشر: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، چاپ اول، سال: 1381، ص: 448

5- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (15).

شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان می‌گردد. هرگاه حالت اضطرار بیش از دوماه دوام نماید برای تمدید آن موافقت شورای ملی شرط است).¹

لذا در چنین یک حالتی رادیو تلویزیون ملی کاملاً تحت نظر رئیس جمهور عمل نموده حتی رسانه های آزاد نیز مکلف هستند تا نشرات خویش را براساس دستور دولت عیار سازند چه در این حالت بقای نظام کشور مطرح بوده نباید در چنین یک وضعی با آزادی کامل به نشر مطالبی پرداخت که فروپاشی نظام و یا تمامیت ارضی کشور در مخاطره قرار گیرد.

رادیو تلویزیون ملی به عنوان یک رسانه ملی به صورت مستقیم تحت امر رئیس جمهور عمل نموده و پیام های مهم دولت را به مردم منتقل میسازد.

در حالت اضطراری ممکن بسیاری از برنامه عادی این رسانه ملی از نشر باز مانده اند آنچه مهم است حفظ مصالح علیای کشور است که باید از آن پاسداری صورت گیرد اما باید تاکید کرد که وضع حالت اضطراری و یا اعلام حکومت نظامی براساس قانون اساسی موقت بوده و این حالت نمی تواند به صورت دوام دار حفظ گردد.

پس اعلام پایان حالت اضطرار رادیو و تلویزیون ملی دوباره به حالت اولی برگشته نظارت رئیس دولت بر این رسانه خاتمه می یابد.

همچنان سایر رسانه ها آزاد و خصوصی نیز می توانند مطابق استراتژی و پالیسی نشرات خویش به فعالیت رسانه یی ادامه دهند.²

ماده 18: اداره رادیو و تلویزیون ملی مکلف است تمام برنامه ها ثبت و ضبط شده خود را در آرشیف رادیو و تلویزیون ملی حفظ کند.³

تحلیل: چون براساس پیش بینی قانون رسانه ها برنامه های رادیو تلویزیون ملی در راستای اهداف معین تولید میشود، لذا قانون گذار تصریح نموده است تا این برنامه های تولید شده باید برای همیشه در آرشیف رادیو تلویزیون ملی حفظ گردند. حفظ این برنامه ها در حقیقت جلوگیری از صرف بیت المال پنداشته میشود. موضوع دیگری را که میتوان از این ماده استنباط کرد این است که همه برنامه های رادیو تلویزیون ملی باید کالای رسانه یی باشد که حفظ آن امر حتمی قلم داد گردد؛ یعنی نباید این رسانه یی ملی اقدام به تولید برنامه های نماید که حفظ و نگهداری آن ارزش لازم را دارا نباشد.

از جانب دیگر حفظ برنامه های رادیو و تلویزیون ملی به دلیل اسناد رسمی و تاریخی تصریح گردیده است. معین نمودن خطوط کاری برای رادیو و تلویزیون ملی نشان دهنده آن است که نحوه کاری و خطوط نشراتی تلویزیون مجزا بوده تعمیم وحدت و یک پارچه گی کردم نیز از وظایف اساسی این رسانه ملی است.⁴

1- وزارت عدلیه، قانون اساسی افغانستان، جریبه رسمی(818)، کابل، ناشر: مطبعه صنعتی احمد، چاپ اول، 1388 هـ.ش، ص 30
2- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 23.

3- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریبه رسمی(871)، ماده (18).

4- تحلیل برر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 23.

برنامه های ضبط شده به دلیلی نگهداری میشود تا منحيث يك منبع از آن بعدا استفاده به عمل آيد، چون برای تحقيق های علمی ژورنالستان و تاريخ نويسان، ده موارد ديگر از آن استفاه به عمل ميآيند كه آن در آرشيف راديو تلويزيون ملی محفوظ ميباشد و بنابر به تقاضا متقاضيان ميتواند به آن دسترسي پيدا كنند، و در غير آن حق دسترسي به آن را كسي ندارد؛ چون او از جمله منابع محرم است و از جمله آثار دولت ميباشد و نگهداري آن به دوش دولت و آرشيف راديو تلويزيون ميباشد. زمانيكه شحصی آن دست ببرد و آنرا به گونه خيانت به ملت افشا كند مجازات در پی دارد هم شرعا و هم قانونا،

جرم افشای اسرار دولتی یکی از مصادیق جرایم علیه امنیت عامه بوده که ارکان و مجازات آن قرار ذیل مورد مطالعه قرار میگیرد:

۱: رکن قانونی: در ماده ۱۳ قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، در مورد افشای اسرار دولتی چنین مشعر است:

الف: شخصی که اسرار دولتی را که منحيث وظیفه به او سپرده شده یا حین اجرای وظیفه از آن آگاهی حاصل نموده در صورت مرتکب بدون قصد خيانت به وطن یکی از اسرار دولتی را افشا نماید به حبس متوسط محکوم میشود.

ب: هرگاه باقصد خيانت به وطن اسرار دولتی را افشاء نماید طبق ماده (۱) قانونن جرایم به حبس طویل محکوم میشود.¹

۲: رکن مادی: اسرار دولتی در قدم نخست نوع از اطلاعات به شمار رفته که زبقة بندی متعارف آن در اکثر کشور ها به چشم میخورد عبارت از: اسرار نظامی، اسرار اقتصادی، علمی و تکنالوژی، اسرار سیاسی، جاسوسی و ضد جاسوسی. مبطور مثال کسی وظیفه اش نگهداری از آن اسرار دولتی است مانند افسر پولیس که پلان عملیات اپراتیفی نزد او منحيث وظیفه سپرده شده است و به جز از شخص ذیصلاح سپرده حق افشا گری را ندارد، و شخصی که منحيث يك ژورنالیست به وظیفه آن نگهداری اسرار دولتی نیست هنگام اجرای وظیفه به يك اسرار دولتی معلومات حاصل میکند و نباید آنرا افشا كند در صورت افشا گری حکم آن ماده ۱۳ قانون جرایم ميباشد.²

مطلب چهارم: ماده ۲۰: رعایت اصول

اداره های راديو و تلويزيون های خصوصي مكلف اند در نشرات خود اصول و احكام دين مقدس اسلام و ارزش های ملی، معنوی، اخلاقی و امنیت روانی ملت افغانستان را رعایت کنند.³

تحليل: ادارت راديو و تلويزيون های خصوصي مكلف اند در نشرات خویش اصول و احكام دين مقدس اسلام و ارزش های ملی، معنوی و اخلاقی امنیت روانی ملت افغانستان را رعایت نمایند.

قانون رسانه های همه گانی افغانستان با وجود مشکلات تخنيکی حقوقی که دارد دارای معيار های قبول شده بين المللی در عرصه رسانه ها ميباشد و در سطح منطقه ميتوان گفت ديماکراتيک ترين قانون به حساب ميرورد. درين قانون برای اتباع کشور حق داده شده تا رسانه های برقی را تاسيس

1- وزارت عدلیه، قانون جزای افغانستان، ناشر: ریاست نشرات و ارتباط عامه، تاريخ نشر: 1396، ماده: 240، ص: 218

2- مرتضوی، سعید، جرایم مطبوعاتی، ناشر: تهران شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ دوم، سال: 1389، ص: 101

3- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (20).

نمایند که از آن جمله میتوان از تاسیس رادیو و تلویزیون یاد نمود. اولین رسانه های خصوصی همانطوریکه دارای یک سلسله حقوق و امتیازات اند، دارای یک سلسله مکلفیت ها نیز میباشد. آنچه در ماده 20 قانون رسانه های همه گانی میتواند به عنوان تکلیف رسانه ها از آن یاد نمود انیست که باید رسانه های برقی در نشرات و برنامه های خویش یک سلسله اصول از قبیل احکام دین مقدس اسلام، ارزش های ملی، معنوی و اخلاقی و امنیت روانی ملت افغانستان را رعایت نمایند.

اما این را باید دانست که در این ماده بعضی اصطلاحات از قبیل ارزش های ملی، معنوی و اخلاقی و امنیت روانی بکار برده شده است که بی حد عام و کلی بوده و تعبیرات مختلف از آن شده میتواند و زمینه را برای سوء استفاده مهیا میسازد.

موضوع امنیت روانی برای کشور های مثل افغانستان که سه دهه جنگ را سپری نموده و اکثریت شهروندان به نحوی به مشکلات روانی دچار اند یک موضوع مفید و ارزنده است اما مشکل از اینجا نشأت میکند که متأسفانه این مفهوم جدید در اسناد تقنینی افغانستان به گونه صریح و روشن تعریف نشده و از مصداق های آن هیچ تذکر بعمل نیآمده است تارسانه ها ژورنالستان بر مبنای آن چارچوب کاری خویش را عیار نمایند. امکان سوء استفاده و سوء تعبیر و تفسیر از آن به اسانی موجود است؛ چنانچه در این اواخر سکتور امنیتی افغانستان از آن سو تعبیر به عمل آورده و رسانه ها را جهت تحت پوشش قرار دادن حملات انتحاری منع نمودند که این خود مخالف اصل حق دسترسی به معلومات میباشد. البته درین موضوع سکتور امنیتی از دولحاظ رفتار غیر قانونی را مرتکب شد: اولاً از لحاظ شکلی این موضوع مجاری قانونی خود را طی ننمود و مثل یک حکومت پولیسی در این راستا با ژورنالستان و رسانه ها عمل شد و ثانیاً از لحاظ مهوی این موضوع مخالف اصل حق دسترسی به معلومات می باشد.

همچنان یکی دیگر از مشکلات تخنیکی این ماده قانون انیست که باید عوض (رادیو و تلویزیون های خصوصی) رسانه های برقی استفاه میشد زیرا انترنت و شبکه های کیبلی نیز از جمله رسانه های برقی طبق این قانون به حساب میاید.¹ قسمیکه در بالا متذکر شدیم که برنامه های باید اصول دین مقدس اسلام باشد اگر مطابق آن نباشد هم شریعت منع نموده است و هم قانون رسانه ها در ماده (46) آثار و مطالبی که مغایر با اصول و احکام دین مقدس اسلام باشد).

برنامه های رادیو تلویزیون های دولتی و خصوصی همه آن مکلف به این هستند که تمام برنامه های آنان مطابق احکام دین مبین اسلام باشد تا راه گشایی برای تامین امنیت روانی، اخلاقی، اقتصادی و فرهنگی شود، امنیت روانی یکی از جوانب مهم و برارنده در رسانه ها میباشد، باید نشریات آنان چنان باشد که برای روان انسان ضرر نرسانند چون رسان حاکم بالای اذهان مردم است لذا برنامه های داشته باشند که در این راستا رسانه نقش مهم را در یک جامعه بازی میکند که در خود ماده 46 قانون رسانه ها نشر آثار و مطالبی که مغیرت دارد به احکام دین اسلام و باعث برهم خوردن امنیت روانی، فرهنگی.... میشود ممنوع النشر قرار داده است.

وسایل ارتباط جمعی در صف اول عوامل شکل دهنده افکار عمومی قرار دارند. این وسایل ارتباطی است که می تواند با ارائه برنامه های ویژه و پخش خبرهای خاص و تکیه و تاکید و تکرار يك خبر و با انتخاب عناوین و تنوع بیان موضوع، انتخاب فضای خبری ویا روش های دیگر، به مردم القا کند

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 26.

در رسانه های دیداری و شنیداری این تأثیرات به نوع دیگری وجود دارد. بسته به میزان جذابیت برنامه های خود البته اکثریت بیشتری از مردم را مخاطب قرار می دهد، کارکرد رسانه های جمعی بویژه رسانه هایی دیداری و شنیداری به دلیل کارکرد متنوع و ایجاد تغییرات پیوسته ، به تدریج جای ارتباط بین فردی از نوع چهره به چهره را گرفته و موجب شده اند فضای انفرادی ، به جای فضای جمعی و عاطفی در خانواده حاکم شود ، به طوری که گسترش تکنیکی رسانه های شنیداری و رایانه ای ، ارتباط مستقیمی با فردگرایی و دوری از فضای روانی و عاطفی خانواده را نشان می دهد.

با نگاهی گذرا به تاریخ سیاسی قرن اخیر می توان دریافت که بسیاری از منازعات و کشمکش های سیاسی در جهان چه در ابعاد داخلی و یا ابعاد بین المللی، با یاری ویا هدایت و پرچمداری مطبوعات و رسانه ها تبدیل به جریانات قوی سیاسی شده و یا بالعکس حتی خاموش شده اند¹.

ماده 32: اداره های رادیو و تلویزیون های خصوصی مکلف هستند تا مطالب ثبت و ضبط شده خود را حداقل سه سال در آرشیف خود نگهداری کنند.²

تحلیل: این حقیقت آشکار است که رسانه ها در شرایط رقابتی که اساس نظام بازار آزاد را تشکیل داده در جامعه افغانی مستولی است باسد تحلیل جامعه شناسانه داشته باشند و خود را در این محیط تطابق بدهند در این محیط باید از پویایی و نو آوری هر چه بیشتر برخوردار باشند تا بتوانند بیننده ها را هرچه بیشتر به خود جلب نمایند و به شهرت نیک برسند و روی هم رفته ساحه نفوذ خود را گسترش دهند.

بنا رسانه ها وقتی از پویایی و نو آوری برخوردار میشوند که در پهلوی عوامل دیگر، از قبیل (استخدام اشخاص شایسته، پرکار و با انرژی؛ نو آوری و نو اندیشی، استقلالیت اقتصادی، مطالعه کار شناسنامه رسانه یی از محیط بیرون، وغیره) می باید یک ذخیره گاه و بایگان معلوماتی و اطلاعاتی در دسترس داشته باشند تا از یک طرف به عنوان کتابخانه رسانه یی از داشتن معلومات گذشته غنی باشد و از طرف دیگر با ترکیب و تعاملات معلومات و مطالب ثبت و ضبط شده بتوانند و نو آوری نمایند زیرا هر اندیشه نو از تعامل اندیشه های گذشته به میان می آید.

اگر از پس منظر حقوقی به ماده فوق الذکر نگاه ژرف و کارشناسانه صورت گیرد، آشکار میگردد که نگهداری مطالب ثبت شده و ضبط شده برای دفاع از قضایا و ادعا های حقوقی که در آینده شاید به پیش آید خیلی ها مفید میشود، زیرا اگر بالای یک مطالب و موضوعات نشراتی یک رسانه شکایت بی جا و بی مورد صورت گیرد، چون رسانه مطلب را در آرشیف خود نگهداری نموده است میتواند برای اثبات بی گناهی و دفع ادعا های بی جا از استفاده نماید.

همچنان از لحاظ اقتصادی رسانه ها نمی توانند برای هر سوژه خود عکس برادری و فلمبرداری نماید، بنا می تواند از آرشیف خود در زمینه استفاده بهینه نماید.³

1- مصطفوی، سیده مژگان، مبانی حقوق رسانه ها، ناشر: کابل مرکز همبستگی رسانه ها، چاپ اول، سال: 1389، ص: 58

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (23).

3- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 31.

اما قابل تذکر است، آنچه در ماده فوق الذکر به عنوان تکلیف برای رسانه جهت نگهداری مطالب ثبت و ضبط شده آمده است خالی از اشکالات حقوقی نمی باشد. اولاً ماده فوق الذکر به عنوان یک ماده فوق الذکر به عنوان یک قاعده حقوق فاقد ضمانت اجرایی می باشد یعنی برای امتناع از این تکلیف قانونی کدام موبیده جزایی را تعیین نموده است. ثانیاً هر قاعده حقوقی دارای یک سلسله استثنائات می باشد که متأسفانه درین قاعده از آن تذکر بعمل نیامده است، زیرا امکان دارد بنابر عوامل و حوادث خارج از اراده یک رسانه مطالب ثبت و ضبط شده آن تلف گردد پس می باید در اخیر ماده فوق الذکر این طور علاوه می شد:.. (مگر اینکه رسانه خصوصی مذکور دلایل موجه را ارائه نماید) و همچنان مصداق های دلایل موجه تذکر داده می شد که هیچ از آن تذکر بعمل نیامده است.

ثالثاً: تعیین زمانی برای مدت سه سال با این امکانات ضعیف اقتصادی که رسانه ها در اختیار دارند مشکل مینماید که برای مدت معینه تمام برنامه های خویش را در آرشیف نگهداری نمایند زیرا نگهداری آن به سرمایه هنگفت و امکانات زیاد نیاز دارد که اکثر رسانه ها به خصوص رادیو ها از عهده آن برآمده نمی توانند.

رابعاً: مطالب ضبط و ثبت شده می باید براساس برنامه خاصی به طور روشن محدود و خلاصه می شد، اما درین ماده به صورت مطلق تمام مطالب را شامل است که نگهداری آنها برای رادیو و تلویزیون های خصوصی بی حد مشکل به نظر میرسد.

در فرجام پیشنهاد می گردد تا اشکالات چهار گانه حقوقی ماده فوق الذکر که امکان دارد رسانه ها را به مشکلات جدی روبرو نماید رفع گردد زیرا در قدم نخست فقدان ضمانت اجرایی دولت را مجال میدهد که به سلیقه خود بعضی فشار های رابه رسانه ها وارد نماید که باید به گونه عادلانه موبیده در زمینه تعیین گردد، در قدم دوم مطلق بودن این ماده از لحاظ نگهداری تمام مطالب و نبود استثنائات نیز رفع گردد تا تکلیف رسانه ها به گونه ساده و طبق توان شان روشن گردد و در قدم سوم مدت زمان تعیین شده نیز باید کمتر گردد تا از یک طرف رسانه ها بتوانند به سادگی و طبق توان خویش مطالب ثبت و ضبط شده را در آرشیف خود نگهداری نمایند و از طرف دیگر فوایدی را که در فوق از آن تذکر بعمل آید تحقق یابد.¹

مطلب پنجم: ماده 24: حق ادعا

هرگاه شخص حقیقی و یا حکمی به شکل نوشتاری ادعا کند که حقش در برنامه یک رسانه همه گانی ضایع گردیده می تواند آن را از آرشیف آن رسانه دریافت و با پول خودش تکثیر و مورد استفاده قرار دهد.²

تحلیل: این حقیقت آشکار است که یکی از وظایف عمده اخلاقی رسانه ها بر ملا نمودن و انعکاس حالات آن عده اشخاصی است که حقوق اساسی خویش محروم شده اند.

دور از امکان نیست که رسانه ها در جریان برنامه های نشراتی خویش به زعم یک عده اشخاص حقوق شان ضایع گردد که این اشخاص میتواند اشخاص حقیقی و اشخاص حکمی مثل شرکت ها، موسسات و دیگر ارگان ها باشد. قابل تذکر است که شمول اشخاص حقیقی و حکمی این حق را برای

1- معتمد، نژاد، کاظم، حقوق تبلیغات تجاری، ناشر: تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها، چاپ اول، سال: 1388، ص: 22
2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (24).

شهروندان قابل شده است تا به حیث وسیله اثبات برای احقاق حق خویش از آن استفاده نماید، البته با در نظر داشت اینکه خودش حقیقی یا حکمی از پول شخصی خودش مصرف تکثیر دوباره آن را برای استفاده به عده بگیرد.

آنچه در ماده فوق الذکر به عنوان مشکل میتوان یاد نمود این است که ملحوظات اقتصادی شهروندان افغانستان، مخصوصاً اشخاص نادر، در آن مدنظر گرفته نشده است. امکان دارد در اثر نشر یک برنامه تلویزیونی و یا رادیویی و یا رسانه های چاپی حق یک شهروند نادر ضایع میگردد، چون به اساس این ماده باید از پول خودش آنرا تکثیر نماید. امکان دارد از حقایق حق ضایع شده خویش صرف نظر نماید که این اقتضای عدالت نمی باشد. بناء باید طوری پیش بینی میشد که نه رسانه مصارف را متقبل میشد و نه آن شهروند نادر، بلکه خود دولت به عنوان حامی شهروندان باید درین حالت مصارف را متقبل میشد.

قسمیکه در متن قانون رسانه متذکر شدیم که هر شخص میتواند در صورت تلف شدن حقوق اش ادعا حقوق نماید و از آرشیف رسانه ها چی آرشیف رسانه های چاپی باشد یا هم برقی توسط پول میتواند آنرا بدست بیاورد، اما در این جا اشخاص که توانایی پرداختن پول را ندارند چگونه میتوانند که از حقوق خویش دفاع نمایند، قانون حامیان شهروندان هستند که باید از حقوق آنان دفاع کنند قانون باید قسمی وضع شود که بالا همه به شکل عادلانه قابل تطبیق باشد نه بالا تعداد؛ چون این از جمله حق الناس است در قانون اساسی افغانستان در ماده بیست دوم آمده است (هر نوع تعبیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است، اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و جایب مساوی هستند)¹

قانون اساسی امر برین فرموده است که هیچ یک حق تعرض به حق دیگر را ندارد و حقوق همه از لحاظ قانون با هم مساوی است و هیچ نوع تعبیض وجود ندارد. همچنان الله متعال در تمام آیات کلام مبارکه خود از تاملین عدالت گفته اند و از حق تلفی منع فرموده اند، و همه اعمال انسان را مورد عفو قرار میدهد الا حق الناس را قسمیکه در آیت مبارکه فرموده اند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»² ترجمه: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و احقاق حقوق و بسط عدل و داد به طور خود جوش از درون جامعه بشری آشکار شود.³

مطلب ششم: ماده 25: مکلفیت مدیران مسول رسانه ها برقی:

1: مدیران مسول رسانه برقی همه گانی در برنامه های آموزشی خود مسائل دینی و اخلاقی، صحت، محیط زیست، اهمیت معارف و مضرات کشت، تولید و مصرف مواد مخدر و مسکرات را بگنجانند.

1- وزارت عدلیه، قانون اساسی افغانستان، جریبه رسمی (818)، کابل، ناشر: مطبعه صنعتی احمد، چاپ اول، 1388 هـ ش، ص: 20

2- {سورة الحديد، آية 25}

3- خرم دل، مصطفی، تفسیر نور، ناشر: نشر احسان، سال چاپ: 1391، چاپ اول، ص: 1160

2: مدیران مسول رسانه های برقی همه گانی مکلف اند تا آذان های پنچگانه را از طریق رسانه های خود پخش کرده و در ترتیب برنامه های خود تقدس روزهای مقدس اسلامی و ماه مبارک رمضان را مراعات کنند.¹

تحلیل: طوریکه میدانیم مسایلی از قبیل موضوعات دینی و اخلاقی، صحت، محیط زیست اهمیت معارف و مضرات کشت و تولید و مصرف مواد مخدر از موضوعات حیاتی یک جامعه به شمار می آیند که دولت باید با سیاست های گوناگون خویش برای تحقق هریکی از موضوعات بالای تلاش های مستمر و مصراانه را انجام دهد.

آنچه درین ماده عنوان مشکل از نظر حقوقی به مشاهده میرسد این است که ماده فوق الذکر از یک نظر مخالف اصل آزادی تدوین برنامه ها است چون رسانه ها تنها مکلف اند تا از محدوده ماده 45 این قانون که در آن موضوعات ممنوعه درج گردیده و تجاوز ننمایند، پس میباید رسانه را برای تهیه برنامه های آموزشی بادر نظر داشت ماده 45 آزاد میگذاشتند و چارچوپ را از قبل تعیین نمی نمودند.

همچنان از لحاظ تخنیکی در بند اول و دوم این ماده مشکل وجود دارد زیرا اصطلاح رسانه های همه گانی برقی را بکار برده که شامل، انترنت، شبکه های کیبلی، رادیو و تلویزیون میباشد، اما از لحاظ تخنیکی مقدور نیست که در انترنت و شبکه های کیبلی آذان پنچگانه را مراعات نمود صرف آنرا میتوان در تلویزیون و رادیو مراعات نمود.²

مدیرمسئول رسانه و نهاد داری وظایف و صالحیت های ذیل می باشد:

۱- طرح و تطبیق اهداف و برنامه های رسانه یا نهاد مربوط.

۲- رعایت توازن خبری و تساوی حقوق انتقاد کننده و انتقاد شونده در رسانه یا نهاد مربوط.

۳- پاسخگویی از نشر تمام مضامین و محتویات برنامه ها و تولید پروگرام های مختلف.

۴- نمایندگی از رسانه یا نهاد مربوط در مجالس داخلی و خارجی.

۵- رهبری امور نشراتی و سایر فعالیت های مسلکی رسانه یا نهاد مربوط.

۶- اصدار هدایات به کارکنان بخش های مسلکی جهت رعایت احکام قانون اساسی، قانون رسانه های همگانی، این مقرر، پالیسی رسانه ها و سایر اسناد تقنینی نافذ در زمینه فعالیت رسانه یا نهاد مربوط.

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (25).

2- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 34.

۷- اطلاع کتبی از فعالیت و عدم فعالیت رسانه یا نهاد مربوط در آغاز هر سال به وزارت اطلاعات و فرهنگ.¹

نکته مهم در این ماده چنین است که ذکر شده آذان پنجگانه و ترتیب برنامه تقدس روز های مقدس اسلامی و ماه مبارک رمضان... در اینجا فقط روز را و اوقات مشخص کردند در آن برنامه های اسلامی باشد در صورت که باید برنامه قسمی ترتیب و تنظیم شود که تمام اش به اساس احکام دین اسلامی باشد قسمیکه در ماده اول قانون رسانه ها گفته شده که باید رسانه ها مطابق احکام دین باشد و در این ماده اوقات و روز ها برای احکام دین اسلام محدود کردن .

ماده ۲۶: منابع رسانه های همه گانی

منابع تمویل: ۱: رسانه های همه گانی میتوانند طبق احکام این قانون از طریق ذیل هزینه های خود را تمویل کنند:

1: نشر اعلانات پیام ها، برنامه های سیاسی، دینی، مذهبی و اجتماعی اشخاص حقیقی یا حکمی، شرکت های تولیدی تجارتي داخلی خارجی، نهاد های سیاسی و فرهنگی و احزاب سیاسی

2: دریافت اعانه از اشخاص حقیقی و یا حکمی، موسسات کمک کننده ملی و بین المللی که برای توسعه رسانه های همه گانی فعالیت میکنند.

3: مدیران مسول رسانه ها همه گانی مکلف هستند گزارش مالی سالانه خود را به شورای عالی رسانه ها و وزارت مالیه ارایه کنند.

4: منابع و مبالغ عواید باید شفاف و روشن باشد.

5: عرضه خدمات مسلکی و تخصصی به اشخاص حقیقی یا حکمی در بدل پول.²

تحلیل: در این ماده قانونگذاری سیستم مالی رسانه ها را تنظیم نموده است که در نخست از منبع عایداتی رسانه ها از قبیل نشر اعلانات، پیام ها، برنامه های سیاسی، دینی، مذهبی و اجتماعی اشخاص حقیقی یا حکمی، شرکت های تولیدی تجارتي داخلی و خارجی، نهاد های سیاسی و فرهنگی و احزاب سیاسی، اخذ اعانه از اشخاص حقیقی یا حکمی، موسسات کمک کننده ملی و بین المللی که برای انکشاف رسانه های همه گانی فعالیت می نمایند و عرصه خدمات و تخصصی و به اشخاص یا حکمی در بدل قیمت گفته است.

در قدم دوم اصولی را برای سیستم مالی رسانه ها در نظر گرفته است که عبارت از رعایت اصل شفافیت برای منابع عایداتی رسانه میباشد. این اصل رسانه ها را مکلف می نماید تا از فرار مالیاتی

1- وزارت عدلیه، مقررہ تاسیس و فعالیت رسانه های همگانی خصوصی، جریده رسمی، کابل، (1196)، سال: 1394، ماده 11، ص: 6
2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (26).

جلوگیری نمایند و همچنان منابع عواید آنان مشخص و معلوم باشد. همچنان از جمله اصول مهم دیگر این است که رسانه ها باید را پور مالی رابه شورای عالی رسانه وزارت مالیه ارایه نمایند.¹

قسمیکه در قانون رسانه همگانی افغانستان در ماده ۲۶ آن در مورد منابع رسانه ها بحث شده است که از طریق آن میتواند رسانه در آمد خود را تامین کنند، ولی آنها باید تمام اعلانات و تمام تبلیغات خود مطابق به قانون به نشر بسپارند اعلانات و تبلیغات شان نباید گمراه کننده فریب دهنده باشد؛ چون تبلیغات یکی موضوعات مهم بین رشته ای در تحقیقات و مطالعات ارتباط جمعی است که در یک دسته بندی کلی، به تجاری و غیر تجاری تقسیم میشود. تبلیغات تجاری در مورد کالاها و خدمات صورت میگیرد، اما تبلیغات غیر تجاری در عرصه های سیاسی (همانند تبلیغات انتخابات یا محلی یا فرهنگی) (همانند تبلیغات مذهبی) و غیره صورت میگیرد. اصطلاح (تبلیغات گمراه کننده) عمدتاً ناظر بر تبلیغات تجاری است.

تبلیغات تجاری دو کار عمده دارد: اطلاع رسانی درباره کالاها و خدمات و تحریک و تشویق مخاطب به استفاده از کالا یا خدمات خاص.

در کشور های مختلف برای تبلیغات تجاری از طریق رسانه های همگانی، پاره ای قواعد و مقررات پیش بینی شده است که ممنوعیت های تبلیغاتی و شرایط تبلیغات مجاز را مشخص کرده اند. برای مثال، تبلیغات در مورد مواد مخدر، مواد منفجره، تسلیحات، مشروبات الکلی، قمار و گروبنندی در بسیاری از کشور ها در زمره تبلیغات غیر قانونی است. اما تبلیغات در مورد مواد غذایی، بهداشتی و آرایشی یا تبلیغات ناظر به مخاطبان کودک تابع برخی شرایط و الزامات قانونی است. در واقع، تبلیغات تجاری در زمره بیانهای تجاری قرار میگیرد که در مقایسه با سایر انواع بیان، در نظام بین المللی حقوق بشر و نیز در قوانین اساسی کشورها، از حمایت های کمتر برخوردار است. از این رو، در سطح بین المللی و نیز ملی، اصول و قواعد سختگیرانه ای در مورد تبلیغات تجاری از سوی رسانه وجود دارد. یکی از اهداف این اصول و قواعد آن است که گمراه شدن مخاطبان و متضرر شدن آنها با رقبا از ناحیه تبلیغاتی پیشگیری کنند.²

ماده ۲۹: رسانه های همه گانی و موسسات مندرج ماده بیست هفتم این قانون دارای صاحب امتیاز می باشند.³

تحلیل: طوریکه در ماده سوم این قانون از صاحب امتیاز تعریف شده است. صاحب امتیاز شخص حقیقی یا حکمی است که به تاسیس و تدویر رسانه های برقی، چاپی، نهاد آموزش ژورنالیزم، مطبوعه، موسسه نشراتی، دارالترجمه، آژانس خبر رسانی، موسسه تولید فلم و شرکت تبلیغاتی و اعلانات می پردازد و در واقع صاحب امتیاز مالک اصلی موسسات و رسانه های فوق الذکر میباشد که امتیاز آنرا بعد از اخذ جواز بدست می آورد.⁴

در ماده ۲۹ و ۳۰ قانون رسانه از صاحب امتیاز یادآوری نموده اند ولی از وظایف آنان چیزی ذکر ننموده اند بناء وظایف آن قرار ذیل میباشد.

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 35.

2- اسمعیل، محسن، حقوق تبلیغات، بازرگانی، در ایران و جهان، ناشر: نشر شهر، سال: 1385، ص: 253.

3- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (29).

4- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 37.

وظایف صاحب امتیاز: در قانون مطبوعات ، دو شخصیت به رسمیت شناخته شده اند: صاحب امتیاز و مدیر مسئول. تبصره 4 ماده 9 قانون مطبوعات مدیرمسئول را مسئول تک تک مطالب چاپ شده می‌داند و صاحب امتیاز را مسئول خط مشی کلی نشریه . به عبارت دیگر مسئول پاسخگویی در برابر شکایت‌های احتمالی مدیرمسئول است. معرفی مدیرمسئول نیز توسط صاحب امتیاز صورت می‌گیرد. معنای مخالف این گزاره آن است که صاحب امتیاز می‌تواند هر زمان که مصلحت بداند فرد جدیدی را به جای مدیرمسئول به هیئت نظارت بر مطبوعات معرفی کند و این کار را می‌تواند بدون عزل مدیرمسئول فعلی یا ضمن عزل او انجام دهد. یعنی مدیرمسئول فعلی تا تأیید نفر بعدی، اختیارات و مسئولیت‌های قانونی را همچنان در عهده داشته باشد یا اگر کار به اختلاف کشیده است تا تصویب مدیرمسئول جدید، خود صاحب امتیاز مطابق ماده 14 قانون مطبوعات شخصا مسئولیت‌های مدیر مسئول را متقبل شود .

البته در اوایل دهه 70 رویه هیئت نظارت بر مطبوعات این بود که استعفای مدیرمسئول قبلی را نیز مطالبه می‌کرد و استدلالش هم این بود که اگر چه مدیرمسئول منصوب صاحبامتیاز است اما از آنجا که از هیئت نظارت هم تأییدیه می‌گیرد، عزل او به سادگی امکان پذیر نیست. علاوه بر این، گفته می‌شد در ماده 14 قانون مطبوعات هم صحبت از فوت و استعفای مدیرمسئول است نه عزل او، و لذا عزل مدیرمسئول بدون موافقت خود او و هیئت نظارت و صرفاً با تصمیم صاحبامتیاز امکان پذیر نیست. متقابلاً عده‌ای استدلال می‌کردند آیا رئیس جمهوری حق عزل وزرای خود را ندارد؟ مگر مجلس مدعی است که چون من به این وزیر رای اعتماد داده‌ام، پس رئیس جمهوری حق عزل او را ندارد؟

اگرچه صاحب امتیاز و مدیرمسئول، همچنان که گفته شد دو رکنی اند که در قانون مطبوعات به رسمیت شناخته شده‌اند اما به نظر می‌رسد ترکیب قدیمی قوانین خودمان -که در نشریات خارجی نیز تعقیب می‌شود- رساتر باشد. یعنی یک فرد یا یک بنگاه، مالک نشریه (صاحب پروانه) و یک فرد، سردبیر آن باشد. مسئولیت محتوا و جهت گیری‌های محتوایی با سردبیر است و او فقط در قبال (مالک)حقیقی یا حقوقی، خوانندگان (وجدان حرفه‌ای و اخلاقی) و شاکیان احتمالی پاسخگو است. به عبارت بهتر، در این مدل کارکرد، وظیفه، مسئولیت و اختیارات محتوایی مدیرمسئول در سردبیر دیده میشود و کارکرد یا شأن مدیریتی، اجرایی و لجستیکی مدیرمسئول در یک مدیر اجرایی خلاصه میگردد که زیر نظر مالک(صاحب امتیاز) یا حتی سردبیر فعالیت میکند.

البته این امکان برای نشریات بزرگ وجود دارد که یک فرد از طرف صاحب امتیاز (مالک) به عنوان مدیرعامل فعالیت کند. صاحب امتیاز سرمایه‌اش را وسط گذاشته است و حق دارد فردی را برگزیند که از نظر اقتصادی، این سرمایه را درست مدیریت کند (مدیرعامل) و ضمناً فردی را برگزیند که از نظر محتوایی، نشریه را به جایگاه مطلوب برساند. در دنیای صنعت و سهام ، نام مدیر ارشد اجرایی با توجه به سابقه و عملکرد او قیمت سهام یک شرکت را بالا و پایین می‌برد، همچنین در دنیای مطبوعات نام یک سردبیر موفق، تیراژ نشریه را تحت تاثیر ، قرار می‌دهد . در صنعت مطبوعات، این تاثیر مضاعف می‌شود چون هم صنعت است و هم مطبوعات¹

1- میرحسینی، سیدحسن، مقدمه ای بر حقوق مالکیت معنوی، ناشر: تهران نشر میزان، چاپ دوم، سال:1385،ص:24.

ماده 30 : شرایط صاحب امتیاز: صاحبان امتیاز رسانه های همه گانی و موسسات مندرج ماده بیست هفتم این قانون واجد شرایط ذیل میباشند:

الف: اشخاص حقیقی

1: داشتن سند تابعیت

2: تکمیل 18 سالگی

3: محروم نبودن از حقوق مدنی براساس حکم محکمه با صلاحیت

ب: اشخاص حکمی:

1: ثبت در اداره های مربوط دولتی

2: تثبیت هویت افغان بودن توسط اداره های مربوط و مسول

اشخاص و نهاد های مندرج فقره های (2 و 3) ماده نهم این قانون از این حکم مستثنی هستند.

3: محروم نبودن از حقوق مدنی به اساس حکم محکمه با صلاحیت

اشخاص و موسسات خارجی باید سند تابعیت کشور متبوع خود را داشته باشند.¹

تحلیل: طوریکه دیده میشود درین قانون برای صاحبان امتیاز رسانه های همه گانی و موسسات مندرج ماده بیست هفتم این قانون از قبیل تاسیس مطابع (چاپ خانه ها)، موسسات تولید فلم، کورس های آموزشی ژورنالیزم، دارالترجمه، آژانس خبرسانی، شرکت های تبلیغاتی و اعلانات دارای یک سلسله شرایط برای بدست آوردن این موقوف میباشند. برای اشخاص حقیقی در قدم اول شرط است تابعیت افغانستان را دارا باشند یعنی شخص باید افغان باشد. البته طبق این قانون داشتن افغانی صرف برای صاحب امتیاز شدن در رسانه های همه گانی شرط گذاشته شده است زیرا طبق قانون صرف اتباع افغانی میتوانند دارای رسانه باشند. اما در موسسات مندرج ماده بیست و هفتم این شرط قابلیت تطبیق را ندارد بلکه صرف اتباع خارجی سند تابعیت کشور متبوع خویش را ارائه نمایند.

داشتن اهلیت حقوقی یکی دیگر از شرایط برای صاحبان امتیاز است، طوریکه در ماده فوق اکمال سن 18 سالگی استفاده شده، بهتر بود که عوض آن داشتن اهلیت حقوقی و قانون استفاده میشد تا شرایط دیگر از قبیل عاقل بودن را نیز شامل می شد و بالغ بودن یکی از اجزای اهلیت حقوقی میباشد.

طوریکه در قانون جزای افغانستان ذکر گردیده که هرگاه یک شخص 15 سال به حبس محکوم گردد از یک سلسله حقوق مدنی محروم میگردد که یکی از آن ها می تواند صاحب امتیاز شدن باشد. البته برای وضاحت این بند از ماده 30 باید گفت که محکمه باید ذیصلاح باشد و همچنان حکم محکمه قطعیت و یا به مرحله نهایی رسیده باشد.

در ارتباط به شخصیت های حکمی باید گفته که این شخصیت ها قبل از صاحب امتیاز شدن برای موسسات و یا رسانه های همه گانی باید در ادارت ذیربط دولتی ثبت و راجستر شده و رسمیت یافته باشند.

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (30).

همچنان برای شخصیت های حکمی شرط است که هویت افغانی شان توسط ادارت ذیربط مسول تثبیت گردد البته طوریکه در فوق تذکر گردید تثبیت هویت افغانی صرف برای صاحبان امتیاز رسانه های همه گانی است. در مورد موسسات مندرج ماده بیست و هفتم شخصیت های حکمی خارجی باید صرف سند تابعیت کشور متبوع خویش را ارایه نمایند، همچنان نمایندگی های سیاسی خارجی در افغانستان و نمایندگی های موسسات بین المللی و بین الحکومتی از این حکم مستثنی اند.¹

مطلب هفتم: ماده 31: داشتن اساس نامه:

صاحبان امتیاز رسانه های همه گانی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم این قانون مکلف هستند تا معلومات لازم را در مورد رسانه ها و یا موسسات خود نحوه فعالیت آنها را در اساس نامه مریوز در برگزیده اهداف، تشکیل، صلاحیت ها، وظایف، مقدار سرمایه مالی می باشد، تنظیم کنند.²

تحلیل: هر اداره برای تنظیم و سامان بخشیدن امور داخلی خویش به یک اساسا نامه ضرورت دارد تا در وقت ضرورت به آن به عنوان سند معتبر برای حل درون سازمانی خویش مراجعه نمایند. اساسنامه در واقع هویت یک نهاد را بازتاب میدهد بناء قانونگذار برای جلوگیری از مشکلات درونی یک سازمان داشتن اساسنامه را به عنوان یک مکلفیت قانون به حساب آورده است.

درین ماده نیز در رابطه به اجرای که یک اساسنامه می باید از آن برخوردار باشد نیز یاد دهایی صورت گرفته است و از اجزای مهمان از قبیل اهداف، تشکیل، صلاحیت ها، وظایف مقدار سرمایه و منابع مالی ذکر گردیده است که البته این معنی را نمی دهد که اساسنامه صرف به این اجزا بسنده باشد بلکه اینها اجزای مهم یک اساسنامه را تشکیل میدهند که درضمن آن بعضی اجزای دیگر نیز درج یک اساسنامه میشود و برای اساسنامه ضروری تلقی میگردند.³

در متن قانون رسانه های همگانی افغانستان در مورد اساسنامه بحث نموده ولی شرایط آن را متذکر نشده اند، شرایط آن قرار ذیل است:

اساسنامه چیست و چه نکاتی باید در آن درج شود:

اساسنامه مهمترین رکن شرکت سهامی است. کلیه ی شرکت های سهامی عام یا شرکت سهامی خاص باید دارای اساسنامه باشند. اساسنامه روابط شرکاء با یکدیگر و حدود اختیارات مجامع عمومی و هیئت مدیره را تعیین و تکلیف سود و زیان شرکت و مدت انحلال آن را معین می نماید. اساسنامه تابع نظر موسسین و اکثریت دارندگان سهام است و قانون از لحاظ اهمیت، مواردی را در آن ذکر کرده که در هر حال لازم الرعایه است.

اساسنامه ی شرکت در حقیقت سندی است که به آن اعتبار می دهد و در آن خط مشی و سرمایه ی شرکت، هدف و نحوه ی فعالیت و وظایف هر یک از اعضای شرکت و هیئت مدیره و مجامع عمومی و بازرسان شرکت و تعداد مدیران و نحوه ی انتخاب و مدت ماموریت و چگونگی تعیین جانشین مدیرانی که فوت یا استعفاء نموده و یا محجور و معزول می شوند معین می گردد. همچنین کلیه ی مواد آن برای اعضاء لازم الرعایه می باشد و همان طوری که در

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 37.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (31).

3- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 39.

زندگی یک شخص حقیقی سجل یا شناسنامه ی او باعث هویت و اعتبارش می شود در شخص حقوقی نیز اساسنامه به او هویت و اعتبار می دهد و حدود اختیارات و وظایف مدیران و میزان مسئولیت آن ها و چگونگی عملکرد آن ها در قید می گردد.

بنابراین شرکت های سهامی عام و سهامی خاص باید دارای اساسنامه ای باشند. اما شرکت نامه مخصوص شرکت های با مسئولیت محدود، تضامنی و نسبی می باشد و شرکت های سهامی و تعاونی نیازی به شرکت نامه ندارند و شرکت نامه هم نوعی سند رسمی است که بین دو یا چند شریک به منظور تشکیل شرکت تجاری تنظیم می شود و برابر قانون تجارت (ماده 197 قانون تجارت) پس از آنکه شرکت تشکیل شد، در همان ماه اول باید خلاصه شرکت نامه و ضمائ آن به وزارت دادگستری ارسال شود و این سند معتبری می باشد که مندرجات آن در حقیقت قسمتی از اساسنامه شرکت است که به وسیله قوه ی قضائیه چاپ گردیده و در اختیار سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و اداره ی کل ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی قرار می گیرد و به وسیله ی موسسین تنظیم می شود.

برابر ماده ی 8 لایحه ی اصلاحی 48/12/24 اساسنامه باید شامل نکات زیر باشد:

- 1- نام شرکت
- 2- موضوع شرکت بطور صریح و منجز (روشن)
- 3- مدت شرکت
- 4- مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن در صورتیکه تاسیس شعبه مورد نظر باشد.¹

ماده 32: صاحبان امتیاز رسانه های همه گانی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم این قانون مکلف هستند تا رسانه ها و موسسات خود را مطابق با احکام این قانون ثبت کنند.²

تحلیل: تاسیس رسانه در جهان معمولاً به چهار شیوه صورت میگیرد که عبارت از شیوه اعلام نامه، شیوه ثبت، شیوه مختلط و شیوه اجازه قبلی میباشد. در شیوه اعلام نامه، صاحب امتیاز و مدیر مسول اعلام نامه یی را حاوی ویژگی های نشریه، صاحب امتیاز، مدیر مسول و غالباً چاپخانه را به مرجع مربوط میدهند.

در شیوه ثبت نام، هنگامیکه شخصیت های حقیقی و یا حکمی میخواهند نشریه ها را پایه گذاری کنند، باید مشخصات آن را در وزارت اطلاعات یا شورای عالی رسانه ها یا مراجع ذیربط مطابق قانون همان کشور ثبت نمایند. در شیوه مختلط، از هر دوشیوه اعلام نامه ثبت نام به صورت مختلط استفاده میشود و هر دو را ضروری میدانند و هر فرد و نهادی که می خواهد نشریه یی را تاسیس نماید باید اعلام نامه تسلیم کرده و همچنان به ثبت نشریه خود بپردازد. معمولاً اجازه تاسیس رسانه را به اشخاصی میدهد که مورد اعتماد نظام بوده و وابسته باشد.

در محتوای کلی قانون رسانه های همه گانی افغانستان با در نظر داشت مشکلات تخنیکی و حقوقی که دارد می توان این قانون را در جمله قوانین رسانه های دیموکراتیک قرار داد. همچنان از محتوای

1- سلطانی، نعمت الله، حقوق کار افغانستان، ناشر: کابل موسسه انتشارات مقصودی، چاپ اول، سال: 1393، ص: 56
2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (32).

ماده فوق الذکر معلوم میگردد که افغانستان برای تاسیس رسانه ها شیوه ثبت نام را انتخاب نموده است.

آنچه در ماده فوق الذکر به عنوان مشکل میتوان یاد نمود این است که از لحاظ حقوقی مدت ثبت توسط مراجع مربوط باید واضح و معین میشد که نشده است، که این زمینه را برای سوء استفاده و ضایع شدن وقت برای تاسیس رسانه مهیا میسازد.¹

در این ماده قانون رسانه های همگانی افغانستان شیوه های تاسیس رسانه ها را بیان نموده اند لی تحت چی شرایط متذکر نشده اند، که قرار ذیل است:

شرایط تاسیس رسانه ها:

۱- اشخاص مندرج ماده ششم این مقرر می توانند تحت شرایط ذیل رسانه یا نهاد را تأسیس نمایند:

۲- ارائه درخواست کتبی به وزارت اطلاعات و فرهنگ.

۳- داشتن جواز سرمایه گذاری برای رسانه و نهاد انتفاعی.

۴- شهرت مکمل صاحب امتیاز و مدیر مسئول.

۱- نام رسانه یا نهاد.

۵- نوع فعالیت.

۶- محل فعالیت.

۷- ارائه سند تحویل حق الامتیاز جواز فعالیت.

۸- ارائه نقل اساسنامه مربوط.

۹- ارائه سند تحویل تضمین بانکی.

۲۱- منابع تمویل مطابق احکام قانون رسانه های همگانی.

۲۲- اندازه سرمایه.

۲۳- تیراژ، زبان، نوع محتوای نشراتی، موعد چاپ، قطع و صحافت در رسانه های چاپی.

۲۴- داشتن ماشین آلت و تجهیزات باکیفیت معیاری در رسانه و نهاد مربوط.

(۳) وزارت اطلاعات و فرهنگ مکلف است در خواست مندرج جزء (۱) فقره (۱) این ماده را غرض بررسی به کمیسیون رسانه های همگانی ارائه نماید

(۴) حق الامتیاز جواز فعالیت مندرج جزء ۷ فقره (۱) این ماده طور ذیل اخذ می گردد:

۲- تلویزیون های سراسری و تلویزیون های محلی، مبلغ پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) افغانی.

۳- نهاد نمایش فلم سینما) و شبکه های کیبلی، مبلغ چهل هزار (۴۰۰۰۰) افغانی.¹

1- تحلیل بر قانون قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 39.

مطلب هشتم: ماده 33: ارایه معلومات به خاطر ثبت رسانه ها و موسسات فرهنگی: صاحبان امتیاز رسانه های همه گانی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم این قانون مکلف هستند تا بیان نامه حاوی معلومات ذیل را بخاطر به وزارت اطلاعات فرهنگ ارایه کنند:

1: شهرت کامل

2: نوع فعالیت

3: نام رسانه

4: محل فعالیت

6: هدف مرام فعالیت

6: منبع تمویل اندازه سرمایه

7: در رسانه های چاپی: تیراژ، زبان، نوع، محتوا نشراتی، موعد چاپ، قطع و صحافت

8: در رسانه های برقی رسانه های همه گانی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم این، دارای آدرس، مهر و نشان مخصوص هستند.

تحلیل: دولت اسلامی افغانستان برای موسسات دولتی و غیر دولتی حقوق یکسان در نظر گرفته است و هچنان برای نهاد فرهنگی و دیگر نهاد نیز از این حقوق مجزا نیستند، در قانون مطبوعات چنین فرموده است: اتباع کشور، احزاب سیاسی، جمعیت ها، شرکتها، و موسسات غیر دولتی میتوانند رسانه را به شکل انتفاعی و غیر انتفاعی مطابق احکام قانون رسانه های همگانی و این مقرر تاسیس نماید.

بنا براین مشورعیت قانونی، با ذکر ارائه معلومات متذکر قانون رسانه ها به وزارت اطلاعات فرهنگ میتواند تاسیس رسانه ها را انجام بدهند.²

درین ماده آنعه مواردی که هنگام ثبت لازم میباشد و رسانه ها و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم مکلف اند تا حین تثبت آنرا ارایه بدارند تذکر گردیده است. طوریکه از ماده فوق الذکر استنباط میگردد از بند اول تا بند ششم از قبیل (شهرت مکمل، نوع فعالیت، اسم رسانه، محل فعالیت آن، هدف و مرام فعالیت و منبع تمویل و اندازه سرمایه) مربوط به رسانه ها و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم میشود گرچه در بند سوم فقط از اسم رسانه یاد شده اما اشتباه کتبی صورت گرفته و تعمیم به موسسات مندرج ماده بیست و هفتم کدام مانع وجود ندارد.

بند هفتم صرف برای رسانه های چاپی اختصاص داردی که آنها باید تعداد تیراژ، زبان که در رسانه خود از آن استفاده می نمایند، نوع، محتوای نشراتی، موعد چاپ، قطع و صحافت را ذکر نمایند. البته معلومات فوق الذکر ارتباط به موسسات مندرج ماده بیست و هفتم از قبیل چاپ خانه ها و دارالترجمه ها.... نمی گیرد.

1- وزارت عدلیه، قانون مطبوعات افغانستان، جریده رسمی، کابل، (1196)، تاریخ نشر: 16\8\1394، ماده هفتم، ص: 3
2- وزارت عدلیه، قانون مطبوعات افغانستان، جریده رسمی، کابل، (1196)، تاریخ نشر: 16\8\1394، ماده هفتم، ص: 2

بند هشتم صرف برای برقی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم اختصاص یافته تا از کمیت و کیفیت ماشین آلات و تجهیزات خویش معلومات ارایه بدارند.

آنچه به عنوان مشکل درین ماده وجود دارد، انیست که درین ماده یا ماده دیگر تذکر نگردیده که در صورت تغیر در یکی از موارد فوق الذکر چه اجراءات صورت بگیرد و درین مورد قانون سکوت اختیار نموده است.

ماده 34: رسانه های همه گانی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم این قانون، دارای آدرس، مهر و نشان مخصوص هستند.¹

قبلا در این ماده بحث صورت گرفته است.

ماده 35: هرگاه صاحب امتیاز، تصمیم وزارت اطلاعات و فرهنگ را مبنی بر عدم ثبت و یا صدور جواز مغایر با احکام قانون بداند میتواند به کمیسیون مربوط مراجعه کرده و در صورت قناعت نکردن میتواند در محکمه اقامه دعوا کند.²

تحلیل: طوریکه قبلا تذکر یافت شیوه تاسیس رسانه ها در افغانستان به اساس شیوه ثبت می باشد و به اساس این ماده مرجع ثبت وزارت اطلاعات فرهنگ است. قانون گذار این حق را برای صاحبان امتیاز رسانه ها و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم محفوظ نگهداشته و وزارت اطلاعات و فرهنگ را مرجع نهایی برای صدور جواز برای رسانه ها و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم ندانسته است، بلکه یک مرجع دیگر یعنی محکمه را که مربوط قوه قضائیه میشود، صلاحیت داده است تا در صورت عدم قناعت صاحب امتیاز به آن مرجع مراجعه خویش را احقاق نمایند.

البته با در نظر داشت این ماده برای اقامه دعوی به محکمه دوشرط در زمینه وجود دارد:

1: قبل از اقامه دعوی به محکمه باید به کمیسیون رسانه های شکایت خویش را تقدیم نماید و اگر اجراءات و اقدامات کمیسیون مذکور مورد قناعت صاحب امتیاز قرار نگیرد در آنصورت میتواند به محکمه مراجعه نماید.

2: صاحب امتیاز باید عدم ثبت یا صدور جواز توسط وزارت اطلاعات فرهنگ را در مغایرت با احکام قانون نافذ افغانستان دانسته و با در نظر داشت آن اقامه دعوی نماید، در صورتیکه عدم ثبت یا صدور جواز توسط وزارت اطلاعات فرهنگ طبق قانون صورت گیرد، محکمه به عدم دوران دعوی قرار خویش را صادر می نماید.

همچنان آنچه قابل تذکر میباشد انیست که در این ماده برای ثبت و یا صدور جواز توسط وزارت اطلاعات و فرهنگ مدتی تعیین نگردیده است؛ که این در ذات خود خلای قانونی به بار میآورد زیرا در صورت معین بودن معیاد برای صدور جوازی ثبت، طبق قانون برای وزارت اطلاعات و فرهنگ الزامیت قانونی ایجاد میشود که در آن معیاد معینه باید به صدور جواز یا ثبت متوسل میشد و از تعلل

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (34).

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (34).

در مکلفیت و وظیفه جلوگیری میگردید. همچنان برای صاحب امتیاز اطمینان خاطر ایجاد می شد که بعد از سپری شدن چه مدت زمان به کمیسیون رسانه ها و یا محکمه مراجعه نماید.¹

ماده 37: رسانه های همگانی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم این قانون دارای مدیرمسؤل باشند.²

تحلیل: معمولاً صاحب امتیاز رسانه در واقع مالک رسانه به شمار رفته و شخصی را که در پیشبرد کار های رسانه یی وارد باشد برای مدیریت بهتر رسانه مربوط خویش میگرد و تقریباً تمام صلاحیت های کاری را نیز به آن شخص واگذار می نماید تا موصوف در اجرای امور دست باز داشته و رسانه را به وجه احسن اداره نماید. این شخص را بنام مدیر مسؤل یاد میکنند که تمام مسولیت و صلاحیت کار رسانه یی یک رسانه توسط صاحب امتیاز به وی واگذار میگردد.

قانون حاضر، مدیر مسؤل را چنین تعریف نموده است: (مدیر مسؤل شخصی است که طور بالفعل مسولیت آور نشراتی رسانه های همه گانی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم قانون رسانه های همه گانی را به عهده دارد.)

طوریکه از ماده فوق الذکر استنباط میگردد، مدیر مسؤل باید شخصی باشد که در امور خبرنگار و رسانه یی آگاهی لازم را دارا باشد زیرا راز موفقیت یک رسانه بیشتر مسولیت پذیری و خلافت مدیر مسؤل آن ارتباط میگردد.

موارد فوق الذکر است که فوق رسانه های همه گانی افغانستان رسانه های همه گانی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم این را مکلف نموده است تا شخصی را تحت نام میر مسؤل بکار بگمارند. همچنان بعید نیست که در بعضی از مواقع که صاحب امتیاز خود در کار های رسانه میباشد، شخصاً به حیث مدیر مسؤل رسانه خویش ایفای وظیفه می نماید.³

ماده 38: شخصی میتواند به عنوان مدیر مسؤل تعیین شود که دارای شرایط ذیل باشد:

1: داشتن سند تابعیت کشور

2: تکمیل سن 21 سالگی

3: داشتن سند تحصیلی مسلکی و یا داشتن تجربه مسلکی سه ساله

5: محروم نبودن از حقوق مدنی به حکم محکمه باصلاحیت⁴

1- تحلیل بر قانون رسانه همگانی افغانستان، ص 42.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (37).

3- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 46.

4- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (38).

تحلیل: طوریکه در تحلیل ماده سی و هفتم بیان گردید، مدیر مسول شخصی است که در واقعیت امر به طور بالفعل مسولیت تمام امور نشراتی یک ساله را به عهده دارد. بنیاد نظر داشت این همه مسولیت ها نسبتاً نظر امتیاز دارای شرایط سخت تری برای انتساب به سمت مدیر مسول میباشد.

شرط اولی که برای مدیر مسول تعیین گردیده عبارت از داشتن سند تابعیت کشور است. البته درین ماده آنچه قانون گذار فراموش نموده این است بدون شک رسانه های همه گانی صرف برای اتباع افغانی اختصاص یافته است اما در مورد موسسات مندرج ماده بیست و هفتم که آنها نیز باید دارای مدیر مسول باشند تنها برای اتباع افغانی اختصاص نیافته است بلکه اتباع خارجی نیز میتوانند به تاسیس آن موسسات بپردازند. بنیاد قانونگذار باید برای اتباع خارجی نیز داشتن سند تابعیت دولت متبوع شان را به عنوان شرط می گنجانند تا بند اول این ماده از جامعیت برخوردار میباشد.

شرط دوم عبارت از اكمال سن 21 سالگی است که با شرط سوم عبارت از داشتن سند تحصیلات مسلکی است در تناقض است در تناقض میباشد. زیرا طوریکه دیده میشود در افغانستان تحصیلات عالی و مسلکی بعد از سن 22 سالگی تکمیل میگردد که معمولاً بعد از است شخصیکه در سن 21 سالگی سند تحصیلات را به دسترس داشته باشد

شرط چهارم عبارت از محروم نبودن از حقوق مدنی است و آنهم بعد از نهایی شدن یا قطعیت حکم محکمه توسط محکمه ذیصلاح.¹

قبلاً در مورد وظایف و صلاحیت های مدیر مسؤل شرح گردیده است.

ماده 39: مدیر مسول در برابر نشر مضامین، محتویات برنامه ها و تولید برنامه های هنری، آموزشی و تبلیغات خود در رسانه های همه گانی یا موسسات مندرج ماده 27 این قانون مسول میباشد.²

تحلیل: در ارتباط مسولیت های قضایی رسانه ها از بابت کار رسانه یی شان، سه نظر وجود دارد. به اساس نظر اول صرف نویسنده یک مطلب مسول میباشد. به اساس نظر دوم مدیر مسول و نویسنده مسول تلقی میشوند. و به اساس نظر سومی صرف مدیر مسول به عنوان مسول تلقی میشود نظر سوم تنها مدیر مسول را در برابر نظر مضامین، محتویات برنامه ها مسول قلمداد میکند در بعضی از کشور از قبیل انگستان معمول میباشد. طوریکه از ماده فوق الذکر معلوم میگردد قانون رسانه های همه گانی افغانستان نظر سوم را قبول نموده است

انتقاد بزرگی که بالای این نظر میشود این است که مدیر مسول در واقعیت امر شریک جرم را دارد و نویسنده مجرم اصلی است. بنیاد این دور از عدالت است که مجرم اصلی از مسولیت میرا میباشد و

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، 47.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (39).

تمام مسولیت بدوش شریک جرم که نسبت به مجرم اصلی دارای مسولیت کمتر میباشد، متوجه گردد.¹

مطلب نهم: ماده 40: رعایت حقوق انتقاد کننده و انتقاد شونده

مدیر مسول مسول مکلف است تا تساوی حقوق انتقاد کننده و انتقاد شونده را در ساحه مربوط (چاپی و برق) رعایت کند.²

تحلیل: در ژورنالیسم یک اصل مهم وجود دارد که عبارت از اصل توازن می باشد که باید یک ژورنالیست آنرا به طور جدی در نظر داشته باشد، زیرا رعایت آن باعث صیاع حقوق اشخاص نگردیده و کار ژورنالیستی و رسانه یی بر مبنای معیار های قبول شده ژورنالیسم به پیش میرود. ذکر اینکه مدیر مسؤل مکلف است تساوی حقوق انتقد کننده و انتقاد شونده را در رسانه های برقی و چاپی در نظر بگیرد به نحوی مفهوم اصل توازن را می رساند. به اساس ماده بیست و دوم این قانون اصل توازن تکلیف قانون ژورنالیستان و رسانه ها می باشد، اما آنچه درین ماده تذکر گردیده بیحد گنگ و به گونه کلی گویی موضوع تساوی حقوق انتقاد کننده و انتقاد شونده بیان گردیده است. درین ماده تعریف مشخصی از انتقاد کننده و انتقاد شونده نشده است، همچنان تذکر نگردیده که در کدام موارد و موضوعات باید تساوی حقوق انتقاد کننده و انتقاد شونده در نظر گرفته شود. بناً پیشنهاد می گردد که اصلاحات لازم درین ماده وارد گردد تا این ماده مفهوم واقعی یک قاعده حقوقی را بدست آورد.³

این از جمله وظایف مدیر مسؤل است که قبلا در باره وظایف و صلاحیت های مدیر مسؤل بیان شده است.

ماده 41: شورای عالی رسانه ها

ترکیب شورای عالی رسانه ها:

1: به منظور طرح و تدوین پالیسی رسانه ای کشور، شورای عالی رسانه ها به ترکیب وزیر اطلاعات و فرهنگ، معین مسلکی وزارت مخابرات، نماینده ستره محکمه/دادگاه عالی، نماینده وزارت عدلیه، دو نفر از مشرانو جرگه/مجلس سنا، دو نفر از ولسی جرگه/مجلس نمایندگان، یک عالم جید دینی به نمایندگی از شورای علماء، دو فرد مسلکی و با تجربه ژورنالیزم از جامعه خبرنگاران و دو تن از جامعه مدنی با پیشنهاد آنان برای دوسال ایجاد می شود.

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 48.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (40).

3- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 48.

2: یک تن از اعضای شورای عالی رسانه ها از طریق انتخابات آزاد و از میان خودشان به عنوان رئیس انتخاب می شود.

3: شیوه انتخاب چهار تن از خبرنگاران و جامعه مدنی به عنوان اعضای شورای عالی رسانه ها و طرز کار و فعالیت این شورا توسط طرز العمل جدا گانه تنظیم می شود.

4: شورای عالی رسانه ها دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد.

1: طرح و تصویب پالیسی بلند مدت رسانه ای

2: پیشنهاد رئیس و اعضای کمیسیون رسانه های همه گانی، رئیس و اعضای کمیسیون اداره رادیو و تلویزیون ملی از میان شخصیت های مسلکی، مستقل و دارای شهرت نیک جهت منظوری (تائید) به رئیس جمهور

3: پیشنهاد بودجه اداره رادیو و تلویزیون ملی به حکومت و ارایه گزارش سالانه به شورای ملی.¹

تحلیل: تحلیل: در هر کشور برای نظارت از کارکرد رسانه ها ساختار های وجود دارد که کارهای رسانه یی را بررسی می نماید. این ساختار ها می باید خارج از چوکات دولت به گونه مستقل در قوانین پیش بینی شوند و اعضای آن انتخابی باشند و از جمله اعضای آن اشخاص از جامعه مدنی و نهاد های دفاع از حقوق ژورنالستان باید شامل باشند. این ساختار در پهلوی اینکه صلاحیت نظارت از رسانه ها را دارا اند از طرف دیگر حمایت کننده و مدافع حقوق رسانه ها نیز می باشند.

این ساختار ها دارای تشکیلات خاصی اند که نمایندگی از قوای ثلاثه دولت و جامعه مدنی بخصوص جامعه ژورنالستان نموده و دارای سیزده عضو می باشد. طبق این قانون از قوه اجرائیه وزیر اطلاعات و فرهنگ، معین مسلکی وزارت مخابرات و نماینده وزارت عدلیه شامل اعضای این شورا می باشند. و از قوه مقننه دو نفر از مشرانو جرگه و دو نفر از ولسی جرگه درین شورا از پارلمان کشور نمایندگی می نمایند. همچنان از قوه قضائیه یک نفر نماینده نیز درین شورای عالی رسانه ها عضویت دارد. از شورای علما یک نفر عالم جید درین شورا عضویت دارد و دو نفر از جامعه ژورنالستان و دو نفر دیگر از جامعه مدنی شامل این شورا می باشند. قابل تذکر است که قانون گذار شیوه انتخاب نماینده جامعه ژورنالستان و جامعه مدنی را به یک طرز العمل جدا گانه محول نموده است.² البته این را باید خاطر نشان نمود که طرز انتخاب نماینده از جامعه مدنی و جامعه ژورنالستان به طور دقیق و مشخص تشریح نگردیده و امکان دارد به اساس سلیقه

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (41).

2- وزارت عدلیه، تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (41)، ص 49

ارگان های دولتی به خصوص قوه اجرائیه انتخاب شوند. طوریکه در تاسیس فعلی شورای عالی رسانه ها معلوم گردید، در مخالفت با قانون رسانه ها قبل از ترتیب یک طرز العمل مناسب و مدون دست به انتخاب نماینده این دو جامعه زدند که در مخالفت با قانون رسانه ها می باشد. مدت تصدی نماینده جامعه ژورنالستان و جامعه مدنی سه سال تعیین گردیده، اما در مورد حالت استعفاء یکی از اعضا و یا تکمیل شدن مدت کاری یک وکیل در پارلمان و تاثیر گذاری آن بالای شورای عالی رسانه ها ماده ی مشخص را پیش بینی ننموده است. همچنان درین قانون آمده است که رئیس این شورا به انتخاب اعضای آن به طور آزادانه انتخاب می گردد اما این موضوع روشن نگردیده که مدت تصدی یک رئیس برای چه مدت زمان است؟ همچنان سیستم رأی دهی اعضای شورا و نصاب آن روشن نگردیده زیرا سیستم رأی دهی موضوعات عادی از موضوعات فوق العاده باید تفکیک می شد و موضوعات فوق العاده که برای شورای عالی رسانه ها در اجندای کاری شان گنجانیده می شد باید دارای سیستم رأی دهی مشخص به خود می بود، ذکر همه مطالب بالا در رابطه به شورای عالی رسانه ها در این قانون خیلی ها مهم بود و یا حد اقل باید در قانون برای توضیح مطالب فوق الذکر آن را به یک مقرر محول می نمود که چنین نشده است. طبق این قانون موارد ذیل از جمله وظایف و صلاحیت های شورای عالی رسانه ها محسوب میگردند.¹

1: طرح و تصویب پالیسی دراز مدت رسانه ای: طرح و تصویب پالیسی دراز مدت رسانه ای نباید مفهوم تعیین محتوای رسانه ها و دادن استراتژی که سلب کننده آزادی بیان رسانه ها باشد تلقی گردد، بلکه باید هدف از پالیسی دراز مدت رسانه ای کمک برای رسانه ها در راستای توسعه آزادی رسانه و خودکفائی و رشد اقتصادی رسانه ها باشد

2: پیشنهاد رئیس و اعضای کمیسیون رسانه های همه گانی، رئیس و اعضای کمیسیون اداره رادیو تلویزیون ملی از میان شخصیت های مسلکی، مستقل و دارای شهرت نیک غرض منظوری به رئیس جمهور: در رابطه به انتخاب رئیس رادیو تلویزیون ملی باید گفت که بهتر می بود اگر توسط شورای ملی رأی اعتماد می گرفت تا رادیو تلویزیون ملی واقعاً جنبه ملی پیدا می نمود. (هرچند در ماده سیزدهم این قانون تصریح یافته است که "تعیین رئیس رادیو تلویزیون ملی از جانب رئیس جمهور با تائید ولسی جرگه صورت می گیرد." اما در پاورقی ماده سیزدهم قانون رسانه های همه گانی افغانستان چنین آمده است: "شورای عالی ستره محکمه به اساس قرار قضایی نمبر 6) (مورخ 1388/1/26 خویش پراگراف دوم ماده سیزدهم قانون رسانه های همه گانی افغانستان

1- انصاری، باقر وسایرین، مسئولیت های رسانه های همگانی، ناشر، معاونت پژوهش، سال: 1381، ص: 67

را که چنین مشعر است: "تعیین رئیس رادیو تلویزیون ملی از جانب رئیس جمهور با تائید ولسی جرگه صورت می گیرد." خلاف قانون اساسی افغانستان تشخیص نموده است

3: پیشنهاد بودجه اداره رادیو تلویزیون ملی به حکومت و ارایه گزارش سالانه به شورای ملی¹

مطلب دهم: ماده 42: کمیسیون رسانه های همه گانی

1: به منظور تنظیم بهتر فعالیت رسانه های همه گانی، کمیسیون رسانه های همه گانی به ترکیب هفت عضو از میان شخصیت های مسلکی با تحصیلات عالی و با تجربه ژورنالیزم با در نظر داشت ترکیب قومی و جنسیتی ایجاد می شود.

2: چهار تن از اعضای کمیسیون مندرج فقره یک این ماده برای مدت سه سال و سه تن دیگر برای مدت دو سال با رعایت جزء 2 فقره (4) ماده چهل و یکم این قانون انتخاب می شوند.

3: اعضای کمیسیون مندرج فقره (1) این ماده بیشتر از دوبرار پی در پی نمی توانند انتخاب شوند.

4: اعضای کمیسیون مندرج فقره (1) این ماده مستحق حق الحضور می باشند که از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ پیشنهاد و از جانب رئیس جمهور منظور می شود.

5: حق الحضور مندرج فقره (4) این ماده از بودجه وزارت اطلاعات و فرهنگ پرداخت می شود.

6: طرز کار و فعالیت کمیسیون توسط طرز العمل جداگانه تنظیم می شود².

تحلیل: به منظور نظارت از کارکرد های رسانه ها یکی از ساختار های دیگری که بعد از شورای عالی مهم بنظر می رسد عبارت از کمیسیون رسانه های همه گانی می باشد. این کمیسیون در تشکیلات خویش دارای هفت نفر عضو می باشد که توسط شورای عالی غرض منظوری به رئیس جمهور پیشنهاد می گردد، که در جمع این هفت نفر چهار نفر از اعضای کمیسیون برای مدت سه سال و سه نفر دیگر آن برای مدت دو سال انتخاب می گردند

اعضای کمیسیون مذکور صرف حق دو بار انتخاب شدن را دارند و بعد از سپری نمودن دور دوم دیگر به حیث اعضای کمیسیون رسانه های همه گانی پیشنهاد شده نمی توانند. گرچه کمیسیون

1- تحلیل بر قانون رسانه همگای افغانستان، ص 49.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (42).

رسانه های همه گانی در وظایف خود استقلالیت عمل دارد یعنی تحت اثر وزارت اطلاعات و فرهنگ نیست اما بودجه آن توسط وزارت اطلاعات فرهنگ پرداخته می شود.¹

در قانون رسانه های همگانی افغانستان در مورد کمیسیون تا حدی متذکر شده اند فقط از اعضای آنان بحث نموده اند و بس ولی در قانون مطبوعات افغانستان آنرا به دو دسته تقسیم نموده اند، یکی کمیسیون مرکزی است و دیگر آن کمیسیون ولایتی میباشد

ماده 43: وظایف و صلاحیت های کمیسیون رسانه های همه گانی

کمیسیون رسانه های همه گانی دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد:

1: بررسی درخواست متقاضیان رسانه های چاپی، و مؤسسات مندرج ماده بیست و هفتم این قانون و پیشنهاد ثبت و اعطای جواز آن ها جهت منظوری به وزارت اطلاعات و فرهنگ

2: بررسی درخواست متقاضیان رسانه های برقی و پیشنهاد منظوری آن به وزارت اطلاعات و فرهنگ بعد از تعیین فرکونسی با موافقت وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی

3: ارزیابی فعالیت رسانه های همه گانی

4: نظارت از رعایت حقوق و امتیازات روزنامه نگاران، خبرنگاران و سایر کارکنان رسانه ها طبق اسناد تقنینی مربوط

5: نظارت بر شفافیت منابع مالی رسانه ها طبق طرز العمل مربوط

6: ارایه گزارش سه ماهه از اجراءات کمیسیون به شورای عالی رسانه ها

7: نظارت بر امور مالی، اداری و نشراتی رادیو و تلویزیون ملی

8: تدقیق بودجه اداره رادیو و تلویزیون ملی و تقدیم آن به شورای عالی رسانه ها²

تحلیل: 1: کمیسیون رسانه های همه گانی به عنوان یک ساختار نظارتی که برای رسانه ها تاسیس می شود و به فعالیت آغاز می نماید دارای وظایف آتی می باشد

کمیسیون رسانه های همه گانی درخواست اشخاص حکمی و یا حقیقی را که خواهان تاسیس رسانه های همه گانی و یا مؤسسات مندرج ماده بیست و هفتم می باشند در وهله نخست بررسی و مورد ملاحظه قرار می دهد و به منظور ثبت و اعطای جواز آنان به وزارت اطلاعات و فرهنگ می فرستد. اما در مورد رسانه های برقی باید گفت که کمیسیون مذکور بعد از تعیین فریکوینسی به

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 52.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (43).

موافقه وزارت مخابرات پیشنهاد صدور جواز رسانه مذکور را به وزارت اطلاعات فرهنگ پیشکش می نماید.

2: کمیسیون رسانه های همه گانی طوریکه قبلاً تذکر یافت یک نهاد نظارتی است که تمام رسانه های همه گانی را تحت نظارت خویش قرار می دهد و هرگاه کدام خطا و یا اشتباه را از لحاظ حقوقی مشاهده نمود، میتواند برای رسانه متخلف گوشزد نماید

3: کمیسیون رسانه های همه گانی همچنان وظیفه رسیدگی به شکایات رسانه های

همه گانی را بدوش دارد، یعنی هرگاه یک شخص حکمی یا حقیقی از رسانه مشخص شکایت نماید باید در وهله نخست آنرا به کمیسیون رسانه های همه گانی راجع سازد، در قدم نخست کمیسیون مذکور شکایت و یا منازعه طرفین را بررسی نموده و راه حل های حقوقی را به طرفین پیشنهاد می نماید، هرگاه طرفین به فیصله های کمیسیون قناعت نمودند، موضوع حل می گردد، اما هرگاه طرفین و یا یکی از طرفین به فیصله کمیسیون قناعت ننمود، در آنصورت می تواند شکایت و یا دعوی خویش را به محکمه مربوطه راجع نماید. همانطوریکه در تحلیل ماده 35 ذکر شد هرگاه یک صاحب امتیاز شکایت از بابت عدم ثبت و یا عدم صدور جواز از وزارت اطلاعات و فرهنگ داشته باشد در قدم نخست باید شکایت خویش را به کمیسیون رسانه های همه گانی راجع نماید و در صورت عدم قناعت می تواند دعوی یا شکایت خویش را به محکمه راجع نماید

4: هرگاه یک شخص حقیقی یا حکمی دریک رسانه همه گانی مورد توهین یا افترا قرار گرفت یا رسانه همه گانی مرتکب جرایم رسانه یی از قبیل تبلیغ ارزش های غیر اسلامی و یا توهین به مقدسات اسلامی و غیره شد درین صورت کمیسیون رسانه های همه گانی در وهله نخست موضوع را بررسی می نماید و در صورت ارتکاب جرم رسانه یی، رسانه مذکور را به ارگان های عدلی یعنی خارنوالی احاله می نماید

5: کمیسیون رسانه های همه گانی می تواند مشوره های تخنیکی را به رسانه های همه گانی ارائه نماید اما این مشوره های تخنیکی نباید به گونه تحمیلی باشد و نباید به بهانه مشوره های تخنیکی دیکته به رسانه های همه گانی شود یکی از وظایف دیگر کمیسیون رسانه های همه گانی عبارت از نظارت بر امور مالی، اداری و نشراتی رادیو تلویزیون ملی باشد

6: یکی از وظایف دیگر کمیسیون رسانه های همه گانی عبارت از تدقیق بودجه اداره رادیو تلویزیون ملی می باشد، یعنی از لحاظ حقوقی و اقتصادی بودجه اداره مذکور را مورد مذاقه قرار می دهد و بعد از تعدیلات لازم به شورای عالی رسانه های همه گانی ارائه می نماید تا شورای مذکور به نوبه خویش آنرا به حکومت تقدیم نماید

8: از لحاظ ارزش ساختاری، کمیسیون رسانه های همه گانی بعد از شورای عالی رسانه ها قرار دارد. بنائیکی از وظایف کمیسیون رسانه های همه گانی عبارت از ارائه گزارش سالانه به شورای عالی رسانه ها می باشد¹.

ماده 44: کمیسیون بررسی شکایات و تخلفات رسانه ها

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 53.

1: به منظور رسیدگی به شکایات و تخلفات رسانه ای و اتخاذ تصمیم در این زمینه، کمیسیون بررسی تخلفات رسانه ای به ترکیب ذیل ایجاد می شود:

2: وزیر اطلاعات و فرهنگ به حیث رئیس

3: نماینده با صلاحیت کمیسیون مستقل حقوق بشر به تائید شورای عالی رسانه ها به حیث عضو

4: دو نفر نماینده منتخب و با صلاحیت جامعه مدنی با در نظر داشت جنسیت به تائید شورای عالی رسانه ها به حیث اعضاء

5: دو نفر نماینده منتخب و با صلاحیت اتحادیه های خبرنگاران با در نظر داشت جنسیت به تائید شورای عالی رسانه ها به حیث اعضاء

6: یک نفر از حقوق دانان با تجربه به تائید شورای عالی رسانه ها به حیث عضو

7: نماینده با صلاحیت اتحادیه سینماگران افغانستان به تائید شورای عالی رسانه ها به حیث عضو

8: رئیس پوهنهی ژورنالیزم پوهنتون کابل به حیث عضو

9: یک تن عالم جید دینی عضو شورای علما به حیث عضو

2: کمیسیون مندرج فقره (1) این ماده، شکایات و تخلفات را مورد رسیدگی قرار داده، متخلف را حسب احوال، توصیه، اخطار یا جهت تعقیب عدلی به مراجع مربوط معرفی می کند.

3: اعضای کمیسیون مندرج فقره (1) این ماده مستحق حق الحضور می باشند که از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ پیشنهاد و از جانب رئیس جمهور منظور می گردد.

4: حق الحضور مندرج فقره (3) این ماده از بودجه وزارت اطلاعات و فرهنگ پرداخت می شود.

5: طرز کار و فعالیت کمیسیون توسط طرز العمل جداگانه تنظیم می شود¹.

تحلیل: طبق قانون برای اداره رادیو تلویزیون ملی یک کمیسیون مخصوص تحت نام کمیسیون رادیو تلویزیون ملی پیش بینی شده است. این کمیسیون دارای هفت عضو می باشد که مرکب از یک تن عالم دینی، یک تن حقوقدان، یک تن انجنیر مسلکی

یک تن خبرنگار، یک تن هنرمند مسلکی، یک تن نماینده از جامعه مدنی و یک تن از اداره رادیو تلویزیون ملی است. مدت کاری کمیسیون متذکره سه سال بوده و برای اعضای کمیسیون مذکور حق الحضور از بودجه اداره رادیو تلویزیون ملی پرداخته می شود. از جمله وظایف و صلاحیت های کمیسیون متذکره این است که استقلال، بی طرفی و حیثیت مسلکی اداره تلویزیون ملی را حفظ

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (44).

نماید، یعنی نگذارد تا ارگان های دولتی و یا غیر دولتی به امور نشراتی تلویزیون مذکور مداخله نموده و طبق خواست خویش بالای آن دیکته نماید. همچنان کمیسیون متذکره صلاحیت نظارت از تطبیق بودجه اداره رادیو تلویزیون ملی را دارد، اما این صلاحیت با صلاحیت کمیسیون رسانه های همه گانی در بند هفتم که کمیسیون مذکور دارای صلاحیت نظارت بر امور مالی رادیو تلویزیون ملی است در اصطکاک و تداخل کاری قرار دارد که باید این مشکل رفع گردد زیرا اصطکاک اداری مخالف پرنسیب های حقوق اداری است. همچنان کمیسیون مذکور وظیفه دارد تا گزارش سالانه خویش را به شورای عالی رسانه ها ارائه نماید. همچنان یکی از صلاحیت های دیگر کمیسیون مذکور جذب کمک های داخلی و خارجی برای تقویت و توسعه اداره رادیو و تلویزیون ملی است. کمیسیون مذکور صلاحیت نظارت از تطبیق پالیسی نشراتی تعیین شده از سوی شورای عالی رسانه ها را نیز دارا است، اما این صلاحیت باعث خلق نگرانی در این مورد میگردد زیرا به بهانه تطبیق پالیسی نشراتی، امکان نفوذ دولت و به خصوص قوه اجرائیه، را مساعد می سازد¹.

ولی در قانون مطبوعات افغانستان کمیسیون بررسی شکایات را د به دو دسته تقسیم نموده اند:

(اختلافات ناشی از کار میان اداره رسانه یا نهاد و کارکن ابتداء از طریق تفاهم مستقیم میان اداره مربوط و کارکن رفع شده می تواند.

(۳) هرگاه اختلاف ناشی از کار توسط اداره رسانه یا نهاد و کارکن رفع شده نتواند، موضوع از طریق کمیسیون حل اختلافات کار حل و فصل می گردد.

(۴) کمیسیون حل اختلافات کار مندرج فمره (۳) این ماده در مرکز و الایات به ترکیب ذیل ایجاد می گردد.

الف- کمیسیون مرکزی:

۲- نماینده با صلاحیت وزارت کار و امور اجتماعی، شهداً و معلولین به حیث رئیس.

۳- یک نفر از کارکنان مسلکی و با تجربه وزارت اطلاعات و فرهنگ به حیث عضو.

۴- دو نفر از کارکنان مسلکی و با تجربه اتحادیه رسانه و نهاد به حیث اعضاء.

۱- یک نفر از اتحادیه ملی کارکنان افغانستان به حیث عضو.

۵- یک نفر از وزارت عدلیه به حیث عضو.

ب- کمیسیون ولایتی.

۲- رئیس کارو امور اجتماعی، شهداً و معلولین به حیث رئیس.

۳- یک نفر از کارکنان مسلکی و با تجربه ریاست اطلاعات و فرهنگ به حیث عضو.

۴- دو نفر از کارکنان مسلکی و با تجربه اتحادیه رسانه و نهاد به حیث اعضاء.

۱- یک نفر از اتحادیه ملی کارکنان افغانستان به حیث عضو.

1- وزارت عدلیه، تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (44).

۵- یک نفر از ریاست عدلیه به حیث عضو.

(۱) کمیسیون های مندرج فقره ۴) این ماده وظایف محوله را طبق طرز العمل جداگانه، انجام و اختلافات را طورد عادلانه حل فصل می نماید.

(۵) تصمیم کمیسیون به اساس توافق اکثریت اعضای حاضران اتخاذ می گردد، در صورت عدم قناعت، طرفین می توانند به محکمه مراجعه نمایند

اعضای کمیسیون مندرج فقره ۴) این ماده مستحق حق الحضور می باشند که اندازه آن از طرف وزارت

اطلاعات و فرهنگ پیشنهاد و از طرف رئیس جمهور منظور و از بودجه وزارت اطلاعات و فرهنگ پرداخته میشود.¹

ماده 45: کمیسیون رادیو تلویزیون ملی افغانستان

1: بمنظور تنظیم بهتر امور رادیو و تلویزیون ملی، کمیسیون رادیو و تلویزیون ملی به ترکیب هفت تن برای مدت سه سال ایجاد شود.

2: اعضای کمیسیون مندرج فقره یک این ماده با در نظر داشت توازن قومی و جنسیت متشکل از یک عالم دینی، یک حقوق دان، یک انجنیر مسلکی، یک خبرنگار، یک هنرمند مسلکی، نماینده جامعه مدنی، و یک تن از اداره رادیو و تلویزیون ملی می باشد.

3: کمیسیون مندرج فقره (2) این ماده دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد:

1: حفظ استقلال، بی طرفی و حیثیت مسلکی اداره رادیو و تلویزیون ملی

2: نظارت بر تطبیق بودجه اداره رادیو و تلویزیون ملی

3: ارائه گزارش سالانه از فعالیت های اداره رادیو و تلویزیون ملی به شورای عالی رسانه های همه گانی.

4: جذب کمک های داخلی و خارجی برای تقویت اداره رادیو و تلویزیون ملی.

5: نظارت بر تطبیق احکام اساسنامه اداره رادیو و تلویزیون ملی و قوانین مربوط.

6: نظارت بر تطبیق پالیسی نشراتی تعیین شده از سوی شورای عالی رسانه ها به نحوی که ممثل تنوع قومی، زبانی و فرهنگی همه مردم افغانستان باشد.

4: اعضای کمیسیون رادیو و تلویزیون ملی افغانستان طبق قانون مستحق حق الحضور مناسب می باشند که از بودجه اداره رادیو و تلویزیون ملی پرداخت می شود.²

1- قانون مطبوعات افغانستان، ماده 29، ص: 13
2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (45).

تحلیل: این ماده یکی از مواد مهم این قانون می باشد، این ماده در واقع مطالبی را که ممنوع بوده و نشر و پخش آن جواز ندارد تحت پوشش قرار می دهد و در صورت تخطی از هر یک از بند های این ماده جرم رسانه یی به بار می آید. بنابر رسانه ها مکلف اند که اجزای این ماده را به طور جدی مدنظر داشته باشند. آنچه به عنوان مشکل از لحاظ حقوقی درین ماده وجود دارد، بعضی اصطلاحات درین ماده در اسناد تقنینی افغانستان تعریف نشده اند که سوء تعبیر و سوء تفسیر های مزید را به بار آورده و منتج به سوء استفاده ها می شود. این اصطلاحات عبارت اند از توهین، هتک حرمت، تحقیر، افتراء، امنیت روانی و که پیشنهاد می گردد این اصطلاحات تعریف مشخص گردند

ماده 27: اژانس باختر

رسانه همه گانی است که در عرصه ارتباط، جمع آوری و رساندن اطلاعات در چوکات وزارت اطلاعات و فرهنگ فعالیت می کند و بودجه آن از طریق این وزارت تامین می شود..

تحلیل: ها در جامعه نقش بزرگی را ایفا می نمایند آنها در واقعیت امر خدمات اطلاع رسانی و تنویر افکار عامه را به عهده دارند. به ویژه رسانه های برقی که فریکوینسی را اخذ می نمایند و فریکوینسی ملکیت عامه می باشد. بنابر خدمات اطلاع رسانی و تنویر افکار عامه باید استمرار داشته باشد و سکتگی و تعطیل در آن رخ ندهد. زیرا از یک طرف به خود رسانه ها نقص وارد می نماید و از طرف دیگر مردم به رسانه ها دلگرم نمی شوند. به ویژه در رسانه های برقی که فریکوینسی اخذ می نمایند و در صورتیکه رسانه ی خود را متوقف سازد دیگران را از استفاده از ملکیت عامه یعنی (اخذ فریکوینسی) محروم می نماید. همچنان موسسات مندرج ماده بیست و هفتم، خدمات عمومی را از قبیل دارالترجمه و چاپخانه و غیره انجام می دهند، بنابر آنها باید مسؤلیت اجتماعی خویش را درک نمایند و در اجرای خدمات خویش اصل استمرار را جدأ در نظر داشته باشند. با در نظر داشت مطالب فوق الذکر بر طبق قانون هرگاه یک رسانه یا موسسات مندرج ماده بیست و هفتم در وزارت اطلاعات و فرهنگ ثبت میشوند، برای رسانه های چاپی مدت یک سال و به رسانه برقی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم مدت دو سال مهلت آغاز فعالیت داده شده و در صورت سپری شدن معیاد معینه، امتیاز رسانه های مذکور و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم سلب می گردد. همچنان طبق این قانون هرگاه یک رسانه برای یک مدت در رسانه و یا موسسه خویش فعالیت نماید، اما هرگاه بعد از گذشت یک مدت زمان، فعالیت رسانه یی خویش را متوقف نماید در آنصورت برای رسانه چاپی مدت یک سال و برای صاحب امتیاز رسانه های برقی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم مدت دو سال مهلت داده شده است و در صورت سپری شدن معیاد معینه، امتیاز رسانه مذکور سلب می گردد. قابل یاد دهانی است که تنها محکمه ذیصلاح صلاحیت سلب امتیاز رسانه ها را دارد، هیچ مرجع دیگری صلاحیت این امر را ندارد.¹

اما در قانون مطبوعات افغانستان چنین بیان داشته اند: که صاحب امتیاز قبل از توقف فعالیت رسانه خویش باشد سه ماه قبل باید به وزارت اطلاعات فرهنگ اطلاع بدهد، و قبلا از توقف فعالیت رسانه یا نهاد صاحب امتیاز مکلف است که امور مالی حقوقی آنرا باید تصفیه کند.²

ماده 48: سلب امتیاز

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (45).

2- قانون مطبوعات افغانستان، ماده 30، ص: 15

1: اشخاص حقیقی یا حکمی که رسانه یا مؤسسه ای را در وزارت اطلاعات و فرهنگ ثبت می کنند، در صورتی که رسانه چاپی از تاریخ ثبت تا مدت یک سال و رسانه برقی و مؤسسات مندرج ماده بیست و هفتم این قانون از تاریخ ثبت تا مدت دو سال فعالیت های نشراتی خود را آغاز نکنند، امتیاز آنها سلب می شود.

2: هرگاه صاحب امتیاز بعد از آغاز یک دوره فعالیت، کار خود را متوقف سازد و صاحب امتیاز رسانه چاپی مدت یک سال و صاحب امتیاز رسانه برقی و مؤسسات مندرج ماده بیست و هفتم مدت دو سال دوباره به فعالیت آغاز نکنند، امتیازش سلب می شود. در صورت فعالیت مجدد مکلف به طی مراحل مواد مندرج ماده سی و یکم و سی و چهارم این قانون می باشد.

3: در صورت تثبیت تخلف صاحب امتیاز از احکام مندرج این قانون، محکمه مربوط می تواند امتیاز فعالیت آن را سلب کند¹.

تحلیل: طبق ماده بیست و هفتم این قانون، اتباع خارجی می توانند موسسات تولید فیلم را تاسیس نمایند، بناً می توانند فیلم های مستند و سینمایی را در کشور تهیه و تولید نمایند مشروط بر اینکه معرفی نامه از وزارت امور خارجه و اجازه قبلی وزرات اطلاعات و فرهنگ را اخذ نمایند، زیرا درین رابطه قانونگذار خواسته از احتیاط کار بگیرد و با در نظر داشت مصلحت ملی، برای اتباع خارجی این پروسه را قایل است. همچنان دولت مکلف است تا امنیت اتباع داخلی و خارجی را تامین نماید بناً باید برای اتخاذ تدابیر بهتر امنیتی دولت باید ارگان های فوق الذکر را در جریان قرار دهد²

ماده 50: اطلاع از تغییر در اساسنامه

1: مسئولین رسانه های همه گانی و مؤسسات مندرج ماده بیست و هفتم این قانون مکلف اند هر نوع تغییراتی که در چگونگی و یا توقف فعالیت، آدرس، اساسنامه و سایر مشخصات مندرج این قانون وارد کنند، وزارت اطلاعات و فرهنگ را در جریان قرار دهند.

1: مسئولین رسانه های همه گانی و مؤسسات مندرج ماده بیست و هفتم این قانون مکلف اند بخاطر معلومات احصائیه ای³ (آماري)، در آغاز هر سال از ادامه یا عدم ادامه فعالیت خود وزارت اطلاعات و فرهنگ را در جریان قرار دهند.

تحلیل: همانطوریکه در رابطه به اتباع خارجی در ماده چهل و هشتم بیان گردید که برای تهیه و تولید فیلم سینمایی باید ارگان مربوطه را در جریان قرار بدهند، به همین قسم نمایندگی های آژانس ها و رسانه های همه گانی خارجی در افغانستان حق فعالیت را دارند اما مشروط بر اینکه یک سلسله پروسه های اداری را طی نمایند. طبق این قانون اتباع خارجی حق تاسیس رسانه های همه گانی را

1- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (48).

2- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 60.

3- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (50).

ندارند اما نمایندگی رسانه های همه گانی خارجی می تواند در افغانستان فعالیت نماید. فرق عمده بین پروسه اداری برای نمایندگی های آژانس ها و رسانه های همه گانی خارجی و موسسات تولید فلم توسط اتباع خارجی قرار ذیل می باشد

● موسسات تولید فلم توسط اتباع خارجی برای تهیه و تولید فلم باید قبلاً اجازه را از وزارت اطلاعات و فرهنگ اخذ نمایند. اما نمایندگی های آژانس ها و رسانه های همه گانی خارجی صرف وزارت اطلاعات و فرهنگ را مطلع می سازند

● نمایندگی های رسانه های همه گانی خارجی باید برای ارگان های فوق الذکر از نوع فعالیت، مدت فعالیت و محل آن معلومات ارایه نموده و کارت مخصوص خبرنگاری را دریافت نمایند، اما موسسات تولید فلم خارجی ضرورت به ارایه این معلومات طبق این قانون را نداشته و ضرورت به اخذ کارت مخصوص نمی باشند غانستان در عرصه کاری خویش و دیگر امور می باشند. آنچه در بند دوم این ماده تذکر یافت عبارت از رعایت مفاد ماده چهل و پنجم این قانون می باشد، زیرا این ماده دارای مطالبی است که نشر آن ممنوع بوده و بار جزائی دارد. نمایندگی آژانس ها و رسانه های همه گانی خارجی مکلف به رعایت تمامی قوانین¹.

ماده 52: ثبت کتاب رسانه و ناشر

تاب و رساله بعد از نشر توسط ناشر در وزارت اطلاعات و فرهنگ ثبت شده و صاحب امتیاز آن مکلف است از هر کتاب، رسانه و نشریه خود دو نسخه به وزارت اطلاعات و فرهنگ و کتابخانه عامه بفرستد².

تحلیل: برای اینکه ناشر از حق کاپی رایت برخوردار باشد، یکی از شرایطی که برای ناشر طبق قانون در نظر گرفته شده، این است که کتاب یا رساله خویش را باید ثبت نماید. بناً بعد از ثبت نمودن لازم است که دو نسخه از کتاب و یا رساله خویش را به وزارت اطلاعات و فرهنگ و کتابخانه عامه بفرستد. با این کار خویش در واقعیت، از سند مناسبی برای احقاق حق خویش در صورتیکه حق اش مورد تجاوز و یا مورد سرقت ادبی قرار گیرد، برخوردار می شود³.

حقوق کاپی برداری در قوانین افغانستان:

اگر نگاه گذر به اسناد افغانستان اندازیم در خواهیم یافت که در قوانین افغانستان احکام مشخصی در رابطه به حق مالکیت معنوی و به طور خاص حق کاپی برداری وجود دارد. چنانچه قانون مدنی در

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 61.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی(871)، ماده (52).

3- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 62.

رابطه به حق معنوی در ماده ۴۹۱ خویش چنین بیان داشته : حقوق مهنوی که بر شی غیر مادی وارد میگردد تابع احکام قوانین خاص میباشد.

گرچه در این ماده بخ طور مشخص از حق کاپی برداری یا ننموده، اما ازینکه حق کاپی برداری یا حق مولف شاخه مالکیت معنوی یا حق معنوی است نباء این ماده حق کاپی برداری را نیز شامل میشود. همچنان قانون اساسی در ماده ۴۷ خویش دولت را مکلف برای صیانت حق کاپی برداری شهروندان است:

(دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرامهای موثر طرح می نماید. دولت حقوق مولف، مخترع و کاشف را تضمین می نمایدو تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت میکند و استفاده موثر از نتایج آن را، مطابق به احکام قانون، تعمیم میبخشد).

با پیروی از حکم ماده فوق الذکر قانون اساسی، خوشبختانه برای اولین بار در کشور قانون کاپی رایت تحت عنوان قانون حمایت حقوق مولف، مصنف، هنرمند، و محقق (کاپی رایت) وضع شده است.¹

مطلب یازدهم: ماده 53: وضع قوانین

امور مربوط به حق نسخه برداری(کاپی رایت)، تشکیل اتحادیه های صنفی، احکام جزایی تخلفات رسانه ها، اعلانات و طلب معلومات طبق قوانین جداگانه تنظیم می گردد.²

تحلیل: درین ماده پنج قانون منضمه قانون رسانه های همه گانی از قبیل قانون کاپی رایت، قانون تشکیل اتحادیه های صنفی، قانون احکام جزائی تخلفات رسانه ها، قانون اعلانات و قانون طلب معلومات پیش بینی شده که قانون رسانه های همه گانی را تکمیل نموده و از جمله منابع مهم حقوق رسانه ها بشمار می آید. متاسفانه به جز از قانون کاپی رایت، دیگر قوانین تدوین نگردیده و پیشنهاد می گردد تا قوانین مذکور به زودترین وقت تدوین گردند.³

قسمیکه در بالا متذکر شدیم در مورد حقوق کاپی برداری این قانون در سال ۱۳۸۷ هـ ش دارای ۷ فصل و ۴۹ ماده میباشد.

قانون حق کاپی به منظور حفظ حق مولف در بسیاری از کشورهای جهان به تصویب رسیده است . ماده ۴۷ قانون اساسی افغانستان در مورد حقوق مولفین :

(دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرام های موثر وضع می کند. دولت حقوق مولف، مخترع و کاشف را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت می کند و نتایج موثر آن را مطابق به احکام قانون تعمیم می بخشد) .

1- توحیدی، صدیق الله، حقوق رسانه های همه گانی، ناشر: انتشارات حامد رسالت، نوبت چاپ هشتم، سال: 1398، ص: 88
2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (53).

3- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 63.

ماده سوم، بند ۱۲ قانون مطبوعات افغانستان: (کاپی رایت داشتن حق مالکیت معنوی و امتیاز انتشارات ثبت شده است که در مطابقت به معیارهای قبول شده توسط مقررہ جداگانه تنظیم می گردد .

تعریف: حق مولف حقی است که دارنده آن بتواند این حق را در راه های مختلف در اختیار خود داشته باشد یا حق کاپی نمودن .

دلایل موجودیت حق کاپی:

1. استدلال اخلاقی: اثر مذکور تبارز دهنده افکار شخصی ابداع کننده آن می باشد، پس باید حق صاحب این اثر احترام شود و از سوی دیگر تنها او حق دارد که اثرش چه زمانی و چطور برای مردم تولید، تغییر و یا بخش آن قطع گردد .

2. استدلال اقتصادی: صاحب اثر از اثرش به عنوان دارایی استفاده کرده می تواند و از آن طریق پول بدست می آورد. بعضا حق تالیف به یکی از ناشران به فروش می رسد .

صاحب حق مولف قادر است تا ملکیت خویش را به طرق مختلف تقسیم نماید. در آثار ادبی معمولاً نویسنده مالک آنست، در فیلم ها پرودیوسر یا تولید کننده گان مالک آنست .

استثنا های حق کاپی:

هر جایی که یک مامور در چوکات زمان کاری اش آثار ادبی بیافریند یا کارهای نمایشنامه یی و یا موسیقی را اجرا نماید، پس صاحب حق شخص استخدام کننده می شود نه خود مامور موصوف .

اما یک کارمند آزاد که مصروف اجرای کار در یک موسسه است، حق مولف اثر مربوط شخص خودش می شود، مگر این که قرار داد موسسه مذکور را ذیحق در حق مولف شناخته باشد .

یک فرد اثری را خلق می کند و روی این اثر مدت ها زحمت می کشد، لازم است حق این را نیز داشته باشد تا به هر نحوی که دلش خواست از این اثر خود استفاده کند و بدون اجازه ی وی هیچ فردی حق استفاده از آنرا نداشته باشد تا ثمر کار وی به خودش برسد مگر در شرایط استثنایی که صاحب اثر از طرف یک نهادی استخدام شده باشد و کارمند آنجا باشد و یا در قرار داد کاری خود توافق کرده باشد که صاحب امتیاز اثر وی نهاد استخدام کننده است.¹

مطلب دوازدهم: مالیات قانون رسانه های همه گانی افغانستان

ماده 54: از عواید رسانه های همه گانی و مؤسسات مندرج ماده بیست و هفتم این قانون طبق احکام مالیه اخذ می شود.² نشرات چاپی موقوت و غیر موقوت از این حکم مثنئی هستند.

1- وزارت عدلیه، حقوق حمایت مولف، مصنف، هنرمند، محقق، جریده رسمی، (956)، سال، 1387.

2- وزارت عدلیه، قانون رسانه های همگانی افغانستان، جریده رسمی (871)، ماده (54).

تحلیل: طبق قانون مالیات بر عایدات هر شخصیت حقیقی و حکمی باید از عواید خویش مالیات بپردازد بنابراین این رسانه های برقی و موسسات مندرج ماده بیست و هفتم نیز به عنوان شخصیت های حکمی یا حقیقی باید مالیه از عواید خویش بپردازند. خوشبختانه طبق این قانون، رسانه های چاپی از پرداخت مالیات معاف اند زیرا با در نظر داشت اقتصاد نامساعدی که دامنگیر جامعه ما است، رسانه های چاپی نمی توانند بار مالیاتی را تحمل نمایند.¹

در قانون رسانه های همگانی افغانستان فقط از جنبه قانونی آن بالای اشخاص حکمی و حقوقی مالیات را لازم دانسته است ولی این که در اسلام هم چیزی بنام مالیات وجود دارد مورد بحث قرار میدهیم:

مشروعیت اخذ مالیات:

آیا در مال حق غیر زکات دیگر حق هم وجود دارد؟

در اینجا سه رای وجود دارد: رای اول: گفته اند که در مال به جز از زکات دیگر حق وجود ندارد

1: رای دوم: گفته اند که در مال به غیر از زکات حق دیگر هم موجود است.

2: رای اول: در مال زکات یگانه حق است:

رای اول میگوید: گه یگانه حق که در مال از لحاظ شرعی لازم و واجب است که مسلمان آنرا پرداخت کند فقط زکات است به چیزی دیگر لازم نیست مکلف و قتی زکات را ادا کردن از ذمه اش خلاص میشود و ملزوم و مکلف به پرداخت دیگر نیست مگر چیز که به رضای خود به تطوع بپردازد، که رای اول استناد کرده به احادیث ذیل:

1: دلیل اول: عَنْ طَلْحَةَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ أَنَّ أَعْرَابِيًّا جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَائِرَ الرَّأْسِ، فَقَالَ: {يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي مَاذَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ؟} فَقَالَ: الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ، إِلَّا أَنْ تَطَوَّعَ شَيْئًا، فَقَالَ: أَخْبِرْنِي بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيَّ مِنَ الصِّيَامِ؟ قَالَ: شَهْرَ رَمَضَانَ، إِلَّا أَنْ تَطَوَّعَ شَيْئًا، قَالَ: أَخْبِرْنِي بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيَّ مِنَ الزَّكَاةِ؟ قَالَ: فَأَخْبَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ، قَالَ: وَالَّذِي أَكْرَمَكَ، لَا أَتَطَوَّعُ شَيْئًا.²

حدیث از شیخان ازطلحه روایت است که: شخص نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمد و سوال کرد از اسلام: و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برایش ارکان اسلام بیان کرد و از زکات برایش ذکر کرد. و آن شخص گفت آیا از غیر از این چیز دیگر هم لازم میشود؟ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: نخیر مگر چیزی را به تطوع بدهی.

وجه استدلال حدث این است که به جز از زکات چیز دیگر وجود ندارد.

1- تحلیل بر قانون رسانه های همگانی افغانستان، ص 63.

2- صحیح البخاری، رقم الحدیث 6956. أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی البصری ثم الدمشقی (المتوفی: 774هـ، البدایة والنهایة، تحقیق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1997 م، ج 3 ص

به روایت بخاری آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ ؛ {أَنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَقَالَ : دُنِّي عَلَى عَمَلٍ إِذَا عَمِلْتُهُ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ ، قَالَ : ... وَتُوَدِّي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ} ¹.

و حدیث از ابو هریره روایت است که: شخص نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمد و گفت عمل را برایم نشان بده مرا داخل بهشت کند و رسول الله (صلی الله علیه وسلم) برایش گفت: ... و در آخرگفت: دادن زکات فرض را ادا کن داخل بهشت میشوید.

یعنی از حدیث ذیل چنین استنباط میشود که به جز از زکات چیز دیگری وجود ندارد.

در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: {إِذَا أَدَيْتَ زَكَاةَ مَالِكَ، فَقَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ} ².

حدث از ابو هریره رض روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده اند: زمانیکه زکات را ادا کردی دیگر چیزی برایت لازم نیست که بپردازی.

عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ قَيْسٍ، قَالَتْ: سَأَلْتُ، أَوْ سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الزَّكَاةِ؟ فَقَالَ: {أَنَّ فِي الْمَالِ لِحَقًّا سِوَى الزَّكَاةِ} ³.

در مال به جز از زکاة چیزی دیگری وجود ندارد. این حدیث حدیث منکر است و این را امام نووی میگوید و استدلال به این حدیث جایز نیست.

2:دلیل دوم: براین اشاره میکند که درست است بعضی نصوص دیگر هم وجود دارد که در مال حق دیگر هم وجود دارد، ولی آن حق را که اثبات کرده در مال او حق در حد استحباب است و تطوع است و زمان که زکات واجب شد، قبل از آن که زکات فرض شود هر حق بود که با فرض شدن زکات این همه حقوق دیگر را منسوخ کرد صرف زکات در جایش باقی ماند.

3:رای دوم: در مال حق غیر از زکات هم وجود دارد:

بعضی از علما گفتند که به غیر از زکات در مال حق دیگر هم وجود دارد که از جمله: عمر علی و عائشه و ابودر و غیرهم. که استناد کرده اند به ادله ذیل:

1: عن عائشه بنت قيس قالت: سئل النبي عليه الصلاة والسلام عن الزكات، فقال: أن في المال حقا سوي (الزكاة) ثم تلا الآية ⁴: {لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ

1- صحيح البخارى، رقم الحديث 1397.

2- سنن ابن ماجه، رقم الحديث 1789. این حدیث صحیح است. التمییز فی تلخیص تخریج احادیث شرح الوجیز المشهور بـ التلخیص الحبیر، رقم الحديث 2783.

3- محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى (المتوفى: 279هـ)، الجامع الكبير - سنن الترمذي، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، 1998 م، رقم الحديث 659. این حدیث ضعیف است. علی بن محمد بن عبد الملك الکتامی الحمیری الفاسی، أبو الحسن ابن القطان (المتوفى: 628هـ)، بیان الوهم والإيهام في كتاب الأحكام، المحقق: الحسين آيت سعيد، الناشر: دار طيبة - الرياض، الطبعة: الأولى، 1418هـ-1997م، رقم الحديث 886.

4- أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخسروجردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: 458هـ)، السنن الكبرى، المحقق: محمد عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، 1424 هـ - 2003 م، رقم الحديث 7242. این حدیث صحیح است. مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيباني الجزري ابن الأثير (المتوفى: 606هـ)، جامع الأصول في أحاديث

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ.¹

عایشه بنت قیس از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پرسید از زکات و پاسخ دادند: در مال حق دیگری هم به جز از کات موجود است. و بعدا آیت را تلاوت کردند: نیکی (تنها) این نیست که روی خود را به طرف مشرق و یا به طرف مغرب بگردانید، لیکن نیکوکار کسی است که به الله و روز قیامت و فرشتگان و کتاب های الله و پیغمبران ایمان آورد، و مال (خود) را (در راه الله) با وجود دوست داشتن آن به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و مسافران و گداهان، و در آزاد نمودن برده ها (یا قرض داران) دهد، و نماز را برپا کند و زکاة را بدهد.

در این آیت ما به ذوی الفروض و یتیمان و مساکین از جمله نیکی گردانیده شده است، بعدا اقامه نماز و دادن زکات به آن عطف شده است که اقتضای مغایرت میکند، که دلالت به دادن آن مال میکند به غیر زکات در غیر آن تکرار میبود.²

2- الله متعال در مورد فرموده است: **{كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ}**.³ ترجمه: چون میوه دهند و میوه آن پخته شود پس از آنها بخورید. و در روز درو حق آن را (عشر آن را) نیز بپردازید. و اسراف مکنید چون که الله اسرافکاران را دوست ندارد.

در این آیت (اتو) منظور از حق چیز غیر از زکاة است به این دلیل که این آیه مکی است و قبل از فرصت زکات نازل شده و همچنان گفته شده که حق آن قبل از حصاد داده شده در حالیکه زکات عشر بعد از تقسیم داده میشود تا مقدار حاصل مشخص شود و همچنان لفظ (لا تسرفوا) به آن اطلاق شده در حالیکه در زکات اسراف نیست چراکه محدود است و زکات نقصان را نمی پذیرد و شارع آنرا تعیین کرده.

3: حدیث شریف است: عن ابی هريرة عن النبي عن حقوق الابل و الخيل قال: **{ تَأْتِي الْإِبِلُ عَلَى صَاحِبِهَا عَلَى خَيْرٍ مَا كَانَتْ، إِذَا هُوَ لَمْ يُعْطِ فِيهَا حَقَّهَا، تَطَوُّهُ بِأَخْفَافِهَا، وَتَأْتِي الْعَنَمُ عَلَى صَاحِبِهَا عَلَى خَيْرٍ مَا كَانَتْ إِذَا لَمْ يُعْطِ فِيهَا حَقَّهَا، تَطَوُّهُ }**.⁴

حدیث از ابی هریره روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: در مورد حقوق شتر و اسب فرمودند: کسی که اسب و شتر دارد و به وجه احسن حقوق اش را مراعت نمیکنند، در زو قیامت میاید و صاحب خود را زیر پای خود میکند، و یکی از حقوق اش آب و علف دادن است و زکات بدهد.

4- رسول الله صلی الله علیه وسلم امر نموده به میزبان که اکرام مهمان را کنید و آنرا و اجب گردانیده است و این هم یک نوع خرج مال است و زکات نیست اما واجب است طوری که حدیث شریف تصریح می کند: **عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: {مَثَلُ**

الرسول، تحقيق: عبد القادر الأرناؤوط - التتمة تحقيق بشير عيون، الناشر: مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، الطبعة: الأولى، 1389 هـ، 1969 م، رقم الحديث 4659.

1- {البقرة، آية 177}.

2- تفسير القرآن العظيم (ابن كثير)، ج 1 ص 270.

3- {الانعام، آية 141}.

4- صحيح البخاري، رقم الحديث 1402

الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ، وَتَرَاحُمِهِمْ، وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى} ¹.

ترجمه: نعمان بن بشیر - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: مؤمنان در شفقت، دوستی و مهربانی با یکدیگر مانند اعضای یک پیکراند که اگر عضوی از آن بدرد آید، سایر اعضا بی قرار میگردند و تب میشوند.

وجه استدلال از حدیث: امر دلالت به وجوب دارد چراکه ایمان به آن معلق شده است و دلالت میکند که مسلمان که به دروازه خانه داخل شده مال میزبان حق اکید دارد که پذیرایی او را نماید و این حق غیر از زکات است چرا زکات در یک زمان است بعد از سپردن شدن سال او حصاد واجب میگردد.

5: وجوب تکامل بین مسلمین:

نصوص زیاد در رابطه به تکامل و ترحم میان مسلمانان وجود دارد که آنرا در مقتضیات ایمان و اسلام خوانده است: {وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ} ².

ترجمه: همکاری نماید به نیکی و تقوا و همکاری نکنید به گناه و کفر.

طوری که حدیث شریف هم تصریح می کند: عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: {مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ، وَتَرَاحُمِهِمْ، وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى} ³.

ترجمه: نعمان بن بشیر (رضی الله عنه) می گوید: رسول الله (صلى الله عليه وسلم) فرمود: مؤمنان در شفقت، دوستی و مهربانی با یکدیگر مانند اعضای یک پیکراند که اگر عضوی از آن بدرد آید، سایر اعضا بی قرار می گردند و تب می شوند.

ترجیح و موازنه:

در رای اول گفته بود که به غیر از زکات حق دیگر در مال وجود ندارد. و رای دوم میگوید که به غیر زکات در مال حق دیگر هم وجود دارد.

هر دو رای دارای اتفاقی هستند که حقوق واجب غیر از زکات نیست ولی واجب است حق نفقه پدر و مادر که اولادش غنی باشد، حق خویشاوندان که در درجه قرابت آن اختلاف وجود دارد، حق جماعت مسلمین برای دفع مشکل عامه که بالایش میاید مانند: دشمن (در مقابل دشمنی یعنی پول زکات برایش کفایت نکرده باز باید بالایش دیگر هم اضافه شود)، دفع کردن مرض و گرسنگی که غیر از زکات وجود دارد.

و رای های که در آن وجه اختلاف وجود دارد: که بعضی آنها حقوق واجبه است و بعضی آن حقوق مندوب است که به ترک آن گناه نیست.

1: حق الرزق و الثمر عند الحصاد

1- صحیح البخاری، رقم الحدیث 6011. صحیح مسلم، رقم الحدیث 2586.

2- {المائدة: آیه ۲}.

3- صحیح البخاری، رقم الحدیث 6011. صحیح مسلم، رقم الحدیث 2586.

2: حقوق المواشى من الابل و الغنم و البقر

3: حق الضيف

4: حق ماعون

5: حقوق فقرا در اموال اغنياء همان قدر که کفایت شان کند که بخوردند، بنوشند، و زندگی کنند، و واجب بالای سلطان است که اگر پول زکات برایش کفایت نکرد دیگر هم برایش بدهد.

مناقشه ادله رایین:

1: حق الزروع و الثمر عند الحصاد:

ترجیح آن این است که در عشر و نصف عشر اختلاف علماء است، که فقط الله متعال آنرا امر نموده در مکه به شکل مجمل و در مدینه رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آنرا شرح کرده است.

2: حق الضيف:

یک شخص از یک شهر به شهر میاید که در آن بلدیت ندارد میتواند آنرا میزبانی کند.

3: حق الماعون: این حق واجب است که اگر واجب نمی بود در قرآن ذکر نمیشد.¹

حقوق فقراء در اموال اغنياء

از قرآن و احادیث واضح و روشن است که در مال غیر از زکات حق دیگری هم است، علماء به طبیعت نظام اسلامی تکامل در مجتمع فرضیت زکات را لازم گشتانده که توسط ادا آن میتواند کمک و همکاری و همدردی کند که این از جمله چیز های هستند که باید انجام شوند، رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: (هر آن کسی ترحم برا مردم ندارد الله برای او ترحم ندارد). اگر زکات کفایت نکرد و از موارد دیگر در قضا برای غنی ساختن فقرا که در اموال اغنیا حق دارد و دیکدیگر خود را ضمانت شود.

حدیث را تاویل کرده است که میگوید به غیر از زکات در مال دیگر حق وجود ندارد و این رای راجع است و حدیث این گپ را میراساندن مالک که به شکل دوره بی دومدار لازم باشد همان زکات است و هیچ چیزی دیگر به غیر از زکات وجود ندارد که به شکل دره بی باشد. اما حقوق دیگر آن این است این در حقیقت همان عارض وقتی اتی ثبوت اش زکات نیست و دیگر این به شکل زکات محدود و معلوم هم نیست و به اساس اموال و حاجات هم اختلاف دارد.

¹ - موارد الاسلامیة فی فقه الاسلامی، ص 41

ابن تیمیه فرموده است: در مال واجبات است غیر از زکات به غیر سب زکات (ملکیت نصاب است) مثل اقارب، زوجه، غلام، چارپایان و این وجبات به سبب عارضی است این ها شرط است که برایشان داده شود حتی باید قرض کنی.¹

خلاصه: برای ما از این دلایل ثابت میشود که، به غیر از زکات در مال حق دیگر نیز موجود است که مناسب است آنرا بپردازد برای مسلم، که استناد آن توسط قرآن و حدیث شده است که یکی ادا کند از گردن دیگران ساقط میشود.

نظر به شواهد و دلایل موجوده تعدا از فقها مالیات را جواز و تعداد از مالیات را جواز ندادند، بنابراین استدلال کرده میتوانیم که اخذ مالیات مشروع است، زمانیکه آنرا برای منافع مردم، مصلحت جامعه، برای تامین امنیت، برای رفاه و آسایش مردم، برای تعلیم تربیت اطفال کشور، برای توسعه نیرو های امنیتی و برای از بین بردن فقر و بیچارگی حاکم آنرا اگر در این زمینه ها و مصلحت مردم استفاده نمایند اخذ مالیات جواز دارد در غیر آن که اگر آنرا برای متضرر ساختن مردم استفاده کند و اگر آنرا برای ملت نه بلکه برای عیش نوش خود استفاده کند جواز ندارد. همچنان در قانون اساسی افغانستان چنین آمده است که: (هر افغان مکلف است مطابق احکام قانون به دولت مالیه و محصول تادیه کند).²

نظر به حکم قانون کشور هر افغان مکلف به پرداخت مالیه میباشد.

نتایج بحث

از این موضوع رساله در وقت تحقیق نتیج ذیل بدست آمده است:

1. قانون رسانه های همه گانی افغانستان تا حد مطابق شریعت اسلامی و قانون اساسی افغانستان میباشد.

1- الموارد المالیه فی الاسلام، ص ۴۱.

2- جریده رسمی، قانون اساسی افغانستان، ماده ۴۲، ص ۱۹

2. آزادی بیان و فکر شامل قانون رسانه های همه گانی افغانستان است مطابق ضوابط شرعی میباشد.
3. رعایت اصول برای همه برنامه های وضع شده مطابق قانون اساسی بوده، اما ماده ۲۵ آن جهت فقط تلویزیون ملی است نه دیگر رسانه خصوصی.
4. قانون رسانه های همه گانی افغانستان بعضی از ماده های آن مطابق شریعت اسلامی و قانون اساسی افغانستان نیست، مثلاً: در اهداف لفظ کثرت گرا را متذکر شده اند رسانه میتواند انرا دلیل برای نشر برنامه های خود بگیرند.
5. در قانون رسانه های همه گانی در بخش تاسیسات آن دپیلمات های خارجی را سهم دانسته اند، اما شرایط آنان را متذکر نشده اند.

امروزه رسانه‌های دیداری و نوشتاری، منابع عمده آفرینش و پویایی فرهنگ به شمار می‌روند. قدرت و توان این ابزارهای فکری به حدی است که بدون حضور آنها تکوین جامعه‌ای با فرهنگ محال است. چشم انداز مطالعاتی مردم هر جامعه خود ریشه در اطلاعاتی دارد که از رسانه‌ها دریافت می‌دارند، در این مورد می‌توان بیان داشت که سپهر رسانه‌ها می‌تواند شفاف، تاریک یا مبهم باشد. رسانه‌های دیداری و نوشتاری کارکرد امنیت‌ساز خواهند داشت و در ایجاد امنیت نقشی موثر و مفید ایفا خواهند نمود. تاکید بر نقش مثبت رسانه‌ها نباید ما را از تاثیر منفی آنها باز دارد.

آنگاه که رسانه‌ها در کارکرد منفی نقش وارونه بر عهده می‌گیرند، فضای اطلاعاتی جامعه را آلوده، مبهم و تاریک خواهند ساخت. قانون مطبوعات و قوانین مکمل آن از چند جهت یا دچار ضعف است یا در اجرا با بی‌توجهی مواجه می‌شود. اول از همه نظام اخذ مجوز سلیقه‌ای عمل می‌کند و نسبت به تصمیماتش در برابر مراجع رسیدگی‌کننده پاسخگو نیست. هیات ناظر را هم نمی‌توان در مسائل سیاسی بی‌طرف ارزیابی کرد... با وجود واقعیات فوق، یک نکته مهم است و اینکه عوامل و پیشرفت‌های تکنولوژیک توانسته‌اند این مدارهای بسته را بشکنند. اینترنت، ماهواره، شبکه‌های تلفنی نظیر لاین، اینستاگرام و ... از این جمله هستند، ولی فراموش نکنیم که جامعه آزاد جامعه‌ای است که رسانه‌های رسمی آن آزادی عمل لازم را برای بیان آرا و عقاید و نظارت بر امور داشته باشند، زیرا انجام این وظیفه از سوی رسانه‌های غیررسمی عوارض ناخوشایندی دارد که ممکن است در مقطعی بدتر از وضعیت فقدان آزادی مطبوعات عمل کند.

طبق قواعد فقه مقدس اسلام و بر اساس قواعد مسئولیت مدنی هیچ ضرری نباید جبران نشده باقی بماند و هر کسی به دیگری ضرری وارد می‌آورد باید آن را جبران کند، در این میان مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی چهره خاصی دارد و دارای آثار ویژه خود است و با توجه به نقش رسانه‌های همگانی در جوامع کنونی تحمیل مسئولیت بر آن‌ها باید متناسب با نقش بی‌بدیل آن‌ها باشد.

همچنان در تحقیق‌های که قبلاً در رابطه به رسانه‌ها و حقوق رسانه‌ها صورت گرفته بود در رابطه مختص رسانه‌ها بوده و تأثیرات اندکی بالای جامعه داشته قرار ذیل است:

1. نبیل، محمدداود (۱۳۹۵). بررسی نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری نظام نوین سیاسی. کابل: انتشارات سعید.
2. مژگان مصطفوی، سیده (۱۳۹۴). نقش وسایل ارتباط جمعی در توسعه افغانستان. کابل: انتشارات عازم.
3. طیبی، محمد آصف، وضعیت رسانه‌های امروز افغانستان، 1392، چاپ، ۱، 56 ص

اما این تحقیق در رابطه به قانون رسانه‌های همه‌گانی افغانستان در میزان شریعت سلام می‌باشد که از تمام جوانب بررسی گردیده و پاسخ به تمام سوالات داده شده و امید که توانسته باشم با تکمیل نمودن این ساله خدمت برای دانشمندان و دانش آموزان نمایم.

نتیجه گیری

آنچه که در این تحقیق تحت قانون رسانه های همه گانی افغانستان در میزان شرعیت اسلامی به این نتیجه می رسیم که رسانه توانسته اند به تناسب رشد آنان در یک دهه اخیر سهم عمده در مشارکت سیاسی مردم داشته باشد که این نقش رسانه بیشتر از هر زمانی در جریان انتخابات تبارز داده می شد در ارزشیابی رسانه های همه گانی به عنوان عامل جامعه پذیری سیاسی چهار نکته مرتبط بایک دیگر وجود دارد، نخست، بیشتر اوقات این وسایل خط مش ها و رهنمودهای سیاسی را منتقل می کنند که منشا آنها در جای دیگری قرار دارد. دوم، اطلاعات توسط رسانه های همه گانی از طریق دومرحله ای ارسال می شود. سوم، گرایش این وسایل بیشتر در جهت تقویت جهت گیری های موجود سیاسی است تا جهت گیری های تازه، چهارم پیام های رسانه های همگانی در متن زمینه اجتماعی دریافت و تفسیر می شود، زمینه ای که از پیش مشروط و مشخص شده است.

بسیاری از پیام های مرتبط با سیاست که از طریق رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و سایر رسانه های همه گانی پخش و منتقل میشوند ریشه در خارج از این رسانه ها دارند، اظهارات مقام های حکومتی و رهبران سیاسی، اطلاعات سیاسی که گروه های ثانوی برای اعضای خود ارسال می کنند، رویدادهای سیاسی جهان که جمع آوری و برای جمعیت های وسیعی ارسال می شوند از این جمله اند. این چهار ویژگی عوامل مربوط به تاثیر جامعه پذیری وسایل ارتباط جمعی را به طور مختصر شرح می دهند. وسایل ارتباطی در ارسال پیام های سیاسی از اهمیت ویژه ای برخوردارند و این وسایل ارزشهای اساسی مورد توافق یک اجتماع را به نحو مستقیم یا غیر مستقیم منتقل می کنند درس هایی که از خانواده، مدرسه، همسالان و هم کلاسان و یا سایر عوامل یاد می گیریم توسط وسایل ارتباطی متبلور و تقویت می شوند رسانه در موسع ترین تعبیر به معنی هر آنچه وسیله ارتباطی و انتقال اطلاعات است، گفته می شود. رسانه ها دارای انواع چاپی، صوتی و تصویری می باشد. هر کدام از این انواع دارای ظرفیت ها و کارهای ویژه های منحصر به فرد خود بوده و پیام های خاصی را به مخاطب منتقل می نماید. امروزه حجم کلی و شمار عمومی رسانه ها در یک کشور نامحدود است چه رسد به این که نگاهی کلی به تمام رسانه های جهان انداخته شود. تنها می توان گفت به هر میزان کشورها از کمیت و کیفیت رسانه ای بیشتری برخوردار باشد، به همان میزان در تصمیم گیری های جهانی و تامین منافع مردمی و ملی خود موفق تر خواهد بود از نظر تاریخی می توان بستر درازی برای رسانه ها ترسیم کرد. نخستین تمدن های جهانی و انسانی از رسانه های ابتدایی و محدود به شکل انحصاری بهره برده اند. به هر میزان، این تمدن های چندگانه از رشد و توانایی فزونی برخوردار شده اند، به همان میزان بر محدودگی کمی و کیفی رسانه های آن تغییر وارد آمده است. امروزه اما، رسانه ها از نظر کیفیت و کمیت با هیچ دوره ی دیگر قابل قیاس نیست. پیشرفت

های تکنولوژیکی و ابداعات و اختراعات علمی قدرت و سرعت رسانه ها را نا محدود کرده اند. به گونه ای که می توان مدعی شد، در عصر جهانی شدن، فاصله ها و زمان به نازل ترین میزان ممکن و حتی به صفر رسیده اند. همین است که درگفتمان جهانی شدن، پیوندی عمیقی میان از بین رفتن فاصله های زمانی و مکانی و پدیده ی جهانی شدن و جود دارد. همان طوریکه در بحث این پایان نامه نیز ذکر نمودیم اکثر دانشمندان متعقد اند، رسانه ها در جوامع مردم سالار ، رکن چهارم نظام های سیاسی را تشکیل میدهند و در ترقی و تعالی جامعه نقش بی نهایت جدی و مهم را دارا می باشد. از آنجایی که رسانه ها نقش مهمی در سازماندهی جامعه دارند، باید فعالیت های آنها طوری تنظیم گردد که همانند یک تن به صورت هماهنگ ، خدمات خود را به جامعه که منشاء و موجد آن است ، عرضه دارند از طرفی هم رسانه ها بنابر اهمیتی که دارند، باید رسالت خود را در قبال جامعه به خوبی ادا نمایند، یعنی با درک و با در نظر داشت اصول کاری، یعنی بی طرفی ، توازن، عینیت و انصاف در عرضه اطلاعات و سازماندهی جمعی نقش خود را ایفا نمایند، از اصولی ترین وظایف رسانه ها راستی ، و درستی و امانت داری در انتقال اطلاعات ، اخبار و مطالب می باشد.

همچنان از این موضوع رساله در وقت تحقیق چنین نتایج را نیز بدست آوردم که قرار ذیل است:

1: میتوان گفت که ماده های قانون رسانه های همه گانی افغانستان همه آن مطابق مقتضای حال برای رسانه ها است.

2: موارد رسانه تا حد در آن میتوان گفت که مطابق شریعت اسلامی و قانون اساسی میباشد.

3: آزادی بیان را که در آن ذکر کرده اند مطابق ضوابط شرعی میباشد.

4: رعایت اصول برای برنامه های که وضع کرده اند مطابق قانون اساسی میباشد.

5: در قانون رسانه های بعضی از ماده ها هستند که مطابق شریعت و قانون نیست، مثلا در اهداف آن از لفظ کثرت گرا ذکر کردن همه رسانه آنرا دلیل گرفته به همان روند پیش برنامه های خود را ترتیب میکردند.

و دیگر در بخش تاسیسات رسانه برای دیپلومات ها خارجی سهم مساویانه داده اند.

پیشنهادات

منحیث محقق این رساله پیشنهاداتم برای وزارت اطلاعات فرهنگ و وزارت عدلیه این است که:

1: قانون رسانه های باید در آن یک بار دیگر تجدید نظر شود و ماده های من در رساله نقد کرده آنرا تجدید نظر کنند، ماده دهم بند دوم و ماده بیست و پنجم

2. با توجه براین به نهاد های دولتی پیشنهاد می گردد تا معلومات لازم را جهت افزایش مشارکت سیاسی شهروندان در اختیار رسانه ها بگذارند، چون دولت مکلف است تا معلوماتی را که اتباع افغانستان می خواهند، در دسترس مردم بگذارند، مگر اینکه معلومات مطالبه شده رازمحرم بوده، افشای آن امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر مواجه سازد و یا به حقوق دیگران صدمه وارد نماید، پخش معلومات برای ایجاد شفافیت، حسابدهی و مردم سالاری در نظام شرط حتمی است همان طوری که گفته آمدیم رسانه ها به عنوان دیده بان ناظر بر احوال دولت اند تا شهروندان را از اوضاع و احوال مطلع ساخته و دولت را در برابر شهروندان حسابده بیار آورد؛ همچنان رسانه های به عنوان رکن چهارم در نظام های دموکراسی می توانند زمینه مشارکت هرچه بیشتر شهروندان را در زمینه های مختلف سیاسی بوجود آورد.

3. رسانه های اطلاعاتی و خبری واسطه اصلی میان سیاست گذاران و توده مردم اند. رسانه ها توده ها را بسیج می کنند تا اندیشه های جدید و تکنیک های مدرن را بپذیرند، وظیفه دشوار رسانه های گروهی این است که ساختار سیاسی با ثبات و پایداری را بنا کنند که در آن ساختار، محیط اجتماعی همگون و شایسته ای پدیدآید و آن نیز به گسترش توسعه ملی سرعت دهد همزمان با این نیز برای اربابان رسانه های پیشنهاد می گردد تا با برگزاری کنفرانس، مناظره ها و انجام مصاحبه گام های اساسی را در ایجاد مشارکت سیاسی شهروندان در زمینه های مختلف و بزرگ سیاسی بردارند.

4: برنامه های رسانه های برقی و چاپی باید تحت نظر جدی وزارت اطلاعات فرهنگ باشد، چون رسانه ها اگر قوی ترین مرجع اطلاعات رسانی، پس بدانیم خطرناک ترین هم است برای افساد یک جامعه.

پیشنهاد برای خواننده محترم

خواننده محترم!

در نوشتن این پایان نامه تحصیلی (رساله) زحمات بی شماری را متحمل شدم، بارها نوشتم و خط زدم بار بار خواندم درست کردم بار بار خواندم هر بار تلاش تا حد توانم را نمودم تا بتوانم جملات و کلمات مناسب را گرد هم بیاورم تا مورد افهام و تفهیم خوانندگان قرار بگیرد، لذا کوشش بندگی خود را کرده ام کار بنده بی عیب و نقص نیست و میدانم که هنوز هم این رساله خالی از اشتباهات املایی، انشایی و کمبودی و کاستی های علمی را در محتوای نمی باشد، لذا عاجزانه التماس دارم تا در صورت دریافت همچو موضوعی بنده را از شفقت و رهنمایی تان محروم نداشته و در توجیه و تصحیح بحث یاری ام نماید.

برای این منظور نشانی ایمیل خود را در خدمت خواننده و اهل قلم و دانش قرار میدهم تا ابراز نظریات نیک تان را با من شریک سازید

comramia.ekhlaszada7861@gmail.com

با احترام رامیا اخلاص زاده

شماره	متن آيات قرآن كريم	سورة	صفحه
1	« إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ... »	النساء	49
2	« أَنْ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ... »	الاسراء	28
3	« أَنْ اللَّهُ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا... »	النساء	19
4	« ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ »	النحل	15
5	« الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... »	الفاطر	88
6	« الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ... »	السجدة	58-2
7	« الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ... »	البقرة	85
8	« الرَّحْمَنُ ١ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ٢ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ٣ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ... »	الرحمن	27
9	« النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ... »	الاحزاب	90
10	« أَنْ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ... »	النور	78
11	« إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... »	التوبة	15
12	«.. فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا »	مريم	93
13	« فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا »	مريم	94
14	« فَالِقَ الْأَصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ... »	الانعام	98
15	« فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ »	الزخرف	71
16	« فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ أَنْ اللَّهُ... »	النحل	85
17	« فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي... »	الانعام	94
18	« فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ... »	يوسف	94

74	التوبه	«قُلْ أِبَالَهُ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ»	19
91	النور	«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا...»	20
88	الاعراف	«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ...»	21
142	الانعام	«كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ...»	22
51	آل عمران	«لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...»	23
85	السجدة	«لَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مِمَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قَرَّةٍ...»	24
19	الحديد	«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمْ...»	25
142	البقرة	«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ...»	26
85	الشورى	«لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»	27
28	ق	«مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»	28
51	البقرة	«وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى»	29
49	البقرة	«وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ»	30
49	البقرة	«وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ...»	31
52	الحجرات	«وَأَنَا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنَمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ»	32
16-143	المائدة	«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا...»	33
30	الانعام	«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...»	34
54	النساء	«وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ...»	35
62	النساء	«وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ...»	36

18	الحجرات	« وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا أَنْ الظَّنَّ...»	37
19	الفصلت	« وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ...»	38
26	الاعراف	« وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»	39
99	البقرة	« هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»	40
88	البقرة	« هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ....»	41
58	النساء	« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا...»	42
107	النور	« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ...»	43
31	الحجرات	« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ...»	44
83	الاحزاب	« يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ...»	45
84	الاحزاب	« يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ...»	46
97	السجدة	« يَدْبِرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ..»	47
52	النساء	« يُوَصِّيكُمْ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ...»	48

فهرست متن احاديث

شماره	متن حديث	صفحه
1	«آن رجلا أتى الرسول سائلا أن يدلّه على عمل إذا عمله دخل الجنة: فقال:....»	141
2	«آن في المال حقا سوى الزكاة»، ثم تلا الآية: «لَيْسَ الْبِرَّ...»	142
3	«أَتَزُولُ قَدَمًا عَبْدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَ عَنِّ عُمَرُ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَنِّ عِلْمِهِ...»	17
4	«قال لا ضرر و لا ضرار»	101
5	«لا يؤمن أحدكم حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه»	30
6	«مثل المؤمنين في توادهم وتراحمهم....»	143
7	«أبو بكر في الجنة، وعمر في الجنة، وعثمان في الجنة، وعلي في ..»	89
8	«إذا ما جاء فاني قائل بشعره فأشمه، فإذا....»	93
9	«استماع الملاهي معصية والجلوس عليها فسق والتلذذ بها كفر»	64
10	«أعددت لعبادي الصالحين، ما لا عين رأت...»	85
11	«أقرب ما يكون العبد من ربه، وهو ساجد...»	77
12	«الحلال ما أحل الله في كتابه، والحرام....»	100
13	«الحلال ما احل الله في كتابه والحرام ما...»	100
14	«النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم وأزواجه أمهاتهم...»	90
15	«النهي عن مجالسة من يتأذى بمجالسته في ..»	81
16	«آن كذبا على ليس ككذب على أحد، من كذب على متعمدا فليتبوا....»	86
17	«آن هذه ثياب الكفار فلا تلبسها..»	79
18	«انما تنقض عرى الإسلام عروة عروة إذا...»	82
19	«اياكم والظن، فإن الظن أكذب الحديث، ولا تجسسوا،....»	47
20	«تأتي الإبل على صاحبها على خير ما كانت، إذا هو لم يعط...»	142

140	«رجل إلى الرسول الله يسأل عن الإسلام: فعدد الرسول أركانه و ذكر الزكاة...»	21
49	«عمل الرجل بيده، وكل بيع مبرور»	22
89	«فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهْدِيِّينَ.»	23
95	«فَكَانِي أَنْظِرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَحْكِي»	24
90	«كُلُّ أُمَّتِي مُعَايِي إِلَّا الْمُجَاهِرِينَ، وَإِنَّ مِنَ الْمُجَاهِرَةِ: أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ»	25
92	«لا يجلُّ لامرأةٍ تؤمن بالله واليوم الآخر أن تسافر....»	26
92	«لا يخلون رجلٌ بامرأةٍ إلا مع ذي محرم»	27
77	«لَوْ كُنْتُ امْرَأًا أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِغَيْرِ اللَّهِ، لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا...»	28
141	«ليس في المال حق سوى الزكاة»	29
63	«لِيَكُونَنَّ مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامٌ يَسْتَحِلُّونَ الْحِرَّ وَالْحَرِيرَ وَالْحَمْرَ وَالْمَعَارِفَ...»	30
87	«مَا أَحَبُّ إِلَيَّ حَكِيَّتُ انْسَانَا وَأَنْ لِي كَذَا وَكَذَا»	31
94	«مَا يَسْرُنِي أَنْ عِنْدِي مِثْلُ أُحُدٍ هَذَا ذَهَبًا تَمْضِي...»	32
78	«مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»	33
86	«مَنْ رَانِي فِي الْمَنَامِ فَقَدْ رَانِي فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي»	34
29	«من كان يومن بالله اليوم الآخر فلا يود جاره ومن..»	35
81	«وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»	36
51	«يَا نِسَاءَ الْمُسْلِمَاتِ لَا تَحْقِرَنَّ جَارَةَ لَجَارَتِهَا وَلَوْ فُرْسِينَ شَاءَ»	37
52	«تَعَلَّمُوا الْفَرَائِضَ فَإِنَّهُ مِنْ دِينِكُمْ وَإِنَّهُ نِصْفُ الْعِلْمِ وَإِنَّهُ أَوَّلُ عِلْمٍ يُنَزَعُ مِنْ أُمَّتِي.»	38

فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
1	ابن تيميه	78
2	ابن حجر عسقلانی	82
3	ابن كثير	55
4	ابو زكريا	72
5	ابو عبدالله محمد بن يزيد القزوينی	78
6	ابو هريرة	30
7	اسماعيل بن يحيى بن اسمعيل	80
8	امام بخاری	52
9	امام ترمذی	18
10	امام مسلم	48
11	انس بن مالك	33
12	تقی الدين ابو العباس احمد بن عبدالحليم	83
13	جلالدين سيوطی	13
14	حسن عميد	13
15	داکتر يوسف قرضاوی	18
16	دن لافی	14
17	عبدالله بن عباس	55

59	عبدالله خاموش هروی	81
13	علی اکبر دهخدا	19
36	محمد باقر انصاری	20
18	مصطفی خرم دل	21

فهرست منابع و مأخذ

1. قرآن كريم
2. إبراهيم عبد الرحيم إبراهيم عابد، المخيم التربوي واستخدامه في الدعوة إلى الله، دارالمجتمع، الطبعة الاولى، 1418هـ.
3. ابن أبي يعلى، أبو الحسين، محمد بن محمد (المتوفى: 526هـ)، مختصر طبقات الحنابلة، المحقق: محمد حامد الفقي، الناشر: دار المعرفة - بيروت.
4. ابن الأثير، مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم الشيباني الجزري (المتوفى : 606هـ)، جامع الأصول في أحاديث الرسول، تحقيق : عبد القادر الأرناؤوط - التتمة تحقيق بشير عيون، الناشر : مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، الطبعة : الأولى، 1389 هـ ، 1969 م.
5. ابن العماد، عبد الحي بن أحمد بن محمد العكري، الحنبلي، أبو الفلاح (المتوفى: 1089هـ)، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، حققه: محمود الأرناؤوط، الناشر: دار ابن كثير، دمشق - بيروت، الطبعة: الأولى، 1406 هـ - 1986 م.
6. ابن القطان، علي بن محمد بن عبد الملك الكتامي الحميري الفاسي، أبو الحسن (المتوفى : 628هـ)، بيان الوهم والإيهام في كتاب الأحكام، المحقق: الحسين آيت سعيد، الناشر : دار طيبة - الرياض، الطبعة : الأولى ، 1418هـ-1997م.
7. ابن الملقن سراج الدين أبو حفص عمر بن علي بن أحمد الشافعي المصري (المتوفى : 804هـ)، البدر المنير في تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في الشرح الكبير، المحقق : مصطفى أبو الغيط و عبدالله بن سليمان وياسر بن كمال، الناشر : دار الهجرة للنشر والتوزيع - الرياض - السعودية، الطبعة : الاولى ، 1425هـ-2004م.
8. ابن تيمية الحراني، تقى الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم (المتوفى: 728هـ)، مجموع الفتاوى، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، عام النشر: 1416هـ/1995م.
9. ابن جزري، أبو القاسم، محمد بن أحمد بن محمد بن عبد الله، الكلبي الغرناطي (المتوفى: 741هـ)، القوانين الفقهية، بيروت، دارالفكر.
10. ابن حجر العسقلاني، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد (المتوفى: 852هـ)، لسان الميزان، المحقق: دائرة المعارف النظامية - الهند، الناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، 1390هـ /1971م.
11. ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الطبعة الأولى 1419هـ. 1989م.
12. ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد العسقلاني (المتوفى: 852هـ)، الدراية في تخريج أحاديث الهداية، المحقق: السيد عبد الله هاشم اليماني المدني، الناشر: دار المعرفة - بيروت.
13. ابن حجر، أحمد بن علي أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباری شرح صحيح بخاری، الناشر: دار المعرفة - بيروت، 1379.

14. ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، الإصابة في تميز الصحابة، تحقيق: علي محمد البجاوي، الناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة الأولى، 1412هـ.
15. ابن رشد، أبو الوليد محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد القرطبي الاندلسي، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، بيروت، دار الفكر، 1407هـ، ج 2 ص 169.
16. ابن عابدين، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي الحنفي (المتوفى: 1252هـ)، رد المحتار على الدر المختار، الناشر: دار الفكر-بيروت، الطبعة: الثانية، 1412هـ - 1992م.
17. ابن قاضي شهبة، أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر. طبقات الشافعية - لابن قاضي شهبة، دار النشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، 1407هـ.
18. موءا
19. ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ، البداية والنهاية، تحقيق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، الطبعة: الأولى، 1418هـ - 1997م.
20. ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر القرشي الدمشقي (المتوفى: 774هـ)، تفسير القرآن العظيم، المحقق: محمود حسن، بيروت، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الجديدة 1414هـ/1994م.
21. ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: 774هـ)، تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية 1420هـ - 1999م.
22. ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني (المتوفى: 273هـ)، سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.
23. ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني (المتوفى: 273هـ)، سنن ابن ماجه، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمد كامل قره بللى - عبد اللطيف حرز الله، الناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، 1430هـ - 2009م.
24. ابن مفلح، إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد، أبو إسحاق، برهان الدين (المتوفى: 884هـ)، المقصد الأرشدي في ذكر أصحاب الإمام أحمد، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى.
25. ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين، الانصاري، الرويفعي، الإفريقي (المتوفى: 711هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الثالثة - 1414هـ.
26. ابن منظور، محمد بن مكرم الإفريقي المصري، لسان العرب، بيروت، دار صادر، الطبعة اول.
27. أبو سهل محمد بن عبد الرحمن المغراوي، موسوعة مواقف السلف في العقيدة والمنهج والتربية، القاهرة، الناشر: المكتبة الإسلامية للنشر والتوزيع، الطبعة: الأولى، 1405هـ.
28. آل هادي، عبد الله بن محمد. حكم التمثيل في الدعوة الى الله، المملكة العربية السعودية □ السعودية، مؤسسة الجريسي، الطبعة الاولى، 1410هـ.
29. الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: 1420هـ)، صحيح وضعيف سنن ابن ماجه، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من انتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.

30. الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: 1420هـ)، صحيح وضعيف سنن أبي داود، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.
31. الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: 1420هـ)، صحيح وضعيف سنن الترمذى، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.
32. الألباني، محمد ناصر الدين. إرواء الغليل فى تخريج أحاديث منار السبيل، الناشر: المكتب الإسلامى - بيروت، الطبعة: الثانية - 1405 - 1985.
33. الشرباصي، احمد. يسئلونك عن الدين و الحياة، بيروت، دارالجليل، الطبعة الاولى، 1416هـ.
34. امريت حقوقى دقتر معاونيت دوم رياست جمهورى، سايت-(VPO.gov.af).
35. البخاري، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة أبو عبد الله (المتوفى: 256هـ)، الأدب المفرد بالتعليقات، حققه وقابله على أصوله: سمير بن أمين الزهيري، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، 1419 هـ - 1998 م.
36. البخاري، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة، الجعفي. الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح بخارى، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، بيروت، الناشر: دار طوق النجاة، عدد الأجزاء: 9، الطبعة: الأولى 1422هـ.
37. البزار، عمر بن علي بن موسى بن خليل البغدادي الأزجي، سراج الدين أبو حفص (المتوفى: 749هـ)، الأعلام العلية فى مناقب ابن تيمية، المحقق: زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامى - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1400هـ.
38. بلحاجى، عبدالصمد بن محمد، أحكام المسابقات فى الشريعة الإسلامية، المملكة العربية السعودية، دارالنفائس، الطبعة الاولى، 1424هـ.
39. بهرامى، سيد قدير. حق آزادى بيان عقيدة ودين در اعلاميه جهانى حقوق بشر وقانون اساسى افغانستان، كابل ناشر: انتشارات سعيد، سال چاپ: ۱۳۹۲هـ ش.
40. البيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي. السنن الكبرى وفي ذيله الجوهر النقي، الناشر: مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة في الهند ببلدة حيدر آباد، الطبعة: الأولى - 1344 هـ.
41. البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسرُو جردى الخراساني، أبو بكر (المتوفى: 458هـ)، السنن الكبرى للبيهقي، المحقق: عبد المعطي أمين قلعجي، دار النشر: جامعة الدراسات الإسلامية، كراتشي - باكستان، الطبعة: الأولى، 1410هـ - 1989م.
42. تامر محمد محمود متولى، منهج الشيخ محمد رشيد رضا فى العقيدة، الناشر: دار ماجد عسيري، الطبعة: الأولى 1425هـ-2004م.
43. الترمذى، ابى عيسى محمد بن عيسى بن سورة. سنن الترمذى، بيروت، الناشر: دارالكتب العلمية، 2011م.
44. تقى الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبى القاسم بن محمد ابن تيمية الحرانى الحنبلى الدمشقى (المتوفى: 728هـ)، منهاج السنة النبوية فى نقض كلام الشيعة القدرية، المحقق: محمد رشاد سالم، الناشر: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الطبعة: الأولى، 1406 هـ - 1986 م.

45. توحیدی، صدیق الله. تحلیل بر قانون رسانه های همه گانی افغانستان، کابل - افغانستان، ناشر: گروه رسانه های افغانستان، تابستان ۱۳۸۹ هـ.ش.
46. جاد الحق علی جاد الحق، فتاوی دارالافتاء مصر، موقع وزارة الاوقاف المصرية، 1400 هـ = 1980 م.
47. خرم دل، مصطفی. تفسیر نور، ایران، انتشارات امید بهاران، چاپ دوم، 1388 هـ.ش.
48. الخطیب الشربینی، محمد. مغنی المحتاج، مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج، بیروت، الناشر دار الفكر.
49. .
50. الدمیاطی، أبوبکر (المشهور بالبکری) بن محمد شطا (المتوفی: بعد 1302 هـ)، إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوریع، الطبعة: الأولى، 1418 هـ - 1997 م.
51. دن لافی، موضوعات کلیدی در نظریه رسانه ها، مترجم: یونس نور بخش، ایران، ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی، سال چاپ: ۱۳۹۶ هـ.ش.
52. دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، 1383 هـ.ش.
53. الذهبی، شمس الدین أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز (المتوفی: 748 هـ)، المنتقی من منهاج الاعتدال فی نقض کلام أهل الرفض والاعتزال، المحقق: محب الدین الخطیب، بیروت، دارالفکر.
54. رحمانی، محمد قاسم. حقوق رسانه همه گانی، کابل، ناشر، انتشارات حامد رسالت، سال چاپ: ۱۳۹۸.
55. الرئاسة العامة لإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، مجلة البحوث الإسلامية، عدد الأجزاء: 95 جزءا.
56. الزرکلی، خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، الدمشقی (المتوفی: 1396 هـ)، الاعلام الزرکلی، الناشر: دار العلم للملایین، الطبعة: الخامسة عشرة - أيار / مايو 2002 ملّ ج 6 ص 32 .
57. زیدان، عبد الکریم. قواعد فقهی، مترجم: سالم افسری، غزنی، ارشاد کتابخانه، چاپ اول، 1393 هـ.ش.
58. زیدان، عبدالکریم. اسلام وروابط بین الملل، مترجم: نعمت الله شهرانی، کابل، ناشر: انتشارات خراسان، 1387 هـ.
59. الزیلعی، جمال الدین أبو محمد عبد الله بن یوسف بن محمد (المتوفی: 762 هـ)، تخریج الأحادیث والآثار الواقعة فی تفسیر الکشاف للزمخشري، المحقق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد، الناشر: دار ابن خزيمة - الرياض، الطبعة: الأولى، 1414 هـ.
60. سایت: امت انلاین.
61. سایت: پارسی انجمن.
62. سایت: دانشنامه راسخون - بخش مشاهیر.
63. سایت: راسخون.
64. سایت: وزارت مالیه، تاریخ: ۱۳۹۹/۱۱/۱۳ هـ.ش.

65. السجستاني، أبو داود، سليمان بن الأشعث. سنن أبي داود، بيروت، الناشر: دار الكتاب العربي، عدد الأجزاء : 4.
66. السرخسي، محمد بن أحمد بن أبي سهل شمس الأئمة (المتوفى: 483هـ)، المبسوط، الناشر: دار المعرفة – بيروت، 1414هـ - 1993م.
67. سعدى، أبو حبيب. القاموس الفقهي لغة واصطلاحاً، دمشق – سورية، الناشر: دار الفكر، الطبعة: الثانية 1408 هـ = 1988م.
68. سليمانى، عبد الله. البيان المفيد عن حكم التمثيل والانشيد، جدة، دارالنفائس، الطبعة الاولى، 1415هـ.
69. السيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر و المحلي، جلال الدين محمد بن أحمد. تفسير الجلالين، الناشر: دار الحديث – القاهرة، الطبعة الأولى.
70. الشعراوى، محمد متولى (المتوفى: 1418هـ)، تفسير الشعراوى، الناشر: مطابع أخبار اليوم، نشر عام 1997 م.
71. راش، مايكل. (1393). جامعه وسياست، منوچهرصبورى، (مترجم) تهران: مركزتحقيق وتوسعه علوم انساني.
72. علوى، پرويز. (1389). ارتباطات سياسى، چاپ سوم، تهران: موسسه نشراتى علوم نوين.
73. فانوس، ميرعزيزاحمد. (1391). آزادى رسانه ها در نظر وعمل، كابل: انتشارات عازم.
74. كميل نظام، نظام بهرامى. (1391). نظريه رسانه ها وجامعه شناسى ارتباطات، تهران: انتشارات كوير.
75. مجاهد، جنرال محمد عظيم. (1388). ژورناليزم وسياست، كابل: انتشارات سعيد.
76. نبيل، محمد داود. (1391). بررسى سواد رسانه اى در افغانستان كابل: انتشارات شهيد.
77. وفاق، هدايت. (1388). نقش مطبوعات در تشكيل افكار عامه، كابل: انتشارات سيرت.
78. الشوكانى، محمد بن على بن محمد بن عبد الله اليمنى (المتوفى: 1250هـ)، البدر الطالع بمحاسن من بعد القرن السابع، الناشر: دار المعرفة – بيروت.
79. صالح الفرفور، محمدعبد اللطيف. ظاهرة فن التمثيل، جدة، مجمع الفقه الاسلامى بمنظمة المؤتمر الاسلامى.
80. الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم (المتوفى: 360هـ)، مسند الشاميين، المحقق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، الناشر: مؤسسة الرسالة – بيروت، الطبعة: الأولى، 1405 – 1984م.
81. عبد العزيز بن الخياط، الفن التمثيل، جدة، مجمع الفقه الاسلامى بمنظمة المؤتمر.
82. العثمانى، محمد تقى بن محمد شفيق، بحوث فى قضايا فقهية معاصرة، دار النشر: دار القلم – دمشق، الطبعة: الثانية، 1424 هـ - 2003 م.
83. العثيمين، محمد بن صالح بن محمد (المتوفى : 1421هـ)، مصطلح الحديث، مترجم: محمد ابراهيم كيانى، ناشر: گروه علمى وفرهنگى مجموعه موحدين، 2 جلد، سال چاپ: ۱۳۹۴هـ.

84. العثيمين، محمد بن صالح. مجموع فتاوى ورسائل، جمع وترتيب: فهد بن ناصر بن ابراهيم السليمان، الناشر: دارالوطن، 27 جلد.
85. عكاش، حذيفه احمد. فن التمثيل: احكامه و ضوابطه الشرعية (حكم تمثيل الكفر والمحرمات وتمثيل الصحابة وتمثيل المرأة)، الحمص، دارالسلام المنظومة، الطبعة الاولى، 1419هـ.
86. على محمد العيسى، التمثيل تمثيلاً، فلماذا التمثيل؟، المملكة العربية السعودية، مؤسسة الجريسي، الطبعة الاولى، 1413هـ.
87. عمر عبدالله، احكام المواريث في الشريعة الاسلاميه، قاهره، ناشر: دارالمعارف، 1955م.
88. عميد زاده، حسن. فرهنگ فارسی عمید، تهران، ناشر: موسسه امير كبير، چاپ: 38.
89. الغزالي، صالح احمد. حكم ممارسة الفن في الشريعة الإسلامية، دار الوطن، الطبعة الاولى، 1417هـ.
90. فقيهي، فضل الرحمن. هنر از دیدگاه فقه اسلامی، ناشر: کتابخانه دیجیتالی عقیده.
91. الفيروزآبادي، مجد الدين، أبو طاهر، محمد بن يعقوب، (المتوفى: 817هـ)، القاموس المحيط، تحقيق: مكتب تحقيق التراث في مؤسسة الرسالة، الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الثامنة، 1426 هـ - 2005 م.
92. قرضاوى، يوسف. الحلال والحرام در اسلام، مترجم: ابويكر حسين زاده، كابل، ناشر: خبير پلورنحى، سال طبع: 1423 هجرى قمرى.
- 93.
94. القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين (المتوفى: 671هـ)، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطيش، الناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبعة: الثانية، 1384هـ - 1964 م.
95. القضاة، احمد مصطفى. الشريعة الاسلامية و الفنون، المملكة العربية السعودية، دارالنفائس، الطبعة الاولى، 1413هـ.
96. الكاساني، علاء الدين، أبو بكر بن مسعود بن أحمد الحنفي (المتوفى: 587هـ)، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الثانية، 1406هـ - 1989م.
97. كاظمى، حسنا. رسانه شناسى(جديد)، ناشر: ساكو، 2011م.
98. گلرحمن قاضى، اداره و مديريت، كابل، ناشر، انتشارات سعيد، چاپ اول، 1387هـ.
99. اللويحق، جميل بن حبيب. التشبه المنهى عنه في الفقه الإسلامي، دارالاندلس الخضراء، الطبعة الاولى، 1419هـ.
100. مباركفورى، صفى الرحمن. سيرت رسول اكرم - صلى الله عليه وسلم - (ترجمه كتاب الرحيق المختوم)، مترجم: عبدالله خاموش هروى، ناشر: شيخ الاسلام احمد جام، چاپ دوم.
101. المتولى، عاطف ابراهيم رفاعى، صور الاعلام الاسلامى فى القران الكريم، رساله ماسترى، قسم التفسير و علوم القران، الكلية العلوم الاسلامى، الجامعة المدينة العالمية (ماليزيا) (1432هـ - 2011م).
102. محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى (المتوفى: 279هـ)، الجامع الكبير - سنن الترمذي، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، 1998 م.

103. محمد بن موسى بن مصطفى الدابي، أحكام التمثيل في الفقه الإسلامي، المملكة العربية السعودية □، جامعة □ الإمام محمد بن سعود الإسلامية، 1426 هـ.
104. محمد رشيد بن علي رضا (المتوفى: 1354 هـ) و ديكران، مجلة المنار، بيروت، الناشر: دار الطبعة لنشر و التوزيع، 1418 هـ.
105. محمد شيت، فن التمثيل، جدة، مجمع الفقه الاسلامي بمنظمة المؤتمر الاسلامي.
106. محمد فؤاد بن عبد الباقي بن صالح بن محمد (المتوفى: 1388 هـ)، اللؤلؤ والمرجان فيما اتفق عليه الشيخان، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - محمد الحلبي، 1407 هـ - 1986 م.
107. محمد گل گمشاد زهي، ترجمه معاني قرآن كريم، صفحه آرايي و ترتيب: گروه علمي فرهنگي موحدين، المكتبة الشاملة الفارسيّة اهل السنة.
108. محمود قاسم، صورة الاديان في السينما المصرية، القاهرة، شركة لوتس لطبع و النشر، الطبعة الاولى، 1997 م.
109. المزني، إسماعيل بن يحيى بن إسماعيل، أبو إبراهيم (المتوفى: 264 هـ)، السنن المأثورة للشافعي، المحقق: عبد المعطى أمين قلجى، الناشر: دار المعرفة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1406 هـ.
110. المزيني، احمد عبدالعزيز. الموارد الماليه فى الاسلام، كويت، ناشر: دار السلاسل، الطبعة الاولى، 2002 م.
111. المعري، أبوالمحاسن المفضل بن محمد بن مسعر التتوخي (المتوفى: 442 هـ)، تاريخ العلماء النحويين من البصريين والكوفيين وغيرهم. تحقيق: عبد الفتاح محمد الطلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، القاهرة، الطبعة: الثانية 1412 هـ - 1992 م.
112. المنذري، عبد العظيم بن عبد القوي، أبو محمد. الترغيب والترهيب من الحديث الشريف، تحقيق: إبراهيم شمس الدين، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة الأولى، 1417 هـ.
113. المواق، محمد بن يوسف بن أبي القاسم بن يوسف العبدري الغرناطى، أبو عبد الله المالكي (المتوفى: 897 هـ)، التاج والإكليل لمختصر خليل، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، 1416 هـ-1994 م.
114. ناصر باهنر، رسانه ها و دين (از رسانه هاى سنتى تا تلويزيون)، ايران، ناشر: كتابخانه ملي ايران، سال چاپ: ۱۳۸۶ هـ ش.
115. نظام الدين عبدالله، شرح قانون اساسى افغانستان، كابل، ناشر: انتشارات سعيد چاپ اول، 1389 هـ ش.
116. النووي، يحيى بن شرف بن مري بن حسين، محي الدين (ت 676 هـ)، روضة الطالبين وعمدة المفتين، المحقق: عادل أحمد عبد الموجود - علي محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية، 8 جلد، الطبعة الاولى.
117. النيسابورى، ابوالحسن مسلم بن الحجاج القشيري. صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، الناشر: دار الجيل، 10 جلد.
118. هيئة كبار العلماء بالمملكة العربية السعودية، البحوث العلمية، الناشر: الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، 1421 هـ - 2001 م.

119. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، الموسوعة الفقهية الكويتية، الكويت، دارالسلاسل، عدد الأجزاء : 45 جزءا، الطبعة الثانية، من 1404 - 1427 هـ.
120. وزارت عدليه، قانون اساسى افغانستان، جريده رسمى (818)، كابل، ناشر: مطبعة صنعتى احمد، چاپ اول، 1388 هـ ش.
121. وزارت عدليه، قانون رسانه هاى همه گانى افغانستان، جريده رسمى (871)، كابل، انتشارات پرويز، چاپ اول، 1384 هـ ش.
122. وزارت عدليه، قانون مدنى، جريده رسمى شماره (353)، كابل، مطبعة صنعتى احمد، 1388 هـ ش.
- 123.
124. وَهْبَةُ الزُّحَيْلِيِّ، الفِئَةُ الْإِسْلَامِيَّةُ وَأَدْلَتُهُ، الناشر: دار الفكر - سوريَّة - دمشق، الطبعة: الطبعة الرَّابِعَة، 10 جلد.
125. انصارى، باقر، (1398) حقوق رسانه ، تهران :انتشارات سمت
126. رحمانى، محمد قاسم،(1398)، حقوق رسانه هاى همه گانى، كابل: انتشارات حامد سالت.
127. انصارى، باقر(1389) حقوق ارتباط جمعى، تهران: انتشارات سمت.
128. متضوى، سعيد،(1386) جرايم مطبوعاتى، تهران: شركت چاپ و نشر بين المللى.
129. مصطفىوى، سيده مژگان،(1389) مبانى حقوق رسانه ها، كابل: مركز هم بسته گى رسانه ها.
130. معتمد نژاد، كاظم (1386) حقوق ارتباطات، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها .
131. معتمد نژاد، كاظم (1388) حقوق مطبوعات، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
132. معتمد نژاد، كاظم،(1386)، حقوق حرفه اى خبرنگاران، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
133. اسمعيلى، محسن (1385) حقوق تبليغات بارزگانى در ايران و جهان، تهران دانشگاه تهران.
134. محمدى، قاسم، (1390)، جرم مطبوعاتى، تهران: انتشارات سمت.
135. نبيل، پوهنمل محمد داوود. (1391). بررسى سواد رسانه در افغانستان. كاپيسا پوهنتون البيرونى: مطبعة انكشاف شهر كابل .

Summary of discussion

This is my thesis entitled (Afghanistan Public Media Law on the Rule of Islamic Sharia). It is written in the master's degree. It contains, Summary, introduction, four chapters, conclusion, findings, suggestions and list of resources.

In my writing, has been used from original sources and the first references, which are the divine law and the ordinal law. Instead of low-grade sub-documents, has been used reliable scientific documents to write a dissertation. It is said that the reliable authorities of Islamic Sharia (Quran, Sunnah) and the opinions of jurists and Sharia Scholar Islamic, and legal scholars. My dissertation has four chapters:

Chapter 1: Introduction of Afghan Public Media Law Which has two topics: First, which defines the media and its variety, legitimacy of media uses and the characteristics of Islamic media. In second, discussed about a little introduction of Afghan Public Media Law and its relevance expressions.

Chapter 2: The concept and philosophical material of the media in the light of Islamic Sharia which has three topics: The first issue is freedom of expression in the Afghan Public Media Law by definition and whole content of freedom of expression in the media law. The second, Individual rights in the Afghan Public Media Law, which include the right, demand of information, the right of access Information and its religious cases. The third topic is the transfer of property, which have been discussed the sale, gift and heritage.

Chapter 3: Administrative Affairs in Afghan Public Media Law, which includes all aspects of media law administration from Islamic Sharia.

Result of research in several points:

1. The media is the only authority that effect minds of people and society. Because, our society is Islamic and Afghanistan has a traditional and Islamic society. So, neither the governmental media nor the private media refusal this law.

2. Afghanistan's Public Media Law is the most important and basic source of freedom of expression. which is freedom of expression being most popular and widely used through the media. almost all the materials of the Public media law speak of freedom.
3. The Afghan Public Media Law has been designed to take all aspects of society, whether legally or virtual.
4. Publication in the media has illuminated the thoughts and dark corners of human societies and that results will be psychological and Physically security, differences, invention, action development, and education.
5. The media has the most importance place in the safety and moral health of society, especially children and adults. and observance of just limits and observance of holy law and postural law (media law), which do not harm the person or persons.



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of higher education

Privet Universities Presidency Salam University

Faculty of Sharia & law

Master program in jurisprudence & law

Media Law in sharia

Thesis

Student: Ramia "Ekhlaszada"

Supervisor: Dr. mohammad yonus "Ibrahimi"

Year: 2020



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of higher education

MD of Academic Affairs



Salam University
Faculty of Sharia & law

Master program in sharia & Law

Media Law in sharia

Thesis

Student: Ramia "Ekhlaszada"

Supervisor: Dr. mohammas yonus "Ibrahimi"

Year: 2020